





دانشگاه گیلان

دانشکده علوم انسانی

گروه حقوق

پایان نامه برای دریافت مدرک درجه کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی

عنوان

مطالعه تطبیقی مسئولیت مدنی ناشی از

آلودگی صوتی

استاد راهنما

دکتر محمد ابوعطا

نگارش

معصومه رحیمی

بهمن ۱۳۹۷

صور تجلسه ارزیابی پایان نامه کارشناسی ارشد

با تأییدات خداوند متعال جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد خانم / آقای:

خانم معصومه رحیمی - ۹۳۲۲۷۶۰۰۲ - حقوق خصوصی

عنوان پایان نامه:

مطالعه تطبیقی مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی صوتی

در ساعت ۱۳ روز دوشنبه مورخ ۹۷/۱۱/۲۹ - در محل سمعی و بصری

تاریخ تصویب موضوع پایان نامه: ۹۶/۱۱/۹ تعداد واحد: ۴

نامبرده نمره (به عدد / حروف) ۱۵ - ۶ نمره ۲۰
با درجه **سرتا** دریافت نمود.

درجه پایان نامه: ☐ عالی ☐ خیلی خوب ☐ خوب ☒ متوسط ☐ مردود

(عالی: ۱۹-۲۰، خیلی خوب: ۱۸-۱۸/۹۹، خوب: ۱۶-۱۷/۹۹، متوسط: ۱۴-۱۵/۹۹، مردود: کمتر از ۱۴)

امضاء:

دانشیار سمنان

دکتر محمد ابوعطاء

استاد راهنما:

امضاء:

ندارد

استاد مشاور:

امضاء:

استادیار سمنان

دکتر علی قسمتی

داور داخلی / خارجی:

امضاء:

دانشیار سمنان

دکتر مهدی موحدی محب

داور داخلی / خارجی:

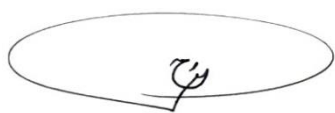
دکتر قدرت ا... خیاطیان
رئیس دانشکده علوم انسانی
دانشگاه سمنان

دانشگاه سمنان
دکتر سید محسن اوندی
معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده
علوم انسانی

**کلیه حقوق مادی و معنوی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و
نوآوری‌های ناشی از تحقیق موضوع این پایان‌نامه (رساله) متعلق به
دانشگاه سمنان است.**

تعهدنامه

اینجانب معصومه رحیمی دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق، گرایش حقوق خصوصی، دانشگاه سمنان، دانشکده علوم انسانی گروه حقوق تعهد می‌نمایم که محتوای این پایان نامه نتیجه تلاش و تحقیقات خود بوده و از هیچ منبعی کپی برداری نشده و به پایان رسانیدن آن نتیجه تلاش و مطالعات مستمر اینجانب و راهنمایی اساتید محترم بوده است. در صورت اثبات خلاف مندرجات فوق، به تشخیص دانشگاه مطابق با ضوابط و مقررات حاکم (قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی، ضوابط و مقررات آموزشی، پژوهشی و انضباطی ...) با اینجانب رفتار خواهد شد و حق هرگونه اعتراض در خصوص احقاق حقوق مکتسب و تشخیص و تعیین تخلف و مجازات را از خویش سلب می‌نمایم. در ضمن، مسئولیت هرگونه پاسخگویی به اشخاص، اعم از حقیقی، حقوقی و مراجع ذیصلاح (اعم از اداری و قضایی) به عهده اینجانب خواهد بود و دانشگاه هیچگونه مسئولیتی در این خصوص نخواهد داشت.



معصومه رحیمی
۹۹، ۱۴

تقدیم به

«پدر» که راه را به من نشان داد...

تشکر و قدردانی

حمد و سپاس خدای را که توفیق کسب دانش و معرفت را به ما عطا فرمود. در اینجا برخود لازم میدانم از همه اساتید بزرگوار، به ویژه اساتید دوره کارشناسی ارشد که در طول دوره تحصیلی مرا در کسب علم، معرفت و فضائل اخلاقی یاری نموده‌اند، تقدیر و تشکر نمایم .

از استاد گرامی و بزرگوار جناب آقای دکتر محمد ابوعطاء که راهنمایی اینجانب را در این پایان نامه به عهده داشته‌اند، نهایت تشکر و قدردانی را دارم .

مطالعه تطبیقی مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی صوتی

چکیده

محیط زیست عبارتی نو و تازه در ادبیات حقوقی جهان است. به طبع؛ آثار ناشی از آن نیز به تبع ذات خود، جوان می‌باشد. در این نوشتار اگر چه مفهوم محیط زیست و پیامدهای آن مد نظر نمی‌باشد، اما محدوده آن در شاکله حقوق مسئولیت مدنی مورد بررسی قرار می‌گیرد. محور اصلی بحث در این پژوهش از سویی آلودگی صوتی به عنوان یکی از آلودگی‌های زیست محیطی، شرایط تحقق مسئولیت مدنی و درنهایت جبران خسارات به بار آمده از آن است و از سویی دیگر از آنجا که آلودگی صوتی در شرایطی می‌تواند دارای ویژگی مرز گذر و سرایت آلودگی به مرزهای کشور دیگر باشد، این مفهوم در عرصه بین الملل نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد. نکته حائز اهمیت این است که در کشور ما چه در حوزه قانونگذاری و چه در آثار و کتب اندیشمندان و نویسندگان حقوقی، بحث مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی‌های زیست محیطی به ویژه آلودگی صوتی، بسیار مغفول مانده است. لکن برای شناخت مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی صوتی، ناگزیریم به قواعد عام مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست محیطی به طور عام، به ویژه آلودگی هوا مراجعه می‌کنیم. پیوند ناگسستنی محیط زیست و پیامدهای عدول از حفاظت آن با حقوق بشر از یک طرف و حق بر سلامت زندگی نوع بشر از سویی دیگر، اهمیت محیط زیست را دو چندان کرده است. اگر چه شروع دغدغه بشر در خصوص آلودگی‌های مختلف به خصوص آلودگی‌های صدا و عوامل طبیعی و انسانی آن چند صباحی بیش نیست که در جوامع بشری و بین المللی پر رنگ جلوه نموده است، اما اهمیتی که کارکرد محیط زیست و آلودگی‌های ناشی از عوامل مختلف در روند سلامت جسم، روح و ماهیت انسان دارد، آن را در هر قانون، دولت و معاهده‌ای پر چالش نموده است. آنچه در این تحقیق و با توجه به موارد بیان شده مد نظر نگارنده است، علاوه بر مطالب ذکر شده تحلیل تحول در ماهیت خسارت زیست محیطی در عرصه بین الملل و ضمانت اجرای آن نیز است. ناگفته پیداست که جبران خسارت در خصوص محیط زیست اعاده به وضع سابق را ناشدنی و یا در صورت انجام با کندی بسیاری مواجه می‌سازد. لذا جامعه بین الملل، سعی نموده اتخاذ تدابیر پیشگیرانه را به عنوان تحولی در عرصه خسارت زیست محیطی القاء نماید. به هر حال دولتها به تبع قوانین خود راهکارهایی در این خصوص در نظر گرفته و در قالب مقررات قانونی، الزام آور نموده‌اند. اما آنچه مجدد در این مسیر چالش برانگیز است اجرای قوانین است. قوانینی که در تقابل با چیرگی صنایع قدرتمند اما آلاینده، متروک مانده و غبار کهنگی به خود می‌گیرد.

کلمات کلیدی: آلودگی صوتی، محیط زیست، مسئولیت مدنی، جبران خسارت، پیشگیری

عنوان	صفحه
فصل اول: کلیات تحقیق	۱
۱-۱. بیان مسأله	۲
۲-۱. پیشینه تحقیق	۵
۳-۱. سؤالات تحقیق	۶
۴-۱. فرضیات تحقیق	۶
۵-۱. روش تحقیق	۶
فصل دوم: مفاهیم و مقررات ملی و بین المللی راجع به آلودگی صوتی	۷
۱-۲. مفاهیم	۸
۱-۱-۲. مفهوم مسئولیت در پرتو گونه‌های آن	۸
۱-۱-۱-۲. مسئولیت مدنی	۸
۲-۱-۱-۲. مسئولیت کیفری	۹
۳-۱-۱-۲. مسئولیت اخلاقی	۱۰
۴-۱-۱-۲. مسئولیت بین المللی	۱۰
۲-۱-۲. مفهوم آلودگی محیط زیست	۱۲
۱-۲-۱-۲. مفهوم آلودگی صوتی	۱۴
۲-۲-۱-۲. مفهوم آلودگی صوتی در قوانین ایران	۱۵
۳-۲-۱-۲. مفهوم آلودگی صوتی در قوانین سایر کشورها	۱۶
۳-۱-۲. مفهوم و انواع خسارات زیست محیطی	۱۷
۱-۳-۱-۲. مفهوم خسارات زیست محیطی	۱۷
۲-۳-۱-۲. انواع خسارت زیست محیطی	۲۰
۱-۲-۳-۱-۲. خسارت از لحاظ ماهیت	۲۰
۲-۲-۳-۱-۲. خسارت از جهت شیوه ورود خسارت	۲۰
۳-۲-۳-۱-۲. خسارت از حیث علت ورود خسارت	۲۱
۴-۲-۳-۱-۲. خسارت از حیث قلمرو	۲۱

- ۲-۲. مقررات ملی و بین المللی راجع به آلودگی صوتی..... ۲۳
- ۱-۲-۲. مقررات ملی راجع به آلودگی صوتی..... ۲۳
- ۱-۲-۲-۱. آئین نامه امور خلافی..... ۲۳
- ۲-۲-۲-۱. آیین نامه راجع به نصب و استفاده از بلندگو..... ۲۳
- ۲-۲-۲-۳. آئین نامه راهنمایی و رانندگی..... ۲۳
- ۲-۲-۲-۴. قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳..... ۲۴
- ۲-۲-۲-۵. قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴..... ۲۴
- ۲-۲-۲-۶. آئین نامه نحوه جلوگیری از آلودگی صوتی مصوب ۷۸/۴/۱ هیأت وزیران..... ۲۴
- ۲-۲-۲-۷. قوانین برنامه سوم و چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ... ۲۵
- ۲-۲-۲-۸. مصوبه شماره ۲۳۶ شورای عالی محیط زیست راجع به حد مجاز آلودگی صدا در هوای آزاد ایران..... ۲۶
- ۲-۲-۲-۹. قانون هوای پاک مصوب ۹۶/۴/۲۵..... ۲۶
- ۲-۲-۲-۱۰. آئین نامه اجرایی ماده ۲۹ قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۷/۰۶/۲۱..... ۲۷
- ۲-۲-۲-۱۱. مواد ۶۱۸ و ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی..... ۲۷
- ۲-۲-۲. مقررات بین المللی راجع به مقابله با آلودگی صوتی..... ۲۸
- ۱-۲-۲-۲. سازمان ها و اسناد بین المللی..... ۲۹
- ۱-۲-۲-۲-۱. سازمان جهانی بهداشت (who)..... ۲۹
- ۲-۲-۲-۲-۲. سازمان بین المللی کار (ILO)..... ۳۰
- ۳-۲-۲-۲-۲. سازمان بین المللی هواپیمایی کشوری..... ۳۱
- ۲-۲-۲-۲. قوانین و مقررات برخی از کشورها برای مقابله با آلودگی صوتی..... ۳۳
- ۱-۲-۲-۲-۲. قوانین و مقررات مربوط به آلودگی صوتی کشور ترکیه..... ۳۳
- ۲-۲-۲-۲-۲. قوانین و مقررات مربوط به آلودگی صوتی کشور چین..... ۳۴
- ۳-۲-۲-۲-۲. قوانین و مقررات مربوط به آلودگی صوتی کشور ژاپن..... ۳۵
- ۴-۲-۲-۲-۲. قوانین و مقررات مربوط به آلودگی صوتی کشور فرانسه..... ۳۶
- ۵-۲-۲-۲-۲. قوانین و مقررات مربوط به آلودگی صوتی کشور هند..... ۳۷
- فصل سوم: حق بر محیط زیست سالم و مسئولیت بین المللی ناشی از آلودگی صوتی..... ۴۰**
- ۱-۳. مبانی حقوق بشری مقابله با آلودگی محیط زیست..... ۴۱

۳-۱-۱. مفهوم «حق به محیط زیست سالم».....	۴۱
۳-۱-۲. نسل‌های حقوق بشر و حق به محیط زیست سالم.....	۴۳
۳-۱-۲-۱. نسل اول حقوق بشر.....	۴۴
۳-۱-۲-۲. نسل دوم حقوق بشر.....	۴۵
۳-۱-۲-۳. نسل سوم حقوق بشر.....	۴۵
۳-۱-۳. اسناد و رویه‌های بین‌المللی ناظر به حق به محیط زیست سالم.....	۴۷
۳-۱-۳-۱. حق بر محیط زیست سالم در اسناد بین‌المللی.....	۴۷
۳-۱-۳-۲. حق بر محیط زیست سالم در رویه‌های بین‌المللی.....	۴۹
۳-۱-۳-۳-۱. رویه سازمان ملل.....	۴۹
۳-۱-۳-۳-۲. رویه کشورها.....	۵۰
۳-۲. مسئولیت بین‌المللی ناشی از آلودگی صوتی.....	۵۶
۳-۲-۱. شکل‌گیری مسئولیت بین‌المللی در خصوص مسائل زیست‌محیطی.....	۵۶
۳-۲-۲. مسئولیت مدنی در قبال ورود خسارت به محیط زیست.....	۵۷
۳-۲-۳. مسئولیت بین‌المللی ناشی از آلودگی صوتی در محیط دریایی.....	۵۹
۳-۲-۳-۱. آلودگی صوتی دریایی.....	۵۹
۳-۲-۳-۲. مسئولیت بین‌المللی ناشی از آلودگی صوتی در «کنوانسیون حقوق دریاها».....	۶۱
فصل چهارم: مبانی و قواعد کلی حاکم بر مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی صوتی.....	۶۵
۴-۱. مبانی مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی صوتی.....	۶۶
۴-۱-۱. مبانی حقوقی مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی صوتی.....	۶۶
۴-۱-۱-۱. مسئولیت مبتنی بر تقصیر.....	۶۶
۴-۱-۱-۲. مسئولیت محض.....	۶۹
۴-۱-۲. مبانی فقهی مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی صوتی.....	۷۱
۴-۱-۲-۱. مسئولیت از باب تسبیب.....	۷۲
۴-۱-۲-۲. مسئولیت از باب اتلاف.....	۷۶
۴-۱-۲-۳. مسئولیت از باب لاضرر.....	۷۸
۴-۲. قواعد کلی حاکم بر مسئولیت ناشی از آلودگی صوتی.....	۸۱
۴-۲-۱. قاعده مزاحمت‌های ناشی از مجاورت.....	۸۱

۴-۲-۱-۱. مفهوم قاعده مزاحمت‌های ناشی از مجاورت.....	۸۱
۴-۲-۱-۲. رویه اداری و قضایی در خصوص اعمال قاعده مزاحمت‌های ناشی از مجاورت.....	۸۳
۴-۲-۱-۳. رویه سازمان حفاظت محیط زیست.....	۸۳
۴-۲-۱-۴. رویه کمیسیون ماده ۵۵ شهرداری.....	۸۶
۴-۲-۲. قاعده استفاده غیر زیان بار.....	۸۸
فصل پنجم: ارکان و آثار مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی صوتی و تحولات آن در عرصه بین الملل	
۵-۱. ارکان مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی صوتی.....	۸۹
۵-۱-۱. ضرر.....	۹۰
۵-۱-۱-۱. مفهوم ضرر.....	۹۰
۵-۱-۱-۲. انواع ضرر.....	۹۱
۵-۱-۱-۳. ضرر حال و آینده.....	۹۱
۵-۱-۱-۴. ضرر قطعی و محتمل.....	۹۱
۵-۱-۱-۵. ضرر مستقیم و غیر مستقیم.....	۹۱
۵-۱-۱-۶. ضرر نوعی و شخصی.....	۹۲
۵-۱-۱-۷. ضرر مادی و معنوی.....	۹۲
۵-۱-۲. صدمه بدنی.....	۹۳
۵-۱-۳. وجود فعل زیانبار.....	۹۳
۵-۱-۴. رابطه سببیت بین ضرر و فعل زیانبار.....	۹۶
۵-۲. آثار مسئولیت ناشی از آلودگی صوتی.....	۱۰۰
۵-۲-۱. جبران خسارتهای زیست محیطی ناشی از آلودگی صوتی.....	۱۰۰
۵-۲-۲. نحوه جبران خسارات زیست محیطی ناشی از آلودگی صوتی.....	۱۰۰
۵-۲-۳. اعاده به وضع سابق.....	۱۰۱
۵-۲-۴. جبران نقدی خسارت.....	۱۰۳
۵-۲-۵. از بین بردن منبع ضرر.....	۱۰۵
۵-۲-۶. تعهد به عدم آلودگی.....	۱۰۶
۵-۲-۷. جلب رضایت زیان دیده.....	۱۰۷

۵-۲-۲-۶. دستور موقت.....	۱۰۷
۵-۲-۳. ارزیابی خسارات زیست محیطی.....	۱۰۸
۵-۲-۴. کنوانسیون لوگانو و مسأله جبران خسارات وارده به محیط زیست.....	۱۱۱
۵-۲-۵. تحولات نظام جبران خسارات زیست محیطی.....	۱۱۳
۵-۲-۵-۱. توسعه اقدامات پیشگیرانه به جای اقدامات جبرانی.....	۱۱۳
۵-۲-۵-۲. روش‌های پیشگیری از خسارات زیست محیطی ناشی از آلودگی صوتی.....	۱۱۴
۵-۲-۵-۱-۱. ارزیابی پیامدهای زیست محیطی.....	۱۱۴
۵-۲-۵-۲-۲. اصل اطلاع رسانی و ارائه کمک در صورت وقوع حوادث اضطراری.....	۱۱۶
۵-۲-۵-۳. گسترش مبنای مسئولیت بین المللی.....	۱۱۸
۵-۲-۵-۴. نهادینه کردن مسئولیت بین المللی ناشی از خسارات زیست محیطی.....	۱۲۰
۵-۲-۵-۵. توسعه دامنه مسئولیت به بخش خصوصی.....	۱۲۱
۵-۲-۵-۶. گسترش دامنه ضمانت اجراهای تخلفات زیست محیطی.....	۱۲۳
۵-۲-۵-۷. تأثیر مقتضیات زمان و مکان بر شیوه‌های جبران و ارزیابی خسارات ناشی از آلودگی صوتی.....	۱۲۵
فصل ششم: نتیجه‌گیری و پیشنهادات ۱۲۷	
۶-۱. نتیجه‌گیری.....	۱۲۸
۶-۲. پیشنهادات.....	۱۳۰
منابع و مآخذ ۱۳۱	

فصل اول:

کلیات تحقیق

۱-۱. بیان مسأله

حقوق محیط زیست از موضوعات بسیار مهم و مورد توجه جوامع بشری بوده و از اصول مسلم پذیرفته شده در قوانین کلیه کشورهای جهان محسوب می‌گردد. امروزه یکی از وظایف نظام‌های حقوقی کشورها ایجاد راهکارهای حقوقی برای حمایت از محیط زیست در برابر انواع آلودگی‌ها است که، یکی از مصادیق آن آلودگی صوتی است.

هیاهو و سروصدا جز لاینفک زندگی مدرن و شبه مدرن امروزی است. گذشتگان ما در محیط‌های آرام‌تری زندگی نموده و در معرض صداهای ملایم‌تری قرار داشتند. فشرده‌تر شدن فضاهای شهری و افزایش جمعیت و گسترش روز افزون صنعت، محیط زیست انسانی را مواجه با مسئله‌ای نمود که باعث از بین رفتن آرامش و بعضاً مختل شدن زندگی روزمره شد. این مشکل تحت عنوان آلودگی صوتی مطرح گردید. ترافیک جاده‌ها، سروصدای ناشی از ساخت و سازها، صداهای گوش خراش ناشی از هواپیماها، قطارهای شهری و بین شهری، دستگاه‌های تهویه، اگزوز، بوق و دزدگیر اتومبیل‌ها و موتورسیکلت‌ها نمونه‌هایی از این دست می‌باشند.

حتی اگر از نگاهی غیر انسان محور به این آلودگی و لزوم مقابله با آن بنگریم آلودگی صوتی علاوه بر انسان‌ها بر حیوانات و گیاهان نیز اثرات مخرب بر جای می‌گذارد با این توصیف با افزایش این آلودگی و گسترش آثار مخرب روانی و جسمی آن دولت‌ها بدنبال ضابطه مند نمودن آن از طریق وضع و اجرای نظامات و استانداردها بر آمدند. در این راستا برای کنترل آلودگی صوتی علاوه بر قواعد عرفی سنتی که ریشه در مفهوم مزاحمت داشت یکسری قواعد، قوانین و مقررات و استانداردها از سوی قانونگذاران وضع گردید و در سطح بین المللی نیز به ویژه در خصوص آلودگی صوتی ناشی از هواپیماها و حمایت از کارگران تلاش‌هایی صورت گرفته است.

در قوانین و مقررات ایران، آلودگی صوتی در قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳، ماده ۱۰۴ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹ و آئین نامه اجرایی آن (که مفاد آن به صورت ضمنی در ماده ۷۱ قانون برنامه چهارم توسعه برای سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ نیز تنفیذ گردید)، ماده ۲۷ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴، آئین نامه اجرایی نحوه جلوگیری از آلودگی صوتی مصوب ۱۳۷۸، مصوبه شورای عالی حفاظت فنی راجع به

آیین نامه کارهای سخت و زیان آور مصوب ۲۰/۹/۷۱، صراحتاً مسئله آلودگی صوتی مورد توجه قرار گرفته است. همچنین مصوبه شماره ۲۳۶ شورای عالی حفاظت محیط زیست (راجع به حد مجاز آلودگی صدا در هوای آزاد ایران مصوب ۱۳۸۱) و مصوبه پیشنهادی سازمان حفاظت محیط زیست و وزارت صنایع و معادن در ارتباط با تعیین حد مجاز آلودگی صوتی در خودروهای تولید داخل مورخ ۱۳۸۴ در خصوص آلودگی صوتی تدوین گردیده است.

علاوه بر این در قانون شهرداری‌ها مصوب ۱۳۳۴، آئین نامه راهنمایی و رانندگی، اصلاح آئین نامه امور خلافی، آئین نامه راجع به نصب و استفاده بلندگو و اصلاح آئین نامه راهنمایی و رانندگی نیز مسئله آلودگی صوتی مورد توجه قرار گرفته است. از این میان آئین نامه اجرایی جلوگیری از آلودگی صوتی مشتمل بر ۱۳ ماده و ۶ تبصره تا قبل از تصویب قانون هوای پاک، مشخص‌ترین قاعده حقوقی، در زمینه جلوگیری از آلودگی صوتی بود.

قانون هوای پاک مصوب ۹۶/۴/۲۵، که با عنوان لایحه اصلاح قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردید، صدا را صراحتاً به عنوان یکی از منابع آلاینده هوا معرفی نمود و در تبصره ۲ ماده ۱۲، مراکز و واحدهای صنعتی، تولیدی را در صورت عدم رفع آلودگی به پرداخت خسارت وارده به محیط زیست محکوم گردانده است.

از آنجا که به نظر می‌رسد قوانین و مقررات ایران در قبال انتظاراتی که در شرایط فعلی وجود دارد، باکاستی‌ها و مشکلاتی مواجه است، بررسی تطبیقی و مقایسه حقوقی قوانین و مقررات مربوط به آلودگی صوتی در ایران با کشورهای دیگر می‌تواند زمینه مناسبی برای یافتن کاستی‌ها و مشکلات موجود برای کنترل آلودگی صوتی در ایران و کلان شهر تهران باشد.

برای مثال در حقوق فرانسه قواعد و مقررات نسبتاً جامعی درخصوص کنترل و مقابله با آلودگی صوتی وجود دارد. این موارد شامل قوانین، آیین نامه‌ها، بخش نامه‌ها و احکام شورای دولتی در این زمینه است که تعداد آنها به بیش از ۴۵ مورد می‌رسد که به نظر می‌رسد این امر نشان دهنده وضعیت و اهمیت این آلودگی در فرانسه می‌باشد. اکثر قواعد مربوط به کنترل و مقابله با آلودگی صوتی و شکل گیری رویه‌های قضایی در این زمینه در حوزه حقوق مسئولیت مدنی ریشه در مفهوم "مزاحمت"، بویژه "مزاحمت‌های ناشی از مجاورت" و در حوزه حقوق کیفری ریشه در مفهوم اخلاف در نظم و سلب آسایش و آرامش عمومی دارند. به عنوان نمونه می‌توان از قوانین و آیین نامه‌های ذیل نام برد:

آیین نامه مورخ ۶ فوریه ۱۹۳۲ (راجع به مقررات کلی نظامات مربوط به دریانوردی در آبهای داخلی)، که در ماده ۶۰ خود قواعدی را در خصوص استفاده از هرگونه پیامها و علائم صوتی در جریان دریانوردی وضع نموده است.

بخشنامه ۱۵ نوامبر ۱۹۷۸ (راجع به اقدام علیه آلودگی صوتی ناشی از مجاورت با زیر ساختهای حمل و نقل زمینی)، حکم ۲۰ می ۱۹۶۶ (راجع به صداهای منتشر شده توسط کشتیها: مطابق ماده ۱ صدای ناشی از هر کشتی یا هر وسیله موتوری که در سطح آب حرکت می کند نباید از ۷۵ دسی بل با فاصله ۸۵ متر بیشتر باشد). در دهه ۹۰ تحولی بنیادین در این زمینه رخ داد و آن هم تصویب قانونی جامع در خصوص آلودگی صوتی بود. این قانون تحت عنوان قانون مقابله با آلودگی صوتی در ۱۳ دسامبر ۱۹۹۲ در ۲۷ ماده و پنج عنوان کلی تصویب شد. علاوه بر این باید به دستور العملهای اخیر اتحادیه اروپا برای مقابله با آلودگی صوتی اشاره نمود. از جمله پنجمین برنامه عمل اتحادیه اروپا، دستور العملهایی را راجع به کاهش انتشار آلودگی صوتی به ویژه وسایل نقلیه موتوری و هواپیماها برای کشورهای عضو ارائه داده است. علاوه بر این پارلمان اروپا دستور العمل کادری را در ۲۲ می ۲۰۰۱ راجع به مدیریت کنترل آلودگی صوتی برای کشورهای عضو (فرانسه) به تصویب رسانده است.

هر چند آلودگی صوتی نسبت به آلودگی هوا و آب ویژگی مرز گذر کمتری دارد، اما از آنجا که این آلودگی مرتبط با سلامت و امنیت نسبی زندگی افراد است، در برخی از اسناد بین المللی به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به این امر توجه شده است و سازمانهای بین المللی و فراملی نیز در این زمینه فعال بوده اند. از جمله می توان به مقوله نامه های سازمان بین المللی کار (ILO) در خصوص حمایت از کارگران و شرایط محیطی کار آنان نام برد. مهم ترین سند در این زمینه کنوانسیون شماره ۱۴۸ سازمان بین المللی کار مورخ ۲۸ ژوئن ۱۹۷۷ در خصوص حفاظت از کارگران در برابر حوادث ناشی از کار مربوط به آلودگی هوا، سرو صدا، لرزش ها و نوسانات می باشد. که مطابق بند ب ماده ۳ اصطلاح آلودگی صوتی شامل هر گونه «: صدایی می شود که ممکن است منجر به آسیب به شنوایی یا خطرناک برای سلامتی باشد» تعریف می گردد.

همچنین سازمان بهداشت جهانی (WHO)، سازمان استاندارد سازی بین المللی (ISO) و سازمان بین المللی هواپیمایی کشوری (ICAO) از سازمان های بین المللی فعال و استاندارد گذار در خصوص آلودگی صوتی هستند.

از طرفی نقطه مقابل آلودگی صوتی نیاز به زندگی در یک محیط آرام است که این مفهوم در ارتباط با یکسری مفاهیم دیگر نظیر "حق آسایش"، "احترام به زندگی خصوصی" و "حق بر سلامتی و تمتع

از بهترین حالت سلامتی جسمی و روحی " است، که در اسناد حقوق بشری بین المللی و قوانین اساسی مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بر آنها تأکید شده است.

آلودگی صوتی علاوه بر فضاهای شهری می‌تواند در مناطق دریایی، هوایی، ریلی نمود پیدا کند. برای مثال یکی از موارد بروز آلودگی صوتی در سطح دریا که کنوانسیون حقوق دریاها در برابر آن ساکت است، آلودگی شناورها و زیردریایی‌های جنگی بیگانه است که سلامت پستانداران دریایی را به شدت تهدید می‌کند. برابر مقررات حقوق دریاها، شناورهای نظامی از مصونیت قضایی درآبهای آزاد و منطقه انحصاری و اقتصادی و دریایی سرزمینی برخوردار هستند و تنها تابع مقررات کشوری هستند که پرچم آن را برافراشته‌اند. از سویی، ماده (۲۳۶) کنوانسیون حقوق دریاها کشتی‌های جنگی را برابر قاعده «مصونیت حاکمیتی» از مقررات زیست محیطی مندرج در کنوانسیون معاف، می‌دارد.

از مطالب فوق دریافت می‌شود که، آلودگی صوتی و خسارات ناشی از آن یکی از معضلات اساسی جوامع صنعتی و شهری امروز و یکی از موضوعاتی است که در اکثر نظام‌های حقوقی و در برخی از اسناد بین المللی به آن پرداخته شده است. از این رو با توجه به لزوم جبران هر نوع ضرر و زیان، مطالعه و ارزیابی تطبیقی مسئولیت مدنی ناشی از خسارات به بار آمده از آلودگی صوتی، از جایگاه ویژه‌ای در علم حقوق برخوردار خواهد بود.

۲-۱. پیشینه تحقیق

به طور اعم در سالهای اخیر تحقیقاتی در زمینه محیط زیست و حقوق مترتب بر آن از سوی پژوهشگران در قالب کتب، مقالات و پایان نامه انجام گرفته است. لکن در خصوص مطالعه تطبیقی مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی صوتی در حقوق ایران و اسناد بین المللی، مطالعاتی وجود ندارد. از جمله این آثار می‌توان به پایان نامه "مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست محیطی (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و اتحادیه اروپا)، ارائه شده در دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده ادبیات و علوم انسانی اشاره کرد.

همچنین کتب مسئولیت مدنی ناشی از تخریب محیط زیست در فقه و حقوق ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه و اسناد بین المللی نوشته دکتر عزیزالله فهیمی و حقوق کیفری محیط زیست (مطالعه تطبیقی در حقوق ملی و بین المللی) نوشته دکتر ناصر قاسمی در این زمینه تألیف گردیده است. علاوه بر این، مقالات "نقش قواعد اتلاف و تسبیب در مسئولیت مدنی زیست محیطی" نوشته دکتر سید مصطفی محقق داماد و علیرضا انتظاری، "مسئولیت ناشی از خسارت‌های زیست محیطی"

از دکتر ناصر کاتوزیان و "مبنای مسئولیت مدنی زیست محیطی در فقه و حقوق ایران" از دکتر عزیز الله فهیمی، در این حوزه گردآوری شده است.

۱-۳. سؤالات تحقیق

۱. مبنای جبران خسارات زیست محیطی ناشی از آلودگی صوتی در نظام حقوقی کشورهای مختلف کدام است و روش‌های جبران این خسارت چیست؟
۲. آیا آلودگی صوتی خارج از مرزهای یک کشور اعم از زمینی، دریایی و هوایی نمود دارد؟ آیا در اسناد بین‌المللی مقرراتی در این خصوص به تصویب رسیده است؟
۳. آیا کشورها برای حفاظت از محیط زیست در برابر آلودگی صوتی مسئولیت مشترک دارند؟

۱-۴. فرضیات تحقیق

۱. حقوق ایران در حوزه قانون‌گذاری و اجرا در خصوص آلودگی صوتی، در مقایسه با سایر کشورها دارای کاستی و ابهام می‌باشد. لکن به نظر می‌رسد برخی از کشورها با استفاده از کلیه ابزارها توانسته‌اند به نتایج مطلوبی دست یابند.
۲. قواعد مسئولیت مدنی در ارزیابی خسارت‌های زیست محیطی ناشی از آلودگی صوتی، ناتوان است. و اثبات تقصیر در این حوزه مشکل است.

۱-۵. روش تحقیق

در جمع‌آوری منابع و داده‌ها به کتب، مقالات و سایت‌های علمی ایرانی و خارجی مراجعه شده و از روش‌های میدانی و مصاحبه با اشخاص استفاده نشده است. در این تحقیق از روش کتابخانه‌ای و مطالعه کتب مربوطه و مقالات و فصلنامه‌های مرتبط شروع و جمع‌آوری اطلاعات، هرچند اندک کرده‌ایم.

فصل دوم:

مفاهیم و مقررات ملی و بین المللی راجع به آلودگی

صوتی

۲-۱. مفاهیم

۲-۱-۱. مفهوم مسئولیت در پرتو گونه‌های آن

۲-۱-۱-۱. مسئولیت مدنی

مسئولیت مدنی عبارت است از ملزم بودن شخص به جبران خسارتی که به دیگری وارد کرده است. مسئولیت مدنی زمانی به وجود می‌آید که کسی بدون مجوز قانونی به حق دیگری لطمه بزند و در اثر آن زبانی به او وارد آورد. فرق نمی‌کند عملی که موجب زیان شده است جرم باشد یا شبه جرم، در هر موردی که شخص موظف به جبران خسارت دیگری است گفته می‌شود که این فرد مسئولیت مدنی دارد و ضامن است. این قاعده منطقی و عادلانه از دیرباز وجود داشته که «هر کس به دیگری ضرر بزند باید آن را جبران کند، مگر در موارد اضرار به غیر که به حکم قانون باشد یا ضرری که به شخص وارد آمده است ناروا و نامتعارف جلوه نکند» این قاعده نظیر همان چیزی است که در فقه تحت عنوان «من أُلْفَ مَالِ الْغَيْرِ فَهُوَ لَهُوَ ضَامِنٌ» ذکر شده است.^۱

مسئولیت مدنی به عنوان ضمانت اجرای حقوق مدنی نقش حساس و مهمی را در مطالبه و استیفای حقوق افراد و در نتیجه تنظیم روابط اجتماعی و حقوقی بازی می‌کند. بدون تصور وجود مسئولیت مدنی حق مفهوم واقعی و عینی خود را از دست داده و جنبه فکری و ذهنی به خود می‌گیرد در ضمن چیزی که به واقع حق را از حالت بالقوه به صورت بالفعل در آورده و آن را به طور ملموس در اختیار صاحبان حق قرار می‌دهد قواعد و مقررات موجود در نظام حقوقی کشورها و از جمله کشور ما می‌باشد که در چهارچوب قوانین مختلف گنجانده شده است. بنابراین مسئولیت مدنی در مفهوم اصطلاحی عبارت است از: تعهد شخص به جبران خساراتی که در نتیجه فعل یا ترک فعل منتسب و مربوط به وی به دیگری وارد می‌شود. این مسئولیت در قانون مسئولیت مدنی چنین بیان شده است: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده، لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارات ناشی از عمل خود می‌باشد».^۲

^۱ - کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۵)، حقوق مدنی، ضمان قهری، مسئولیت مدنی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، صص ۴۸-۴۹.

^۲ - خواجه پیری عباس، (۱۳۸۰)، حقوق مدنی ۴، موجبات مسئولیت مدنی و آثار آن. چاپ اول. تهران: نشر الهدی، ص: ۲۸.

۲-۱-۱-۲. مسئولیت کیفری

به طور کلی باید گفت الزام شخص به پاسخگویی در قبال تعرض به دیگران، خواه به جهت حمایت از حقوق فردی صورت گیرد و خواه به منظور دفاع از جامعه، تحت عنوان «مسئولیت کیفری» یا «مسئولیت جزایی» مطرح می‌شود. با این وجود، در هیچ یک از قوانین جزایی چه در گذشته و چه در حال حاضر، ماهیت حقوقی و تعریف مسئولیت کیفری به طور مشخص بیان نشده است. به هر حال، مسئولیت کیفری نوعی الزام شخصی به پاسخگویی آثار و نتایج نامطلوب پدیده جزایی یا جرم است. از دیدگاه کیفری، ارتکاب جرم یا هر نوع تخطی از قوانین و مقررات جزایی به تنهایی و به خودی خود موجب مسئولیت کیفری نیست، بلکه برای این که مرتکب جرم را از نظر اخلاقی و اجتماعی مسئول و قابل سرزنش و مجازات بدانیم لازم است که شرایطی با هم جمع شوند. این شرایط عبارتند از:

اول: وقوع رفتار مجرمانه که از میل و اراده آگاهانه مرتکب آن نشأت گرفته باشد و نحوه پندار، کردار و جریان تصمیم‌گیری او را مشخص کند.

دوم: عمل مجرمانه‌ای که با اندیشه، قصد و میل مرتکب، در عالم خارج تحقق یافته است. لذا با این تلقی، مسئولیت کیفری حاکی از سوءنیت مرتکب یا ناشی از خبط و خطای او می‌باشد. به طور کلی، هرکسی که با علم و اطلاع دست به ارتکاب جرم می‌زند به طور لزوم مسئول شناخته نمی‌شود، بلکه علاوه بر تحقق اراده ارتکاب و سوءنیت یا تقصیر جزایی، باید دارای اهلیت و خصوصیات فردی متعارفی باشد تا بتوان وقوع جرم را به او نسبت داد. در نتیجه، وقتی انسان از نظر کیفری مسئول شناخته می‌شود که مسبب حادثه‌ای باشد، یعنی بتوان آن حادثه را به او نسبت داد. پس مسئولیت کیفری، محصول نسبت دادن و قابلیت انتساب است. مقصود از قابلیت انتساب آن است که بر مقامات قضایی معلوم شود که فاعل جرم، از نظر رشد جسمی، عقلی و نیروی اراده و اختیار، دارای آن چنان اهلیتی است که می‌توان رابطه علّیت بین جرم انجام یافته و عامل آن برقرار کرد. در حقیقت مسئولیت کیفری از نتایج مستقیم انتساب جرم به فاعل آن احراز می‌شود و از این جهت به طور مختصر می‌توان گفت مسئولیت کیفری قابلیت انتساب و اسناد عمل مجرمانه است.^۱

در مقام تفکیک بین مسئولیت مدنی و کیفری بایست ادعان داشت؛ در جوامع بدوی جبران خسارت جنبه انتقام و مجازات داشت مجازات فرد مسئول هم هدف بازدارندگی داشت و هم هدف جبران خسارت

^۱ - گرجی، ابوالقاسم، (۱۳۹۰)، آیات الاحکام، تهران: نشر میزان، چ ۷، ص: ۱۰۳.

با پیشرفت تمدن این وضع تغییر یافت. رشد جوامع و تحولات عظیم حقوقی در کشورها تفاوت‌هایی را در میان مسئولیت کیفری و مسئولیت مدنی رقم زد.

۲-۱-۱-۳. مسئولیت اخلاقی

مسئولیت اخلاقی مسئولیتی انسانی است که ناظر به آینده یا گذشته می‌باشد و درعین حال، غیر از مسئولیت به معنای حقوقی، اجتماعی، علمی و... است. این تعریف، کلی است و تنها بیان می‌کند مسئولیت اخلاقی غیر از مسئولیت‌های دیگر است. لذا ملاک اخلاقی بودن را به درستی مشخص نمی‌کند. بنابراین نیازمند تبیین بیشتر معنای مسئولیت اخلاقی هستیم. برخی مسئولیت اخلاقی را به معنای قابلیت مدح و ذم اجتماعی دانسته‌اند.^۱ برخی آن را به معنای توانایی و قابلیت توضیح و تفسیر یک رفتار یا یک صفت آورده‌اند. در مواردی نیز مسئولیت را به معنای «در معرض مجازات بودن» یا «مسئولیت در برابر خداوند که نتیجه آن مجازات و کیفر اخروی است» آورده‌اند. برخی نیز آن را به معنای اقرار شخص به افعال صادره از خویش و آمادگی برای تحمل نتایج آن تعریف کرده‌اند.^۲

۲-۱-۱-۴. مسئولیت بین‌المللی

مسئولیت جزئی از موجودیت «حکومت قانون» است. این مسئله هم در سطح داخلی و هم در سطح بین‌المللی عینیت دارد. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه «بارسلونا تراکشن» در سال ۱۹۷۰ صریحاً به شناسایی آن پرداخت.^۳ مسئولیت جزئی ضروری از حقوق است.

ضرورت حفظ نظم در جامعه بین‌المللی، ایجاب می‌کند که دولت‌ها مسئول تمامی فعل‌ها و ترک فعل‌های خود باشند. در واقع هیچ دولتی نمی‌تواند بدون قبول و رعایت حقوق دولت‌های دیگر از حقوق خود بهره‌مند گردد. این امر، مفهوم مسئولیت دولت را وارد حقوق بین‌الملل می‌کند. مسئولیت بین‌المللی یکی از مهم‌ترین رشته‌های حقوق بین‌الملل است که از ماهیت و جایگاه ویژه برخوردار است. امروزه، هر قدر به نهاد مسئولیت بین‌المللی ارج نهاده و قواعد و فنون آن بهتر شناسانده شود و در راه توسعه و

^۱ - فرانکنا، ویلیام کی، (۱۳۸۳)، فلسفه اخلاق، ترجمه هادی صادقی، قم، کتاب طه، ص ۱۵۶.

^۲ - مهدوی کنی، صدیقه، (۱۳۸۸)، ساختار گزاره‌های اخلاقی قرآن (رویکردی معناشناختی)، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ دوم، ص: ۵۹.

^۳ دیوان با رد صلاحیت بلژیک در اقامه دعوی عنوان می‌دارد که دولت صلاحیت دار برای اقامه دعوی دولتی است که شرکت بارسلونا تراکشن در آن به ثبت رسیده و مرکز فعالیت شرکت در آن قرار دارد. با توجه به این امر دیوان صلاحیت دولت‌ها را در حمایت دیپلماتیک از اشخاص حقوقی را مورد تأیید و از حمایت دیپلماتیک از سهامداران را رد می‌کند. لیکن این رویه دیوان در پرونده رأی ۳۰ نوامبر ۲۰۱۰ دیوان بین‌المللی دادگستری آقای دیالو (گینه علیه کنگو) جای خود را به حمایت از سهامداران شرکت‌ها یعنی اشخاص حقوقی داده است که نشان دهنده چرخش ۱۸۰ درجه‌ای دیوان می‌باشد.

(<http://protocol.blog.ir/۲۰/۰۲/۱۳۹۴>)

تحول نظام حقوقی مسئولیت بین المللی گام برداشته شود، زمینه اجرای بهتر و موثرتر مقررات، ایفای تعهد است؛ البته تعهدی ثانویه^۱ که از نقض «تعهد اولیه»^۲ ناشی می شود.

فرهنگ واژه های حقوق بین الملل برای مسئولیت بین المللی این تعریف را به دست می دهد: «مسئولیت حقوقی بین المللی تکلیفی است که به موجب قواعد حقوق بین الملل به یک دولت تحمیل می گردد تا خساراتی را که در نتیجه نقض قواعد حقوق بین الملل به دولت دیگری وارد کرده است، جبران کند».^۳

دکتر رضا فیوضی به نقل از پروفیسور بدوان در تعریف مسئولیت بین المللی دولت، چنین نقل می کند «مسئولیت بین المللی از نهادهای حقوقی است که به موجب آن دولت ناقض یک قاعده حقوق بین الملل، موظف می گردد خسارات ناشی از این نقض را در قبال دولت دیگر جبران کند».^۴ هریس در تعریف مسئولیت بین المللی می گوید: «در هر نظام حقوقی برای کوتاهی در انجام تکالیفی که توسط قواعد آن نظام به وجود آمده است باید تعهدی وجود داشته باشد، چنین تعهدی در حقوق بین الملل به مسئولیت معروف می باشد».^۵

بالاخره پروفیسور براونلی در این زمینه می نویسد: «در روابط بین المللی، همچون سایر روابط اجتماعی، تهاجم به منافع قانونی یک تابع حقوق، توسط دیگری موجب ایجاد مسئولیت در اشکال مختلف که توسط آن سیستم حقوقی خاص تعیین شده می گردد، به طور خلاصه مسئولیت با بروز و آثار اعمال غیرقانونی، به ویژه پرداخت غرامت برای زیان وارده مرتبط است».^۶

^۱ - تعهد ثانویه مقرراتی است که شامل قلمرو مسئولیت و آثار ناشی از قصور در انجام تعهدات اساسی بین المللی (تعهد اولیه) می شود.

^۲ - تعهد اولیه آن دسته از قواعد و مقررات حقوق بین الملل است که تکالیف معینی را برای دولت ها در زمینه روابط بین آنها ایجاد می کند مانند تعهدات دولت ساحلی برای اجازه عبور بی ضرر کشتی های خارجی از آب های سرزمینی دولت.

^۳ - مدنی، جلال الدین، (۱۳۸۸)، حقوق بین الملل عمومی، و اصول روابط دول، انتشارات پایدار - چاپ دوم، جلد ۳، ص: ۲۷۹

^۴ - فیوضی، رضا، (۱۳۷۹)، مسئولیت بین المللی و نظریه حمایت سیاسی اتباع، انتشارات دانشگاه تهران، جلد ۱، ص: ۲۵-۲۶

^۵ - Harris, D.J. Cases and Materials on International Law. Fifth Edition, Sweet Max Well, 1998. p482

^۶ - Brownlie, Ian. Principle of Public International Law, Clarendon Press, Oxford, Fourth Edition, (1990), P;71

۲-۱-۲. مفهوم آلودگی محیط زیست

اصطلاح آلودگی مشتق از کلمه یونانی پلوتوس^۱ است که از معنای ناپاکی گرفته شده است. بنابراین، منظور از آلودگی عبارت است از فرآیندی که باعث افزودن مواد مضر یا کثیف به زمین، هوا، آب، محیط و غیره شده، به طوری که برای استفاده بهینه نامطلوب باشد. اصطلاح آلودگی و یا خسارت آلودگی، اغلب به جای خسارات زیست محیطی استفاده می‌شود، اما می‌تواند مفهوم گسترده‌تری داشته باشد.^۲ صدمه به محیط زیست در اسناد حقوقی محیط زیست تعریف شده است و شامل همه عوارض جانبی به انسان، مصنوعات او و محیط زیست است.^۳ تغییرات منفی در محیط زیست به علاوه چیزهای خطرناک یا زیان آور، یک تعریف ساده از آلودگی است. در اصول اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲ و اعلامیه ریو ۱۹۹۲، تنها اشاره شده است که به منظور حفاظت از محیط زیست باید از آلودگی جلوگیری شود، اما هیچ تعریف صریح و روشنی از آلودگی ارائه نشده است. مطابق تعریف (EPA)^۴ آلودگی حضور یک ماده در محیط زیست می‌باشد به دلیل این که ترکیبات شیمیایی یا کیفیت مانع کارکرد فرایندهای طبیعی است و اثرات محیط زیستی و بهداشتی نامطلوبی را ایجاد می‌کند. مطابق قانون هوای پاک^۵ به عنوان مثال این اصطلاح تغییرات فیزیکی، بیولوژیکی، شیمیایی، تمامیت رادیولوژیکی آب و سایر رسانه‌های ساخته دست انسان یا ناشی از انسان تعریف شده است. بر اساس سیستم قطع نامه حل و فصل اختلافات در ژاپن آلودگی زیست محیطی شامل موارد زیر است:

۱. در میان تداخل با حفاظت محیط زیستی، آلودگی هوا، آلودگی آب، آلودگی خاک، صوت، ارتعاشات، نشست زمین به استثنای نشست ناشی از حفاری زمین می‌باشد و بوهای نامطبوع، آلودگی زیست محیطی تعریف می‌گردد.
۲. مؤثر بر مناطق گسترده.
۳. ناشی از کسب و کار و سایر فعالیت‌های انسانی.

¹ - Pollutus

² - Springer, A L, (1977), Towards a meaningful concept of pollution in international law, International and Comparative Law Quarterly, Vol 26 1977, et seq (hereinafter Springer, pp; 550 and See also C Redgwell, (1992), Compensation for Oil Pollution Damage, Quantifying Environmental Harm, Marine Policy, March, discussing pollution as damage,p;556

³ - Larsson, Marie Louise, (2009), “ Legal of the Environment and Envionmental Damage”. Estokholm Institute Law, pp; 155.158,159

⁴ - Environmental Programe Agency(EPA).

⁵ - The Clean Air Act(CAA).

۴. سبب آسیب به سلامت انسان یا محیط زیست می‌شود و ارتباط نزدیکی با سلامت انسان و نیز گیاهان و جانوران دارد که مرتبط با زندگی انسان و غیره هستند.^۱

حقوق محیط زیست دریایی، آلودگی را ورود مستقیم یا غیر مستقیم مواد یا انرژی به محیط زیست توسط انسان می‌داند که اثرات زیان بخش دارد یا ممکن است داشته باشد، به گونه‌ای که به منابع زنده و حیات آبریزان آسیب برساند، برای سلامت انسان خطر داشته باشد یا مانع استفاده‌های مشروع گردد. در همین چارچوب، سازمان همکاری و اقتصادی توسعه آلودگی را این گونه تعریف می‌کند: «ورود مواد یا انرژی‌هایی به محیط زیست توسط انسان به طور مستقیم یا غیر مستقیم که در نتیجه اثرات زیان بار آن‌ها بهداشت انسانی به خطر بیفتد، به منابع زنده و اکوسیستم آسیب برسد، امکانات را مختل کند و یا با دیگر استفاده‌های مشروع از محیط زیست تداخل داشته باشد». از ویژگی‌های خاص این تعریف این است که آلودگی اثر مضر باید توسط انسان و با اضافه کردن مواد خطرناک به محیط طبیعی ایجاد شود. لذا آلودگی‌هایی موجب مسئولیت بین المللی دولت‌ها می‌گردد که منشأ انسانی داشته باشد. همچنین آلودگی محیط زیست بر مبنای تعریف علمی عبارت است از «هر گونه تغییر در ویژگی‌های اجزای متشکل محیط به طوری که استفاده پیشین از آن‌ها ناممکن گردد و به طور مستقیم یا غیر مستقیم منافع و حیات موجودات زنده را به مخاطره اندازد». مطابق با تعریف دیگری آلودگی عبارت است از "تغییر نامطلوب در خواص فیزیکی، شیمیایی و بیولوژیکی هوا، آب یا زمین". علاوه بر این در تعریف دیگری از آلودگی آمده است که «آلودگی زمانی ایجاد می‌شود که غلظت یک عامل شیمیایی در محیط، به اندازه‌ای باشد که باعث واکنش فیزیولوژیکی به وسیله موجودات زنده در نتیجه تغییرات بوم شناختی شود»^۲ بند ف ماده ۲ کنوانسیون نومیا برای حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست منطقه جنوب اقیانوس آرام، آلودگی را این چنین تعریف نموده است: «معنای "آلودگی" توسط انسان، به طور مستقیم یا غیر مستقیم، اضافه شدن مواد یا انرژی به محیط زیست دریایی (از جمله مصب) است که در نتیجه و یا به احتمال زیاد منجر به اثرات زیان بار به عنوان آسیب به منابع زندگی و حیات دریایی، خطرات برای سلامت بشر، مانعی برای فعالیت‌های دریایی از جمله ماهی گیری و دیگر استفاده‌های مشروع از دریا، اختلال در کیفیت استفاده از آب دریا و کاهش امکانات رفاهی معرفی شده است».^۳

^۱- Environmental Dispute Resolution System in Japan. July 2011, Mitsuhsa YOSHIDA Examiner Environmental Dispute Coordination Commission, government of Japan. P;6

^۲ - مشهدی، علی، (۱۳۹۱)، ترمینولوژی حقوق محیط زیست، تهران، انتشارات خرسندی، ج ۲، ص: ۱۰۵

^۳ - خلعتبری، یلدا، داوود هرمیداس باوند، علی زارع، عباس پورهاشمی، (۱۳۹۵)، تحلیل مفاهیم آلودگی و خسارت در حقوق بین الملل محیط زیست، فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست، شماره ۳، ص: ۱۶۸

بر مبنای تعریف حقوقی، نخستین تعریفی که از آلودگی محیط زیست در حقوق ایران مطرح شده است، تعریفی است که در قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳ آمده است. ماده ۹ این قانون، آلودگی محیط زیست را "پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب، هوا یا خاک به میزانی که کیفیت فیزیکی یا شیمیایی یا بیولوژیک آن را به طوری که زیان آور به حال انسان یا سایر موجودات زنده و یا گیاهان و یا آثار و ابنیه باشد" بیان می کند. به عبارت دیگر تعریف حقوقی آلودگی محیط زیست جدا از تعریف علمی و تخصصی آن نیست. همین تعریف با تغییرات بسیار اندک در تبصره ۲ ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی نیز آمده است و چنین می گوید: "منظور از آلودگی محیط زیست عبارت است از پخش یا آمیختن موارد خارجی به آب و هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک آن را به طوری که به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار یا ابنیه مضر باشد، تغییر دهد."^۱

۲-۱-۲-۱. مفهوم آلودگی صوتی

آلودگی صوتی یکی از انواع آلودگی های زیست محیطی است که سلامت و بقای موجودات زنده را تهدید می کند و به مخاطره می افکند. میزان عوارض جسمی و روحی این نوع آلودگی بر انسان بویژه در محیط شهری به اندازه ای است که برای آن، استانداردهای فنی و بین المللی تعیین شده است و دولت ها و متولیان شهری اصولاً به رعایت آنها ملزم هستند.

منظور از آلودگی صوتی امواج ناخواسته ای است که در شرایط مکانی و زمانی ویژه بر فعالیت موجودات زنده به ویژه انسان تأثیر گذاشته و می تواند عوارض متعدد جسمی و روحی و علی الخصوص اختلال در اعصاب شنوایی را حاصل شود. واحد اندازه گیری آلودگی صوتی «دسی بل» است و آستانه تحمل گوش انسان در حدود ۱۳۰ دسی بل است. انتشار صدا بسته به اینکه در محیط باز یا بسته صورت پذیرد رفتار متفاوتی دارد. در یک محیط باز امواج صوتی بدون برخورد به مانع روند انتشار را تا مرز تباهی ادامه می دهند. شرایط محیطی تأثیر غیر قابل انکاری در چگونگی انتشار صدا دارد. گرچه انسان به سرو صدا عادت کرده ولی در حقیقت آلودگی صوتی یک عامل خستگی بوده و ظرفیت کار انسان را چه در مشاغل فکری و چه در شغل های بدنی و ساده کاهش می دهد آلودگی صوتی بر وضع روانی و روحی شخص اثر کرده، باعث اشکال در تطابق یافتن انسان با محیط کار و حتی اجتماع و خانواده می شود، که نتیجه آن کاهش بازده کار می باشد. در صورتی که مدت در معرض آلودگی صوتی قرار گرفتن افزایش پیدا کند، می تواند موجب کاهش قدرت شنوایی شود و همچنین خطر ابتلا به امراض

^۱ - تقی زاده انصاری، مصطفی، (۱۳۹۰)، حقوق محیط زیست در ایران، تهران: انتشارات سمت، ج ۴، ص: ۵۴

قلبی-عروقی را افزایش دهد. به عنوان نمونه چنانچه فردی طی ۸ ساعت به طور مداوم در معرض سروصدای بالای ۷۰ دسی بل قرار گیرد، فشار خون وی ۵ تا ۱۰ میلی متر جیوه افزایش می‌یابد.

آزمایش‌ها نشان می‌دهد که صداها با شدت ۱۶۰-۱۵۰ دسی بل موجب رنگ پریدگی، بالا رفتن فشارخون و کاهش درجه حرارت بدن می‌شوند و صداها مداوم نیز عکس‌العمل‌هایی را مانند انقباض رگ‌ها در بدن ایجاد می‌کند.

۲-۲-۱-۲. مفهوم آلودگی صوتی در قوانین ایران

اصولاً صوت جریانی است که توسط اختلاف فشار موجود در هوا ایجاد می‌گردد بنابراین اگر هوایی نباشد جریان صوتی نیز ایجاد نمی‌گردد. به همین دلیل گروهی آلودگی صوتی را نوعی آلودگی هوا می‌دانند. آلودگی صوتی به هر «صدای ناخواسته» تعریف می‌شود و گفته می‌شود هر صدای بالاتر از ۸۰ دسی بل ظرفیت آسیب‌رسانی دارد اما آنچه که مد نظر است تعریف حقوقی آلودگی صوتی است که مبنای اساسی جهت اعمال استانداردها و قوانین و رویه‌ها در این زمینه است.

در حقوق ایران این مهم قابل توصیف و تشریح در اسناد حقوقی در این خصوص می‌باشد. در اسناد حقوقی، قبل از تصویب آیین‌نامه اجرایی قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۸ از آلودگی صوتی تعریف صریح و مشخصی وجود نداشت و صرفاً با توجه به قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست و با نظر به تبصره ۲ ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی تعاریفی ارائه می‌گردید.

با تصویب آیین‌نامه فوق ابتدا صوت تعریف گردید که عبارت بود از امواج طولی که از ارتعاش سریع اجسام و مواد اعم از جامد، مایع و گاز تولید می‌گردد. (بند ۱ ماده ۱ آیین‌نامه نحوه جلوگیری از آلودگی صوتی مصوب ۱۳۷۸) و سپس در بند ۲ ماده ۱ آلودگی صوتی تعریف شد که مطابق آن: «آلودگی صوتی عبارت است از پخش و انتشار هرگونه صوت و صدا و ارتعاش بیش از حد مجاز در فضای باز (غیر سرپوشیده)» هر چند این مفهوم از آلودگی صوتی، از تشتت تعاریف پیشگیری می‌کند ولی باید گفت که این تعریف جامع نیست. به عبارت دیگر تعریف شامل فضاهای سرپوشیده نمی‌شود. در حالی که امروزه یکی از مهم‌ترین موارد آلودگی صوتی مربوط به فضاهای سرپوشیده و داخلی است.

خلاء و نواقص موجود در قانون نحوه جلوگیری از هوا و آیین‌نامه‌های اجرایی آن از جمله عدم شفافیت، صراحت و قدیمی بودن نیاز به بازنگری کلی مقررات را از طریق وضع قانونی جدید جدی‌تر نمود و نهایتاً قانون‌گذار در سال ۹۶ نسبت به تصویب قانون هوای پاک اقدام نمود. در ماده ۱ این قانون با تعریف آلودگی هوا، انتشار صدا در هوای آزاد توسط منابع ثابت و متحرک به عنوان یکی از عناصر

آلاینده هوا معرفی می‌گردد. البته به مقدار و مدتی که کیفیت هوا را به گونه‌ای تغییر دهد که برای سلامت انسان و موجودات زنده، فرآیندهای بوم شناختی (اکولوژیکی) یا آثار و ابنیه زیان آور بوده و یا سبب از بین رفتن یا کاهش سطح رفاه عمومی گردد. همچنین در ماده ۲۹ ایجاد هرگونه آلودگی صوتی توسط منابع ثابت و متحرک، ممنوع اعلام شده است.

از نقاط قوت این قانون می‌توان به تقسیم بندی منابع آلوده کننده هوا به منابع طبیعی و منابع انسان ساخت اشاره کرد. منابع طبیعی آلوده کننده هوا در این قانون طوفان‌های شن، آتش سوزی جنگل‌ها و مراتع، آتشفشان‌ها و هواویزهای دریایی هستند و منابع انسان ساخت شامل «هر گونه منابع متحرک از قبیل وسایل نقلیه موتوری و غیر موتوری که در اثر حرکت ایجاد آلودگی می‌کنند و منابع ثابت از قبیل صنایع، عملیات معدنی، کشاورزی، بخش‌های خدماتی، تجاری، اداری و خانگی که در محلی ثابت سبب انتشار آلاینده‌ها می‌شوند»، می‌گردد.

۲-۱-۲. مفهوم آلودگی صوتی در قوانین سایر کشورها

انجمن تدوین موازین در فرانسه هرچیزی را که احساس شنوایی ناخوشایند و ناراحت کننده ایجاد کند سر و صدا یا آلودگی صوتی می‌داند و کتاب لغت مصور پوتی لاروس آلودگی صوتی را مجموعه‌ای از صداها ناموزون تعریف نموده است. در حقوق فرانسه آلودگی صوتی به دو دسته داخلی و خارجی تقسیم بندی می‌شود و هر دو حوزه مورد توجه قانونگذار است.^۱

در حقوق فرانسه اسناد، احکام، قوانین و مقررات بسیاری در خصوص کنترل آلودگی صوتی وجود دارد.

این قوانین در چند دسته مهم طبقه بندی شده‌اند که عبارتند از:

۱. آلودگی صوتی ناشی از مجاورت؛
۲. آلودگی صوتی ناشی از حمل و نقل (هواپیما، اتومبیل، قطار، موتورسیکلت)؛
۳. آلودگی صوتی ناشی از ساخت و ساز، و تجهیزات پر سروصدا^۲

^۱- Aline, G. (1973). Tous les problèmes juridiques des pollutions et nuisances industrielles, Paris, Encyclopedie Delmas pour la vie des Affaires,p;98

^۲ - مشهدی، علی، (۱۳۸۶)، بررسی و شناسایی جنبه‌های حقوقی آلودگی صوتی (از قواعد داخلی تا تلاشهای بین المللی)، علوم محیطی سال پنجم، شماره اول، ص: ۵۵

مهم‌ترین قانون در این زمینه قانون ۳۱ دسامبر ۱۹۹۲ مربوط به مقابله با آلودگی صوتی است. مطابق مفهوم ماده ۱ این قانون می‌توان گفت که: «آلودگی صوتی انتشار هر گونه صدای آزاردهنده یا مزاحم یا مضر به سلامتی و محیط زیست است.» بنابر این آلودگی صوتی به هر نوع صدای غیر قابل تحمل و آزار دهنده یا هر پدیده صوتی که چنین احساسی را ایجاد کند اطلاق می‌شود.

در ماده ۲ «قانون جلوگیری و کنترل آلودگی صوتی جمهوری خلق چین»^۱ در تعریف آلودگی صوتی چنین بیان شده است که آلودگی صوتی به معنای صدایی است که در جریان تولید صنعتی، ساخت و ساز، حمل و نقل و فعالیت‌های اجتماعی منتشر می‌شود. برای دستیابی به اهداف این قانون، آلودگی صوتی به معنای انتشار سر و صدای محیطی بیش از محدودیت‌های تعیین شده قانونی در محیط زیست است که زندگی روزمره و کار مردم را مختل می‌کند. این قانون همانطور که در ماده ۱ اعلام نموده، به منظور جلوگیری و کنترل آلودگی صوتی، حفاظت و بهبود محیط زندگی، حصول اطمینان از سلامت انسان و ترویج و توسعه اقتصادی و اجتماعی وضع شده است.

قانون آلودگی صوتی هند^۲ هرگونه افزایش صدای محیط در مکان‌های عمومی از منابع مختلف از جمله فعالیت‌های صنعتی، ساخت و ساز، ابزارآلات تولید صدا و سیستم‌های موسیقی، بوق وسایل نقلیه و صدای ماشین آلات صنعتی که اثرات زیانبار بر سلامت جسمی و روانی مردم دارد، آلودگی صوتی می‌شناسد و به تنظیم مقررات برای جلوگیری و کنترل آن پرداخته است.

۳-۱-۲. مفهوم و انواع خسارات زیست محیطی

۳-۱-۲-۱. مفهوم خسارات زیست محیطی

واژه خسارت زیست محیطی^۳ اولین بار توسط یکی از حقوق دانان فرانسه به کار گرفته شد که بیشتر بر خسارت‌های با واسطه ناشی از محیط زیست اشاره داشت. دشواری اصلی درباره تعریف خسارت زیست محیطی این است که آیا قربانی چنین خسارتی انسان است یا محیط زیست. یعنی آیا اموال زیست محیطی از لحاظ حقوقی تحت حمایت هستند یا نه؟ در پاسخ به این سؤال دو گرایش اساسی وجود دارد: (۱) برخی از نویسندگان، محیط زیست را منشاء ورود خسارت به انسان دانسته‌اند (۲) در مقابل عده‌ای از حقوق دانان خسارت به محیط زیست را صرف‌نظر از بازتاب‌های آن قابل مطالبه دانسته‌اند.

1. Law of the peoples republic of china on prevention and control of environmental noise pollution.

2. The Noise Pollution (Regulation and Control) Rules, 2000.

3. Environmental damage, Dommage Environnementaux

یکی از نویسندگان، خسارت زیست محیطی را چنین تعریف می‌کند: «خسارت زیست محیطی عبارت است از خسارتی که به اشخاص و یا اشیاء محیط پیرامون زندگی انسان وارد می‌شود». بنابراین تعریف، محیط زیست منبع خسارت است نه قربانی خسارت. در واقع، به نظر می‌رسد این تعریف از نظریه «مزاحمت به حقوق همسایه»^۱ الهام گرفته زیرا براساس آن نظریه، محیط زیست منبع خسارت است و قربانی آن به شمار نمی‌رود (پریور^۲، ۱۹۹۶، ۹۴۷).

در مقابل، برخی از حقوق دانان خسارت به اشیاء و پدیده‌های زیست محیطی را در تعریف خسارت زیست محیطی می‌آورند و آلودگی آب، هوا یا خاک را نیز داخل در این تعریف دانسته‌اند هرچند که آثار غیرمستقیم این خسارت‌ها به انسان‌ها بر می‌گردد. بنابراین، در تعریف آن گفته‌اند خسارت زیست محیطی عبارت است از: «خسارتی که به‌طور مستقیم به محیط پیرامون وارد می‌شود بدون توجه به بازتاب‌هایی که این خسارت‌ها بر اشیاء و اموال دارد».

برخی از حقوق‌دانان، خسارت‌های زیست محیطی را شامل خسارت‌های وارده به اموال و اشخاص و خسارت به خود محیط زیست می‌دانند که در اثر آن تعادل زیست محیطی برهم می‌خورد بنابراین، متولیان و استفاده‌کنندگان عناصر زیست محیطی، قربانیان خسارت‌های اکولوژیک محسوب می‌شوند و لذا می‌توانند طرح دعوا کرده و جبران خسارت را مطالبه کنند. زیرا هر نوع آلودگی به معنای نقض حقوق موضوعه انسان‌ها تلقی می‌شود و نوعی تقصیر است (کربنیر^۳، ۱۹۷۸، ۵۹).

البته لازم به تاکید است که خسارت زیست محیطی در سیستم‌های حقوقی مختلف به طور متفاوتی تعریف می‌گردد. دستورالعمل زیست محیطی اتحادیه اروپا خسارت زیست محیطی را به عنوان آسیب به گونه‌های حفاظت شده، ساکنین طبیعی، آب و زمین محسوب می‌نماید، مشروط به آن که آلودگی آن سلامت بشری را مورد تهدید قرار دهد. در آمریکا تعریف خسارت به محیط زیست هزینه‌های مرتبط به اقدامات واکنشی مربوط به آسیب‌های وارده می‌باشد. قوانین آمریکا درباره خسارات مربوط به صدماتی است که شامل اتلاف یا تخریب منابع طبیعی و هزینه‌های منطقی ارزیابی چنین آسیب‌هایی می‌باشد. تعریف آمریکا از منابع طبیعی از لحاظ ماهیت کاملاً موسع می‌باشد و نه تنها شامل منابع معمول همانند زمین، آب‌های سطحی، حیات وحش و ماهی‌ها می‌گردد، بلکه شامل هوا، آب‌های زیرزمینی، آب شرب یا هر منبع دیگری می‌باشد. اما این تعریف به هر حال به منابع در اختیار دولت (در مقابل منابع

^۱ Trouble de voisinage

^۲ Prieur

^۳ Cerbonnier

خصوصی) محدود می‌گردد. هر دو تعریف صراحتاً به امکان بازسازی خسارات مربوط می‌شود. هم چنین برخی حقوق دانان خسارات زیست محیطی را خسارت به شخص یا جامعه افراد ندانسته، بلکه جهان طبیعی را به عنوان دارایی مشترک ملتها دانسته و محیط زیست به مال و شیء تشبیه شده که استفاده از آن متعلق به جامعه است.

در حقوق فرانسه، منظور از خسارات وارده بر محیط زیست «هر قسم تخریب مستقیم یا غیر مستقیم قابل اندازه گیری بر محیط زیست است ...» در حقوق آلمان، خسارت زیست محیطی بدین گونه بیان می‌شود، «هر گونه تغییر نامطلوب قابل اندازه گیری در منابع طبیعی (گونه‌ها، سکونت گاه‌های طبیعی، آب و خاک) یا اختلال قابل اندازه گیری در کارکرد منابع طبیعی که ممکن است به گونه‌ای مستقیم یا غیر مستقیم حادث شود. مجلس اروپایی در سال ۲۰۰۴، رهنمودی را درباره مسئولیت‌های زیست محیطی برای کشورهای عضو، در خصوص پیشگیری و جبران خسارات زیست محیطی، تصویب کرد. این رهنمود، مسئولیت‌های گوناگونی را در بر می‌گیرد. خسارات زیست محیطی در این سند، محدود به خسارات وارد بر موجودات زنده، زیستگاه‌ها، آب و خاک شده است. دیدگاه رهنمود، درباره موجودات زنده و زیست گاه‌ها خیلی محدود است و درباره آسیب به خاک، تنها به آلودگی، آن هم در صورتی که به زیان بشر باشد، اشاره شده است و این در حالی است که در بقیه موارد، چنین نیست و خود محیط زیست حمایت شده است. این موضوع به نظر نمی‌رسد که پذیرفتنی و توجیه پذیر باشد. از طرفی خسارات زیست محیطی ناشی از حوادث حمل و نقل دریایی و زمینی را، از قواعد دستور العمل مستثنی کرده است؛ به این دلیل که این مسائل به طور کافی در معاهدات بین المللی مدنظر قرار گرفته‌اند. خسارات زیست محیطی هر نوع تغییر، در کل محیط زیست یا در بخشی از آن است، به طوری که آثار زیان بار و مخربی بر کیفیت محیط زیست داشته باشد. منظور از تغییر در اینجا تغییرات فیزیکی یا بیولوژیکی است که در ترکیب محیط زیست، برگشت پذیری آن، بهره برداری از اکوسیستم طبیعی و نیز در قابلیت و ظرفیت محیط زیست ایجاد می‌شود که برای حفظ کیفیت محیط زیست (کیفیت قابل قبول حیات یا تعادل و توازن پایدار) آثار مخربی (بر اکوسیستم‌ها، بهداشت انسان، اموال و سایر استفاده‌های مشروع از محیط زیست) داشته باشد. در ضمن آلودگی باید قابل ملاحظه و ارزیابی، اساسی یا فراتر از سطح معمول باشد. این شروط انعطاف پذیر بر اساس شرایط طبیعی و منطقه‌ای متفاوت خواهند بود. با این توضیحات محرز می‌گردد که خسارت زیست محیطی، مفهومی پیچیده و گسترده دارد.

در خصوص مفهوم خسارت زیست محیطی، کمیسیون اروپا در اسناد خود گرایش‌های متفاوت داشته است. به طوری که در لایحه ۲۰۰۰ دو نوع خسارت قابل مطالبه پیش‌بینی شده بود:

۱. خسارت زیست محیطی که خسارت به تنوع زیستی، آب و محوطه‌های آلوده را در بر می‌گرفت.
۲. خسارت سنتی که منظور همان خسارت وارد به اشخاص و اموال است.

به دنبال انتقاداتی که در مورد پیش‌بینی خسارت‌های سنتی صورت گرفت کمیسیون اروپا در دستورالعمل پیشنهادی به پارلمان و شورای اروپا چنین خسارت‌هایی را از شمول خسارت‌های زیست محیطی خارج کرد و این امر را به قوانین داخلی دولت‌های عضو اتحادیه محول نمود. دلیل کمیسیون در پیش‌بینی خسارت‌های سنتی این بود که «اگر خسارت‌های سنتی به قوانین داخلی و دولت‌های اتحادیه محول شود ممکن است پیامدهای غیرمصفانه داشته باشد زیرا در بعضی از کشورها ممکن است میزان این خسارت کمتر محاسبه شود یا به‌طور کلی چنین خسارت‌هایی قابل مطالبه نباشد».

۲-۱-۳-۲. انواع خسارت زیست محیطی

به طور کلی خسارات از جنبه‌های ذیل قابل دسته بندی هستند:

۲-۱-۳-۱. خسارت از لحاظ ماهیت

خسارت از لحاظ ماهیت به دو قسم خسارت مادی و معنوی تقسیم می‌شود.

۱. خسارت مادی: ضرر و زیان ناشی از عمل مستقیم یک کشور یا اتباع آن است، مانند: آلودگی هوا.
۲. خسارت معنوی یا غیر مادی: خسارتی است که بر اثر حدوث آن، به هیچ وجه لطمه مادی و مالی وارد نمی‌گردد، بلکه ضرر و زیان جنبه معنوی و غیر مالی دارد، مانند: تأثیرات روانی بر مردم ناشی از آلودگی هوا در مواردی خسارت ایجاد شده سبب هر دو نوع خسارات مادی و معنوی می‌گردد، مانند تخریب کوهپایه‌های کنار کوه که هم موجبی در ایجاد خسارت مالی دارد و هم از نظر معنوی (از بین بردن مناظر طبیعی و بکر) مؤثر خواهند بود.

۲-۱-۳-۲. خسارت از جهت شیوه ورود خسارت

از این جهت خسارت به خسارت مستقیم و خسارت غیر مستقیم (خسارت بی واسطه یا با واسطه) دسته بندی می‌گردد.

۱. خسارت مستقیم: اگر میان خسارت اعم از مادی و معنوی و یک عمل متخلفانه بین المللی رابطه علیت یا سببیت قطعی و مسلمی برقرار شود، آن خسارت مستقیم است. مانند تخلیه مواد نفتی در

دریا. طبق یک رویه قضایی بین المللی تنها خسارت مستقیم ممکن است موجب طرح مسوولیت بین المللی گردد.^۱

۲. خسارت غیر مستقیم: در مقابل خسارت مستقیم، خسارت غیر مستقیم قرار دارد، که فرع بر خسارت مستقیم است.^۲ به طور مثال تخلیه زائدات نفتی در رودخانه، که بعدها به دریا وارد گردد. در این جا این عمل به صورت غیر مستقیم عامل خسارت در دریا می شود.

۲-۱-۳-۲. خسارت از حیث علت ورود خسارت

خسارت از این حیث به خسارت تصادفی و غیر تصادفی تقسیم می گردد.

۱. خسارت تصادفی: به معنی خسارت ناگهانی است و از وقوع یک رویداد به طور کلی پیش بینی نشده (یا یک سری از اتفاقات با یک منشاء مشترک) ناشی می شود. این که آیا خسارت از وقوع یک حادثه ناشی می شود و یا از یک فرآیند تجمیعی با اثرات مضر ناشی می شود، تا جایی که به مسوولیت مربوط می شود، تفاوتی ندارد. در هر دو مورد، ممکن است عامل انجام فعالیت مسئول باشد.

۲. خسارات غیر تصادفی: به زیان ناشی از اثرات تدریجی و افزایشی فعالیت ها اطلاق می شود. این خسارات می تواند از یک فرایند مداوم مانند انتشار دود صنعتی و یا از اعمال تکرار شونده مانند تخلیه زباله در رودخانه و یا دریا ناشی شود. این خسارات عمدتاً خود را در شکل خسارت آلودگی آشکار می نمایند.^۳

۲-۱-۳-۴. خسارت از حیث قلمرو

خسارات زیست محیطی در دو قلمرو ملی و بین المللی حادث می گردند.

۱. قلمرو ملی: بر طبق قوانین داخلی کشورها، در صورت وقوع هرگونه خسارت زیست محیطی در محدوده حاکمیت ملی دولت ها قوانین داخلی جاری است. در بیشتر قوانین ملی کشورها میزان و نحوه جبران خسارت زیست محیطی تعریف شده است که بر اساس آن هرگونه خسارت زیست محیطی جبران خسارت می گردد. مسوولیت در قلمرو ملی اعم از مسوولیت مدنی و مسوولیت کیفری طبق قوانین داخلی کشورها مشخص گردیده که در صورت بروز هرگونه خسارت زیست

¹- Brans Edward. H. P. Uilhoorn Mark. u: "liability for damage to public Natural Resources", ۱۷ september ۱۹۹۷. Pp۱۲-۹. B. Sandvik: Miljoskadeansvar, p۱۲۳

^۲ - ضیایی بیگدلی، محمدرضا، (۱۳۹۳)، حقوق بین الملل عمومی، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ سی و دوم، صص: ۴۹۳-۴۹۴

³- Hankin, Xue, Transboundary Damage in International Law, Cambridge University Press. Frist published, 2003, p.34.

محیطی، جبران خسارت می‌گردد. لذا در صورتی که خسارت در قلمرو ملی باشد، آسیب رساننده پیرو قوانین داخلی کشورها مکلف به جبران خسارت است.

۲. قلمرو بین المللی: گاه یک نوع از آلودگی دارای پیامدهایی فراملی و فرامرزی می‌گردد؛ مانند آلودگی هوا و ایجاد باران اسیدی که ممکن است منشأ پیدایش آن کیلومترها از محل وقوع آن فاصله داشته باشد. علت این مسأله را باید در به هم پیوستگی و ارتباط عناصر و مؤلفه‌های محیط زیست جستجو کرد. نمونه‌های بسیاری از این موضوع را می‌توان ذکر کرد که از مهم‌ترین آن‌ها پیدا شدن آثاری از مواد رادیو اکتیو نیروگاه چرنوبیل^۱ در سواحل آمریکا پس از گذشت بیش از چهل سال از حادثه انفجار راکتور هسته‌ای چرنوبیل در اوکراین است. جهان امروز مواجه با آلودگی‌های فرامرزی و تخریب محیط زیست در سطح بین المللی است. البته منظور از تخریب بین المللی پیامدهای بین المللی و جهانی یک تخریب است. به طور مثال مشخص شده که تخریب جنگل‌های آمزون واقع در برزیل از عمده‌ترین دلایل وقوع پدیده گرمای جهانی است که گرم شدن کره زمین و آب شدن کوه‌های یخ قطبی و ... را در پی دارد.^۲

۳. مفهوم خسارات فرامرزی: خسارت فرامرزی می‌تواند از طیف گسترده‌ای از فعالیت‌ها ناشی شود که در یک کشور به اجرا درمی‌آیند، اما در قلمرو دیگری عوارض جانبی ایجاد می‌کنند. با این حال به طور معمول خسارت فرامرزی به خسارات برون مرزی اشاره دارد که از طریق زمین، آب

۱ - در ۲۵ و ۲۶ آوریل ۱۹۸۶ متصدیان راکتور برای انجام آزمایشی سیستم ایمنی راکتور را غیر فعال کردند (کندکننده‌های نوترون را از آن خارج کردند). نتیجه آن راکتوری بدون کندکننده مناسب و از کنترل خارج شدن آن بود. بدون توانایی در کنترل راکتور، دمای آن به حدی رسید که بیشتر از حرارت خروجی طرح ریزی شده بود. حادثه زمانی آغاز شد که در ۱۰:۱۱ شب ۲۵ آوریل ۱۹۸۶ نیروگاه چرنوبیل دستور کاهش میزان قدرت راکتور برای تست را دریافت نمود و نیروگاه شروع به کاهش قدرت راکتور شماره چهار تا ۳۰ درصد نمود. دو اشتباه واقع مهلك چرنوبیل را رقم زد اولین اشتباه زمانی بود که کنترل کننده راکتور به اشتباه و بر اثر عدم تنظیم کردن میله‌های جذب نوترون نیروی راکتور را تا یک درصد کاهش داد و راکتور بیش از پیش افت قدرت پیدا کرد. در اینجا بود که پرسنل دومین اشتباه خود را انجام دادند و تقریباً تمامی میله‌های کنترل را از داخل راکتور بیرون کشیدند. این همانند زمانی است که اتومبیلی را در آن واحد هم گاز داد و هم ترمز گرفت. در این زمان و با وجود نبود میله‌های کنترل کننده قدرت در داخل منطقه فعال نیروی راکتور به ۷ درصد افزایش پیدا نمود. هیچ کس دقیقاً نمی‌داند بر اثر این انفجار، از ۱۸۰ تن سوخت هسته‌ای موجود چه میزان آن وارد اتمسفر شد. با وجود گذشت ۳۲ سال از این فاجعه حدود ۹ میلیون نفر در نواحی آلوده به رادیواکتیو چرنوبیل سکونت دارند و پیش بینی کارشناسان انگلیسی گویای این مسئله تلخ است که حدود ۶۶ هزار نفر دیگر به علت ابتلا به سرطان که انفجار نیروگاه هسته‌ای چرنوبیل باعث آن شده است در سالهای آینده جان خود را از دست خواهند داد که این میزان ۱۵ برابر پیش بینی‌های سازمان ملل است.

بیشتر از ۱۰۰ عنصر رادیو اکتیو بعد از انفجار چرنوبیل وارد منطقه شدند. البته اکثر این عناصر نیمه عمر کوتاهی داشتند و خیلی زود پرتوایی خود را از دست دادند. ید، استرانسیوم و سزیوم خطرناک‌ترین عناصری بودند که آزاد شدند و به ترتیب نیمه عمری برابر با ۸ روز، ۲۹ سال و ۳۰ سال داشتند. به همین دلیل ایزوتوپ‌های استرونتیوم - ۹۰ و سزیوم - ۱۳۷ هنوز در منطقه موجود هستند. همانطور کهید باعث سرطان تیروئید می‌شود، استرونتیوم هم لوسمی یا سرطان خون ایجاد می‌کند. سزیوم هم عنصری بود که بیشتر از همه عناصر پراکنده شد و بیشتر از همه آنها هم در طبیعت باقی می‌ماند. این عنصر بقیه اعضای بدن را تحت تأثیر قرار می‌دهد و کار کبد و طحال را مختل می‌کند.

بر گرفته از سایت به آدرس: <http://www.tabnak.ir/fa/news/> ۱۶۰۸۶۵

۲ - خلعتبری، یلدا، داوود هرمیداس باوند، علی زارع، سید عباس پورهایمی، (۱۳۹۵)، تحلیل مفاهیم آلودگی و خسارت در حقوق بین الملل محیط زیست، مجله علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره ۱۸، ش ۳، ص: ۶۷

یا هوا در روابط بین دولت‌ها ایجاد می‌شوند. در حقوق بین الملل محیط زیست، چنین خسارتی اغلب با عنوان آسیب یا خسارات زیست محیطی بین المللی شناخته می‌شوند. از آن جا که اصطلاح "محیط زیست" با چنین معانی گسترده‌ای تکامل یافته است، خسارات فرامرزی به چهار عنصر محدود شده است:

(۱) رابطه فیزیکی بین فعالیت و خسارت، (۲) علت و معلول انسان، (۳) آستانه مشخصی از شدت که مستلزم اقدامات قانونی است و (۴) حرکت فرامرزی تاثیرات مخرب^۱.

۲-۲. مقررات ملی و بین المللی راجع به آلودگی صوتی

۲-۲-۱. مقررات ملی راجع به آلودگی صوتی

۲-۲-۱-۱. آئین نامه امور خلافی

بعد از استقرار نظام قانونگذاری در ایران اولین قانونی که به مسئله آلودگی صوتی پرداخت بند ۹ ماده ۶ آیین نامه امور خلافی مصوب ۲۲ مرداد ۱۳۲۳ بود که مطابق آن ایجاد همهمه و غوغا و ایجاد صداهای ناهنجار ولو برای فروش متاع خود یا شرکت در آن مستلزم پنج روز حبس تکذیری یا تا پنجاه ریال غرامت بود.

۲-۲-۱-۲. آیین نامه راجع به نصب و استفاده از بلندگو

قانونی دیگر که در این راستا مد نظر قرار گرفته است؛ آیین نامه راجع به نصب و استفاده از بلندگو می‌باشد. مطابق آیین نامه راجع به نصب و استفاده از بلندگو مصوب ۱۳۳۵/۷/۲۵ نصب و استفاده از آن نیاز به اجازه قبلی شهرداری داشته و مطابق ماده ۴ آن نیز محدودیت‌های زمانی تعیین شده بود که متخلفین از آن به حبس از دو روز تا ده روز یا به غرامت تا دویست ریال محکوم می‌شدند.^۲

۲-۲-۱-۳. آئین نامه راهنمایی و رانندگی

آیین نامه راهنمایی و رانندگی مصوب ۱۸ اردیبهشت ۱۳۴۷ نیز قانون دیگری بود که با موضوع آلودگی صوتی به تصویب رسید. ممنوعیت در این قانون با موضوعیت اتومبیل است. مطابق ماده ۱۶۳ آیین نامه فوق «نصب بوقهای شیپوری، سوت بلبلی و به طور کلی هر نوع وسیله اخبار صوتی با صدای ناهنجار و همچنین بوق زدن ممتد و غیر ضروری و مکرر ممنوع می‌باشد.» علاوه بر این آیین نامه می‌توان به

^۱ - فتائی، ابراهیم، (۱۳۹۱)، مقدمه‌ای بر شناخت محیط زیست، چاپ دوم، اردبیل، انتشارات مهد تمدن، ص: ۲۱۴

^۲ - مشهدی، پیشین، ص: ۵۶

قانون تشدید مجازات موتور سیکلت سواران متخلف مصوب ۱۳۵۶ اشاره نمود که مطابق این قانون، تولید صداهای ناهنجار از لوله اگزوز موتورسیکلت جرم اعلام گردید.

۲-۱-۴. قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳

با تصویب قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست یکی از وظایفی که بر عهده سازمان حفاظت محیط زیست گذاشته شد جلوگیری از پخش و ایجاد صداهای زیان آور در محیط زیست بود. (بند ۴ ماده ۶)

در ماده ۹ به اقداماتی که منجر به آلودگی محیط زیست می شوند اشاره شده است مطابق این تعریف «آلوده ساختن محیط زیست عبارتست از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی یا شیمیایی یا بیولوژیک آن را به طور زیان آور به حال انسان یا سایر موجودات زنده و یا گیاهان و یا آثار و ابنیه باشد تغییر دهد.» و در ماده ۱۰ نیز صراحتاً به آلودگی صوتی اشاره و مقررات مربوط به جلوگیری و پخش صداهای زیان آور به محیط زیست و ضوابط و معیارهای آن را منوط به آیین نامه ای نموده که به تصویب مراجع ذیربط می رسد.

۲-۱-۵. قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴

قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۷۴/۲/۳ در ماده ۲ اقدام به هر عملی که موجبات آلودگی هوا را فراهم نماید ممنوع اعلام نمود. و منظور از آلودگی هوا در این قانون عبارت بود از وجود و پخش یک یا چند آلوده کننده اعم از جامد، مایع، گاز، تشعشع پرتوزا و غیر پرتوزا در هوای آزاد به مقدار و مدتی که کیفیت آن را به طوریکه زیان آور برای انسان و یا سایر موجودات زنده و یا گیاهان و یا آثار و ابنیه باشد تغییر دهد. و منابع آلوده کننده هوا که تحت مقررات این قانون قرار داشت به سه دسته زیر طبقه بندی گردید الف- وسائل نقلیه موتوری، ب- کارخانجات و کارگاهها و نیروگاهها و ج- منابع تجاری و خانگی و منابع متفرقه.

هر چند در این قانون در تعریف آلودگی هوا صراحتاً انتشار صوت غیر مجاز به عنوان منبع آلاینده هوا معرفی نگشت، اما در ماده ۲۷ آلودگی صوتی ممنوع اعلام گشت. مطابق این ماده «ایجاد هر گونه آلودگی صوتی بیش از حد مجاز ممنوع می باشد.» البته جزئیات آن را منوط به آئین نامه ای شد که در تاریخ ۷۸/۴/۱ با عنوان آئین نامه اجرایی نحوه جلوگیری از آلودگی صوتی به تصویب هیأت وزیران رسید.

۲-۱-۶. آئین نامه نحوه جلوگیری از آلودگی صوتی مصوب ۷۸/۴/۱ هیأت وزیران

آئین نامه اجرایی جلوگیری از آلودگی صوتی مشتمل بر ۱۳ ماده و ۶ تبصره، تا قبل از قانون اخیرالتصویب هوای پاک مهمترین متن قانونی در زمینه جلوگیری از آلودگی صوتی بود. در ماده ۱ این آئین نامه به

تعاریف پرداخته شده و در بند ۴ آن برای نخستین بار واژه (دسی بل dB) عنوان شده است. در ماده ۳ مسئولیت شناسایی منابع آلوده کننده به عهده سازمان محیط زیست گذاشته شده و اقدامات سازمان در این خصوص ذکر گردیده است. در ماده ۴ وظیفه سازمان محیط زیست در قبال آلودگی کارخانجات و عاملان این آلودگی عنوان شده و در خصوص بازرسی در جهت اجرای وظایف قانونی سازمان و اطمینان از رعایت مفاد احکام در ماده ۵ صحبت شده و در تبصره این ماده جریمه و مجازات ناشی از عدم همکاری عاملین آلودگی با سازمان به استناد ماده ۳۰ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا ذکر شده است.

از ماده ۶ تا ۸ در خصوص قوانین مرتبط به منابع آلاینده متحرک (وسایل نقلیه) صحبت شده و در ماده ۷ به مجازات‌های ناشی از عدم رعایت حدمجاز آلودگی صوتی به استناد ماده ۳۲ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا اشاره شده و در ماده ۸ وظیفه تولیدکنندگان، سازندگان و واردکنندگان وسایل نقلیه موتوری و قطعات آن‌ها توضیح داده شده و تکمیل کننده ماده قانونی قبل است.

در ماده ۹ با وجود این که در ماده ۶ تا ۸ تمام وسایل نقلیه موتوری ذکر شده‌اند قانون گذار مجبور شده در این ماده قائل به تفکیک شده و در خصوص هواپیماها و تردد آن‌ها در آسمان ایران یا فرودگاه‌های آن را ملزم به رعایت ضوابط و استانداردهای سازمان هوانوردی بین المللی^۱ نماید و رسیدگی به شکایات آن و نظارت بر اجرای این ماده را به عهده این سازمان بگذارد. در ماده ۱۰ در خصوص لزوم انجام ارزیابی اثرات زیست محیطی برای محل فرودگاه‌ها و وسایل نقلیه موتوری سنگین صحبت شده و انجام این ارزیابی براساس الگوی مصوب شواریعالی حفاظت محیط زیست و تأیید سازمان برای استقرار در محل مناسب از جهت رعایت حدمجاز آلودگی صوتی می‌باشد.

در ماده ۱۱ و ۱۳ قانون گذار به صورت جزئی تر در خصوص استقرار و فعالیت واحدهای آلاینده صوتی صحبت کرده و به مجازات‌های مقرر در ماده ۳۲ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا، در صورت عدم رعایت حد مجاز آلودگی صوتی اشاره شده است.

۲-۱-۷. قوانین برنامه سوم و چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

مطابق با بند (ج) ماده ۱۰۴ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹ «به منظور کاهش عوامل آلوده کننده محیط زیست، بالاخص در مورد منابع طبیعی و منابع آب کشور، واحدهای تولیدی موظفند برای تطبیق مشخصات فنی خود با ضوابط محیط زیست و کاهش آلودگی‌ها اقدام کنند. هزینه‌های انجام شده در این مورد به عنوان هزینه‌های قابل قبول

^۱-ICAO

واحد هامنظور می‌گردد. از واحدهائی که از انجام این امر خودداری نمایند و فعالیت‌های آنها باعث آلودگی و تخریب محیط زیست گردد، جریمه متناسب با خسارت وارده اخذ و به درآمد عمومی واریز می‌گردد تا در قالب لوایح بودجه سنواتی برای اجرای طرحهای سالم سازی محیط زیست هزینه شود.» همانطور که می‌بینیم این برنامه ضمن الزام واحدهای تولیدی به رعایت ضوابط زیست محیطی، به شناسایی و اخذ جریمه متناسب با خسارت وارده از سوی واحدهای آلاینده پرداخته است. و در ماده ۸ آئین نامه اجرایی بند (ج) این ماده مصوب ۱۳۷۹/۱۲/۲۷ روش احتساب میزان جریمه آلودگی صوتی تعیین گردید. همچنین مفاد این برنامه مطابق ماده ۷۱ قانون برنامه چهارم توسعه برای سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ نیز تنفیذ گردید.

۲-۱-۸. مصوبه شماره ۲۳۶ شورای عالی محیط زیست راجع به حد مجاز آلودگی صدا در هوای

آزاد ایران

این مصوبه در اجرای ماده ۲ آیین نامه اجرایی نحوه جلوگیری از آلودگی صوتی مصوب ۱۳۷۹/۳/۱۹ توسط شورای عالی محیط زیست به تصویب رسید و استانداردهای حد مجاز انتشار صدا در مناطق ۱- مسکونی ۲- تجاری مسکونی ۳- تجاری ۴- مسکونی صنعتی و ۵- صنعتی به تفکیک اعلام گردید.

۲-۱-۹. قانون هوای پاک مصوب ۹۶/۴/۲۵

پس از لازم الاجرا شدن این قانون؛ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴/۲/۳ و کلیه آئین نامه‌های اجرایی آن نسخ گردید. در این قانون ضمن تعریف آلودگی هوا انتشار صدای غیر مجاز صراحتاً به عنوان آلاینده هوا شناسایی و نوعی آلودگی هوا معرفی گردید. البته به مقدار و مدتی که کیفیت هوا را به گونه‌ای تغییر دهد که برای سلامت انسان و موجودات زنده، فرآیندهای بوم‌شناختی (اکولوژیکی) یا آثار و ابنیه زیان‌آور بوده و یا سبب از بین رفتن یا کاهش سطح رفاه عمومی گردد.

به موجب این قانون کاهش یا از بین رفتن سطح رفاه عمومی افراد به عنوان یکی از مؤلفه‌های تأثیر گذار آلودگی هوا شناسایی شده است. این امر از نکات مثبت این قانون است که می‌تواند زمینه جبران خسارات زیست محیطی که بر آسایش و سلامت روانی تأثیر می‌گذارد، فراهم آورد.

در ماده ۲۷ ایجاد هرگونه آلودگی صوتی توسط منابع ثابت و متحرک، ممنوع اعلام شده است و درمورد منابع ثابت مرتکب به جزای نقدی درجه هفت موضوع ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی محکوم می‌گردد. در تبصره ۱ این ماده آمده است: نیروی انتظامی مکلف است راننده وسایل نقلیه موتوری را

برای بار اول ملزم به جریمه نقدی معادل یک میلیون ریال، در صورت تکرار برای بار دوم دو برابر جریمه مذکور و در صورت تکرار بیش از دوبار به جریمه نقدی معادل سه میلیون ریال محکوم نماید.

اما از نکات حائز اهمیت این قانون اشاره صریح به جریمه انتشار آلودگی و جبران خسارات وارده به محیطی زیست توسط متخلف در ماده ۱۲ است. مطابق این ماده «سازمان مکلف است که تمامی مراکز و واحدهای صنعتی، تولیدی، عملیات معدنی، خدماتی، عمومی و کارگاهی را که آلودگی آنها بیش از حدمجاز مصوب است، مشخص نموده و مراتب را با تعیین نوع، میزان آلودگی، وسعت منطقه تحت تأثیر و حساسیت منطقه به مالکان یا مسؤولان یا مدیران عامل و یا بالاترین مقام تصمیم گیر واحد ابلاغ کند تا در مهلت معینی که توسط سازمان تعیین می شود نسبت به رفع آلودگی یا تغییر تولید یا تغییر فرآیند تولید یا تعطیلی کار و فعالیت خود (براساس نوع آلودگی و ماهیت فرآیند کنترلی) اقدام نمایند. در طی مدت تعیین تکلیف این واحدها، طبق مفاد این قانون، به واحدهای مذکور، جریمه ایجاد و انتشار آلودگی تعلق می گیرد.» همچنین در تبصره ۲ آمده است که: «در صورت عدم اجرای مفاد این ماده، در پایان مهلت مقرر، سازمان از ادامه فعالیت آنها جلوگیری نموده و متخلف را جهت پیگرد قضائی، طبق مفاد این قانون به مرجع صالح قضائی معرفی می کند. واحد تولیدی علاوه بر جبران خسارات وارده به پرداخت جریمه نقدی معادل سه تا پنج برابر خسارات وارده به محیط زیست محکوم می شود».

همانطور که می بینیم، ساز و کار جبران خسارت زیست محیطی در این قانون که پس از برنامه سوم و چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ماده ۱۰۴) مغفول مانده بود با تصویب این قانون مجدداً مورد تصریح قانون گذار قرار گرفت.

۲-۱-۱۰. آئین نامه اجرایی ماده ۲۹ قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۷/۰۶/۲۱

در این آئین نامه نیز آلودگی صوتی، منابع، کانون ها و عاملین آن تعریف گردیده و حدود مجاز انتشار صدا مشخص شده است. ماده ۳ وظایف و تکالیف سازمان حفاظت محیط زیست در برابر عامل آلودگی صوتی را مشخص کرده و عامل آن مکلف به رفع آلودگی صوتی در مهلت تعیین شده سازمان است. و به موجب ماده ۴ در صورت عدم رفع آلودگی، اقدامات و ضمانت اجراهای موضوع قانون هوای پاک در مورد متخلف اجرا می شود. در نتیجه پرداخت جریمه و جبران خسارات وارده توسط متخلف شامل عاملین آلودگی صوتی نیز می شود.

۲-۱-۱۱. مواد ۶۱۸ و ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی

مواد ۶۱۸ و ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی، می تواند در مقابله با آلودگی صوتی و مجازات متخلفین مؤثر و راهگشا باشد.

ماده ۶۸۸ و تبصره‌های آن با بیان مصادیق تهدید علیه بهداشت عمومی و محیط زیست و ارائه تعریف از آلودگی محیط زیست به جرم انگاری در این حوزه پرداخته است. هرچند در این ماده صراحتاً به آلودگی صوتی به عنوان آلودگی محیط زیست اشاره نشده است، اما با این حال می‌توان با توجه به تعریف تبصره ۲ این ماده از آلودگی محیط زیست، آلودگی صوتی را از مصادیق آن دانست.

اما ماده ۶۱۸ قانون مجازات اسلامی مستقیماً مرتبط با آلودگی صوتی است و در رویه قضایی نیز به آن استناد می‌شود. مطابق این ماده «هر کس با هیاهو و جنجال یا حرکات غیر متعارف یا تعرض به افراد موجب اخلال نظم و آسایش و آرامش عمومی گردد یا مردم را از کسب و کار باز دارد به حبس از سه ماه تا یک سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد».

۲-۲-۲. مقررات بین المللی راجع به مقابله با آلودگی صوتی

آلودگی صوتی بر خلاف آلودگی آب و هوا، جنبه مرزگذر و فرامرزی کمتری دارد و در محوطه محدودی از جغرافیا بوجود می‌آید. در نتیجه جنبه‌های بین المللی آن به مراتب کمتر از سایر آلودگی‌های زیست محیطی است. البته می‌بایست اذعان کرد، با توجه به گسترش حمل و نقل‌های هوایی و وجود هواپیماهایی که در هر لحظه و هر مکانی در حال تردد هستند و نیز تردد انواع مختلف شناورها و کشتی‌ها در دریاها و آبهای آزاد، می‌توان این جنبه را در خصوص آلودگی صوتی نیز، مترتب دانست. نمونه بارز این امر در آلودگی صوتی در محیط دریایی است، از آنجایی که صوت در آب با فرکانس شدیدتری نسبت به خشکی منتشر می‌شود، ممکن است آلودگی صوتی ناشی از یک کشتی در محدوده آبهای داخلی یک کشور اتفاق بیافتد ولی در آبها و موجودات زنده دریایی سرزمین دیگر اثر گذار باشد. از ویژگی مرزگذر که بگذریم، آلودگی صوتی به طور مستقیم با سطح کیفیت زندگی انسان، رفاه و آسایش او مرتبط است، به همین خاطر در برخی از کنوانسیون‌ها و اسناد بین المللی به طور مستقیم و یا غیر مستقیم مورد توجه و استانداردگذاری قرار گرفته است.

در ذیل به برخی از سازمان‌های بین المللی مهم که به لحاظ اساسنامه و اهداف ذاتی خود دارای اسناد و مقرراتی راجع به کنترل و جلوگیری از آلودگی صوتی هستند می‌پردازیم و در قدمی دیگر مقررات برخی کشورها را در خصوص مقابله با آلودگی صوتی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۲-۲-۱. سازمان‌ها و اسناد بین المللی

۲-۲-۱-۱. سازمان جهانی بهداشت^۱ (who)

سازمان جهانی بهداشت که به اختصار who نامیده می‌شود، یکی از آژانس‌های سازمان ملل متحد است که مهمترین هدف آن هماهنگی و ارتقاء وضعیت بهداشت عمومی در سطح جهان است. سازمان بهداشت جهانی در سال ۱۹۴۵ با تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد تشکیل یافته و در سال ۱۹۴۶ قانون اساسی خود را تصویب نمود.

سازمان جهانی بهداشت مسئولیت هدایت و هماهنگی ارتقاء سلامت مردم جهان را در چارچوب سازمان ملل متحد به عهده دارد. کارشناسان این سازمان استانداردهای سلامت را تدوین کرده و کشورها را در برخورد با مشکلات خود یاری می‌رسانند.

بر طبق تعریف سازمان جهانی بهداشت، سلامتی عبارت است از یک حالت آسودگی کامل جسمی، روانی، اجتماعی و تنها به نبود بیماری یا ناتوانی اطلاق نمی‌شود. سلامتی انسا نها امری اساسی برای دستیابی به صلح و امنیت که به بالاترین میزان همکاری بین مردم و دولت‌ها وابسته است. همچنین بر طبق اساسنامه سازمان جهانی بهداشت، بهره مندی از بالاترین استانداردهای قابل دسترسی سلامت یکی از اساسی ترین حقوق هر انسان بدون در نظر گرفتن نژاد، مذهب، اعتقادات سیاسی، شرایط اقتصادی یا موقعیت اجتماعی او است.^۲

بر اساس مطالعات سازمان جهانی بهداشت آلودگی صوتی به طور جدی به سلامت انسان آسیب می‌رساند و باعث اختلال در فعالیت‌های روزمره او می‌گردد. هر یک نفر از پنج نفر از اروپایی به طور منظم در معرض سطوحی از آلودگی صوتی در اوقات شب هستند که می‌تواند به طور قابل توجهی اثرات منفی روانی بر آنها داشته باشد.

سازمان جهانی بهداشت، تا کنون از شواهد بسیاری در مورد شناسایی اثرات آلودگی صوتی بر سلامت انسان در سطح اروپا استفاده، نیازهای گروه‌های آسیب پذیر را شناسایی و رهنمودهایی را برای حفاظت از سلامتی آنها ارائه داده است.

آخرین تلاش این سازمان در این راستا «دستور العمل سرو صدای محیطی برای منطقه اروپا سال ۲۰۱۸»^۳ می‌باشد. مطابق با این دستورالعمل آلودگی صوتی یکی از مسائل مهم بهداشت عمومی و دارای

^۱ World health organization.

^۲ رحیمی، غلامرضا، ۱۳۸۹، سازمان بهداشت جهانی (WHO)، مجله دانشکده پیراپزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران سال پنجم شماره ۱.

^۳ Environmental Noise Guidelines for the European Region (2018)

تأثیرات منفی بر سلامت انسان است. هدف اصلی این دستورالعمل ارائه توصیه‌هایی برای حفاظت از سلامت انسان از قرار گرفتن در معرض آلودگی صوتی است. این دستورالعمل توسط دفتر منطقه‌ای سازمان برای اروپا تصویب شده است ولی با توجه به پیامدها و مفاهیم بهداشتی آن می‌تواند در سایر مناطق قابل اجرا و برای مخاطبان جهانی مناسب باشد.^۱

۲-۲-۱-۲. سازمان بین المللی کار (ILO)

سازمان بین المللی کار یکی از مؤسسات تخصصی سازمان ملل متحد است که به امور مربوط به کار و کارگران می‌پردازد. این سازمان در سال ۱۹۱۹ و در نتیجه بحث‌های کنفرانس صلح پاریس تأسیس شد. این سازمان در آغاز وابسته به جامعه ملل بود و پس از تأسیس سازمان ملل متحد از سازمان‌های وابسته به آن شد. منشور فعلی سازمان که به بیانیه فیلادلفیا معروف است در سال ۱۹۴۴ تصویب شد.^۲

تلاش اصلی این سازمان حمایت از حقوق بنیادی انسانها و بهبود شرایط کار و زیست بوده است. ILO در حقیقت برای ایجاد اتحاد بین دول، کارفرمایان و اتحادیه‌های کارگری، به منظور اقدامی مشترک برای تضمین منافع هر سه گروه فوق و تحقق عدالت اجتماعی تأسیس شده است.

مهم‌ترین اسنادی که از سوی این سازمان صراحتاً به موضوع آلودگی صوتی پرداخته‌اند عبارتند از: ۱- مقاله نامه شماره ۱۴۸ سازمان بین المللی کار مورخ ۲۰ ژوئن ۱۹۷۷ در باره حفاظت از کارگران در محیط کار در برابر حوادث ناشی از کار مربوط به آلودگی هوا، سروصدا، لرزش‌ها و نوسانات می‌باشد.^۳ این مقاله نامه تحت نام (مقاله نامه مربوط به محیط کار) نیز شناخته می‌شود. ۲- توصیه نامه مربوط به محیط کار (شماره ۱۵۶) در خصوص آلودگی هوا، سرو صدا و ارتعاش^۴ و ۳- توصیه نامه مربوط به محل اقامت خدمه کشتی (شماره ۱۴۱).^۵

مقاله نامه سازمان بین المللی کار درباره حفاظت از کارگران در محیط کار در خصوص کلیه فعالیت‌های اقتصادی اعمال می‌شود و در پنج بخش و ۲۴ ماده تنظیم گردیده است و هریک از اعضا پس از رایزنی و مذاکره با سازمان‌های نماینده کارگر و کارفرما می‌توانند تعهدات آن را در خصوص آلودگی هوا، سرو صدا و ارتعاش بپذیرند.

^۱ www.euro.who.int/en/health-topics/environment-and-health/noise/publications/2018/environmental-noise-guidelines-for-the-european-region-2018

^۲ International Labour Organization

^۳ <https://fa.wikipedia.org/wiki/>

^۴ Working Environment (Air Pollution, Noise and Vibration) Convention, 1977 (No. 148)

^۵ Working Environment (Air Pollution, Noise and Vibration) Recommendation, 1977 (No. 156)

^۶ Crew Accommodation (Noise Control) Recommendation, 1970 (No. 141)

بر اساس تعریف مقاوله نامه در ماده ۳، اصطلاح آلودگی صوتی در بر گیرنده کلیه اصواتی است که منجر به اختلالات شنوایی و یا ایجاد ضرر برای سلامتی می گردد.

به موجب این مقاوله نامه قوانین و مقررات ملی باید تدابیری برای جلوگیری، کنترل و محافظت از افراد در محیط کار در برابر مخاطرات شغلی ناشی از آلودگی هوا، سر و صدا و ارتعاش، اتخاذ کنند.

مطابق با ماده ۹ مقاوله نامه، تا آنجاییکه ممکن است محیط کار باید عاری از هرگونه آلودگی هوا، سر و صدا و ارتعاش باشد و کارفرما باید تجهیزات حفاظت شخصی را به کارگران ارائه و نگهداری کند و از استفاده از نیروی کار بدون ایجاد این تجهیزات خودداری کند.

همچنین کلیه کارگران باید از خطرات شغلی بالقوه در محیط کار ناشی از آلودگی هوا، سر و صدا و ارتعاشات مطلع باشند و آموزش های لازم جهت جلوگیری، کنترل و حفاظت در برابر این خطرات را فراگیرند.

توصیه نامه مربوط به محل اقامت خدمه کشتی (شماره ۱۴۱) سازمان بین المللی کار سال ۱۹۷۰ یکی دیگر از اسناد مهم این سازمان در راستای کنترل سر و صدای مضر در محیط کار است. بر اساس این توصیه نامه دریانوردان، کارکنان و کلیه خدمه کشتی باید از تجهیزات حفاظتی در برابر آلودگی صوتی برخوردار باشند و آموزش های لازم در این خصوص را فرا گیرند. سر و صدا در محل استراحت و اقامت آنها به کمترین حد ممکن برسد و محل آن باید دور از موتور کشتی، واگن های عرشه، قسمت تهویه و سایر دستگاه های پر سر و صدا در نظر گرفته شود. همچنین باید از عایق های صوتی مناسب در ساخت قسمت های مختلف کشتی استفاده شود.

۲-۲-۱-۲. سازمان بین المللی هواپیمایی کشوری^۱

در سه دهه ی اخیر توجه بیشتری به سر و صدای هواپیماها و شیوه های کنترل آن شده است. آلودگی صوتی سامانه های حمل و نقل هوایی در دو مقوله ی سر و صدای مربوط به عملیات زمینی و عملیات هوایی می گنجد. در عملیات زمینی مواردی همچون آزمایش موتور روی زمین، سر و صدای ترافیک مربوط به فرودگاه، خدمات زمینی و سر و صدای واحدهای کمکی در محوطه ی بار سبب ایجاد آلودگی هستند. عملیات زمینی اغلب جمعیت و ساکنین فرودگاه را تحت تأثیر قرار می دهد و عملیات هوایی جمعیتی را تحت الشعاع قرار می دهد که در فاصله ی زیادی از فرودگاه قرار دارند.

¹ International Civil Aviation Organization.

در عملیات هوایی عواملی از قبیل سر و صدای رمپ، خزش از توقفگاه به طرف نقطه‌ی نگهداری در باند، سر و صدای نقطه آغاز چرخش، سر و صدای شیوه‌های نگهداری و کنترل ترافیک هوایی، انتخاب نیروی برخاست، سر و صدای مسیر پرواز در مناطق روستایی، نگهداری تقرب، نوبت بندی تقرب پس از نگهداری، تعیین مسیر نشست، تقرب نهایی و خزش به سمت توقفگاه سبب ایجاد سر و صدا هستند.

سطح اثرات آلودگی‌های صوتی فرودگاه بر ساکنین ساختمان‌های مجاور فرودگاه نیز به عوامل متفاوتی بستگی دارد. که از جمله آن‌ها می‌توان به میزان و مدت دوره‌ی زمانی سر و صدا، تعداد و نوع عملیات پروازی هواپیما، مسیرهای پروازی مورد استفاده برای نشست و برخاست هواپیماها، ترکیب ناوگان پروازی، زمان پرواز در طول شبانه روز و شرایط جوی منطقه اشاره کرد. از طرف دیگر افزایش و کاهش میزان نارضایتی‌های ایجاد شده از آلودگی‌های صوتی فرودگاه‌ها به نوع کاربری‌های زمین و ساختمان‌های اطراف فرودگاه، نحوه ساخت و ساز ساختمان‌ها، فاصله‌ی ساختمان‌ها از فرودگاه و سطح حداقل سر و صدا بستگی دارد.

با عنایت به مطالب پیش‌تر گفته شده بهبود عملکرد زیست محیطی صنعت هواپیمایی یکی از چالش‌های مهم این صنعت می‌باشد. به همین منظور سازمان جهانی هواپیمایی کشوری (ایکائو) اقدام به تدوین استانداردها، سیاست‌گذاریها و مواد راهنمای متعددی در این خصوص نموده است. اقدامات صورت گرفته تا کنون باعث گردیده که عملیات هواپیما نسبت به دهه ۱۹۷۰ بیش از ۷۰٪ کارآمدتر باشد. این سازمان دارای کمیته ویژه بررسی سر و صدای ناشی از هوا پیماست (CAN) که به تعیین استانداردهای پرواز در این زمینه اقدام می‌کند. این کمیته در سال ۱۹۶۹ اقدام به تعیین استانداردهای مجاز تولید سر و صدا توسط هواپیماها نمود. همچنین در سال ۱۹۷۱ نیز اقدام به تعیین فرایند و مراحل مختلف تست هواپیماها از جهت صدور مجوز قبلی آزمایشات قبلی نمود. بندهای الف و ب ماده ۹ این کنوانسیون به محدودیت و ممنوعیت پرواز در برخی از مناطق با نواحی به علت‌های نظام امنیتی یا تأمین سلامت عمومی اشاره نموده است.

درمجمع عمومی ۲۰۰۱ ایکائو برای مدیریت سروصدای هواپیما پیشنهاد گردید که رویکرد متوازن برای مدیریت سروصدای هواپیما در فرودگاه‌ها به کار گرفته شود. به دنبال آن در مجمع عمومی ۲۰۰۷ ایکائو، این رویکرد جدید ارائه شد که مبتنی بر ۴ اصل زیر می‌باشد:

تولید هواپیماهای کم سروصدا، برنامه ریزی و مدیریت کاربری زمین، تدوین دستورالعمل‌های عملیاتی با هدف کاهش سروصدا، ایجاد محدودیت‌های عملیاتی.

در نگرش متعادل چون وضعیت صدا در هر فرودگاهی منحصر به فرد است، راه حل واحدی که برای همه وضعیت ها مناسب باشد، وجود ندارد. در این نگرش، برای آنکه مشکل صدای هواپیما، کاهش یابد و مناسب ترین اقدام شناسایی شود، باید همه گزینه های موجود ارزیابی یا ترکیبی از اقدام ها اتخاذ شود.

برای اجرای هریک از این راهبردها، ابزارهای زیادی در دست است. برای نمونه، در راهبرد برنامه ریزی و مدیریت استفاده از زمین، ابزارهایی از قبیل تملک زمین و تحصیل حق ارتفاع قراردادی از مالکان مجاور فرودگاه وجود دارد. تملک زمین از سوی مالکان فرودگاه یا دولت و در فرآیند سلب مالکیت خصوصی با پرداخت غرامت یا بهای عادلانه انجام می شود. امتیاز این روش، کنترل مستقیم مالک فرودگاه یا دولت بر زمین تملک شده است. به هر ترتیب تملک زمین، گرچه روش مفیدی برای درمان مشکلات صدای هواپیما به شمار می رود اما بسیار هزینه بر است.

نخستین بار ایکائو در سند ۹۰۸۲ تحت عنوان "تعرفه های خدمات ناوبری و فرودگاهی" به موضوع جریمه سروصدای هواپیما پرداخت. شورای ایکائو در آن زمان متوجه شد که کاهش سروصدای موتور هواپیما به تنهایی کافی نیست و در بسیاری فرودگاهها نیاز به اقدامات پیشگیرانه در این خصوص وجود دارد. البته اخذ چنین جریمه هایی تنها در فرودگاههایی که با مسئله سروصدا به طور جدی مواجه اند توصیه شده است و این جریمه ها باید به گونه ای وضع شوند که برای عملیات شرکتهای هواپیمایی توجیه پذیر باشد.

توصیه های عملی در تعیین تعرفه های جریمه سروصدا و نحوه جمع آوری آن در سند ۹۵۶۲ ایکائو تحت عنوان نظامنامه اقتصاد فرودگاهی آورده شده است. اطلاعات مربوط به اینگونه جریمه ها نیز در سند ۷۱۰۰ ایکائو تحت عنوان "نظامنامه تعرفه های تجهیزات ناوبری هوایی و فرودگاهی" در دسترس می باشد.

۲-۲-۲. قوانین و مقررات برخی از کشورها برای مقابله با آلودگی صوتی

۲-۲-۲-۱. قوانین و مقررات مربوط به آلودگی صوتی کشور ترکیه

قانون خاص در این کشور درخصوص آلودگی صوتی مشتمل بر ۳۴ ماده بوده که در آن قانون گذار به صورت مفصل و مجزا در خصوص هریک از منابع آلاینده مقررات مربوط به آن را ذکر نموده است و سپس در قالب ۷ جدول و یک ضمیمه استانداردهای مربوط به آلودگی صوتی در منابع مختلف ذکر شده است. بخش اول این قوانین شامل مقررات عمومی است که در آن هدف، حیطه مشمول و تعاریف و مبانی قانونی و... تعریف شده اند و تعاریف به صورت تخصصی و مفصل توضیح داده شده است و سپس عملکرد، اختیار و مسئولیت اجرای این قانون ذکر گردیده است. در بخش دوم منابع سر و صدا به صورت

تقسیم بندی شده شامل قوانین بزرگراه‌ها، خودروهای بزرگراهی، ماشین آلات صنعتی، راه سازی و ساختمان سازی و هواپیما و خط آهن ذکر شده است. در بخش سوم قانون گذار قوانین حاکم بر محل‌های مسکونی، ساختمان سازی و مواد را توضیح داده و در بخش چهارم قوانین مربوط به دیگر ممنوعیت‌های سر و صدا مانند اخذ مجوز برای بازگشایی مجدد صنایع پر سر و صدا، تمهیدات لازم را برای کنترل سر و صدا ایجاد شده در زمان‌های ساخت و ساز و صدای موسیقی و... به صورت جزئی ذکر شده و در بخش پنجم مقررات متفرقه مانند موارد خاص، بازرسی‌ها و مجازات‌های تخطی از مواد این قانون عنوان شده است. در مجموع قوانین کشور ترکیه تقریباً قوانین کاملی بوده که در آن با ذکر جزئیات منابع مختلف سر و صدا تقسیم بندی گردیده و قوانین مرتبط به هریک از آن‌ها و مجازات‌های تخطی از آن‌ها را توضیح داده شده است.^۱

۲-۲-۲-۲. قوانین و مقررات مربوط به آلودگی صوتی کشور چین

قانون مربوط به آلودگی صوتی در کشور چین مشتمل بر ۶۴ ماده است که در ۸ فصل گنجانده شده است. بخش اول در خصوص مقررات عمومی است. بخش دوم مربوط به پیشگیری و کنترل آلودگی صوتی محیطی و نظارت بر آن است. بخش سوم مربوط به پیشگیری و کنترل آلودگی صوتی صنعتی بوده و بخش چهارم در خصوص پیشگیری و کنترل آلودگی صوتی ساختمانی است. در بخش پنجم مواد قانونی در خصوص پیشگیری و کنترل آلودگی صوتی ناشی از ترافیک ذکر شده و در بخش ششم آلودگی صوتی ناشی از فعالیت‌های اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. بخش هفتم شامل تمهیدات و جرائم قانونی مربوط به این مقررات ذکر شده و در فصل هشتم مفاد تکمیلی مورد توجه قرار گرفته است. قوانین کشور چین در خصوص آلودگی صوتی، قوانین کاملی بوده که با ذکر جزئیات اکثر منابع آلاینده ثابت و متحرک را در بر گرفته و جرائم ناشی از تخطی از این موارد قانونی را نیز ذکر نموده است.^۲

مطابق با ماده ۱۴ امکانات لازم برای جلوگیری و کنترل آلودگی صوتی باید همزمان با بخش اصلی پروژه ساخت و ساز، طراحی و اجرا شود. در غیر این صورت مطابق با ماده ۴۸ دستور توقف تولید صادر می‌گردد و یا ممکن است فرد متخلف جریمه گردد. همچنین افرادی که در این خصوص گزارش خلاف واقع نیز ارائه می‌نمایند، جریمه می‌گردند.

^۱- Saclogiu, Trans. Ginger Taylor, (1990), Regulations Related to the Turkish Environment Law. Turkish: under Matbaa printing,p;98

^۲- Law of the People's Republic of China on Prevention and Control of Pollution From Environmental Noise /china.org

به موجب ماده ۱۶ واحدهایی که آلودگی صوتی تولید می‌کنند، باید اقدامات لازم را برای کنترل و جلوگیری آن انجام دهد و هزینه‌های مربوط به انتشار بیش از حد این آلودگی را طبق مقررات دولت پرداخت کند. در غیر این صورت جریمه می‌گردند. این مبالغ برای پیشگیری از این آلودگی استفاده می‌شود و برای استفاده‌های دیگر مجاز نیست.

همچنین هر واحدی که حاضر به انجام بازرسی‌های لازم جهت تشخیص آلودگی صوتی نباشد؛ یا هنگام بازرسی به تقلب کمک بکند با توجه به شدت تخلف جریمه می‌شود و یا اخطاریه دریافت می‌کند.

در ماده ۵۷ این قانون، آلودگی صوتی توسط سیستم‌های حمل و نقل شهری، قطارها و کشتی‌ها شناسایی شده است و اداره راه آهن و اداره نظارت بر بنادر باید شخص متخلف را جریمه کنند.

با توجه به مفاد ماده ۵۸ یکی دیگر از مواردی که در این قانون موجب جریمه می‌گردد استفاده از بلند گوها یا سیستم‌های صوتی نا متعارف در هنگام برگزاری جشن‌ها و سرگرمی‌های عمومی است. همچنین انتشار سر و صدای شدید از داخل خانه به نحوی که زندگی همسایگان را مختل بکند موجب جریمه می‌گردد.

یکی از مهم‌ترین مواد این قانون که به مساله جبران خسارت فرد زیان‌دیده پرداخته ماده ۶۱ است. به موجب این ماده هر واحد یا فردی که از خطرات آلودگی صوتی رنج می‌برد می‌بایست حق درخواست از آلوده کننده برای از بین بردن آن داشته باشد و هر گونه ضرر باید طبق قانون جبران شود.

هر گونه اختلاف در خصوص این مسئولیت و نحوه جبران ضرر و زیان (خسارت‌ها) یا در مورد میزان غرامت می‌تواند به درخواست طرفین مربوطه با میانجیگری ادارات صالح حل شود. اگر چنین واسطه‌ای ممکن نشود طرفین می‌توانند در مراجع قضایی دادخواهی نمایند. همچنین آن‌ها می‌توانند به طور مستقیم در دادگاه طرح دعوی بکنند.

۲-۲-۲-۳. قوانین و مقررات مربوط به آلودگی صوتی کشور ژاپن

در کشور ژاپن از سال ۱۹۸۳ که حدود ۳۲/۷٪ شکایات و دعاوی مربوط به مشکلات ناشی از آلودگی صوتی بود، قوانین نسبتاً کاملی درخصوص هریک از منابع آلاینده صوتی تدوین گردید و قوانین موجود مورد بازنگری قرار گرفت. در ژاپن بیشترین آلودگی صوتی مربوط به صدای ناشی از صنایع می‌باشد و پس از آن صدای ناشی از وسایل نقلیه به عنوان یک مسئله ملی پس از دهه ۶۰ مورد توجه قرار گرفت. در حال حاضر صدای ناشی از ترافیک تحت کنترل قوانین ترافیک جاده‌ای و استانداردهای ایمنی وسایل نقلیه جاده‌ای و حمل و نقل و صدای ناشی از کارخانه‌ها و کارگاه‌های ساختمانی نیز تحت کنترل قوانین

جاری قراردادارند. جداولی نیز به عنوان حد مجاز صدای حاصل از صنایع ویژه، ساختمان سازی و وسایل نقلیه در قوانین این کشور موجود است. باتوجه به شکایات مردم نسبت به آلودگی صوتی در این کشور و پرداخت غرامت‌های زیاد دولتی به آزاردیدگان آلودگی صوتی، لزوم تدوین قوانین جامع در این کشور از چند دهه پیش مورد توجه قرار گرفته است.^۱

«قانون تنظیم سر و صدا»^۲ با آخرین اصلاحات سال ۲۰۰۰ مشتمل بر ۶ بخش و ۳۳ ماده مهم‌ترین قانون این کشور در مقابله با آلودگی صوتی است. بخش اول در برگیرنده مقررات عمومی، بخش دوم مقررات مربوط به کارخانجات، بخش سوم مقررات مربوط به عملیات ساخت و ساز، بخش چهارم حداکثر سطوح مجاز صدای وسایل نقلیه موتوری، بخش پنجم مقررات متفرقه و بخش پنجم مربوط به مجازات و جرمه‌ها است. همچنین دستورالعمل اجرایی این قانون مربوط به حدود مجاز انتشار صوت و سطوح سر و صدا در مناطق مختلف، تکمیل کننده مقررات مذکور می‌باشد.^۳

۲-۲-۲-۴. قوانین و مقررات مربوط به آلودگی صوتی کشور فرانسه

در حقوق فرانسه اسناد، احکام، قوانین و مقررات بسیاری در خصوص کنترل آلودگی صوتی وجود دارد. این قوانین در چند دسته مهم طبقه بندی شده اند که عبارتند از:

۱. آلودگی صوتی ناشی از مجاورت؛
۲. آلودگی صوتی ناشی از حمل و نقل (هواپیما اتومبیل، قطار، موتورسیکلت)؛
۳. آلودگی صوتی ناشی از ساخت و ساز، و تجهیزات پر سروصدا^۴

مهم‌ترین قانون در این زمینه قانون ۳۱ دسامبر ۱۹۹۲ مربوط به مقابله با آلودگی صوتی است. مطابق مفهوم ماده ۱ این قانون می‌توان گفت که: «آلودگی صوتی انتشار هر گونه صدای آزار دهنده یا مزاحم یا مضر به سلامتی و محیط زیست است.»^۵ بنابراین آلودگی صوتی به هر نوع صدای غیر قابل تحمل و آزار دهنده یا هر پدیده صوتی که چنین احساسی را ایجاد کند اطلاق می‌شود.^۶

^۱ - دبیری، فرهاد، پروین نصیری، نوشین آهنربایی، (۱۳۸۹)، مقایسه قوانین و مقررات مربوط به آلودگی صوتی در ایران و چند کشور آسیایی فصلنامه انسان و محیط زیست، ش ۳، ص: ۱۴

^۲ Noise Regulation Law

^۳ Noise Regulation Law: APPENDIX

^۴ - Prieur, Michel, (2016). Droit de l'environnement, Paris, Dalloz, Entreprise, économie & droit, ISBN: 978-2-247-15236-, p:86

^۵ - code de l'environnement: 1998

^۶ - Prieur, Ibid

۲-۲-۲-۵. قوانین و مقررات مربوط به آلودگی صوتی کشور هند

اصطلاح «آلودگی صوتی» تا قبل از قانون حفاظت محیط زیست سال ۱۹۸۶ در هیچ بخشی از قوانین تعریف نشده بود. اما قانون مذکور صدا را به عنوان آلودگی محیط زیست به رسمیت شناخت و دولت مرکزی را ملزم ساخت تا مقرراتی را راجع به حداکثر حد مجاز انتشار صدا در مناطق مختلف تنظیم بکند. در نهایت در سال ۲۰۰۰ قانون آلودگی صوتی (مقررات کنترل)^۱ منتشر و لازم الاجرا گردید. نکته قابل توجه این است که پیش نویس این قانون یکسال قبل از انتشار در روزنامه رسمی طبق اختاریه وزارت محیط زیست و جنگلبانی هندوستان منتشر گردید و از تمام افرادی که تحت تأثیر این قوانین قرار می‌گرفتند دعوت شد تا قبل از انقضای دوره ۶۰ روزه از تاریخ انتشار اختاریه در روزنامه رسمی اعتراضات و پیشنهادات خود را ارائه دهند. بنابراین اعتراضات و پیشنهادات دریافتی مربوط به این پیش نویس قوانین به موقع و مطابق موازین قانونی توسط دولت مرکزی مورد بررسی قرار گرفت و سپس قانون مذکور به صورت رسمی لازم الاجرا گردید.

این قانون که دارای ۸ ماده می‌باشد. پس از کلیات آن در ماده ۱، به تاریخ انتشار و تعاریف آن در ماده ۲ اشاره شده است. سپس در ماده ۳ استانداردهای کیفیت هوای محیط مربوط به سر و صدا برای نواحی و مناطق مختلف توضیح داده شده و در ماده ۴ قانون گذار به مسئولیت در قبال اجرای استانداردهای کنترل آلودگی صوتی پرداخته است. ماده ۵ در خصوص محدودیت‌های مرتبط به بلندگوها در اماکن عمومی است و ماده ۶ در خصوص عواقب نقض قوانین در نواحی و مناطق حساس به صدا می‌باشد. ماده ۷ نحوه ارائه شکایت به مقامات مسئول را توضیح داده و در ماده ۸ به حدود اختیارات برای جلوگیری از تداوم صدای موسیقی یا سر و صدا و غیره اشاره شده است. در این قانون در خصوص صدای ناشی از صنایع، ساختمان سازی و وسایل نقلیه و ... به صورت اختصاصی توضیحاتی ارائه نگردیده ولی مطابق استاندارد ارائه شده در ماده ۳ تمام منابع مختلف ایجاد کننده سر و صدا ملزم به رعایت آن هستند.^۲

مطابق این قانون بلندگوهای سخنرانی و سیستم‌های صوتی مخصوص اجتماعات بزرگ، تنها پس از اخذ مجوز کتبی از مقامات صالح مورد استفاده قرار می‌گیرند و در ساعات شب (بین ۱۰ شب تا ۶ صبح) نباید استفاده شود. البته به جز مواردی که این سیستم‌ها در مکان‌های بسته برای ارتباط داخل سالن، اتاق کنفرانس، سالن‌های انجمن و و سالن‌های غذاخوری استفاده می‌شوند. طبق این قانون هر کسی که

¹ The noise pollution (regulation and control) rules, 2000

^۲ دبیری، فرهاد، پروین نصیری، نوشین آهنربایی، (۱۳۸۹)، مقایسه قوانین و مقررات مربوط به آلودگی صوتی در ایران و چند کشور آسیایی فصلنامه انسان و محیط زیست، ش ۳، ص: ۱۴

مرتکب تخلفات مربوط به آلودگی صوتی گردد، به موجب ماده ۳۰ این قانون مسئولیت دارد و مجازات خواهد شد.

قانون سال ۲۰۰۰ برای تنظیم و جلوگیری از آلودگی صوتی در مناطق شهری از جمله شهرهای بزرگ، از منابع مختلف آلودگی وضع شده است. اما این قانون برای کنترل آلودگی صوتی کافی نیست. بسیاری از عواملی که منجر به آلودگی صوتی می‌گردند، توسط این قانون تحت پوشش قرار نمی‌گیرند. بررسی و تجربه در طول سالها ثابت کرده است که این قانون برای کنترل آلودگی صوتی ناکافی است، اشکالات و کمبودهای این قانون عبارتند از:

۱. مقررات این قانون تمامی حوزه‌ها را برای کنترل آلودگی صوتی پوشش نمی‌دهد. و تنها سر و صدای بلند گوها و تقویت کننده‌های صوتی را در حوزه عملکرد خود پوشش می‌دهد. سر و صدای هواپیما، قطار، حیوانات خانگی و مراکز تجاری توسط این قانون تحت پوشش قرار نگرفته است.
۲. مجازات‌های ارائه شده در این قانون در مقایسه با اثرات صدا بر سلامت و محیط زیست، کافی و بازدارنده نیست.
۳. هیچ مقرره‌ای برای آگاهی و مشارکت عمومی برای کنترل آلودگی صوتی وجود ندارد.
۴. شکاف گسترده‌ای بین این قانون در اصول نظری و اجرای آن در عمل وجود دارد.
۵. مطابق با مقررات این قانون قدرت مسئول اجرای اقدامات کنترل آلودگی صوتی است. اما نقش قدرت برای کنترل آلودگی صوتی غیر فعال است.
۶. هیچ ماده‌ای برای هماهنگی بین ادارات مختلف دولت برای کنترل آلودگی صوتی وجود ندارد به عنوان مثال، اداره برنامه ریزی شهر، برنامه‌های ساخت خانه‌های مسکونی را تحریم می‌کند و از سوی دیگر در همان مناطق، اداره صنعتی مجوز کارخانه‌ها را صادر می‌کند. در نتیجه، با توجه به آلودگی صنعتی، ساکنان در معرض بسیاری از مشکلات هستند. بنابراین، هماهنگی میان بخش‌های مختلف دولت باید تحت این قوانین تضمین شود.
۷. هیچ مقرراتی برای محدودیت‌های دائمی در زمینه تولید سر و صدا برای کنترل آلودگی صوتی وجود ندارد.

از قانون سال ۲۰۰۰ که بگذریم، جبران خسارات وارده به افراد ناشی از آلودگی صوتی را در قوانین این کشور می‌توان در قواعد مربوط به «مزاحمت عمومی» در ماده ۲۹۰ قانون مجازات هند یافت. بنابراین اگر فردی با از دست دادن شنوایی یا هر صدمه و آسیب دیگری ناشی از اعمال دولت در انجام

وظایف غیر حاکمیتی، رنج ببرد؛ دولت مطابق با ماده ۲۹۹ قانون اساسی هند مسئول این خسارات است. در مواقع خاص، ممکن است در استفاده از قوانین مربوط به مزاحمت محدودیت وجود داشته باشد. برای مثال، در مناطق شهری شناسایی تعداد نامحدود منابع آلودگی صوتی مشکل است و بار اثبات خسارات ناشی از آلودگی صوتی، می‌تواند موانع غیر قابل عبوری را در برابر خواهان دعوا ایجاد کند. همچنین شهروندان در اموری که منافع عمومی وسیعی را در بر دارد، نمی‌توانند دادخواهی نمایند. مانند راه اندازی بزرگ راه‌ها، ساخت فرودگاه‌ها و... علت امر می‌تواند این موضوع باشد که قانون مجازات هند زمانی تنظیم گشته است که تحولات علمی و صنعتی همانند امروز وجود نداشت. بنابراین قانونگذاران هیچ اندیشه‌ای از ایجاد آلودگی صوتی توسط بسیاری از آلاینده‌های جامعه مدرن نداشتند.^۱

¹ Mr.Ranjit Singh, 2016, Legal Control of Noise Pollution in India: A Critical Evaluation, International Journal of Research in Humanities and Social Studies Volume 3, Issue 4.

فصل سوم:

حق بر محیط زیست سالم و مسئولیت بین‌المللی ناشی از

آلودگی صوتی

۳-۱. مبانی حقوق بشری مقابله با آلودگی محیط زیست

محیط زیست سالم در دهه‌های اخیر به عنوان یک حق، برای زندگی هر چه بهتر و سالم‌تر بشر شناخته شده است. در پی این شناسایی تا کنون اسناد و معاهدات زیادی جهت قانونمند نمودن و تبیین ابعاد آن به تصویب رسیده است. به دلیل اهمیت حفظ محیط زیست از آلاینده‌ها، اصولی نیز در جهت ممنوعیت آلودگی آن به تصویب رسیده است. با وجود اقدامات ارزشمندی که در صحنه‌های بین‌المللی برای حفظ و نگهداری محیط زیست انجام شده و نگرانی‌های دائمی طرفداران محیط زیست و سازمان‌های دولتی و غیردولتی، هنوز هم آلودگی و آلاینده‌ها و گسترش آن‌ها از مرزهای یک کشور به دول همسایه، مهم‌ترین عامل تهدید کننده‌ی حیات بشر به شمار می‌رود. آلودگی‌های محیط زیست انواع گوناگونی دارد که هرکدام تأثیرات مختلف و متعددی بر انسان‌ها و محیط زندگی آن‌ها وارد می‌سازد. آلودگی صوتی به عنوان یکی از منابع آلاینده محیط زیست که به علت صنعتی شدن و پیشرفت جوامع بوجود آمده روزه روز در حال افزایش است و آثار نگران کننده‌ی آن هر روز بیشتر خود را نمایان می‌سازد. هرچند این آلودگی نسبت به سایر آلودگی‌های زیست محیطی همچون آلودگی آب و هوا دارای آثار و خسارات فرامرزی کمتری است اما اگر با نگاهی دقیق به مسأله بنگریم در می‌یابیم که این آلودگی ناقض یکی از حقوق اولیه کلیه انسان‌ها یعنی حق داشتن زندگی سالم و آرامش روحی و روانی است. لذا بررسی مفهوم حق به محیط زیست سالم و تجلی آن در اسناد و رویه‌های بین‌المللی ضروری به نظر می‌رسد.

۳-۱-۱. مفهوم «حق به محیط زیست سالم»

حق به محیط زیست سالم به طور کلی مستقل از حقوق محیط زیست قلمداد می‌گردد، طرفداران حقوق بشر حق به محیط زیست را به عنوان یک حق مستقل حقوق بشری برای داشتن محیط زیست با کیفیت به رسمیت می‌شناسد. حق به محیط زیست هم منعکس کننده ارزش‌های متعالی و پایه‌ای همانند حق به حیات، حق به سلامتی، حق به زندگی با استاندارد هم با پیش نیازهای تداوم حیات نسل کنونی و نسل‌های آتی همانند توسعه پایدار ارتباط تنگاتنگ و ارگانیک دارد.

نوع حفظ نسل انسان و تداوم حیات انسان در محیط امن و عاری از جنگ و خشونت از اهداف و موضوعات سازمان ملل متحد می‌باشد. حمایت بهسازی محیط زیست مستقیماً از نیازهای حیاتی برای حفاظت از زندگی انسان ناشی می‌گردد تا کیفیت و شرایط آن را تأمین کرده و پیش شرط‌های غیر

قابل اجتناب برای مراقبت از کرامت انسان و سعادت و توسعه شخصیت انسانی می‌باشد را تضمین کند. تنزل کیفیت محیط زیست یک تهدید جدی برای بقای انسان می‌باشد. از این رو احترام به حقوق بشر ارتباط مستقیم و تنگاتنگی به حمایت و حفاظت از محیط زیست دارد. چرا که زندگی انسان و تداوم حیات او و کیفیت زندگی منوط به سلامتی و شادابی محیط زیست می‌باشد.

از آنجا که نوع بشر در یک محیط ناسالم و آلوده در معرض انقراض و نابودی می‌باشد از اینرو برای بقای نسل بشر محیط زیست می‌بایستی مورد حمایت قرار گیرد.

رابطه میان حقوق بشر و حق به محیط زیست سالم توجه بسیاری از اندیشمندان را به خود جلب نموده است، از نظر فیتس موریس سه مکتب فکری بزرگ در این مورد وجود دارد.

یک دیدگاه از این امر حمایت می‌کند که بدون حق به محیط زیست، حقوق بشر وجود ندارد. بر اساس دیدگاه دیگر وجود این حق و یا ظهور آن به شدت سؤال برانگیز است و بالاخره دیدگاه سوم بر این باور است که حق بر محیط زیست سالم از وجود سایر بخشهای دیگر حقوق بشر همچون حق به زندگی، حق به سلامتی، حق به اطلاعات قابل استخراج و شناسایی است.

در یک رویکرد متفاوت رابطه محیط زیست و حقوق بشر بر پایه دو دیدگاه انسان محور و محیط زیست محور مورد بحث قرار گرفته است. در دیدگاه انسان محور، وضعیت محیط زیست به دلیل فشار و تأثیر مستقیمی که تداوم حیات و کیفیت زندگی، سلامتی و رفاه بشر دارد مورد توجه قرار می‌گیرد.

دیدگاه انسان محور بر حمایت از خیر و رفاه تک تک افراد متمرکز است این رهیافت سنتی حقوق بشری برای مثال در رویه قضایی ناظر به کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی یافت می‌شود. یک فرمول جدیدتر این رهیافت انسان محور در مورد حقوق زیست محیطی به ارتباط میان نابودی محیط زیست، نقض حقوق بشر و فقر تکیه می‌کند و آن را مورد توجه قرار می‌دهد. در رهیافت محیط زیست گرا، حق انسان بر محیط زیست سالم از تفسیر موسع بر محیط زیست استوار می‌باشد که بر اساس آن افراد ذاتاً از حقوقی برخوردارند که آن‌ها را قادر می‌سازد منافع زیست محیطی‌شان را اعلام کنند، ولی برای اینکه این منافع از حیث حقوقی شناخته و پذیرفته شود لازم نیست نشان دهیم که این منافع خیر و رفاه فرد خاص یا گروهی از انسان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از نظر این دیدگاه حقوق محیط زیست هدفی بیش از فراهم کردن ضمانت‌های خاص برای برخی از افراد دنبال می‌کند و بیشتر در صدد است که به اهداف زیست محیطی که توافق اجتماعی در مورد آن وجود دارد دست پیدا کند. در این رویکرد حمایت از حقوق بشر در چهارچوب حمایت از علائق و

نیازهای مشترک جامعه بشری همچون آب و هوا، حفظ گونه‌های گیاهی و جانوری، گرمایش زمین تحقق می‌پذیرد. تحولات اخیر در زمینه محیط زیست به سمت پذیرش بعضی از مصادیق حقوق بشری در فضای زیست محیطی دارد و این تحولات بیشتر به حقوق رویه‌ای توجه دارند: از جمله حق افراد برای مشارکت در تصمیم‌گیریهای زیست محیطی و یا جبران خسارات ناشی از تخریب محیط زیست. هر چند که بین رهیافت «انسان محور» و رهیافت «محیط زیست گرا» تفاوت‌هایی وجود دارد لکن هم پوشی قابل ملاحظه‌ای هم بین این دو مشاهده می‌گردد، مثلاً آلودگی شدید هم برای سلامت بشر و هم موجودیت محیط زیست می‌تواند تهدید مستقیمی محسوب شود.

اختلاف نظر علمای حقوق در خصوص رابطه حق به محیط زیست و حقوق بشر بیانگر این واقعیت است که نگاه سنتی به تقسیم بندی و دسته بندی حقوق بشر به نسل‌های مختلف بر پایه تحلیل تاریخی ظهور و شناسایی مصادیق مختلف حقوق بشر از اعتبار و استحکام لازم برخوردار نمی‌باشد. از این رو برای ارزیابی برداشتها و قرائت‌های متفاوت از حق به محیط زیست سالم، مراجعه به اسناد بین‌المللی و بررسی رویه قضایی می‌تواند در فهم موقعیت حق به محیط زیست سالم مفید واقع شود.

۳-۱-۲. نسل‌های حقوق بشر و حق به محیط زیست سالم

اساساً هر نظام حقوقی را باید آئینه اصول حاکم بر هر محیط اجتماعی دانست. اگر این ارتباط متقابل میان حقوق و جامعه را بپذیریم به سهولت می‌توان به ریشه وجودی هنجارهای حقوقی پی برد. به عبارت دیگر، متناسب با اقتضای هر محیط، قواعد حقوقی شکل می‌گیرند و همین قواعد مایه دوام و قوام آن نظام اجتماعی خواهند بود. از همین رو هنجارهای حقوقی، پدیده‌هایی غیر ایستا و پویا هستند که پا به پای تحولات تاریخی و اجتماعی از طریق منابع گوناگون روز آمد می‌شوند. حقوق بشر نیز به عنوان یک خرده نظام حقوقی که جزیی از نظام حقوقی غول پیکر بین‌المللی را تشکیل می‌دهد از این قاعده مستثنی نیست و تا زمانی بقا و اعتبار آن قابل تضمین است که بتواند همپای واقعیات بین‌المللی به حرکت خود ادامه دهد. شایان ذکر است که تدوین مقررات حقوق بشر از رهگذر کنوانسیون‌های بین‌المللی، تنها یکی از مجاری حصول به این هدف است و حتی نهادهای اجرایی و نظارتی بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر نیز می‌توانند در این مهم سهیم باشند.

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان توجیه معقولی برای ظهور مفهوم نسل‌های حقوق بشر ارائه داد. بدین ترتیب باید این مژده را داد که نسل‌های حقوق بشر، پرده از این حقیقت بر می‌دارند که برای ترویج حقوق بشر در قالب‌هایی متناسب با واقعیات اجتماعی، رژیم بین‌المللی حقوق بشر، یک مقوله مطلق و تغییر ناپذیر نیست، بلکه به یمن نسل‌های متفاوت حقوق بشر می‌توان به چهارچوبی دل بست

که عناصر مختلف و حتی بعضاً متضادی چون صیانت از کرامت انسانی، منافع فردی کشورها و منافع بین‌المللی از قبیل حفظ صلح و امنیت و بقای محیط زیست در بطن خود گرد آورده است.^۱

به کارگیری اصطلاح «نسل»^۲ القا کننده‌ی تحول تاریخی در به رسمیت شناختن و تهیه و تدوین برخی اصول و مبانی حقوق بشر در جهتی معین و خاص است.^۳ ذکر این نقطه خالی از لطف نیست که استفاده از واژه نسل در مقولات حقوق بشر، به این معنی نیست که عمر یک سری از مقولات به سر آمده و مقوله دیگری جای آن را گرفته است، بلکه واژه نسل، صرفاً بیانگر تحول تاریخی در شناسایی مقولات حقوق بشر در موضوعات مختلف است.^۴ بنیانگذار نظریه نسل‌های حقوق بشر کاول واسک است که نخستین بار در نشریه یونیکو بر اساس سیر تحول تاریخی حقوق انسانی، قائل به سه نسل برای فهرست حقوق بشر شد.^۵

با تکیه بر توضیحات ارائه شده می‌توان قائل به این نکته شد که، مفهوم نسل‌های حقوق بشر عنصر محیط زیست و آلودگی‌های مربوط به اصوات را نیز در بر می‌گیرد. بدین معنا که از این اصول کلی نیز می‌توان در راستای نگرش‌های اصلاحی در این حوزه استفاده نمود. چرا که هر نسل از حقوق بشر رویکردی صحیح و مناسب را برای نسل بشر در آن برهه رقم زده و در نظر می‌گیرد. این وسواس در خصوص محیط زیست به مراتب حساس‌تر، مهم‌تر و دارای اهمیت فزاینده است. در میان مصادیق محیط زیستی آلودگی صوتی اگر چه قدمتی به اندازه دیگر مصادیق ندارد، اما در بر دارنده اهمیت فزاینده‌ای است. به ویژه در مورد تأثیرات منفی بر جانوران و نباتات که به واقع ماهیت محیط زیست را تشکیل می‌دهند. در ذیل این مهم را در تبیین انواع نسل‌های بشر مورد بازبینی قرار می‌دهیم.

۳-۱-۲-۱. نسل اول حقوق بشر

اندیشه ابتدایی حقوق مندرج در نسل اول به قرون ۱۷ و ۱۸ میلادی باز می‌گردد و نظریه‌های حاکم بر انقلاب‌های آمریکا، فرانسه و انگلستان در آن مؤثر بوده است. نکته بارز در حقوق نسل اول حقوق بشر، توجه به اصالت فرد می‌باشد. این حقوق که مواد ۲ تا ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ و نیز میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ مطرح شده‌اند، ملاک کار اصلی را توجه به آزادی دانسته و از جمله حقوق مطروحه در این نسل می‌توان به اولویت دادن به

^۱ وکیل، امیر ساعد، (۱۳۸۸)، جایگاه حق بر محیط‌زیست سالم در ساختار هنجاری حقوق بشر بین‌المللی «حقوق محیط‌زیست (نظریه‌ها و رویه‌ها)، علی محسن‌زاده، نادر ساعد، علی سمیعی، خرسندی چاپ اول، ص: ۲۶۳

^۲ - Generation

^۳ - ذاکریان، مهدی، (۱۳۷۱)، فرآیند یک‌پارچگی نسل‌های حقوق بشر «اطلاعات سیاسی، اقتصادی، سال پانزدهم، شماره ۱۵۷، ص: ۱۲۸

^۴ - ذاکریان، مهدی. پیشین. ص ۱۲۸

^۵ - وکیل، امیر ساعد، پیشین. ص ۲۶۴.

کرامت انسانی در مقابل دولت، حق حیات، ممنوعیت شکنجه، رفع تبعیض‌های ناروا، منع برده‌داری و تجارت بردگان، حق آزادی بیان، ممنوعیت شکنجه، تشکیل احزاب، حق انتخاب آزاد و رهایی از بازداشت خودسرانه اشاره نمود. لذا، هدف این نسل که حقوق و آزادی‌ها در آن به صورت منفی عرضه شده‌اند حمایت از فرد در قبال قدرت سیاسی است و حقوق مطروحه در آن از تئوری لیبرالیسم برخاسته‌اند. ذکر این نکته ضروری است که اعلامیه جهانی حقوق بشر غیر الزام‌آور ولی میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که تقریباً فهرستی از همان حقوق مدنی و سیاسی اعلامیه است حالت الزام‌آور دارد.

۳-۱-۲-۲. نسل دوم حقوق بشر

انقلاب روسیه نشأت گرفته و متأثر از آرمان‌های سوسیالیست‌ها و طبقه پرولتاریا بود که همیشه خواستار دستیابی به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بودند. تجلی این آرمان مشترک را می‌توان در اصول ۱۲۴ و ۱۲۵ قانون اساسی اتحاد جماهیر شوروی مصوب ۱۹۳۶ یافت. بالاخره در اوایل قرن بیستم، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد شناسایی کشورها قرار گرفت و حتی در قوانین اساسی بعضی از کشورها وارد شد.

بر اساس مواد ۲۳ تا ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر و نیز میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ باید گفت آزادی‌های مندرج در این نسل همچون حق بر تأمین اجتماعی، حق کار، حق استراحت، حق برخورداری از رفاه در زندگی، حق آموزش و حق حمایت از تولیدات علمی، فرهنگی و هنری جنبه مثبت دارند و دولت در برابر فرد مسئول به حساب می‌آید. بنابراین هدف اصلی این نسل باید استقرار برابری و عدالت اجتماعی و هدف نهایی آن را نیل به نفع عمومی بدانیم.

۳-۱-۲-۳. نسل سوم حقوق بشر

روند رو به گسترش انسانی‌شدن حقوق بین‌الملل و بین‌المللی‌شدن حقوق بشر، موجب ظهور نسل سوم حقوق بشر گردید. منشور آفریقایی حقوق بشر، نسل سوم را تحت عناوین حق «نسبت» به توسعه، حق «نسبت» به صلح و حق «نسبت» به محیط زیست احصا نمود. بدیهی است که این فهرست به صورت جامع، مصادیق و اشکال مختلف حقوق بشر را معرفی نمی‌کند، بلکه نمونه‌هایی به دست می‌دهد که بیشتر جهت‌گیری و غایت زندگی اجتماعی انسان را به تصویر می‌کشد و پیش نیازهای یک زندگی مطلوب را که در آن انسان‌ها احساس کامیابی و خوشبختی دارند را مطرح می‌کند. این پیش نیازها همیشه در حال تغییر و تحول‌اند، چرا که انسان هم در بعد زندگی فردی و هم اجتماعی به سوی کمال می‌شتابد و به طور طبیعی نیازهای هر دوره از زندگی تکاملی او متناسب با الزامات و مقتضیات همان

دوره می‌باشد. از این رو مصادیق حقوق بشر را نمی‌بایستی به سه نسل شناخته شده تا امروز محدود نمود. به علاوه طبقه‌بندی حقوق بشر به نسل‌های مختلف صرفاً به لحاظ توجه به سیر تاریخی توسعه و تکامل حقوق بشر صورت می‌گیرد و گرنه حقوق بشر به طور طبیعی میل به تقسیم ناپذیری و فراگیر شدن دارد و تجزیه و تقسیم آن با ماهیت و غایت این حقوق منافات دارد. برخی از صاحب نظران بر این عقیده‌اند که نسل جدید حقوق بشر هر چند هنوز به صورت اسناد مورد قبول تنظیم نشده و عینیت نیافته است، ولی بالقوه خطری را برای حقوق بشر موجود پدید می‌آورد. عده‌ای معتقدند که این نسل از حقوق بشر بسیار مبهم و گنگ و بعضاً در حد شعارهایی است که می‌تواند تبدیل به ابزار تبلیغاتی برخی از کشورها گردد. با این وجود نسلی نو ظهورند و جامعه جهانی آماده است که آنها را مورد شناسایی قرار دهد. ولی در برابر این سؤال که چه موضوعاتی در حیطه نسل جدید حقوق بشر قرار می‌گیرند نظریات متفاوتی مطرح نشده است. «استفن مارکز» نسل جدید حقوق بشر را شامل محیط‌زیست، توسعه، صلح، میراث مشترک بشریت، ارتباطات و کمک‌های بشر دوستانه می‌داند.^۱

کارهای مقدماتی کنفرانس‌های آرماندهامر^۲ (اسلو^۳ - دسامبر ۱۹۸۷، کامپلوبلو^۴ - اوت ۱۹۷۹، وامیوی^۵ - ژوئیه ۱۹۸۰، اکسان پرونس^۶ - اوت ۱۹۸۱ و نیویورک - ژوئیه ۱۹۸۲) و بنیاد بین‌المللی حقوق بشر به ضرورت و لزوم وجود نسل جدید از حقوق بشر بدین ترتیب پاسخ دادند که:

«برخی دل مشغولی‌های جهانی - هر چند که همیشه مشاهده گردیده‌اند - امروزه ویژگی درخوری یافته و روند قاعده سازی در زمینه حقوق بشر نیز نسبت به آنها تأثیرپذیری خاصی از خود نشان می‌دهد».^۷

حقوق متعلق به این نسل جدید، دارای دو وجه مشترک زیر هستند:

۱. نه ناشی از سنت فردگرایی نسل اول هستند و نه نشأت گرفته از سنت سوسیالیستی؛
۲. ابتدا در روند تضمینی قرار گرفته‌اند و این به آنها امکان می‌دهد تا در سال‌های آینده به عنوان حقوق بشر شناخته شوند.^۸

^۱ - مولایی، یوسف، (۱۳۸۱)، حق توسعه و جهان شمولی حقوق بشر. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. شماره ۵۶، ص: ۵۱ و ۵۰

^۲ - امیر ارجمند، اردشیر، (۱۳۷۴)، حفاظت از محیط زیست و همبستگی بین‌المللی، مجله تحقیقات حقوقی شماره ۱۵، ص: ۳۴۵

^۳ -slow

^۴ -compelobelo

^۵ -vamyoo

^۶ -x n pronc

^۷ - امیر ارجمند، پیشین، ص: ۳۴۵

^۸ - امیر ارجمند، اردشیر، پیشین، ص: ۳۴۶

۳-۱-۳. اسناد و رویه‌های بین‌المللی ناظر به حق به محیط زیست سالم

۳-۱-۳-۱. حق بر محیط زیست سالم در اسناد بین‌المللی

اعلامیه استکهلم نخستین سند بین‌المللی است که به صورت صریح رابطه بین حق فردی انسان و کیفیت محیط زیست را مورد شناسایی قرار می‌دهد، اصل اول اعلامیه مذکور مقرر می‌دارد انسان از حق بنیادین آزادی، برابری و شرایط مناسب زندگی در محیطی که کیفیت آن امکان زندگی با کرامت و سعادت‌مند را برای انسان فراهم کرده برخوردار بوده و او مسئولیت جدی در حمایت و حفظ محیط زیست برای نسل فعلی و آتی را به عهده دارد. اعلامیه استکهلم، به اعلام حقوق بنیادین بشر به محیط زیست سالم نمی‌پردازد ولی متذکر می‌گردد که مبنا و پایه محیط زیست سالم برای بهره‌مندی و اعمال حقوق بشر ضروری می‌باشد.

در سال ۱۹۸۹ حق به زندگی با کرامت در یک محیط زیست قابل دوام به طور صریحی در اعلامیه لاهه آمده است. در سال ۱۹۹۹، اعلامیه بپشکک با صراحت اعلام می‌دارد «هر کسی به صورت فردی یا دسته جمعی حق بهره‌مندی از محیط زیست سالم و متوازن (به لحاظ اکولوژیکی) دارد». اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی فرهنگی و اجتماعی به صورت تلویحی و ضمنی حق به محیط زیست سالم را مورد تأیید قرار می‌دهند در حقیقت در چهارجوب این اسناد برخی از حقوق بشر موجود همانند حق به زندگی مورد توجه قرار گرفته است و دعاوی زیادی بر مبنای حق به حیات در خصوص محیط زیست در سطح ملی و بین‌المللی مطرح شده است.

در سطح منطقه‌ای منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم، اولین سند مصوب بین‌المللی است که در آن صراحتاً در ماده ۲۴ خود حق به محیط زیست سالم را مورد تأکید قرار داده است.

در سیستم ملل آمریکایی حقوق بشر، پروتکل الحاقی به کنوانسیون حقوق بشر حق به محیط زیست سالم را مورد توجه قرار داده است.

پروتکل سان سالوادور که ظهور حقوق بشر و آزادی‌های جدیدی چون حق به کار، حق به سلامتی، حق به غذا را مورد تأیید قرار داده است، حق به محیط زیست سالم را به عنوان جنبه ویژه‌ای از حق به زندگی در ماده ۱۱ معرفی نموده است.

در سطح اروپا، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، هیچ اشاره‌ای به محیط زیست ندارد با این حال دادگاه حقوق بشر اروپایی با تفسیر موسع از ماده ۸ و بعضاً ماده ۶ کنوانسیون (حق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی هر کس، منزل،....) حق به محیط زیست سالم را مورد تأیید قرار داده است.

گزارشگر ویژه حقوق بشر و محیط زیست که در قالب کمیسیون فرعی تبعیض و حمایت از اقلیت گزارش خود را در ۱۹۹۳ ارائه نمود، حقوق محیط زیست را به عنوان جنبه‌ای از حقوق بشر معرفی کرد.

در اعلامیه ریو اشاره صریحی به حق به محیط زیست سالم نشده است ولی تعدادی از صاحب‌نظران با تفسیر توسعه پایدار، حق به محیط زیست سالم را از اعلامیه ریو استخراج می‌کنند. در کنفرانس جهانی توسعه اجتماعی، وابستگی متقابل بین توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و حمایت از محیط زیست مورد تأکید قرار گرفت.

به همان ترتیب کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل اصل اول اعلامیه ریو را مبنی بر اینکه تقویت دنیایی با محیط زیست سالم به حمایت از حقوق بشر کمک کرده را مورد تأیید قرار داد و همچنین کمیسیون حقوق بشر خسارات زیست محیطی را دارای آثار منفی بر بهره‌مندی از زندگی، سلامتی و استانداردهای رضایت بخش زندگی، ارزیابی نمود.

در سال ۱۹۹۶ کمیسیون اقتصادی سازمان ملل برای اروپا تفسیر خود از رابطه حقوق بشر و محیط زیست را ارائه نمود. در این تفسیر حق به محیط زیست به عنوان یک روش و روند و نه به خودی خود یک هدف معرفی شده است. در اینجا حق به محیط زیست وسیله‌ای برای بهره‌مندی انسان از حق بنیادین زندگی قلمداد شده است. این جهت‌گیری در کنوانسیون آرهوس در سال ۲۰۰۱ مورد تأیید قرار گرفت. این کنوانسیون حمایت از حقوق بشر محیط زیست را با همدیگر مرتبط می‌داند و یک بیان روشنی در حقوق بین‌الملل در شناسایی در شناسایی حق بنیادین به محیط زیست می‌باشد کنوانسیون در ماده یک حق به محیط زیست سالم را به عنوان یک حق عینی و پذیرفته شده معرفی می‌کند. در این ماده آمده است که: به منظور مشارکت در حمایت از حق هر انسانی در حال حاضر و در نسلهای آینده برای زندگی در یک محیط مناسب برای سلامتی و ساعات او، هر یک از دولت‌های هر عضو دسترسی به اطلاعات، مشارکت عمومی در تصمیم‌سازی‌ها و دسترسی به عدالت در مسائل زیستی مطابق مقررات این کنوانسیون را فراهم آورد.^۱

^۱ مولایی، یوسف، حق بر محیط زیست در گستره نسل سوم حقوق بشر، حقوق محیط‌زیست (نظریه‌ها و رویه‌ها)، علی محسن‌زاده، نادر ساعد، علی سمیعی، خرسندی چاپ اول، ص: ۳۴۴

۳-۱-۲. حق بر محیط زیست سالم در رویه‌های بین‌المللی

در بررسی رویه‌های بین‌المللی ابتدا موضوع محیط زیست به عنوان بخشی از حقوق بشر توسط سازمان ملل مورد توجه قرار می‌گیرد و سپس رویه نهادهای بین‌المللی غیر وابسته به سازمان ملل مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

۳-۱-۳. رویه سازمان ملل

مباحث مربوط به محیط زیست در کمیسیون حقوق بشر و کمیسیون فرعی مبارزه با تبعیض و حقوق اقلیتها مورد بررسی قرار می‌گیرد. کمیسیون فرعی تحت عناوین مختلفی چون حقوق مردم بومی، حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرعی و فرهنگی، توسعه‌های علمی و تکنولوژیکی موارد مربوط به نقض حقوق بشر را مورد توجه قرار می‌دهد. به طور مثال کمیسیون فرعی در گزارش سال ۱۹۹۶ خود در بررسی وضعیت حقوق بشر در کامبوج حق به محیط زیست سالم و توسعه پایدار را مد نظر قرار داده و تأکید نمود که تجارت بی رویه در کامبوج ممکن است خسارات مهمی به مردم که از نظر روش تغذیه، ویژگی‌های فرهنگی و روش زندگی خود که به محیط زیست وابسته‌اند، وارد کند.

در سال ۱۹۸۹ کمیسیون فرعی، روندی را در زمینه مشکل محیط زیست و رابطه آن با حقوق بشر آغاز کرد. در سال ۱۹۹۲ بولیوی در گزارشی به کمیته حقوق کودک تأثیر توجه کافی به امور اقتصادی، مسکن، محیط زیست و آموزش در بهبود و ارتقای وضعیت زنان و کودکان مطرح نمود.

در رابطه با مباحث حق به محیط زیست سالم به عنوان بخشی از حقوق بشر گزارشات و شکایات افراد حائز اهمیت می‌باشد. چرا که مخاطبین این شکایات دولت‌ها می‌باشند و اشخاص در قالب حق فردی خود به محیط زیست سالم، موضوع را مورد پیگیری قرار می‌دهند.

در سال ۱۹۹۰ شکایتی مبنی بر استقرار موشک‌های کروز در قلمرو هلند توسط ۶۵۸۸ نفر از شهروندان هلند به عنوان تهدید حق حیات آنها مطرح گردید. کمیته با این استدلال که هر یک از شاکیان به تنهایی یک قربانی محسوب می‌گردد، تقدیم یک دادخواست از جانب هزاران نفر را از نظر شکلی قابل ایراد دانست، با این وجود شکایت را از آن جهت غیر قابل استماع اعلام نمود که استقرار این موشک‌ها عملاً حق حیات شاکیان را نقض نکرده است.

در سال ۱۹۹۵ شکایتی در مورد آزمایشات هسته‌ای در اقیانوس آرام توسط Vai here Jahn Tembarro علیه فرانسه به کمیته تسلیم گردید، شاکیان ادعا کردند که آزمایشات هسته‌ای فرانسه در سال ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ تهدیدی جدی برای حق حیات و حق زندگی (مواد ۶ و ۱۷ میثاق حقوق مدنی

سیاسی) محسوب می‌گردد. کمیته دعوی شاکیان را غیر قابل استماع اعلام نمود چرا که شاکیان بنا به معیارهای حقوقی کمیته قربانی تلقی نشدند. با این وجود کمیته حقوق بشر آزمایشات هسته‌ای را در اظهار نظرهای کلی (general comment) در سال ۱۹۸۴ به عنوان تهدیدی علیه حق حیات افراد مورد انتقاد قرار داده است.^۱

۳-۱-۲-۳-۲. رویه کشورها

در بررسی رویه کشورها عملکرد کشورهای اروپایی، کشورهای آمریکایی و کشورهای جنوب آسیا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- کشورهای اروپایی

یکی از راه‌های روشن کردن رابطه بین محیط زیست و حقوق بشر، بررسی مفاد کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و نیز محتوا و سیر تحول آرای صادر شده توسط نهاد اجرایی آن، یعنی دادگاه اروپایی حقوق بشر^۲ از زمان شروع به کار تا کنون است. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در سال ۱۹۵۹ (۱۳۳۸) برای طرف‌ها لازم الاجرا شده و دادگاه یاد شده در همان سال تأسیس شد. نکته جالب توجه این است که موضوع پرونده‌های تشکیل شده طی چند دهه نخست شروع به کار دادگاه، عموماً مربوط به آزادی‌های فردی نظیر آزادی گردهمایی و بیان افکار، دموکراسی، حق مالکیت و دارایی، حق زندگی، و... بوده است. به این ترتیب در کنوانسیون ۵۹ ماده‌ای اروپا حقوق بشر هیچ نشانه‌ای از محیط زیست برای اروپای اواسط قرن بیستم یافت نمی‌شود. همه قسمت‌های متن، تنها به حقوق افراد به صورت فردی یا جمعی اختصاص دارد و بازتاب دهنده تلاش شهروندان اروپایی در آن دوره زمانی برای حفاظت از حقوق خود در برابر دولت‌های متبوع بوده است. حتی کمیسیون اروپایی حقوق بشر طی یک تصمیم اولیه عنوان کرده که هیچ حقی برای حفظ طبیعت در میان حقوق و آزادی‌های تصریح نشده به وسیله کنوانسیون، تضمین نشده است.

به رغم وجود چنین شرایطی، اروپا به تدریج در مورد موضوع محیط زیست در دوره پیش و پس از کنفرانس استکهلم حساس‌تر گردید و حاضر شد به تدریج واقعیت رابطه بین محیط زیست و حقوق بشر را بپذیرد. این روند، ضررها و تنگناهای بسیاری برای شرکت‌های هم پیمان ایجاد کرد و از این رو همواره با مقاومت بخش‌های اقتصادی همراه بود.

^۱ مولایی، یوسف، پیشین، ص ۳۴۸.

^۲ European Court On Human Rights.

در اینجا به تعداد محدودی از موارد زیست محیطی ارجاعی به کمیسیون و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و احکام صادر شده با موضوع آلودگی صوتی اشاره می‌شود. ناگفته نماند که شاکی‌ها موظفند پس از ارجاع دادخواست به نهادهای مسئول داخلی و در صورت نارضایتی و ناامیدی از احکام صادر شده، در دادگاه اروپایی پرونده‌ای باز و تظلم خواهی کنند.

۱-۱: قضیه پاول و راینر^۱

در این مورد شاکیان دارای ملکی در نزدیکی فرودگاه هیتروی لندن بوده و با استناد به مواد (۱) ۶، ۸ و ۱۳ کنوانسیون و ماده یکم پروتکل یک^۲، صدای بلند هواپیماها را آزار دهنده عنوان کردند. کمیسیون همه موارد استناد را به دلیل ضعف رد کرد و فقط ماده ۱۳^۳ کنوانسیون را وارد دانست.

دادگاه با اشاره به قانون هوانوردی ۱۹۸۲ که پرداخت به سبب آزار هواپیما را در شرایط مشخصی رد کرده است، برقراری توازن منصفانه بین منافع در حال رقابت شخص و جامعه را ضروری دانست. همچنین عنوان شد که عملیات یک فرودگاه بزرگ، یک هدف مشروع دارد و اثرات منفی آن بر محیط زیست نمی‌تواند به طور کامل حذف شود.^۴

۱-۲: قضیه زیمرمن و استینر^۵

در قضیه زیمرمن و استینر علیه سوئیس دیوان اعلام کرد که ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر قابل استناد در «دعای جبران خسارات ناشی از آلودگی صوتی محدوده فرودگاه» می‌باشد.^۶

زیمرمن و استینر دو شهروند سوئیسی بودند که در سال ۱۹۷۴ متقاضی جبران خسارت ناشی از آلودگی صوتی عملیات فرودگاهی شدند. هر یک از متقاضیان در مناطقی نزدیک به فرودگاه (Zürich-Kloten airport) مستأجر بودند. پس از عدم حل و فصل اختلافات آنها با فرودگاه پرونده به کمیسیون ارزیابی فدرال^۷ ارسال شد. کمیسیون در ۱۶ اکتبر ۱۹۷۶ ادعای متقاضیان را به این علت که آلودگی مزبور به مالکیت آنها آسیب نمی‌رساند رد کرد. به تشخیص کمیسیون مطابق با رویه قضایی و اصول حقوقی

^۱ Powel & Rayner

^۲ مطابق با ماده ۱ پروتکل ۱: هر کسی دارای حق برخورداری از مالکیت و دارایی می‌باشد.

^۳ بر اساس ماده ۱۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر با عنوان «حق جبران مؤثر»، هر کس که حقوق و آزادی به گونه‌ای که در این کنوانسیون آمده نقض شود، باید به طور مؤثر توسط مقام مسئول ملی جبران شود، مگر اینکه آن نقض توسط یک شخص در جایگاه رسمی انجام شده باشد.

^۴ آمین منصور، جواد، ۱۳۹۴، رابطه بین حقوق بشر و محیط زیست از منظر جامعه بین‌المللی، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و نهم، شماره

۳، ص ۲۰

^۵ Zimmerman and steiner

^۶ Zimm erman and steiner V.Switzerland,ECHR,1982,SA,no 66

^۷ Federal Assessment Commission.

سوئیس، مستأجران و منتفعان می‌توانند طبق قاعده کلی به «حقوق ناشی از مزاحمت» مقرر در مواد ۶۷۹ و ۶۸۴ قانون مدنی استناد بکنند و در هر حال ادعای متقاضیان بر پایه خسارتی غیر قابل تقویم به پول است و به مالکیت آنها آسیب نمی‌رساند.

در ۱۸ آوریل ۱۹۷۷ متقاضیان از رأی کمیسیون تجدید نظرخواهی نمودند و نخستین دادگاه عمومی فدرال این درخواست را در ۱۵ اکتبر ۱۹۸۰ رد کرد. این رأی که ۱۵ صفحه طول داشت با تحلیل وضعیت سکونتی متقاضیان آغاز شد. و بیانگر این نکته بود که در سالهای ۱۹۵۸ و ۱۹۶۷، متقاضیان قراردادهای اجاره خود را که هر سه ماه یک بار تمدید می‌شد، امضاء کرده‌اند. در حالی که آنها از مزاحمت‌هایی که در معرض آن قرار داشتند آگاه بوده‌اند.

در نهایت این پرونده در دادگاه اروپایی حقوق بشر مطرح و در جریان رسیدگی نمایندگان متقاضیان مبلغ ۵۰۰ فرانک سوئیس به عنوان جبران خسارات غیر مالی ناشی از آلودگی صوتی برای هر یک از موکلان خود مطالبه نمودند. همچنین بازپرداخت حقوق وکلا و هزینه‌ها و مخارج ایجاد شده را خواستار شدند. در نهایت دادگاه با اتفاق آراء تصدیق نمود که ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در این پرونده قابل استناد و دولت سوئیس ملزم به بازپرداخت مبالغ و جبران خسارت متقاضیان است.^۱

۱-۳: قضیه لوپز اوسترا^۲

پرونده زیست‌محیطی دیگر در رویه قضائی دیوان اروپایی حقوق بشر قضیه «لوپز اوسترا» است که مربوط به عملیات کارخانه بازیافت زباله‌های ناشی از صنعت مازوکاری است. خانه خانم «لوپز اوسترا» فقط ۱۲ متر از محل استقرار این کارخانه فاصله داشت. کارخانه مذکور به دلیل خرابی، گاز سمی تولید می‌کرد که مشکلات بهداشتی و سلامتی و نیز مزاحمت برای بسیاری از ساکنان آن محل ایجاد کرده بود، علاوه بر اینکه مجوز هم نداشت. شورای شهر برای چندین ماه ساکنین آن محل را در مکان دیگری اسکان داده بود، لکن خانم «لوپز اوسترا» و خانواده‌اش نهایتاً به خانه خود مراجعت کرده بودند. علی‌رغم اینکه فعالیت کارخانه مذکور محدودتر شده بود برخی از اثرات نامطلوب آن هنوز هم در محدوده مجاور تأثیر منفی و مخربی بر جای می‌گذاشت. خانم «لوپز» شکایت کرد تا فعالیت آن کارخانه متوقف شود. دادگاه تشخیص داد که فعالیت آن کارخانه اگر چه مزاحمت‌ها و مشکلاتی ایجاد می‌کند، لکن خطر جدی برای سلامت افراد ساکن در مجاورت کارخانه ایجاد نکرده و حقوق بنیادین آنها را نقض ننموده است و بنابراین شکایت خواهان رد شد. رأی تجدید نظر هم به نفع کارخانه صادر شد. بعد از آن

^۱ <https://www.ecolex.org/details/court-decision/zimmermann-and-steiner-v-switzerland>

^۲ lopez astara

خانم «لوپز» به کمیسیون اروپایی حقوق بشر شکایت برد مبنی بر اینکه انفعال مقامات محلی باعث نقض حقوق او طبق ماده هشت بند یک کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و ماده ۳ (رفتار غیرانسانی و موهن) شده است. کمیسیون شکایت اول را تأیید و مورد دوم را رد کرد. در خصوص شکایت مربوط به نقض ماده ۸ کنوانسیون دیوان اظهار می‌دارد: «طبیعتاً آلودگی شدید زیست محیطی بر سلامت افراد تأثیر می‌گذارد و مانع از آن می‌شود که افراد از خانه خود استفاده کنند، به عبارت دیگر زندگی خصوصی و خانوادگی آنها را به نحو مطلوبی تحت تأثیر قرار می‌دهد، اگر چه ممکن است سلامتی آنها را به طور جدی به مخاطره بیندازد. دیوان اضافه می‌کند که باید بین منافع فرد و منافع جامعه به عنوان یک کل توازنی برقرار شود و به هر حال دولت از یک حاشیه ارزیابی هم برخوردار است».^۱

همانگونه که پیش از این اشاره شد و در موارد بالا هم مشاهده می‌شود، مفاد کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، موضوع‌های زیست محیطی را در برداشت و موارد انگشت شمار شکایت‌های مرتبط با محیط زیست نیز با افزایش حساسیت‌های عمومی و دولت‌ها در مورد آن و نیز با بالا رفتن سطح استانداردهای اروپایی مطرح شد. کمیسیون به این نتیجه رسید که آلودگی‌هایی نظیر صدا و دود ممکن است حق زندگی خصوصی و خانه و اموال شخص را مورد تعرض قرار دهد.

دلیل ارائه برداشت جدید این است که جامعه اروپایی همواره تلاش کرده متناسب با نیازهای روز حرکت کند و در این چهارچوب برداشت‌ها از مفاد کنوانسیون نیز استثناء نبوده و دچار تحولاتی شده است. به عبارت دیگر، کنوانسیون باید در مورد اجتماع و نیازهای آن به نوان یک ابزار زنده و نه یک ابزار قدیمی عمل کند.

از این رو موضوع قانون موردی^۲ مطرح شد که از این طریق، حفاظت از محیط زیست با استفاده از مفاد فعلی کنوانسیون در دستور کار قرارگیرد. برای پشبرد این سیاست استفاده از دو روش زیر به نظر می‌رسد:

أ. به عنوان بخشی از حقوق شخصی، که در این زمینه از میان حقوق شناخته شده در کنوانسیون می‌توان به حق حیات (ماده دو)، حق مراعات زندگی خصوصی و خانه (ماده هشت) و حق مالکیت و دارایی (ماده یک پروتکل یک) اشاره کرد. البته این روش هنگامی قابل استفاده است که «قربانی شدن» شخص توسط دادگاه محرز شود.

^۱ مولایی، یوسف، همان ص ۳۵۲.

^۲ Case Law

ب. اعمال محدودیت مشروع در حقوق فردی یاد شده به نحوی که توازنی بین منافع و حقوق عموم از یک سو و حقوق فرد از سوی دیگر برقرار شود.^۱

۲- کشورهای آمریکایی

با بر شمردن تحولات ایجاد شده در زمینه رابطه بین حقوق بشر و محیط زیست در سطح بین‌المللی و نیز اروپا که پیشرفت‌هایی در این مورد داشته، منصفانه نخواهد بود اگر مناطق جغرافیایی دیگری که دست کم در هنجارسازی رابطه بین محیط زیست و حقوق بشر، تحولات چشمگیرتری داشته‌اند، مورد اشاره قرار نگیرند.

یکی از این مناطق قاره آمریکا است که دولت‌های عضو سازمان کشورهای آمریکایی پس از چند دور مذاکره درباره تدوین پروتکل الحاقی به کنوانسیون حقوق بشر در زمینه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موسوم به «پروتکل سان سالوادور»^۲ به توافق رسیدند. این پروتکل، بر حق در اختیار داشتن آزادانه ثروت و منابع طبیعی مردم تأکید کرده است. طبق پروتکل یاد شده، هر کس حق دارد که در یک محیط زیست سالم زندگی کرده و به خدمات عمومی دسترسی داشته باشد. دولت‌های هم‌پیمان، حفاظت و بهبود وضعیت محیط زیست را ارتقاء می‌دهند.^۳

همچنین حقوق بشر و محیط زیست در آمریکای لاتین به دامنه وسیعی از موضوعات زیست محیطی در آرژانتین، شیلی، کلمبیا، کاستاریکا، اکوادور و پرو بر می‌گردد. از بررسی رویه قضایی آنها سه نکته حائز اهمیت دریافت می‌شود. نخست اینکه دادگاه‌ها حق به محیط زیست سالم را در سلسله مراتب حقوق بشر به عنوان یک حق اساسی و زیر بنایی مورد شناسایی قرار می‌دهند. دوم، دادگاه‌ها محتوا و ماهیت حق برای یک محیط زیست سالم را از طریق تصمیمات اختصاصی خود توسعه می‌دهند. سوم، موارد نشان می‌دهند که چه روش‌هایی برای حفاظت از این حقوق مؤثر هستند.

۳- کشورهای جنوب آسیا

در سمینار مشترک کارشناسان یونیب و کمیساریای عالی سازمان ملل در اجلاس حقوق بشر سال ۲۰۰۲ وضعیت حقوق بشر و محیط زیست در بخشی از آسیا و آفریقا مطرح گردید. این گزارش توسعه حقوق بشر و محیط زیست را طی دهه ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۲ را در جنوب آسیا و آفریقا مورد بررسی قرار

^۱ امین منصور، جواد، همان، ص ۲۳.

^۲ Additional Protocol to the Convention on Human Rights in the areas of Economic, Social and Cultural Rights, so called: San Salvador Protocol.

^۳ امین منصور، جواد، همان، ص ۲۴.

می‌دهد و قوانین اساسی تعدادی از کشورهای آسیایی و آفریقایی در زمینه حقوق بشر و محیط زیست مورد مطالعه قرار می‌گیرد. بنا به جهت گیری این گزارش ماهیت مسائل محیط زیست و حقوق بشر در تمامی کشورهای جنوب آسیا مشابه هم می‌باشد.

در پاکستان قانون حمایت زیست محیطی^۱ اصول و ضمانت اجرا و روشهای حفظ و حمایت از محیط زیست را پیش بینی کرده است.

در هندوستان زمانیکه فردی با ادعای دفاع از منافع عمومی در زمینه محیط زیست، دادخواستی تقدیم می‌کند، اولین سؤالی که برای دادگاه مطرح می‌شود این است که آیا خواهان حق دسترسی به دادرسی را دارد (از جهت سمت) یا خیر؟ در پاکستان و بنگلادش برای احراز سمت مدعی، آزمون فرد زیان دیده به مرحله اجرا گذاشته می‌شود.

به رغم اینکه از سال ۱۹۹۰ قوانین پاکستان و بنگلادش برداشت بسیار لیبرال منبانه از حق اقامه دعوی ارائه داده‌اند، هیچ معیار و راهنمایی از مفهوم منافع عمومی در دعاوی زیست محیطی ارائه نشده است.

فقدان قطعیت در این زمینه ابهامات زیادی را موجب شده است و در مجموع می‌توان اظهار نمود که تشخیص این موضوع به عهده محاکم گذاشته شده است که تصمیمات بسیار متناقضی را در این خصوص صادر نموده‌اند. با این وجود آراء زیادی در خصوص جبران خسارت مدنی و کیفری از محاکم هند و پاکستان صادر شده است.

بررسی روبه محاکم هند و پاکستان نشان می‌دهد که تفکیک و مرزبندی بین دعاوی حقوق بشر و محیط زیست بسیار دشوار می‌باشد. در بسیاری از دعاوی که تحت عنوان منافع عمومی مطرح شده‌اند، هر دو جنبه زیست محیطی و حقوق بشری مورد توجه قرار گرفته است. در بنگلادش و پاکستان دعاوی مربوط به منافع عمومی عمدتاً تمامی جنبه‌های زیست محیطی نظیر آلودگی هوا یا آب، مدیریت زباله‌ها و آلودگی شهری را شامل می‌شوند. دادگاه‌های هندوستان نیز نست به دعاوی ناظر به حفاظت از زمین، آلودگی آب و هوا، آلودگی صوتی، مدیریت آبهای زیر زمینی و توسعه و مدیریت سیستم‌های فاضلاب شهری اتخاذ تصمیم نمودند.^۲

¹ Environmental protection act

^۲ مولایی، یوسف، همان، ص ۳۶۲.

۲-۳. مسئولیت بین‌المللی ناشی از آلودگی صوتی

۳-۲-۱. شکل‌گیری مسئولیت بین‌المللی در خصوص مسائل زیست محیطی

از دهه ۱۹۶۰، توجه به امور محیط زیست به صورت جنبشی با پشتوانه مناسب افکار عمومی و علاقمندی به آن، دامن گسترانید. اگر چه در آغاز بیشتر این حمایتها در جهان صنعتی محدود می‌شد لیکن در همین دوره نیز خوش بینی و امید برای داشتن دنیای بهتر به منظور دسترسی به مقاصد بین‌المللی پیشرفته وجود داشت که خود عاملی شد برای آنکه مستعمراتی که دارای منابع طبیعی غنی بودند، به استقلال دست یابند. همچنین وجه رو به رشد فشار افکار عمومی به دستیابی به یافته‌های علمی در خصوص آثار آلودگی و تخریب محیط زیست خود انگیزه‌ای مناسب در جهت همکاری‌های بین‌المللی گردید.

از آنجا که اهمیت حفظ محیط زیست بر کسی پوشیده نیست، به تبع آن، ایجاد و تحول حقوق و تکالیف مربوط به آنچه در حقوق داخلی و چه در حقوق بین‌الملل از مسائل بسیار مهمی است که گستره وسیعی را شامل می‌شود. از جمله تغییرات آب و هوا، گرمای جهانی (گرم شدن دمای زمین)، بالا آمدن سطح دریاها، حفظ گونه‌های گیاهی و حیوانی، فرسایش لایه اوزن، آثار فعالیتهای صنعتی ناشی از اعمال انسان، تخریب جنگلها، آلودگی آبها، باران‌های اسیدی، آلودگی‌های صوتی و بسیاری مسائل دیگر مانند آن.

از سوی دیگر وقایع و حوادث زیست محیطی که در طول سالهای گذشته رخ داده به جهان بشریت هشدار می‌دهد که حفظ محیط زیست یک مسئولیت بین‌المللی است. (به عنوان مثال در سال ۱۹۸۴ نشت گاز سمی متیل ایزو سایانیست از یک کارخانه در بوپال هند موجب مرگ حدود ۲۰۰۰ نفر و آسیب دیدن تقریباً ۲۰۰۰۰۰ نفر و بروز فجیعترین فاجعه از این دست در طول تاریخ گردید به دنبال آن در سال ۱۹۸۶، وقوع انفجار راکتور هسته‌ای چرنوبیل در اوکراین شوروی سابق اولین واقعه مرگ و میر ناشی از رادیواکتیو از یک نیروگاه هسته‌ای بود که در فضا منتشر گردید به نحوی که حتی به فواصل دور حتی ایالات متحده آمریکا رسید. کمی بعد در همان سال، لوله‌های آتش نشانی طی خاموش نمودن یک انبار در سوئیس در آتش سوخت و موجب ورود حدود ۳۰ تن ماده شیمیایی به درون منطقه مجاور (رودخانه راین) گردید و این حادثه به عنوان جدی‌ترین فاجعه محیط زیستی اروپا، رسوایی برانگیخت. این حوادث هشدار می‌دهد مبنی بر اینکه که کشورها نمی‌توانند مرزهای خود را ببندند تا از اثرات فاجعه‌ها و رخدادهای محیط زیستی در امان باشند. در مواجهه با عظمت و فوریت اینگونه مشکلات و مسائل محیط زیستی بین‌المللی، جهان نیازمند یک بیداری و همراهی جدی است. گر چه موضوعات

محیط زیستی از جهت روابط بین‌المللی، پدیده‌های جدیدی نیستند و حتی امروزه رهبران جهان به طور فزاینده‌ای مسائل محیط زیستی را از بخش‌های حاشیه‌ای و جانبی به دستورکارهای اصلی سیاسیشان منتقل کرده‌اند، چنانچه تعدادی از کنفرانس‌ها و معاهدات بین‌المللی در مورد گرمای جهانی و فرسایش لایه اوزن نشانگر این هستند که جهان وارد قرن جدیدی از دیپلماسی محیط زیستی شده است. اغلب معاهده‌های بین‌المللی منعقد شده، موضوع مسئولیت را در برخی زمینه‌ها مورد بحث قرار داده‌اند از قبیل آلودگی دریایی یا زیانهای ناشی از آلودگی هوا و... .

حفاظت و حمایت از محیط زیست نیازمند ابزاری قانونمند است که دارای ضمانت اجرای مستحکم در سطح بین‌المللی باشد. مسئولیت بین‌المللی ضمانت اجرایی برای جلوگیری از خسارات وارد بر محیط زیست با دامنه فراگیر بین‌المللی است که می‌تواند ساز و کاری مفید در راستای بهبود حقوق بین‌الملل محیط زیست باشد.

۳-۲-۲. مسئولیت مدنی در قبال ورود خسارت به محیط زیست

مسائل محیط زیست طبیعتاً با شدتی هر چه تمامتر جنبه جهانی به خود می‌گیرد. نظیر آلودگی‌های مرزگذر، مثل باران اسیدی یا منابع مشترک نظیر رودخانه یا دریاچه؛ و در بیشتر مواقع منشأ خسارت‌های اکولوژیک فرامرزی پیش آمده در پی حوادث صنعتی‌اند. تولید، استفاده و حمل و نقل این مواد از سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ موضوع قواعد و مقررات نسبتاً اجباری در چارچوب مقررات جوامع اروپایی قرار گرفته‌اند.

مسأله مسئولیت مدنی، ابتدا در خصوص خسارت‌هایی مورد توجه قرار گرفتند که منشأ هسته‌ای داشتند. کنوانسیون‌های پاریس، بروکسل و وین به این امر پرداخته‌اند. البته اغلب کنوانسیونهایی که به موضوع مسئولیت پرداخته‌اند، تعاریف مشابهی راجع به مسئولیت مدنی ارائه می‌دهند به عنوان مثال ماده ۸ کنوانسیون ۱۹۹۳ لوگانو در مورد مسئولیت مدنی برای خسارت ناشی از فعالیتهای خطرناک برای محیط زیست می‌باشد که بیان داشته است: «مفهوم مسئولیت مدنی به طور کلی به ضرر یا خسارت واقع شده از چیزی یا کسی اشاره دارد و به طور معمول دعاوی مدنی به وسیله آنهایی که خود یا اموالشان خسارت دیده‌اند، آغاز می‌شوند و مسئولیت آنها اغلب متوجه مالک اصلی یا مدیر یک منبع آلودگی می‌باشد. ذینفع می‌تواند چنانچه دچار ضرر قابل توجهی گردد که در نتیجه نقض قانون صورت گرفته باشد، دادخواست جبران خسارت تقدیم نماید».

در تمام دعاوی که نسبت به ادعای مسئولیت آسیب زیست محیطی طرح می‌شود اولین دلیل مورد نیاز وجود رابطه علیت بین فعل یا ترک فعل و ضرر و خسارت وارد شده می‌باشد و وقتی آسیب وارده

از چندین منبع باشد، (یعنی آلودگی ناشی از اثر جمعی به طور یکجا یا به طور پراکنده و پخش شده)، تشخیص ممکن است دشوار باشد، به خصوص وقتی به طور همزمان پیش آید.

ضرر زیست محیطی را می‌توان به طور مضیق، تنها با اشاره به منابع طبیعی یا موسع، شامل ضرر به مطلوبیت محیط زیست تعریف کرد. آلودگی ضرورتاً همان ضرر به محیط زیست نیست. ضرر زیست محیطی یکبار در دعوی تریل اسملتر تعریف شده است و همچنان به عنوان معیاری تعیین شده، مسئولیت مدنی دولت را به دنبال دارد به این ترتیب که صدمه زدن، به آسیبی با یک «اثر شدید» اطلاق می‌شود و عبارات دیگر مورد استعمال شامل «قابل ارزیابی»، «قابل اندازه گیری» و «قابل توجه اساسی (واقعی)» است و آنچه مشترکاً بیش از همه کاربرد یافته «آسیب قابل توجه» می‌باشد.

اصل مسئولیت دولت راجع به زیان زیست محیطی در اسناد غیر الزام آور نیز وجود دارد به طوریکه اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم مقرر می‌دارد که «دولت‌ها مسئولیت دارند که مراقبت کنند تا فعالیتهای تحت قلمرو آنها موجب آسیب به محیط زیست دیگر کشورها یا مناطق خارج از قلمرو ملی آنها نگردد». کما اینکه اصل ۳ اعلامیه ریو از دولت‌ها می‌خواهد که قوانین ملی را در خصوص مسئولیت و جبران خسارت زیان دیدگان و دیگر خسارات زیست محیطی توسعه دهند. آن‌ها باید به سرعت و با قاطعیت برای تنظیم یکسری قوانین بین‌المللی با تضمین جبران خسارات و پیامدهای منفی آلودگی محیط زیست با یکدیگر همکاری کنند و متعهد به جبران خسارات ناشی از فعالیتهایی که در محدوده قلمرو خود یا مناطق تحت کنترل آن سوی قلمرو خود هستند، باشند.

دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۱۹۶۶ اظهار کرد که عدم اجرای تعهد که سبب صدمه فرامرزی به محیط زیست گردد، اکنون بخشی از حقوق بین‌المللی عمومی است (نظر مشورتی دیوان در خصوص مشروعیت تهدید یا کاربرد سلاحهای هستهای جولای ۱۹۶۶). بنابراین دولت‌ها باید فوراً پس از وقوع هر حادثه اعم از طبیعی و یا وضعیت اضطراری که احتمال می‌رود دارای اثرات مضر و غیر قابل پیش‌بینی بر محیط زیست دولتهای دیگر باشد، آن را به آن‌ها اعلام دارند (اصل ۱۸ اعلامیه ریو).

در ادامه به یکی از جنبه‌های فرامرزی و مرزگذر آلودگی صوتی در محیط دریایی و تکالیف و مسئولیت دولت‌ها در قبال آن می‌پردازیم.

۳-۲-۳. مسئولیت بین‌المللی ناشی از آلودگی صوتی در محیط دریایی

۳-۲-۳-۱. آلودگی صوتی دریایی

اگرچه بهبود صنایع دریایی باعث ارتقاء و پیشرفت جهان و تکنولوژی شده اما نمی‌توان انکار کرد که همزمان با آن طبیعت باید بهای آنرا بپردازد. تعداد روزافزون کشتیهای بزرگ خصوصاً تجاری، باعث افزایش سر و صدا در دریا و بالطبع افزایش تبعات منفی برای محیط زیست دریا می‌گردد.

موضوع تأثیر صوت ناشی از فعالیتهای انسانی بر روی محیط زیست دریایی و جانوران آبی، یکی از مسائل مورد توجه محققان در دو دهه اخیر شده است. محیط زیست دریایی میزبان طیف گسترده‌ای از صدا (ناشی از برخورد امواج، باد، فعالیتهای زیستی و...) است که می‌تواند ارتباط صوتی و سایر عملکرد جانوران دریایی را مختل کند. با این حال فرض بر این است که این مخلوقات در طی میلیونها سال حیاتشان توانسته‌اند به کمک تکامل با این عوامل محیطی سازگار شوند.

دو دلیل اصلی اثرات منفی سر و صدا بر روی حیات دریایی به این خاطر است که صدا در آب مسافت بیشتری را نسبت به هوا طی می‌کند و دوم اینکه موجودات دریایی به صدا بسیار حساس‌ترند نسبت به خشکی‌زی‌ها.

منبع آلودگی صوتی می‌تواند شامل هر صدایی از کشتی‌ها حتی فرکانس پایین سونار در زیردریایی‌ها، لرزه‌های ناشی از اکتشاف نفت و گاز، ترافیک کشتی‌های تجاری و حتی جت اسکی‌ها باشد. اگرچه مطالعات نشان می‌دهد که این صداها اثری بر انسان ندارد اما برای حیات دریایی مضر هستند. جمعیت ستاسه آها (نهنگ‌ها و دلفین‌ها) در چنین مناطقی کاهش می‌یابد. مرگ جانداران مانند وال‌ها چند ساعت بعد از در معرض صدای شدید (غیرمتعارف) قرارگرفتن اتفاق می‌افتد. به ساحل آمدن وال‌ها کمی بعد از مانورهای سونار یکی از اثرات منفی آلودگی صوتی است.

آوارگی یا حرکت بی برنامه آبزیان به جای جدید یکی از عوارض آلودگی صوتی است. اگرچه این امر یک مکانیسم غریزی برای زنده ماندن است، اما مطالعات نشان می‌دهد که امید زیادی برای خوگرفتن این آبزیان در محیط‌های جدید نمی‌رود. از اثرات آلودگی صوتی می‌توان به این اشاره نمود که آبزیان با صداهای بیگانه احساس هشدار یا خطر می‌کنند و ممکن است این هشدار منجر به خون ریزی، تغییر مسیر غوطه وری، مهاجرت، آسیب به ارگانهای داخلی و اختلال در ارتباطات عادی

می‌شود و حتی آلودگی صوتی می‌تواند جلوی برقراری ارتباط جانور با هم‌نوعانش و غذا یافتن و یا آگاهی از خطرات پیرامونش را بگیرد.^۱

با توجه به اثرات منفی صوت در محیط دریایی، لزوم تنظیم قواعد و مقررات الزام آور در این خصوص بیشتر از گذشته احساس می‌گردد. در سطح بین‌المللی هیچ توافقنامه جهانی یا منطقه‌ای که به طور خاص به صدا در محیط دریایی و تأثیرات آن بر پستانداران دریایی پرداخته باشد، وجود ندارد. البته به دلایلی که در ذیل خواهد آمد، قدرت و صلاحیت کشورها برای مقابله با این امر مهم محدود گشته است:

۱. یکی از منابع مهم آلودگی صوتی، یعنی کشتی‌های تجاری؛ اغلب تحت پرچم دولت متبوع خود حرکت می‌کنند، در حالی که از آبهای ساحلی کشور دیگر عبور می‌کنند.

۲. آلودگی صوتی می‌تواند به طور طبیعی در مرز دو کشور اتفاق بیافتد زیرا فرکانس صوت در محیط دریایی با فواصل بسیار طولانی منتشر می‌شود. به نحوی که آلودگی در آبهای سرزمینی یک کشور ایجاد می‌شود، در حالی که بر زندگی دریایی در آبهای سرزمین دیگر یا دریاهای آزاد، تأثیر می‌گذارد.

۳. برخی از فعالیت‌های موجب آلودگی صوتی در مناطق و محدوده‌ای انجام می‌شود که هیچ یک از کشورها بر آن صلاحیت قضایی ندارند.

۴. برخی از گونه‌های موجودات دریایی به دلیل اثرات منفی ناشی از آلودگی صوتی مهاجرت می‌کنند. در نتیجه گونه‌هایی که از این آلودگی در مرزهای دریایی یک کشور دچار صدمه و آسیب شده‌اند، به طور دقیق قابل تعیین نیست.

از این رو به برای تعیین حدود مسئولیت دولت‌ها در قبال این آلودگی، به «کنوانسیون حقوق دریاها»^۲ موسوم به «قانون اساسی دریاها» که به طور گسترده‌ای حقوق بین‌الملل عرفی در مورد حقوق دریاها را بیان می‌کند، مراجعه می‌کنیم.

^۱ امام، رؤیا، نادری، ابراهیم، جهانبازی، آرش، ۱۳۹۱، اولین همایش ملی توسعه سواحل و اقتدار دریایی جمهوری اسلامی ایران، کد مقاله، ۱۰۶۱.

^۲ United Nations Convention on the Law of the Sea.

۲-۳-۲. مسئولیت بین‌المللی ناشی از آلودگی صوتی در «کنوانسیون حقوق دریاها»

ماده ۱۹۲ کنوانسیون حقوق دریاها، یک وظیفه عمومی و گسترده را برای دولت‌ها در خصوص حفاظت و حمایت از محیط زیست دریا مقرر نموده است.^۱ این وظیفه به هیچ علت یا ابزار خاصی وابسته نیست. با این حال ماده ۲۳۶ کنوانسیون مقرر می‌دارد: «مقررات این کنوانسیون در مورد حمایت و حفاظت محیط زیست دریا بر هیچ کشتی جنگی، شناورهای امدادی نیروی دریایی، سایر کشتی‌ها یا هواپیماهای تحت تملک یا اداره یک کشور، که در زمان مورد نظر فقط در خدمات غیر تجاری دولتی استفاده می‌شوند، اعمال نخواهند شد. با این وصف، هر کشور، با اتخاذ اقدامات مناسب که بر عملیات یا ظرفیت‌های عملیاتی این کشتی‌ها یا هواپیماهای تحت تملک یا اداره وی لطمه وارد نمی‌سازد، تضمین خواهد کرد که این کشتی‌ها و هواپیماها تا آنجا که متعارف و قابل عمل می‌باشد، به نحوی منطبق با این کنوانسیون رفتار می‌نمایند.» در نتیجه به موجب این ماده کشتی‌های جنگی برابر قاعده «مصونیت حاکمیتی» از مقررات زیست محیطی مندرج در کنوانسیون، معاف هستند.

البته ماده ۳۱ در خصوص خسارات وارده توسط کشتی جنگی یا سایر کشتی‌های غیر تجاری دولتی، کشور صاحب پرچم را دارای مسئولیت بین‌المللی می‌داند. و به موجب ماده ۳۰ کنوانسیون، در مواردی که کشتی‌های جنگی نتوانند مطابق مقررات کشور ساحلی از دریای سرزمینی عبور کنند، کشور ساحلی می‌تواند از او بخواهد فوراً دریای سرزمینی را ترک کند.

در نتیجه توانایی یک دولت برای اخراج کشتی نظامی از دریای سرزمینی، می‌تواند تا حد زیادی بر جلوگیری از آسیب‌های صوتی بر حیات وحش دریایی مؤثر باشد.

همچنین می‌توان گفت در جایی که اعمال مقررات کنوانسیون بر کشتی‌های جنگی با محدودیت مواجه می‌شود، دولت صاحب پرچم موظف است هر گونه خسارتی که ایجاد کرده است، جبران نماید.

تکلیف عمومی مقرر در ماده ۱۹۲ شامل وظیفه برای حفاظت از محیط دریایی در برابر اثرات آلودگی صوتی نیز می‌گردد. البته آنچه که در نهایت ممکن است از این وظیفه کلی برآید به وسیله مقررات بخش‌های بعدی محدود شده است.

^۱ ماده ۱۹۲ کنوانسیون حقوق دریاها: «کشورها وظیفه دارند محیط زیست دریا را حفاظت و حمایت نمایند.»

در حال حاضر منابع آلودگی صوتی دریایی عبارتند از: «حمل و نقل‌های تجاری، تمرینات کشتی‌های نظامی، تماشای نهنگ‌ها از کشتی‌ها، توربین‌های بادی، حفاری‌ها، فعالیت‌های لرزه‌ای مرتبط با اکتشاف نفت و گاز و تحقیقات آکوستیک».

از تعریف کنوانسیون از آلودگی محیط زیست دریایی چند نکته مهم برداشت می‌شود:

۱. نیاز به اینکه ماده یا انرژی آلاینده توسط انسان ایجاد شود، به این معناست که منابع طبیعی آلودگی صوتی در محیط دریایی مانند امواج و باد از تعریف خارج و تنها آلودگی صوتی ناشی از فعالیت‌های انسانی، آلاینده محسوب می‌گردد.

۲. مطابق با مفاد کنوانسیون، ماده یا انرژی می‌تواند به طور مستقیم یا غیر مستقیم به محیط دریایی وارد شود.

۳. صرفاً ورود یک ماده یا انرژی به محیط دریایی، باعث ایجاد «آلودگی» در معنای کنوانسیون نیست. بلکه باید آستانه‌ای از آلودگی ایجاد شود که موجب آثار زیانبار و تهدیدات جدی شود. و آثار زیانبار شامل مواردی است که زندگی دریایی را مورد هدف قرار می‌دهد.

۴. با توجه به تعریف کنوانسیون از «آلودگی محیط زیست دریایی»، عبارت «محیط دریایی» تا حدودی نا مشخص است. البته بند ۵ ماده ۱۹۴ نشان می‌دهد که محیط دریایی شامل اکوسیستم‌های کمیاب یا شکننده و نیز زیستگاه نمونه موجودات بسیار کاهش یافته، در معرض تهدید یا خطر، و انواع دیگر موجودات دریایی خواهد بود.

بند ۶ ماده ۲۱۱ نیز بیانگر این است که، این محیط در بر گیرنده «شرایط اقیانوسی و اکولوژیک آن ناحیه و نیز استفاده از آن یا حفاظت منابع آن و خصوصیت ویژه ترافیکی آن» است. و مواد ۱۴۵ و ۱۹۶ نیز نشان می‌دهد که محیط دریایی شامل تعادل زیست محیطی آن نیز می‌گردد.

علاوه بر این اداره بین‌المللی دریایی (ISA) قوانینی را به تصویب رسانده است که ضمن آن به تعریف محیط دریایی به شرح ذیل پرداخته است:

«محیط دریایی شامل عوامل فیزیکی، شیمیایی، زمین‌شناسی. بیولوژیکی که با هم در تعادل هستند، می‌گردد. همچنین این محیط شامل آب‌های دریاها، اقیانوس‌ها و فضای بالای آنها، کف و بستر اقیانوس، می‌گردد».

در نتیجه از تعاریف و شواهد موجود در کنوانسیون بر می‌آید که زندگی موجودات دریایی، از جمله پستانداران و ماهی‌ها به طور منظم در مفهوم محیط دریایی قرار دارد.

از سویی دیگر برای آلودگی محیط زیست دریایی، منبع آلاینده باید «ماده یا انرژی» باشد و از آنجایی که صدا در واقع شکلی از انرژی است، به وضوح در تعریف جای می‌گیرد و به عنوان یک منبع آلاینده، تحت حمایت کنوانسیون در نظر گرفته می‌شود.

علاوه بر این با توجه به اینکه صدا نوعی انرژی است، در نظر گرفتن آن به عنوان منبع آلاینده، برای دستیابی به اهداف کنوانسیون که به حفظ حیات دریایی و حفظ پستانداران تأکید می‌کند، مناسب‌تر و سازگارتر است. این امر شماری از تعهدات را برای دولت‌های عضو به وجود می‌آورد.

در این راستا بند ۲ ماده ۱۹۴ کنوانسیون از دولت‌ها می‌خواهد اطمینان حاصل نمایند که فعالیت‌های تحت صلاحیت یا کنترل آنها چنان انجام می‌شوند که موجب خسارت ناشی از آلودگی به کشورهای دیگر یا محیط زیست آن‌ها نمی‌شوند، و آلودگی ناشی از حوادث یا فعالیت‌های تحت صلاحیت یا کنترل آنها به خارج از نواحی که آنها حق حاکمیت خود را مطابق با این کنوانسیون اعمال می‌کنند، گسترش نمی‌یابد.

کنوانسیون به موجب ماده ۱۹، حق «عبور بی ضرر» در محدوده دریای سرزمینی توسط کشتی‌های خارجی را به رسمیت شناخته است. در واقع عبور بی ضرر، نباید زیان آور به صلح، نظم و امنیت دولت ساحلی باشد. و عبوری زیان آور تلقی می‌گردد که کشتی‌ها باعث آلودگی آگاهانه و جدی و یا درگیر فعالیت‌هایی شوند که مستقیماً به عبور مربوط نیست.

برای اعمال محدودیت‌های عبور از دریای سرزمینی، کنوانسیون اجازه تصویب قوانین و مقررات را برای حفظ منابع زنده دریایی، حفظ محیط دریایی، جلوگیری، کاهش و کنترل آلودگی از جمله تعیین خطوط دریایی و طرح‌های برنامه عبور و مرور دریایی را می‌دهد. با این حال بند ۲ ماده ۲۱ روشن می‌کند، این مقررات نمی‌تواند تغییراتی در طراحی، ساخت، نیروی انسانی و یا تجهیزات کشتی‌های خارجی ایجاد کند، مگر برای رعایت و اجرای استانداردها و اصول بین‌المللی که توسط عموم کشورها پذیرفته شده‌اند.

همچنین مطابق با بند ۲ ماده ۲۵ کنوانسیون کشور ساحلی حق دارد برای جلوگیری از نقض شرایطی که پذیرش و ورود کشتی‌ها به آب‌های داخلی یا تسهیلات بندری تابع آن شرایط بوده، اقدامات لازم را

به عمل آورد. این حق مجدداً در بند ۳ ماده ۲۱۱ شناسایی شده است و نیازمند آن است که کشور ساحلی، شرایط خاصی را که در مورد جلوگیری، کاهش و کنترل آلودگی محیط زیست دریا برای ورود کشتی‌های خارجی به بنادر یا آب‌های داخلی یا پایانه‌های ساحلی خود مقرر می‌کنند، آن شرایط را آگهی مقتضی نموده و آنها را به اطلاع سازمان بین‌المللی صلاحیت دار برسانند.^۱

¹ Firestonet, Jeremy, Jarvis, Christina, 2007, Response and Responsibility: Regulating Noise Pollution in the Marine Environment, Journal of International Wildlife Law and Policy, 10:109–152

فصل چهارم:

مبانی و قواعد کلی حاکم بر مسئولیت مدنی ناشی از

آلودگی صوتی

۴-۱. مبانی مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی صوتی

۴-۱-۱. مبانی حقوقی مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی صوتی

۴-۱-۱-۱. مسئولیت مبتنی بر تقصیر

در این نوع مسئولیت، بار اثبات تقصیر به عهده زیان دیده است و زیان دیده از تمام دلایل و امارات می‌تواند برای اثبات تقصیر استفاده نماید. در واقع مسئولیت زیان زننده مشروط به اثبات تقصیر وی از ناحیه زیان دیده است. مثال بارز این نوع مسئولیت، مسئولیتِ امین است. شخص امین مسئول نیست مگر در صورتی که تعدی یا تفریط کرده باشد و بار اثبات این تعدی و تفریط به عهده طرف دعوا می‌باشد. به عبارت دیگر، طرف دعوا می‌بایست تقصیر امین را با دلایل و امارات ثابت کند و مادامی که وی موفق به اثبات تعدی و تفریط شخص امین نگردیده است حکم به ضمان امین داده نمی‌شود. ماده یک قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ مبتنی بر نظریه تقصیر است.

در خصوص خسارات ناشی از آلودگی صوتی نیز می‌توان چنین قیاسی را انجام داد. هنگامی که شخصی با عدم رعایت مناسبات موجب آلودگی صوتی و بروز خسارت در حوزه محیط زیست می‌گردد، و در مقابل مدعی (زیان‌دیده) ادعا دارد عملکرد شخص، ضرری غیر متعارف به محیط زیست رسانده است، به موجب این نظریه می‌بایست آن را اثبات نماید. در این صورت شخص مسئول قلمداد می‌شود و باید جبران خسارت نماید.^۱

در نظریه تقصیر نکته عمده این است که زیان دیده بتواند تقصیر عامل زیان را اثبات نماید و الا عامل زیان از مسئولیت مدنی بری خواهد بود. نظریه تقصیر ریشه در بنیان‌های نظری دارد و نزد کسانی که قائل به حقوق فطری هستند و کسانی که قائل به فرد گرایی هستند مبانی آن فرق می‌کند. به طور خلاصه می‌توان گفت که نظریه تقصیر بر مبنای آزادی، فرد گرایی و حقوق طبیعی بنا شده است.^۲ این نظریه در حقوق داخلی ایران تأثیر فراوان داشته و قانون مسئولیت مدنی ایران مصوب ۱۳۳۹ بر این

^۱ - تقی زاده، ابراهیم، علی هاشمی، احمد، (۱۳۹۳)، مسئولیت مدنی، تهران: انتشارات پیام نور، ص: ۲۵

^۲ کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۰)، الزام‌های خارج از قرارداد، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص: ۱۷۴

مبنا وضع شده است و به نظر عمده حقوقدانان، قانون مدنی ایران نیز از این نظریه پیروی می‌نماید و بعضی نیز قائلند که قانون مدنی ایران مسئولیت را بر اساس ضرر نهاده است نه تقصیر.^۱

در حقوق ما مسئولیت اصولاً مبتنی بر تقصیر است، یعنی قانون کلی این است که شخص در صورتی مسئول زیان‌های ناشی از کار خویش است که مرتکب تقصیر شده باشد، ولی، پذیرفتن این اصل مانع از آن نیست که گاه مسئولیت بدون تقصیر نیز به وجود آید و نمی‌توان ادعا کرد که تقصیر مبنای منحصر مسئولیت است. در پاره‌ای امور، به دلیل لزوم جبران ضرر نامشروعی که وارد آمده یا به خاطر محیط خطرناکی که شخص برای انتفاع از آن به وجود آورده است، قانون گذار ما مسئولیت مدنی را پذیرفته است و به طور کامل از هیچ یک از دو نظریه تقصیر و ایجاد خطر پیروی نمی‌کند. موضوع مسئولیت مدنی در مورد محیط زیست و اشخاصی که در این امر دخیل هستند را با کمی خوش بینی می‌توان در این طبقه قرار داد.^۲

از طرفی در مقابل این موضع می‌توان به مسئولیت بدون تقصیر نیز اشاره کرد که در بند ذیل به صورت مبسوط مورد دقت نظر و بررسی قرار می‌گیرد. با این حال نتیجه مهم استثنایی بودن مسئولیت بدون تقصیر این است که، هر گاه چند علت زیانی به بار آورد، سرانجام مسئولیت به عهده کسی قرار می‌گیرد که خطا کار است و هر جا که مسئولیت نوعی با تقصیر تعارض پیدا کند، مسئولیت ناشی از تقصیر مقدم است؛ چنان که، اگر دو وسیله نقلیه موتوری با هم تصادف کنند و تنها یکی از دو راننده مقصر باشد، جبران خسارت به عهده اوست و دیگری مسئولیتی ندارد. ماده ۳۳۵ قانون مدنی در این باب می‌گوید: در صورت تصادف بین دو کشتی یا دو قطار راه آهن یا دو اتومبیل و امثال آن‌ها مسئولیت متوجه طرفی خواهد بود که تصادف در نتیجه عمد یا مسامحه او حاصل شده باشد.^۳

بازخورد نظریه تقصیر در خصوص مسئولیت ناشی از آلودگی صوتی در گستره اجرای حق نیز می‌گنجد. اینکه چنانچه در راستای اجرای حقی که به کسی تعلق دارد، خسارتی وارد شود بایستی این خسارت جبران شود یا خیر؟ باید گفت اگر در اجرای حق، (مثلاً اعمال قانون توسط ضابط دادگستری) خسارت در حد متعارف وارد شود رافع مسئولیت است اما اگر از حد متعارف بالاتر رود مسئولیت دارد و باید جبران خسارت گردد. قابل ذکر است که اگر کسی حقی هم داشته باشد، حق اجرای مستقیم آن را ندارد بلکه اجرای حق بایستی از طریق خاصی که قانون پیش بینی کرده است صورت گیرد و گرنه

^۱ بهرامی احمدی، حمید، (۱۳۸۷)، جزوه درس حقوق مدنی ۴، دانشگاه امام صادق، تهران، ص: ۲۲۹

^۲ - تقی زاده، ابراهیم، علی هاشمی، احمد، همان، ص: ۵۳

^۳ - همان، ص: ۶۴

چنانچه از این بابت خسارتی به محیط زیست وارد آید مسئولیت دارد. بنابراین اگر در پی انجام عملی (حتی به صورت قانونی) موجب شود که از حد استانداردها به صورت عمدی تخطی کرده و این عدول از استانداردهای محیط زیستی موجب بروز خسارت گردد، (مثلاً در کنار یک گاوداری صنعتی کارگاه جوشکاری یا برش و ... که موجب صدای ناهنجار شود احداث نماید که صدای حاصل از فعالیت در این کارگاه موجب خلل در شیردهی گاوها و یا جنون آنها گردد) ضمان آور و در بر دارنده مسئولیت مدنی است.

هرچند نظریه تقصیر در برقراری در رابطه سببیت و اسناد عرفی زیان به فاعل نقش بازی می کند ولی نمی تواند مبنای جامعی باشد.^۱ درواقع پذیرش این نظریه امکان جبران بسیاری از خسارات زیست محیطی را دشوار می نماید چرا که اثبات تقصیر در خسارات زیست محیطی بر خلاف سایر حوزه ها مشکل است که این امر بیشتر ناشی از ماهیت خسارت زیست محیطی، تکرر آلوده کنندگان یا «آلوده کنندگان متعدد»^۲ انگیزه پایین قربانیان خسارات زیست محیطی و مشکلات مربوط به اثبات رابطه سببیت است.^۳

نظریه تقصیر مربوط به جوامع سنتی است و با اقتضائات جامعه در حال پیشرفت متناسب نیست. مهم ترین ایرادهای وارده به آن عبارتند از اینکه اولاً ارزیابی خسارت های زیست محیطی بسیار دشوار است. ثانیاً اثبات رابطه آلودگی ها و خسارات زیست محیطی مشکل و در برخی از موارد غیر ممکن می باشد. ثالثاً قربانیان خسارت های زیست محیطی انگیزه بسیار کمی برای پیگیری و مطالبه خسارت های زیست محیطی دارند. رابعاً در بسیاری از موارد محیط زیست مال خصوصی نیست و لذا شرط تحقق مسئولیت مدنی یعنی نقض حقوق مالکیت فردی فراهم نیست. از این رو نظریه تقصیر در خسارت های زیست محیطی به نحوی است که در عمل، اثبات تقصیر را غیر مقدور و به تبع آن امکان جبران خسارت را به دنبال نخواهد داشت.^۴

در نتیجه به طور کلی چنین استنباط می گردد که نظریه تقصیر برای مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی صوتی نیز کارایی لازم را ندارد. چرا که در این حوزه دشواری اثبات رابطه سببیت و تمامی ایرادات

^۱ - Uliescu, Marilena(1993), "La responsabilité pour les dommages écologiques" Revue Internationale de Droit Compare, p;382

^۲ - Multiple polluters.

^۳ - بابایی مقدم، عابدین (۱۳۸۴)، بررسی وجوه تمایز بین خسارات زیست محیطی و سایر خسارات، ارائه شده در درس مسئولیت مدنی زیست محیطی، دوره کارشناسی ارشد حقوق محیط زیست، تهران: دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، ص: ۵۳

^۴ خوئینی، غفور، کرمی، سعید، ۱۳۹۳، مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست محیطی در انفال، دوفصلنامه علمی پژوهشی دانش حقوق مدنی، سال سوم شماره اول، ص ۶۹.

مذکور به طور جدی‌تری وجود دارد. برای مثال، فردی که به علت خسارت وارده از انتشار سر و صدای زیاد یک کارگاه دچار مشکلات روحی و روانی شده است، مطالبه خسارت نمی‌کند. و در بسیاری از موارد ممکن است حتی متوجه ارتباط این خسارت با عامل زیان نیز نگردد.

۴-۱-۱-۲. مسئولیت محض

در مسئولیت محض به جای تمرکز بر رفتار شخص (به عنوان کسی که قصور و سهل انگاری کرده) تمرکز بر خود عمل می‌شود. مبنای این مسئولیت بیانگر مسئولیت بدون تقصیر می‌باشد که شاید در پی ساخت محصولات خطرناک به منصفه ظهور رسیده.

مسئولیت محض مسئولیتی است که مبتنی بر وجود یا اثبات تقصیر در عامل زیان یا فعل زیانبار نیست و صرف ایراد ضرر برای عامل آن ایجاد مسئولیت می‌کند. این نوع مسئولیت که مسئولیت محض نام گرفته است، نمودار مسئولیتی است که به حکم قانون و بر پایه مصلحت و تدبیر ایجاد می‌شود و تابع قواعد عمومی مسئولیت مدنی نیست، به همین جهت هم آن را مسئولیت نوعی یا کلی نیز نامیده‌اند. هدف این نوع مسئولیت تحمیل ضمان به نتیجه فعل است نه کیفیت آن.^۱ به بیان دیگر، صرف نظر از تقصیر یا عدم تقصیر در فعل شخص خاطی (ایجاد امواج صوتی قوی و تأثیر منفی بر طبیعت و موجودات زنده)، وی مسئول زیان‌هایی است که از عملکردش ناشی شده است.^۲

در مواردی مثل تجاوز به حقوق و منافع زیان‌دیده یا بهره‌برداری غیرمجاز از مال دیگری که نیاز به اثبات تقصیر عامل زیان نیست و عامل زیان مسئول تلقی می‌گردد، می‌گویند مسئولیت محض وجود دارد.^۳

مراد از مسئولیت محض، مسئولیت بدون اثبات تقصیر است که در حقوق امریکا و انگلیس برای حمایت از منافع اجتماعی در موضوعاتی مثل:

ضمان ناشی از نگهداری حیوانات وحشی، ضمان مالکان، ضمان قراردادهای صنعتی و ضمان ناشی از محصولات غذایی، اعمال می‌گردد.^۴

۱ - کاتوزیان، ناصر، مسئولیت ناشی از عیب تولید، تهران، دانشگاه تهران، چاپ سوم ۱۳۹۰، ص ۱۸۶ و ابراهیمی، نصرالله، مسئولیت تولید کالای معیوب و حمایت از مصرف کنندگان (تحلیل حقوقی در سه نظام حقوقی برتر دنیا) تهران، پژوهش‌نامه‌ی حقوق و علوم سیاسی، سال دوم، شماره‌ی ۵، ۱۳۸۶، ص ۲.

۲ - کاتوزیان، همان، ص: ۱۸۸.

۳ - بادینی، حسن، (۱۳۸۴)، فلسفه مسئولیت مدنی، تهران: شرکت سهامی انتشار، ص: ۲۱۸.

۴ - کاتوزیان، پیشین، ص: ۲۳۱.

سابقه تاریخی اعمال مسئولیت محض نسبت به خسارت‌های زیست محیطی به تدوین پیش‌نویس دستورالعمل مسئولیت ناشی از خسارت‌های زیست محیطی توسط کمیسیون اروپا بر می‌گردد. کمیسیون مزبور در اسناد نخستین خود که در سال‌های ۱۹۹۳ و ۲۰۰۰ منتشر کرد در خصوص خسارت‌های زیست محیطی ناشی از فعالیت‌های حرفه‌ای و خطرناک، مسئولیت محض را پذیرفت و در سال ۲۰۰۲ که دستور العمل پیشنهادی خود در زمینه مسئولیت‌های ناشی از تجاوز به محیط زیست را به پارلمان و شورای اروپا ارائه کرد دوباره بر مسئولیت محض تأکید نمود و این گرایش در ۲۰۰۴ به تصویب پارلمان و شورای اروپا رسید. با وجود این، به نظر می‌رسد کمیسیون اروپا در پذیرش مسئولیت محض از قانون آمریکا درباره مسئولیت و جبران خسارت و پاسخگویی جامعه در برابر محیط زیست الهام گرفته است. زیرا برای اولین بار، مسئولیت محض درباره آلودگی محیط زیست در این قانون پیش‌بینی شد و ایالت‌های آمریکا آن را در خصوص رها سازی مواد خطرناک به طبیعت پذیرفتند. هرچند که ریشه تاریخی مسئولیت محض در کامن لا به مسئولیت در برابر خسارت‌های ناشی از حیوانات و مسئولیت کارفرما در برابر کارگران بر می‌گردد. اما پس از مدتی در خصوص فعالیت‌هایی که خطرهای غیر متعارف داشتند و سبب آلودگی محیط زیست می‌شدند، پذیرفته شد.^۱

پرسش اصلی این است که آیا لازم است برای خسارات زیست محیطی مسئولیت محض قائل باشیم یا خیر؟ طرفداران پذیرش مسئولیت محض برای عامل زیان، دلایل عمده‌ای را برای آن ذکر می‌کنند، آنان عقیده دارند که برای خواهان مشکل است تا تقصیر خوانده خسارات زیست محیطی را اثبات کند. از این گذشته کسی که فعالیت ذاتاً خطرناک می‌کند، بایستی خطر جبران خسارات آن را نیز متحمل شود. طرفداران درونی کردن هزینه‌ها نیز از مسئولیت محض حمایت می‌کنند زیرا عاملی است تا هر فعالیتی هزینه واقعی خود را متحمل شود.

از سوی دیگر، اشکال اصلی مسئولیت مبتنی بر تقصیر این است که متصدی را ملزم به پرداخت هزینه‌های کامل عمل خویش نمی‌کند. به این علت که متصدی ملزم به پرداخت «هزینه‌های تولید» نیست، گویا از یارانه برخوردار می‌شود و این هزینه‌ها به اشخاص دیگر همانند دولت یا همسایگان تولید کننده تحمیل می‌شود. نفع عمده مسئولیت محض متابعت از معیار مراقبت است که متصدی را از

^۱ کاتوزیان، ناصر، انصاری، مهدی، (۱۳۸۷)، مسئولیت ناشی از خسارت‌های زیست محیطی، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۸، ش ۲، ص: ۲۹۳

مسئولیت رها نمی‌سازد و بنابراین متصدی مجبور است تا زیان زیست محیطی را هزینه تولید بداند و برای افزایش کارآمدی، آن را درونی سازد.

به کارگیری مسئولیت محض برای عامل زیان زیست محیطی، علاوه بر اینکه سبب رفع دشواری اثبات تقصیر می‌شود، اجرای سیاست‌های اصول حفاظت از محیط زیست را بهتر تأمین می‌کند.

از سوی دیگر منتقدان می‌گویند، یافتن مستندات مسئولیت محض، بسیار دشوار است. نمی‌توان با اظهارات ساده و کلی گفت که مسئولیت محض اثر بازدارندگی بیشتری نسبت به مسئولیت مبتنی بر تقصیر دارد. در واقع دلیل تجربی وجود ندارد که بیان کند، برقراری این نظام منجر به نتیجه فوری و عینی می‌شود. از این گذشته، مفهوم اعمال فوق العاده خطرناک، بیشتر وابسته به طرز رفتار با آن است تا ماهیت درونی آن؛ همچنین چرا تنها باید به این دلیل که رفتاری خطرناک است، برای آن مسئولیت محض و نه تقصیر، قائل باشیم. به علاوه، بیشتر اعمال بشری، در جهت انتفاع صورت می‌گیرد و نایستی به خاطر نفع عامل زیان، برای او مسئولیت قائل باشیم.^۱

از لحاظ اصول حاکم بر تفسیر، انتقاد فوق قوی به نظر می‌رسد زیرا مسئولیت محض، مسئولیت استثنایی است و باید به صورت محدود و مضیق تفسیر شود. مثلاً اگر فعالیتی به دلیل تولید فاضلاب خطرناک و خطر آلودگی آب نیازمند اخذ مجوز و تابع مسئولیت محض باشد؛ کل فعالیت نباید تابع نظام مسئولیت محض باشد بلکه تنها باید فعالیت خاص که حاوی فاضلاب هست موردنظر باشد و مسئولیت محض به فاضلابی محدود شود که سبب آلودگی آب می‌شود. به همین دلیل برخی از حقوق‌دانان اعتقاد دارند که مبنای مسئولیت، علی‌الاصول باید مبتنی بر تقصیر باشد و تقصیر هم باید بر مقررات قانونی و اداری پیوند زده شود و خسارت‌های زیست محیطی - اعم از مهم یا غیر مهم - که از انجام فعالیت‌های دارای مجوز دولتی وارد می‌شود نباید موجب تحقق مسئولیت بهره‌بردار شود.^۲

۴-۱-۲. مبانی فقهی مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی صوتی

خسارات زیست محیطی از موضوعاتی است که شامل زیان‌های وارده بر اموال، اشخاص و خود محیط زیست می‌باشد؛ به گونه‌ای که این نوع خسارات، تعادل زیست محیطی را برهم زده و فاجعه‌های زیست محیطی را به ارمغان می‌آورد؛ لذا برای حفاظت از محیط زیست و جلوگیری از آسیب‌های زیست محیطی باید شیوه‌های رفتاری انسان با محیط زیست دگرگون شده و اصول و قواعدی بر روابط انسان با محیط

^۱ رجبی، عبدالله، بررسی معیارهای ویژه در طراحی نظام مسئولیت مدنی خسارات زیست محیطی، حقوق محیط زیست (نظریه‌ها و رویه‌ها)، خرسندی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۵.

^۲ کاتوزیان، پیشین، ص: ۲۹۴

حاکم باشد و ضمانت اجرایی برای این مسئولیت تلقی گردد. بدین منظور، در حقوق کشورهای مختلف قوانین خاص در رابطه با مسئولیت مدنی زیست‌محیطی پیش بینی شده که از مهم‌ترین دستاوردهای قانون گذاری جدید در سطح جهانی، تغییر مبنای مسئولیت در این زمینه بوده است. در حقوق اسلام نیز می‌توان مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست محیطی را با واکاوی و تبیین منابع و اصول و قواعد فقهی استنباط نموده و مبنای این مسئولیت را تعیین ساخت که در ذیل به آن پرداخته می‌شود.

۴-۱-۲-۱. مسئولیت از باب تسبیب

تسبیب مأخوذ از سبب است. سبب در لغت به معنای رسن و وسیله نیل به چیزی دیگر و در اصطلاح عبارت از حادثه‌ای است که حسب قضاوت عرف منشاء ورود خسارت به غیر است. گفته شده است که کلمه سبب در تسبیب واجد دلالت فلسفی خود نیست. چه در اصطلاح فلسفه سبب عبارت از امری است که از وجود آن وجود و از عدمش عدم لازم آید. حال آنکه سبب در تسبیب الزاماً موجب خسارت نیست بلکه عادتاً زمینه وقوع تلف را فراهم می‌سازد. با این حال در تعریف سبب بین فقها اختلاف است. به نظر می‌رسد که ریشه اختلاف آن باشد که در بسیاری از موارد تحقق تسبیب منوط به تشخیص عرف است و چون خسارت غالباً زاییده اسباب متعدد و از جمله گاه نحوه رفتار خسارت دیده است، پس در همه حال به آسانی توافق کلی عرفی بر صحت انتساب خسارت به یکی از آن اسباب فراهم نمی‌شود و بر این اساس ارائه تعریفی جامع و مانع از تسبیب دشوار می‌نماید.

صاحب شرایع در مبحث دوم کتاب دیات، تسبیب را چنین تعریف کرده است: «ما لو لاه لما حصل التلف لكن علّة التلف غیره» یعنی آنچه که اگر نمی‌بود تلف حاصل نمی‌شد ولی علت تلف چیزی غیر از آن است» و علامه در قواعد به سبب نوعی که به حسب عادت زمینه ایجاد خسارت را فراهم می‌سازد توجه نموده و تسبیب را چنین تعریف کرده است که «السبب ایجاد مایحصل التلف عنده اذا كان السبب مما يقصد لتوقع تلك العلة»^۱.

در متون اخبار و احادیث مستند ضمان مسبب اتلاف، لفظ سبب یا تسبیب استعمال نشده بلکه این اخبار متضمن بیان مواردی است که منتهی به فرض سببیت در ایجاد خسارت می‌گردد و به موجب ملاک حاصل از آن، مسبب ضامن جبران خسارت است. از آن جمله است روایت منقول از حضرت امام صادق (ع) که در پاسخ مسأله‌ای که پرسیده بود اگر کسی چیزی در راه دیگری قرار دهد به طوری که مرکب شخصی در برخورد با آن رم کند و صاحبش را به زمین زند حکم قضیه چیست فرموده‌اند: «کل شیء یضر بطریق المسلمین فصاحبه ضامن لما یصیبه» یعنی «هر چیزی که به نحوی به راه مسلمین

^۱ - محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن حسن، شرایع الاسلام، تهران: چاپ خانه حاج ابراهیم، ۱۴۲۰ ه.ق.، ص ۳۸۵

آسیب برساند، صاحب آن چیز نسبت به هر حادثه، ضامن است». و نیز روایت نبوی «من اخرج میزاباً او کنیفاً او اوتد وتداً او اوثق دابةً او حفر شیئاً فی طریق المسلمین فاصاب فعضب فعهوله ضامن»^۱ به این معنی که «هر کس ناودانی یا گودالی در میان راه مسلمین ایجاد کند یا میخ یا افسار مرکبش را بکوبد، یا چاهی در راه مسلمین حفر کند و کسی به آن‌ها اصابت کند و به زمین بیفتد، ضامن است».

از مجموع این مطالب چنین برمی آید که این تعاریف مبتنی بر مصادیقی بوده است که در آنها منشاء ظاهری خسارت، رفتار خسارت دیده است اما در نهایت علت واقعی آن امر دیگری است. مانند آنکه شخصی در خیابانی گودالی حفر کند و آن را بدون سرپوش رها سازد و کودکی به هنگام دویدن در آن افتاده و مصدوم شود. در اینجا هر چند علت ظاهری خسارت، رفتار مصدوم است لیکن در نظر عرف اگر آن حفره نمی بود این خسارت حاصل نمی گشت. پس عمل آن شخص سبب بروز خسارت است به همین جهت در تعریف سبب گفته شده است: «هر گاه دو یا چند نفر موجب ورود خسارتی به دیگری شوند، آنکه بین عمل او و خسارت حاصله واسطه‌ای نیست او را مباشر گویند و دیگری (یا دیگران) که بین عمل او و خسارت حاصله، عمل مباشر واسطه شده است سبب نامیده می شود».

از این مفهوم می توان در برابر خسارات ناشی از آلودگی صوتی به واسطه انجام اعمالی چه عمدی و یا غیر عمدی، استفاده نمود. چرا که اگر در بادی امر چنین عملکرد خطاکارانه ای نبود، چه بسا اشخاصی به موجب این اعمال، خسارت نمی یابند. بنابراین بر اساس این نظریه، هرکس سبب خسارت یا تلف مال غیر شود باید از عهده خسارت وارده برآید. بنابراین در این نظریه، اثبات رابطه سببیت اهمیت ویژه‌ای دارد. علی‌رغم این که نظریه اتلاف تناسب بیشتری با اهداف حفاظت از محیط زیست دارد و می تواند به گونه‌ای حداکثری این وضعیت را تأمین نماید، لیکن باید از نظریه‌ای رقیب در فقه امامیه یاد کرد که ناظر به قاعده مشهور «تسبیب» است. در اینجا مشابه نظریه خطر یا مبتنی بر تقصیر؛ اسناد فعل به عامل زیان اهمیت دارد که از منظر آموزه‌های حقوق محیط زیست بسیار قابل انتقاد است.^۲

ماده ۳۱۷ قانون مجازات اسلامی تسبیب را چنین تعریف نموده است: «تسبیب در جنایت آن است که انسان سبب تلف شدن یا جنایت علیه دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود به طوری که اگر نبود جنایت حاصل نمی شد مانند آنکه چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند».

^۱ - همان، ص: ۳۸۹

^۲ - بهرامی احمدی، حمید، فهیمی عزیراله، (۱۳۸۶)، مبانی مسئولیت مدنی زیست محیطی در فقه و حقوق ایران، پژوهشنامه اسلامی دوره ۸، ش ۲۶، ص: ۱۲۸

به نظر می‌رسد که تفکیک اتلاف به اتلاف بالمباشره و اتلاف بالتسبیب مبتنی بر ملاحظه عملی بدهات انتساب علت خسارت به شخص یا تردید اولیه در این انتساب، به لحاظ جمع اسباب محتمل التأثی، بوده باشد. لیکن به مرور ایام ثمره ملاحظه، خود معیاری متضمن آثار تلقی شده و در نهایت چنان گشته است که گاه جامع بین این دو صورت، که «اتلاف» بوده باشد، از عنوان «اتلاف به تسبیب» حذف گشته و عناوین «اتلاف» و «تسبیب» چون دو مقوله منفصل به جای آن نشسته و عده‌ای نیز تحقق تسبیب و شرط مسئولیت ناشی از آن را از اتلاف متمایز یافته و تفاوت آن دو را به شرح زیر بر شمرده‌اند:

۱. در اتلاف، شخص بالمباشره و بدون واسطه موجب بروز خسارت می‌گردد، در حالی که در تسبیب شخص به طور مستقیم مباشر ورود خسارت نیست بلکه به واسطه امری مسبب تلف مال غیر می‌شود.
۲. در اتلاف، ضرورتاً خسارت باید از طریق فعلی مثبت بروز یابد حال آنکه در تسبیب، خسارت می‌تواند ناشی از فعل مثبت یا منفی باشد.
۳. در اتلاف، شرط استقرار مسئولیت بر شخص تحقق تلف است به احراز خطای متلف لذا چنانچه شخصی با رعایت همه احتیاطات، شکاری را هدف گیرد ولی گلوله به حیوان غیر اصابت نماید، شکارچی مسئول خسارت وارده است اگر چه تقصیر ننموده باشد. حال آنکه در تسبیب، شخص وقتی مسئول ورود خسارت است که مرتکب خطا یا تقصیر شده باشد. یعنی عواقب عمل خود را که نوعاً قابل پیش بینی است ملحوظ نداشته و خسارت در نتیجه مسامح او حادث شده باشد. مانند آنکه پروانه کشتی که بایست از نوع خاص بوده از گونه معمولی استفاده کرده و این عمل موجب سر و صدای ناهنجار و آلودگی صوتی در دریا شده و تأثیر منفی بر موجودات گردد.

فرض دو قاعده در نحوه بروز خسارت و تفریق اصول حاکم بر قاعده تسبیب از اتلاف خود منشاء بروز مشکلات عدیده‌ای است. شکی نیست که اغلب خسارات به سببیت و از طریق خطا در عمل یا از نقص آنها ناشی می‌شود و لذا ابتدای مسئولیت ناشی از تسبیب، در همه حال و منصرف از منشاء خسارت، بر خطا موجب خواهد شد که ترمیم خسارت زیان‌دیدگان اگر نه غیر ممکن، لااقل بسیار دشوار شود بی سبب چنین تفکیک و تفریقی است که به تسهیل خسارت دیدگان منجر خواهد شد.

برابر این قاعده هرکس سبب اتلاف مال دیگری شود ضامن و مسئول جبران خسارت وارده می‌باشد. اصل بر این است که مسبب باید تقصیر داشته باشد و بار اثبات تقصیر بر عهده زیان دیده است (رابطه

علیت) (م ۳۳۴ ق.م). «در تسبیب، شخص به کاری دست می زند که زمینه تلف را آماده می سازد چندان که اگر ارتکاب آن عمل نبود تلف نیز رخ نمی داد و در واقع عمل ضمان آور شرط وقوع تلف است.^۱

این نظریه که در حقوق کنونی بسیاری از کشورها نیز پذیرفته شده است، نظریه‌ای مناسب برای جبران کامل، سریع و مناسب خسارات حوزه محیط زیست نیست. چرا که در غالب موارد مربوط به خسارات زیست محیطی اسناد رابطه سببیت با دشواری‌های بسیار روبه‌رو است.^۲

البته تسبیب در صورتی ضمان آور است که در نظر عرف تجاوز و عدوان باشد به همین جهت تقصیر یکی از ارکان ضمان است. در مورد تسبیب در مسئولیت با استناد به ماده ۳۳۴ که اذعان می‌دارد: "مالک یا متصرف حیوان مسئول خسارتهایی نیست که از ناحیه حیوان وارد می‌شود، مگر اینکه در حفظ تقصیر کرده باشد...." قانون مجازات اسلامی هم مواردی را پیش بینی کرده که قانونگذار تقصیر مالک را مفروض شناخته است. ماده ۳۶۱ ق.م.ا: «هر گاه کسی که سوار حیوان است، حیوان را در جایی متوقف نماید ضامن خسارتهایی است که آن حیوان وارد می‌کند».

برخی از فقها نیز ضمن تصدیق منشأ اتلاف برای ضمان، صرفاً «تحقق عرفی اتلاف» را مبنای مسئولیت قرارداده‌اند.^۳ البته برخی از فقها نیز قاعده تسبیب را قاعده‌ای مستقل قلمداد نموده‌اند. برای مثال مرحوم بجنوردی در استقلال قاعده انصاف ذکر نموده است که «انصاف این است که از روایت «من اخرج میزاباً» قاعده کلی استظهار شود و آن قاعده این است که هر فعلی که از فاعل مختار صادر شود و آن فعل سبب ورود تلف در مال یا جان مسلمانان باشد و بین فعل و تلف، فعل فاعل عاقل از روی عمد و اختیار به‌طوری که نزد عرف و عقلاً تلف به او اسناد داده شده و فعل دیگری فاصله نشود، فاعل چنین سببی، ضامن است.^۴

بنابراین در بازخورد با خسارات محیط زیستی به طور عام و آلودگی صوتی به طور خاص باید بیان کرد اگر صدای حاصل از کارگاه‌های مثلاً ریخته گری موجب جلوگیری از رشد مرغ‌های موجود در مرغداری نزدیک شود، عامل این سبب (دستگاه‌های دریخته گری) مسئول جبران خسارت خواهند بود.

^۱ - کاتوزیان، ناصر، پیشین، ۱۳۷۸، ص: ۱۵۴

^۲ - نجفی، محمدحسن (۱۳۹۳)، جواهرالکلام فی مسائل الحلال و الحرام، محقق (تدوینگر - به همت) دیباغ حیدر، قم: چاپخانه دفتر انتشارات اسلامی، ج ۳۷، ص: ۵۵۹

^۳ - حسینی المراقی، سید میر عبدالفتاح (۱۴۱۷ ه ق)، العناوین الفقهیه، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ج ۲، ص: ۶۸

^۴ - مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱ ه ق)، القواعد الفقهیه، قم: نشر مدرسه الامام امیرالمؤمنین، ص: ۴۳۵، صدر، سید محمدباقر (۱۴۰۰ ه ق)، بحوث فی شرح العروه الوثقی، بیروت، مجمع الشهد آیت الله الصدر العالمی، ج ۴، ص: ۳۱۹

۴-۱-۲-۲. مسئولیت از باب اتلاف

در اتلاف، آنچه به حکم عقل موجب ضمان می‌گردد بروز تلف و شرط مسئولیت نیز انتساب خسارت به شخص متلف است، اما چون نیک نگریسته شود دریافت خواهد شد که وقوع تلف هم جز به سببیت حاصل نمی‌شود. همچنان که استاد ارجمند آقای دکتر گرجی اظهار نموده‌اند: «اتلاف از مسببات تولیدیه است و مستقیماً بدون واسطه انجام می‌پذیرد»^۱ پس اگر کسی با دست خویش لباس دیگری را پاره کند یا به غفلت پا بر ظرف بلورین غیر نهد و آن را بشکند باز می‌توان دست و پای او را «واسطه» و «وسیله» ورود خسارت دانست.

بر اساس این نظریه شایع در فقه که به «قاعده اتلاف» شهرت دارد هر کس مال دیگری را تلف کند ضامن است. این نظریه به استناد حدیث مشهور «من اتلف مال الغير فهو له ضامن» شکل گرفته است. در این نظریه بعضی از فقیهان تمسک به آن را قاعده عقلایی و بدیهی شمرده‌اند. برای مثال نراقی در عناوین می‌گوید اثبات این که اتلاف موجب ضمان است، نیازی به بیان ادله ندارد.^۲

پس جهت مسئولیت در هر دو عنوان، سببیت اتلاف است، نهایت آنکه در اتلاف انتساب خسارت به شخص چنان بدیهی است که در بادی امر قناعت عرفی بر مسئول دانستن او حاصل می‌شود. جهت این بدهت نیز، که در قید «بالمباشره» متصل به اتلاف تجلی یافته، سهولت احراز رابطه میان خسارت و فعل یا ترک فعل عامل است. در واقع قید «بالمباشره» در اتلاف مبین نفی دخالت سبب یا اسباب دیگر در بروز تلف و قطعیت انتساب خسارت به عاملی مشخص است نه رکنی از ارکان تحقق اتلاف چنانکه اگر شخصی با پرتاب سنگ شیشه اتومبیلی را شکند عقلاً و در بادی امر امکان طرح علل و اسبابی دیگر در حدوث شکستگی منتفی است لذا خسارت به روشنی قابل انتساب به پرتاب کننده سنگ بوده و مسئولیت بر او مستقر می‌شود.

صاحب جواهر در این خصوص می‌گوید اگر این مطلب را ضروری ندانیم قطعاً اجماع منقول و محصل در مورد آن دلالت دارد.^۳ برخی فقیهان این نظریه را متن روایت نمی‌دانند بلکه آن را یک قاعده اصطیادی تلقی می‌نمایند.^۴ البته از عبارت علامه حلی که بیان می‌دارد «لقوله من اتلف ضمن» می‌توان برداشت نمود که این نظریه منصوص است و با عبارت «لقوله» آن را مستند به معصوم می‌نماید.^۵ از تقریرات

^۱ - گرجی، ابوالقاسم، پیشین، ص: ۱۰۶

^۲ - حسینی مراغه‌ای، پیشین، ج ۲، ص: ۴۳۴

^۳ - نجفی، پیشین، ج ۳۷، ص: ۴۹

^۴ - موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۷)، مصباح الفقاهه، تقریر محمدعلی توحیدی، قم: انصاریان، ج ۱، ص: ۵۲۵

^۵ - حلی، یوسف بن محمد (۱۴۲۰)، تذکره العلماء، قم، موسسه نشر اسلامی، ج ۱، ص: ۳۸۴

مرحوم محقق داماد نیز چنین برمی‌آید که ایشان این قاعده را منصوص می‌داند.^۱ در مقابل صاحب جواهر آن را قاعده مشهور در زبان فقها می‌نامد. (الحديث المشتهر على السنه الفقها) پس بنابراین منصوص بودن آن را رد می‌نماید.^۲

لیکن با بروز خسارت و به محض امکان دخالت چند سبب قابل انتساب به اشخاص متعدد، مسأله بررسی میزان تأثیر اسباب ممکن التأثير مطرح می‌شود. این اقدام مقدمه صدور حکم عرفی بر انتساب خسارت به یکی از اسباب بوده و مالا منتهی به استقرار رابطه سببیت میان خسارت و سبب یا اسباب مؤثر خواهد شد. لذا با بطلان این قول که در اتلاف تلف بدون واسطه از متلف صادر می‌گردد، نمی‌توان گفت که اتلاف گاه به مباشرت است و گاه با ایجاد سبب چرا که در هر حال اتلاف نیز با واسطه و سبب صورت می‌گیرد و لاجرم احراز رابطه سببیت شرط استقرار ضمان است. برابر این قاعده هر کس موجب اتلاف مال دیگری گردد ضامن است و مکلف به جبران خسارت وارده می‌باشد. به عبارتی صرف تلف کردن موجب مسئولیت خواهد بود چه عمدی و چه سهوی (م ۳۳۴ ق.م).

در هر صورت نظریه اتلاف می‌تواند در مصادیق زیست‌محیطی و جبران خسارات وارده بر آن نقش مناسب و پررنگی را ایفا نماید. بر این اساس هر کس محیط زیست را تخریب نماید در برابر آن ضامن است. از جمله در مواردی که محیط زیست مال متعلق به مردم باشد، با توجه به این که در اتلاف، قصد شرط نیست بر این اساس می‌توان به مبنای مطلوب و ساده‌تری برای عاملین خسارت به محیط زیست دست یافت. لهذا بر اساس همین نظریه می‌توان اصل مشهور «آلوده کننده باید بپردازد»^۳ یا اصل «پرداخت توسط آلوده ساز» را توجیه نمود.^۴ حال با توجه به آنچه به صورت کلی در باب اتلاف بیان شد می‌توان آن را به موجب وحدت ملاک بر آلودگی صوتی و اتلاف حاصل از آن تعمیم داد. در اینجا به یک رأی در مورد خسارت محیط زیست با محوریت آلودگی آب اشاره می‌گردد که مفهوم تلف و به تبع آن مسئولیت مدنی را در محیط زیست روشن نموده و می‌توان در راستای آن استدلالات مورد استفاده را در خصوص آلودگی صوتی نیز تعمیم داد.

به موجب مواد (۹)، (۱۱) و (۱۲) قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست و بند «ج» ماده (۱۲) و بند «الف» ماده (۱۳) قانون شکار و صید و اصلاحیه آن، سازمان محیط زیست دارای اختیارات لازم برای جلوگیری از آلودگی‌هاست. از آنجا که این سازمان، زیر نظر قوه مجریه است، دعاوی که از سوی

^۱ - آملی، محمدتقی (۱۴۱۳)، کتاب الصلوه، تقریرات درس مرحوم محقق داماد، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ص: ۴۳۲

^۲ - نجفی، همان منبع، ج ۳۱، ص: ۹۱؛ ج ۳۶، ص: ۱۵۷

^۳ - Polluter – Pays Principle/ Le Principe Polluerr – Payeur

^۴ - بهرامی ابهری، فهیمی، پیشین، ص: ۱۳۰

آن طرح می‌شود، دعوی دولت محسوب می‌گردد و اگر طرف دعوا نیز واحد دولتی باشد، رسیدگی به پرونده در صلاحیت دادگاه‌های عمومی است. یکی از پرونده‌هایی که سازمان علیه دولت طرح کرده است، مربوط به آلوده سازی آب رودخانه زرینه رود به مواد شیمیایی حاصل از تخلیه فاضلاب کارخانه قند میاندوآب وابسته به سازمان اتکا- بود که بر اثر آلوده شدن آب، بیش از پنج میلیون ماهی تلف شد. در پی این حادثه اداره کل محیط زیست استان آذربایجان غربی علیه مدیریت کارخانه اعلام جرم کرده و به استناد بند «ج» ماده (۱۲) قانون صید و شکار، تعقیب مسئول آلودگی را تقاضا کرد؛ در نهایت دادگاه حقوقی یک میاندوآب پس از رسیدگی، آن قسمت از دادخواست را که مربوط به تقاضای محکومیت رئیس کارخانه قند است، با استناد به اینکه این فرد مسئول مستقیم آلودگی نبوده و اینکه این آلودگی ناشی از بی احتیاطی و تقصیر فرد مذکور نیست، بلکه متوجه کارخانه است، رد می‌کند؛ اما نسبت به اصل ضرر و زیان، حکم به نفع سازمان محیط زیست صادر می‌کند. این حکم در شعبه ۱۱ دیوان عالی کشور نیز تأیید می‌شود.^۱ همانطور که بیان شد آنچه مبنای رأی قرار گرفته و موجبی در جبران خسارت و به تبع آن مسئولیت مدنی می‌باشد اتلافی است که در خصوص ماهی‌ها صورت گرفته است. حال اگر این عملکرد در دریا و به وسیله کشتی‌های مدرن و غول پیکر به دلیل آلودگی صوتی انجام پذیرد و موجب از بین رفتن وال‌های دریایی و یا دلفین‌ها و ... شود نیز قابل تسری و بحث در این چارچوب می‌باشد.

۴-۱-۲-۳. مسئولیت از باب لاضرر

طبق این قاعده "هر کس به دیگری ضرر بزند باید جبران کند مگر در مواردی که اضرار به غیر به حکم قانون باشد یا ضرری که به شخص وارد آمده است ناروا و نامتعارف جلوه نکند". هیچ ضرر و زانی نباید بدون جبران بماند (اصل ۴۰ قانون اساسی).

در ادبیات عرب دو نوع «لا» وجود دارد که عبارت‌اند از: لای نفی جنس و لای ناهیه. با توجه به این دو نوع «لا» در ادبیات، نظرات نسبت به «لا» ی موجود در روایت «لا ضرر و لا ضرار» مختلف است. برخی آن را لای نفی جنس می‌دانند که مبتکر آن، شیخ اعظم انصاری است؛ و گروهی دیگر، آن را لای ناهیه می‌دانند که این قول منسوب به شریعت اصفهانی است.^۲ کسانی که آن را لای نفی جنس می‌دانند نیز چند گروه می‌شوند. برخی مفاد آن را نفی حکم می‌دانند.^۳ و گروهی دیگر آن را نفی حکم به لسان

^۱ - دادنامه شماره ۳۷۷-۶۵ و ۶۰۱ - ۱۶۸ دادگاه حقوقی یک میاندوآب؛ تقی زاده انصاری، مصطفی، (۱۳۸۷)، حقوق محیط زیست در ایران، تهران: انتشارات سمت، ج ۲، ص: ۱۳۲-۱۲۹

^۲ - رضائی راد، عبدالحسین، گستره کارآمدی قاعده فقهی لاضرر، فصلنامه تخصصی حقوق اسلامی، شماره ۲۵، ۱۳۸۹، ص: ۵۶

^۳ - انصاری، شیخ مرتضی، (۱۳۹۵)، المکاسب، ج ۲، ترجمه و شرح: آیت الله پایانی، محمد مسعود عباسی، تهران: نشر بوستان کتاب قم، ج ۱۸ ج ۲، ص: ۱۸۶

نفی موضوع می‌دانند. عده‌ای آن را نفی ضرر غیر متدارک می‌دانند. برخی دیگر نفی مشروعیت اعمالی می‌دانند که باعث ضرر مردم به یکدیگر می‌شود. گروهی نیز قائل به نفی مشروعیت مطلق ضرر هستند.^۱ هر کدام از نظرات فوق ثمرات ویژه خود در مباحث اقتصادی مخصوصاً در حوزه تولید دارند. از باب نمونه، اگر مفاد قاعده نفی ضرر، نفی حکم به لسان نفی موضوع و یا نفی مشروعیت اعمالی که باعث ضرر مردم به یکدیگر باشد، می‌توان به موجب آن بسیاری از شرکت‌ها و کارخانجاتی که با عدم رعایت استاندارد، ایجاد آلودگی صوتی نموده و موجبات آسیب به جامعه را فراهم می‌آورد، مسئول دانست.

این نظریه که مبین مفاد حدیث لا ضرر است می‌گوید: در اسلام از طرف شارع هیچ حکم ضرری وضع نگردیده است. بر این اساس ضرر زدن به دیگران نیز جایز نیست. لذا آلوده ساختن محیط زیست و تخریب و نابود کردن طبیعت و منابع طبیعی از روشن‌ترین نمونه‌های زیان زدن به دیگران (عموم و خصوص مردم) است که اسلام با قاطعیت آن را مردود شمرده است و از آن‌جا که ضرر به محیط زیست (حیات و مال شهروندان) نیز می‌تواند از مصادیق این حکم باشد به دلالت این قاعده می‌توان ضمان قهری صدمه زندگان به محیط زیست را از طریق نفی ضرر غیرمتدارک و ملازمه ضرر با جبران و همچنین استفاده از شمول احکام عدمی، مورد مذاقه قرار داد. مرحوم مراغی سعی کرده است از طریق این حدیث مسئولیت مدنی را به اثبات برساند. در نظر ایشان روایات لا ضرر یک حکم دستوری را بیان کرده و دلالت بر نهی می‌کند؛ بنابراین اگر در خارج، ضرری واقع شود تنها حکم به صرف اضرار کفایت نمی‌کند، بلکه باید راهی برای دفع ضرر ارائه داد.^۲

از میان نظرات متعددی که در مفاد قاعده لا ضرر وجود دارد به نظر می‌رسد که با توجه به اطلاقی که در روایت وجود دارد، نفی مشروعیت مطلق ضرر مناسب‌تر باشد؛ یعنی در اسلام ضرر مشروعیت ندارد و این عدم مشروعیت ضرر شامل هر دو مرحله قانون‌گذاری و اجرای قانون می‌شود؛ و همچنین هر دو نوع ضرر نوعی و شخصی در اسلام نفی شده و مشروعیت ندارد. بنابراین، با پذیرش این نظریه، قاعده «لا ضرر» قلمرو وسیعی در مسائل پیدا می‌کند و این قاعده بیان می‌دارد که در اقتصاد اسلامی اولاً احکام ضرری وضع نشده‌اند و ثانیاً هر فعالیت تولیدی مضر از نظر اسلام حرام است و مشروعیت ندارد.^۳ فاضل تونی در این زمینه آورده است: «...اگر انسانی، حیوانی را حبس کند تا بچه آن بمیرد در این مورد نمی‌توان به اصل برائت استناد نمود. بلکه این گونه موارد در روایت «لا ضرر و لا ضرار فی السلام»

^۱ - محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه (بخش مدنی)، مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۹، ص: ۸۲

^۲ - حسینی مراغه‌ای، پیشین، ص: ۱۱۳

^۳ - محقق داماد، سید مصطفی، همان، ص: ۸۸

وارد می‌شود.^۱ با این حال نظریه رقیبی نیز در فقه وجود دارد که تحت عنوان «قاعده تسلیط» مشهور است و ممکن است به نوعی با حفاظت محیط زیست بر مبنای قاعده لا ضرر در تراحم قرار گیرد. اما در حقوق محیط زیست در صورت تراحم قاعده لا ضرر با تسلیط، حکومت با قاعده لا ضرر خواهد بود.^۲

خلاصه این که مبنای مسئولیت مدنی در فقه بر اساس قاعده لا ضرر استوار است و شارع اسلام راضی به عدم جبران ضرر نبوده است و می‌توان چنین مسئولیتی را مسئولیت مطلق نامید، از آن باب که تا زمانی که بتوان بر اساس قاعده اتلاف زیان وارده را مطالبه نمود به این قاعده تمسک می‌شود و در صورت عدم صدق اسناد به خاطر وجود واسطه‌هایی در ورود ضرر، سراغ قاعده لا ضرر می‌رویم و اگر در برخی موارد از تسبیب سخنی گفته شده است، این بیان به معنی اعتقاد به مبنای تقصیر نیست، بلکه به خاطر کشف رابطه اسناد از تسبیب‌سخن گفته شده است، بنابراین محتوای قواعد فقهی حاکی از مسئولیت مطلق یا عینی برای عامل زیان می‌باشد.

برای تبیین بحث می‌توان ابتدا به انجام یا استفاده از تولیداتی که به طور غیر مستقیم (تسبیب) موجب ضرر می‌باشند، توجه کرد. برخی مواقع ممکن است در تلاش‌های اقتصادی و یا گردشگری و ... از وسایلی استفاده شود که باعث آلودگی صوتی می‌شود، این عملکرد به دلیل اشتباه یا خطا صورت پذیرفته که این فعل اشتباه یا استفاده از وسایل اشتباه منجر به ضرر و خسارت به خواننده دعوا شود. در این صورت نیز عامل زیان هرچند مبنای فعل زیانبارش بر اساس اشتباه و سهو بوده ولی باید خسارت را پرداخت کند.

به هر حال بر اساس این قاعده نباید فعالیت هیچ شخصی موجب ضرر برای دیگری باشد. اصالت این قاعده در تبیین و تحلیل نهادهای حقوقی آن قدر عمیق است که حتی با تعارض در قواعدی از جمله اصل انجام وظیفه یا اطاعت از آمر، تفوق داشته و آن را تحت سیطره خود قرار می‌دهد. این موضوع به فعالیت‌های انحصاری و حاکمیتی دولت نیز قابل تعمیم است که نباید موجب بروز ضرر و خسارات زیست محیطی به افراد گردد. هرچند که در حال حاضر شاهد اجرای آن نمی‌باشیم. برای نمونه بسیاری از تولیدات کارخانجات و شرکت‌های دولتی با عدم رعایت استانداردهای زیست محیطی (از جمله انتشار صوت) موجب بروز خسارات فراوانی می‌گردند، لکن همچنان شاهد تولید آن‌ها هستیم.

^۱ - فاضل تونی، عبدالله بن محمد (۱۴۱۲)، الوافیه فی اصول الفقه، تحقیق سید محمدحسین رضوی کشمیری، قم: مجمع الفکر الاسلامی، صص: ۱۹۳-۱۹۴

^۲ - بهرامی ابهری، فهیمی، پیشین، ص: ۱۳۳.

۴-۲. قواعد کلی حاکم بر مسئولیت ناشی از آلودگی صوتی

۴-۲-۱. قاعده مزاحمت‌های ناشی از مجاورت

۴-۲-۱-۱. مفهوم قاعده مزاحمت‌های ناشی از مجاورت

اکثر قواعد کنترل و مقابله با آلودگی صوتی و شکل‌گیری رویه‌های قضایی در این زمینه در حوزه حقوق مسئولیت مدنی فرانسه ریشه در مفهوم «مزاحمت»، به ویژه «مزاحمت‌های ناشی از مجاورت» دارد. این نظریه ریشه در تاریخ یکجانشینی انسانی داشته و در پرتو «حقوق همسایگی» یا همجواری توسعه یافته است. در زمینه مقابله با آلودگی هوا و مشکلاتی از این دست نیز این نظریه و قاعده نقشی اساسی دارد. براساس این تئوری، مزاحمت‌های ناشی از مجاورت شامل کلیه اقداماتی می‌شود که باعث ایجاد مزاحمت نسبت به مجاورین می‌گردد. این مزاحمت‌ها در مورد هوا می‌توانست شامل اقدامات آلوده کنند‌های نظیر انتشار دود، بو، ذرات گردوغبار، سروصدا و غیره... گردد، که بدنبال آن مسئولیت مدنی شخص مالک یا مجاور مطرح می‌گردد. در رویه قضایی فرانسه موارد متعددی تحت عنوان مزاحمت‌های غیرعادی ناشی از مجاورت مورد شناسایی واقع شده است. برای مثال، می‌توان به مواردی چون ممنوعیت کاهش امکان دید بر مناظر، (حق منظر)، جلوگیری از کاهش امکان تابش آفتاب و نور (بهره مندی از نور کافی)، ممنوعیت ایجاد آلودگی‌های صوتی و ارتعاشات و همچنین پارس مداوم سگ‌ها در طول سال (آلودگی صوتی و حق بر آرامش) و نظایر آن اشاره نمود.

مسئولیت ناشی از مزاحمت، در حقوق فرانسه ساختۀ رویۀ قضایی است که در لایحه مسئولیت مدنی فرانسه (۲۰۰۵) مورد پیش‌بینی قرار گرفته است. البته قلمرو اعمال آن اصلاح شده به طوری که مسئولیت پیمانکار ساختمان نسبت به خسارت وارد به همسایگان صاحب ساختمان تابع چنین مسئولیتی نیست و از منطق دیگری پیروی می‌کند.

در این مورد، در ماده ۱۳۶۱ لایحه چنین پیش‌بینی شده است: «مالک، متصرف یا بهره‌بردار زمین و شخصی که مزاحمتی بیشتر از حد متعارف برای همسایگان وارد کند، نسبت به پیامدهای چنین مزاحمتی مسئولیت محض دارد».

نظریه مزاحمت، نخستین بار در ۲۷ نوامبر ۱۸۴۴ در قالب مسئولیت زیست محیطی توسط دیوان عالی کشور شکل گرفت. در قضیه‌ای سر و صدای فعالیت کارخانه‌ای باعث مزاحمت ساکنان اطراف می‌شد، جمع بین ضرورت حمایت از همسایگان کارخانه از یک سو و تجویز گسترش فعالیت‌های صنعتی از سوی دیگر موجب شد دیوان عالی اعلام کند: «که حق مالکیت محدود به این تعهد طبیعی و قانونی است که به مالکیت دیگری هیچ خسارتی وارد نکند».

پس از اینکه در سال ۱۹۷۱ نظریه مزاحمت به صورت نظریه‌ای مستقل از تقصیر مطرح شد، در ۱۹ نوامبر ۱۹۸۶ دیوان عالی اصل جدیدی را اعلام کرد که به طور کلی فراتر از مفاد مواد ۵۴۴ و ۱۳۸۲ قانون مدنی بود و آن اصل عبارت است از اینکه: «هیچ کس نباید برای دیگری مزاحمت غیر متعارفی ایجاد کند».

امتیاز ویژه مسئولیت ناشی از مزاحمت برای همسایگان، این است که از قواعد سنتی مسئولیت مدنی فاصله گرفته و در صورتی که عامل مزاحمت تقصیری هم مرتکب نشود، مسئولیت وی محقق می‌شود. بدین سان، رفتاری که مطابق با قواعد جاری و با استفاده متعارف از مالکیت بر مبنای نظریه سوء استفاده از حق موجب مسئولیت نمی‌شود، اگر به طور آشکار، مزاحمت غیر متعارف برای همسایه‌ها داشته باشد، موجب مسئولیت عامل مزاحمت می‌شود. شرط اصلی دعوای مزاحمت این است که مزاحمت منشأ در دسر در زمینه‌های همسایه بوده و به صورت غیرمتعارف باشد. گاهی، مسئولیت ناشی از مزاحمت با سایر مسئولیت‌ها اختلاط پیدا می‌کند و تمیز مبنای دعوای دسوار می‌شود. برای مثال، رویه قضایی در قضیه‌ای اعلام کرد که در مورد آسیب ناشی از سرخوردن، تنها مسئولیت ناشی از فعل اشیاء می‌تواند محقق شود. اما گاهی نمی‌توان نقش دخالت مال غیرمنقول را در وقوع ضرر مشخص و تفکیک کرد مانند سرخوردن در زمین، مزاحمت مربوط به سر و صدا، بوها، چراغانی و نور افشانی.

به نظر می‌رسد در این مورد می‌توان گفت که همسایه در مطالبه خسارت دو راه حل دارد و می‌تواند از بین مسئولیت مبتنی بر تقصیر و یا مزاحمت به حقوق همسایه هر کدام که به نفعش باشد، استفاده کند.

محیط زیست در معرض مستقیم مزاحمت‌ها است و رفتار انسان ابتدا در آن اثرگذار می‌شود لذا دعوای مزاحمت با عنوان دعوای زیست محیطی مطرح می‌شوند. آلودگی‌ها، انتشار بوها، دودها، سموم، سرو صدا، گرفتن جلوی دید و روشنایی، یا بر عکس نور افشانی زیاد از مواردی است که در رویه قضایی فرانسه بر مبنای مزاحمت مطرح شده‌اند. حتی فراتر از این می‌توان گفت که ایجاد یک خطر، آسیب به زیبایی محل، یا مزاحمت مربوط به دیدزنی نیز می‌تواند بر مبنای نظریه مزاحمت مطرح شود.

جبران خسارت ناشی از مزاحمت غیر متعارف به حقوق همسایه تابع اصل کلی جبران کامل خسارت است. در این مورد، جبران واقعی خسارت عبارت از قطع مورد مزاحمت و بازگشت به حالت نخستین است. در مورد کارآیی جبران خسارت مزاحمت همسایگی، رأی ۵ فوریه ۲۰۰۴ شعبه دوم مدنی دیوان عالی قابل توجه است. در قضیه‌ای در اثر وزش باد شدید، درختان خانه‌ای ریشه کن می‌شود و به منزل همسایه می‌افتد. با وجود اینکه دیوان، دخالت قوه قاهره را پذیرفت اما اعلام کرد که صاحب این درختان

بیش از دو سال است که شاخ و برگ آنها را نزده و این امر با توجه به مدت مورد نظر - که امری غیر متعارف محسوب می‌شود - در اثر قوه قاهره نبوده بلکه ناشی از مزاحمت غیر متعارف همسایگی است. بدین سان، در این قضیه نوع خاصی از مزاحمت به حقوق همسایه مطرح است که بر پایه آن دادگاه می‌تواند صاحب درخت را ملزم به پیامدهای حادثه قوه قاهره و تعمیر مال همسایه کند.

پس برای استفاده از دعوای مزاحمت، باید مزاحمت مورد ادعا غیر متعارف باشد و ارزیابی آن، با توجه به اوضاع و احوال زمانی و مکانی صورت خواهد گرفت. همچنین، در ارزیابی غیرمتعارف بودن مزاحمت، باید به مورد نگرانی توجه شود یعنی؛ گاهی نگرانی جنبه فردی دارد و گاهی هم جمعی از مزاحمت ناراحت هستند. بنابراین، در مورد مزاحمت به جمع، به سابقه تفکیک قطعات زمین، ماهیت روستایی بودن یا نبودن، صنعتی یا توریستی بودن محل مورد مزاحمت، توجه خواهد شد. و در مورد شناسایی نگرانی و ناراحتی فردی و معیار ارزیابی آن، راه حل قانون ساخت و سکونت مفید است. در این قانون می‌خوانیم: «خسارت وارد به ساکنان ساختمان که از مزاحمت ناشی از فعالیتهای کشاورزی، صنعتی، یا تجاری ناراحت هستند، اگر مجوز ساخت ساختمان مورد مزاحمت یا تاریخ سند رسمی واگذاری یا اجاره نامه آن از تاریخ انجام فعالیتهای مزاحمت زامؤخر باشد، آنها نمی‌توانند مطالبه خسارت کند به شرطیکه انجام چنین فعالیتهایی بر اساس قوانین و مقررات جاری بوده و با همان شرایط دنبال شود».

به دنبال انتقاداتی که از معیار شناسایی سختگیرانه مزاحمت فردی این قانون صورت گرفت، در ۱۰ ژوئن ۲۰۰۴ دیوان عالی رأیی صادر کرد که قلمرو اعمال ماده ۱۱۲ (۱۶) قانون ساخت و سکونت را محدود کرد: «در صورت نبودن قانون خاص، نظریه مزاحمت به حقوق همسایه باید صرف نظر از تاریخ انجام فعالیت مزاحمت زامؤخر اعمال شود».

۴-۲-۱-۲. رویه اداری و قضایی در خصوص اعمال قاعده مزاحمت‌های ناشی از مجاورت

۴-۲-۱-۲-۱. رویه سازمان حفاظت محیط زیست

بسیاری از شکایات مردمی واصله به سازمان حفاظت محیط زیست در برگیرنده تجاوز به حقوق همسایگی و مزاحمت‌های ناشی از مجاورت است. در این میان شکایت افراد از سرو صدای مجاورین آنها سهم به سزایی را به خود اختصاص می‌دهد. سرو صدایی که عمدتاً ناشی از فعالیت غیر اصولی کارگاه‌های غیر مجاز، عدم رعایت ضوابط استقرار کارخانجات و واحدهای تولیدی و نزدیکی به بافت شهری و یا عدم استفاده از تجهیزات کنترل کننده آلودگی صوتی است.

به این منظور سازمان حفاظت محیط زیست جهت ممانعت و پیشگیری از آلودگی محیط زیست، بر اساس گزارشات مردمی مبتنی بر مزاحمت و یا بر اساس پایش های عملی کارشناسان خود، منابع آلاینده آلودگی صوتی را شناسایی و با آنها مطابق با قوانین و مقررات برخورد می نماید.

در قدم بعدی سازمان مطابق با وظیفه قانونی خود، ضمن بررسی کارشناسی موضوع؛ نسبت به ابلاغ اختاریه زیست محیطی به فرد یا واحد آلاینده اقدام می نماید. و در صورت نیاز سنجش های لازم را در خصوص اندازه گیری شدت صوت و میزان نزدیکی آن به افراد مجاور، انجام می دهد. در تصاویر زیر نمونه هایی از اختاریه های صادره و نتیجه سنجش را مشاهده می کنیم.

تاریخ	ریاست جمهوری	
شماره	بسته	سازمان حفاظت محیط زیست
پیوست		اداره کل حفاظت محیط زیست استان تهران
داخلی		اداره حفاظت محیط زیست شهرستان ری

<< مقام معظم رهبری: محیط زیست مسئله این جریان و آن جریان نیست یک مسئله ملی است >>

موضوع: اختاریه زیست محیطی

باسلام و صلوات بر محمد و آل محمد (ص)

با عنایت به شکایت های واصله و بررسی های بعمل آمده فعالیت غیر اصولی آن واحد با ایجاد سرو صدای زیاد موجب نارضایتی ساکنین همجوار را فراهم آورده است لذا مقتضی است حداکثر ظرف مدت یک هفته از تاریخ ابلاغ این اختاریه نسبت به رفع مشکل اقدام و نتیجه را به این اداره اعلام نمایید.

بدیهی است در صورت تعلل وفق قوانین برخورد خواهد شد.

خیابان شهید رجایی بعد از سه راه سیزده آبان لاین کندرو خیابان امامزاده ابوالحسن ورزشگاه طالقانی - تلفن ۵۵۰۲۶۱۲۱-۵۵۰۲۸۲۴۲

تاریخ:
شماره:
پیوست:

ریاست جمهوری
بشدت

سازمان حفاظت محیط زیست
اداره کل حفاظت محیط زیست استان تهران

موضوع: ارسال نتایج سنجش صوت

بسم الله الرحمن الرحیم

با احترام، عطف به نامه شماره ۸۹۷/۹۴/۷۱۹ مورخ ۱۳۹۴/۵/۱۱ در خصوص آلودگی صوتی واحد فرآورده های تزریقی، به پیوست یک برگ نتایج سنجش صوت که در تاریخ ۱۳۹۴/۵/۱۴ توسط کارشناسان اداره امور آزمایشگاه ها به همراهی کارشناس محترم آن اداره صورت پذیرفته جهت استحضار و اقدام پایسته ارسال می گردد.

گزارش نتایج آزمایشگاه
بخش صوت

سازمان حفاظت محیط زیست
اداره کل حفاظت محیط زیست استان تهران
آزمایشگاه مرکز تحقیقات محیط زیست

کد سند: LR-FR-05
شماره بازنگری: 01
تاریخ: ۹۴/۵/۱۴

آدرس واحد: شهر ری
تاریخ نمونه برداری: ۹۴/۵/۱۴

شماره و تاریخ درخواست:
نام درخواست کننده: محیط زیست شهری

ردیف	محل نمونه برداری	فاصله تا منبع (متر)	میزان میانگین شدت آلودگی صوتی بر حسب dB		ملاحظات
			صبح ۷ صبح ۱۰	شب ۱۰ صبح ۷	
۱	طبقه ۳ منزل شاکتی پلاک ۱		55.8		
۲	طبقه ۳ پلاک ۱۱ (تلف)		60.3		
۳	طبقه ۳ پلاک ۱۱ (ترانس)		68		
۴	پلاک ۱۱ پشت بام		63.9		

ضمناً مبلغ ریال هفت هزاره کارشناسی و تعرفه آزمایشگاهی به حساب شماره ۲۷۰۶۰۱۴۰۰۰۷ نزد بانک ملی ایران شعبه جاده دماوند کد ۱۴۰۱ واریز و پس از اخذ اصل فیش بانکی را به آزمایشگاه ارسال نمایند.

فرم ID: ۱۴۰۱
فرم NO: ۱۴۰۱
Page: 03 2015 10:24:41 P1

در نهایت در صورت بی توجهی متخلف به اختطاریه سازمان، عدم رفع و استمرار آلودگی صوتی، فرد یا واحد آلاینده به مرجع قضایی معرفی می‌گردد. پلمب و جلوگیری از فعالیت کارگاه‌ها و کارخانجات دارای آلودگی صوتی، انتقال آنها به محل مناسب یا الزام آنها به نصب تجهیزات کنترل کننده، در جلوگیری از آلودگی مؤثر است.

۴-۲-۱-۲-۲. رویه کمیسیون ماده ۵۵ شهرداری

به موجب بند ۲۰ ماده ۵۵ قانون شهرداری (اصلاحی ۱۳۴۵/۱۱/۲۷)، یکی از وظایف شهرداری‌ها در سراسر کشور، جلوگیری از تأسیس اماکنی است که به نحوی موجب بروز مزاحمت برای ساکنان یا مخالف اصول بهداشت در شهرهاست. بر این اساس شهرداری مکلف است، علاوه بر جلوگیری از تأسیس این گونه مراکز، نسبت به تخریب اماکنی که مخالف بهداشت است اقدام کند و اگر لازم شود آنها را به خارج از شهر انتقال دهد. همچنین به موجب تبصره گفتار ۲۰ ماده ۵۵ قانون شهرداری، شهرداری درمورد تعطیل، تخریب یا انتقال به خارج از شهر تاسیسات مزبور، مکلف است مراتب را ضمن دادن مهلت مناسبی به صاحبان آنها ابلاغ کند و اگر صاحب ملک به نظر شهرداری معترض باشد، ظرف ۱۰ روز اعتراض خود را به کمیسیونی مرکب از سه نفر که از طرف انجمن شهر انتخاب خواهند شد تسلیم کند. این مرجع شبه قضایی به منظور رسیدگی به اعتراض شهروندان مبنی بر تشخیص شهرداری ارتباط با تعطیل، تخریب و انتقال صنایع و مشاغل مزاحم به خارج از شهر است. همچنین شهرداری می‌تواند به صاحبان صنوف مزاحم مهلت دهد تا نسبت به رفع مزاحمت اقدام کنند.

همانطور که گفته شد یکی از وظایف کمیسیون ماده ۵۵ شهرداری، رسیدگی به اعتراض در خصوص تعطیلی یا انتقال صنایع و مشاغل مزاحم و دارای آلودگی صوتی است. البته تصمیم این کمیسیون در نهایت قابل اعتراض در دیوان عدالت اداری نیز می‌باشد. در ذیل دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۳۲۰۱۹۸۶ شعبه سی و دوم دیوان عدالت اداری در خصوص نقض رأی کمیسیون ماده ۵۵ شهرداری، مبنی تعطیلی یک واحد بتن که دارای آلودگی صوتی و ایجاد مزاحمت در بافت مسکونی است، مشاهده می‌کنیم.

چاپ دادنامه

شماره دادنامه: ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۳۲۰۱۹۸۶
شماره پرونده: ۹۳۰۹۹۸۰۹۰۰۰۸۵۷۷۶
شماره بایگانی شعبه: ۹۲۱۴۳۵
تاریخ تنظیم: ۱۳۹۳/۱۰/۱۴
پیوست:

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَغْلِبُوا»

شعبه سی و دوم دیوان عدالت اداری



دیوان عدالت اداری
قوه قضاییه
دادنامه

شماره دادنامه: ۱۹۸۶

تاریخ رسیدگی: ۹۳/۱۰/۱۴
مرجع رسیدگی کننده: شعبه ۳۲ دیوان عدالت اداری

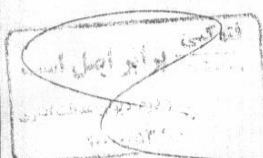
طرف شکایت: شهرداری منطقه ۲۰ تهران

موضوع شکایت و خواسته: نقض رای شماره ۲۰ مورخ ۹۲/۷/۲۹ کمیسیون ماده ۵۵ شهرداری

گردشکار: وکلای شاکی بموجب دادخواست تقدیمی مورخ ۹۲/۹/۳۰ اجمالاً اظهار میدارند: که شاکی شریک و بهره بردار یک واحد تولید بتن می باشد که طی صورتجلسه شماره ۵۲۰/۸۶۳۲۸ مورخ ۹۱/۱۲/۷ با امضاء مسئولین شهرداری با ادامه فعالیت ایشان موافقت گردید لیکن در ادامه طی رای معترض عنه و با استدلال استقرار در بافت مسکونی و ایجاد سر و صدا و آلودگی زیست محیطی، رای بر توقف فعالیت آن صادر شده است در صورتیکه واحد مذکور از طرف مشرف به اتوبان آزادگان، خط آهن تهران و خیابان شهید رجایی می باشد و گزارش یا شکایتی از جانب مراجع مربوطه ارسال نشده است. طرف شکایت طی لایحه جوابیه مثبت شماره ۱۱۲۱ مورخ ۹۳/۴/۱۴ اختصاراً عنوان می نماید: حسب شکوائیه مورخ ۹۲/۷/۲۲ مبنی بر مزاحمت واحد بتن در شهر ری واحد تشخیص مزاحمت منطقه طی نظریه مورخ ۹۲/۷/۲۹ با عنایت به استقرار ملک در بافت مسکونی و ایجاد سر و صدای ناشی از روند فعالیت در محل ایجاد آلودگی زیست محیطی در محل پر تعطیل واحد مزبور اتخاذ تصمیم گردیده است. علیهذا با عنایت به محتویات پرونده و پس از بررسی دلایل طرفین ختم رسیدگی را اعلام و با استعانت از خداوند متعال بشرح آتی مبادرت به صدور رای می نماید.

«رای دیوان»

در خصوص دادخواست مورخ ۹۲/۷/۲۹ کمیسیون بند ۲۰ ماده ۵۵ قانون شهرداری، با عنایت به محتویات پرونده و مفاد دادخواست تقدیمی و لایحه جوابیه منعکس در پرونده، نظریه اینکه اظهار نظر کارشناس رسمی مربوطه جهت احراز آلودگی اعم از صوتی و زیست محیطی در مانحن فیه ضروری است لذا از این حیث رای معترض عنه واجد ایراد تلقی، مستنداً به مواد ۱۰ و ۱۱ و ۶۳ قانون تشکیلات و آئین دادرسی دیوان عدالت اداری رای به ورود شکایت و مالا نقض رای معترض عنه صادر و اعلام می گردد تا همان کمیسیون پس از اخذ نظریه کارشناس رسمی دادگستری مجدداً اتخاذ تصمیم نمایند، رای اصداری مستنداً به ماده ۶۰ قانون اخیرالذکر ظرف مدت بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می باشد، ۱/.



دادرس علی البدل شعبه ۳۲ دیوان عدالت اداری

مهدی فرد محمدیان

۵۱۲۰۰ گ.ب.ا. تلف. ۸۱۲۰۱-۹۰۰۴۱۲

۴-۲-۲. قاعده استفاده غیر زیان بار^۱

این قاعده را بایستی در حقوق رم جستجو کرد. این قاعده قدیمی مبین این است که از ملک خود چنان استفاده کن که به ملک دیگری صدمه وارد نکند. این قاعده کم کم توسط نظام‌های مختلف حقوقی اقتباس و در قوانین اساسی یا عادی درج گردیده است. بر اساس این قاعده در حقوق قدیم مالک مسئول صدا، دود یا بویی بود که سبب ورود خسارت به اموال و اشخاص می‌گردید.

همانطور که اصل ۴۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: «هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد» و نیز ماده ۱۳۲ قانون مدنی اشعار می‌دارد: «کسی نمی‌تواند در ملک خود تصرفی کند که مستلزم تضرر همسایه شود مگر تصرفی که به قدر متعارف و برای حاجت یا رفع ضرر از خود باشد».

مطابق با این قاعده همه افراد برای استیفاء از حقوق مشروع و قانونی حاصله از حق مالکیت یا حقوق مکتسبه‌ای که برای آنها ایجاد شده است، موظف به متابعت از یک رشته از ضوابط هستند که رعایت آن برای ایشان الزامی است. این موضوع در قواعد فقه اسلامی تحت عنوان قاعده لا ضرر شناخته می‌شود و مباحث مبسوطی به رابطه این قاعده با قاعده تسلیط می‌پردازد. به هر تقدیر یکی از بحث‌های مطروحه در مورد قاعده لا ضرر، مسئله جمع آن با قاعده تسلیط می‌باشد. طبق قاعده تسلیط هر فردی مسلط بر اموال خویش بوده و مختار است هر گونه تصرفی در مایملک خود بنماید. لذا در صورتی که امکان جمع این دو قاعده وجود داشته باشد هیچ مشکلی پیش نمی‌آید، ولی مشکل مربوط به زمانی است که نتوانیم اعمال این دو قاعده را با هم جمع کنیم. در این صورت تعارض بین دو قاعده را به نفع قاعده لا ضرر حل می‌کنیم زیرا حدود اعمال قاعده تسلیط توسط قاعده لا ضرر تعیین می‌شود.

قاعده فوق توسط حقوق بین الملل نیز اقتباس شده و در حقوق بین الملل از مقام و منزلت فوق العاده ای برخوردار و تحت عنوان «اصل استفاده غیر زیان بار از سرزمین» شناخته می‌شود. مطابق این اصل هر دولت متعهد است به نحوی عمل کند که فعالیت‌های انجام شده در سرزمین خود موجب زیان به دولت دیگر یا جایی که تحت حاکمیت هیچ دولتی نیست وارد نیاید^۲.

^۱ Sic utere tuo ut alienum non laedas

^۲ رضائی قوام آبادی، محمد حسین، ۱۳۸۶، نگاهی به اصل استفاده غیر زیان بار (پایدار) از سرزمین در حقوق بین الملل محیط زیست، علوم محیطی سال چهارم، شماره چهارم، ص ۵۸.

فصل پنجم:

ارکان و آثار مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی صوتی و تحولات آن در عرصه بین الملل

۵-۱. ارکان مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی صوتی

برای تحقق مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی صوتی وجود سه رکن ضرر، فعل زیانبار و نامشروع و رابطه علیت بین ورود ضرر و آن فعل زیانبار، ضروری است. این سه شرط را می‌توان شروط ثابت مسئولیت نامید زیرا وجود آنها در هر حال برای تحقق مسئولیت ضرورت دارد.^۱ در ذیل به تبیین هر کدام از آنها پرداخته می‌شود.

۵-۱-۱. ضرر

۵-۱-۱-۱. مفهوم ضرر

ضرر در لغت به معنای گزند، نقصان، زیان و مقابل نفع است. ضرر در یک معنا و مفهوم کلی عبارت است از لطمه و صدمه‌ای که به مال یا متعلقات غیرمالی شخص از قبیل جسم، روح و روان و حیثیت و اعتبار او وارد می‌شود.

هدف از قواعد مسئولیت مدنی، جبران ضرر است، به بیان دیگر، باید ضرری به بار آید تا برای جبران آن، مسئولیت ایجاد شود. پس، باید وجود ضرر را رکن اصلی مسئولیت مدنی شمرد.^۲

ماده اول قانون مسئولیت مدنی وجود ضرر را با این عبارت بیان می‌کند: هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گریده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.

ماده دوم نیز می‌گوید: در موردی که عمل وارد کننده زیان، موجب خسارت مادی یا معنوی زیان‌دیده شده باشد دادگاه پس از رسیدگی و ثبوت امر، او را به جبران خسارات مزبور محکوم می‌نماید و چنانچه عمل وارد کننده زیان، موجب یکی از خسارات مزبور باشد دادگاه او را به جبران همان نوع خساراتی که وارد نموده محکوم خواهد نمود.

^۱قاسم زاده، سیدمرتضی؛ الزام‌ها و مسئولیت مدنی بدون قرداد، تهران، میزان، ۱۳۸۷، چ ۲، ص ۷۲.

^۲کاتوزیان، ناصر؛ الزام‌های خارج از قرداد، ضمان قهری، مسئولیت مدنی، غضب و استیفاء، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۶، چ ۸، ص ۲۴۲ و ۲۴۳.

موضوع مسئولیت مدنی مجازات مرتکب نیست بلکه جبران خسارت ناشی از فعل مرتکب است.^۱

از بیان مواد این قانون برمی آید که، هر جا که نقصی در اموال ایجاد شود یا منفعت مسلمی از دست برود یا به سلامت عواطف و حیثیت شخصی لطمه‌ای وارد آید، می‌گویند ضرری به بار آمده است.

در بحث آلودگی محیط زیست وجود ضرر است که به مسئولیت مدنی آلوده کنندگان معنا می‌بخشد و آنچه نقطه اتصال مسئولیت مدنی و محیط زیست است، وجود آلودگی و ضرر ناشی از آن است. از این رو شناسایی انواع آن ضروری است.

۵-۱-۱-۲. انواع ضرر

۵-۱-۱-۲-۱. ضرر حال و آینده

همه ضررهای وارده در یک حادثه، مربوط به حال نیست. بلکه گاهی منشاء ضرر مربوط به حالو بروز ضرر مربوط به آینده است. برای مثال بسیاری از ضررها و آسیب‌های جسمانی ناشی از آلودگی صوتی در اثر گذشت زمان و در آینده پدیدار می‌شوند.

ضرر آینده را نباید با ضرر احتمالی اشتباه گرفت. ضرر آینده ضرری است که عرفاً وجود و تحقق آن در آینده حتمی و مسلم است و چنین خسارتی قابل مطالبه است.

۵-۱-۱-۲-۲. ضرر قطعی و محتمل

در یک تقسیم بندی ضرر به ضرر قطعی و محتمل تقسیم می‌شود. ضرر قطعی به طور حتم واقع می‌شود ولی ضرر احتمالی ضرری است که احتمال و امکان تحقق آن در آینده وجود دارد. ولی به همان اندازه که احتمال تحقق آن وجود دارد، احتمال عدم آن نیز وجود دارد. مسئولیت عدم نفع و محروم ماندن از کار از این قسم است. البته ضرر محتمل نیز بر دو قسم است که عبارتند از: محتمل الوصول و قطعی الصدور که نوع قطعی الحصول آن، بالفعل قابل مطالبه است. در مقوله محیط زیست، آلودگی صوتی ضررهای محتمل زیادی را بر سلامت شهروندان خواهد داشت.

۵-۱-۱-۳. ضرر مستقیم و غیر مستقیم

بسیاری از قانونگذاران بدون واسطه بودن ضرر را شرط تحقق مسئولیت مدنی می‌دانند. در قانون آیین دادرسی مدنی نیز ماده ۵۲۰ مقرر می‌دارد: «در خصوص مطالبه خسارات وارده، خواهان باید این جهت را ثابت نماید که زیان وارده، بلاواسطه ناشی از عدم انجام تعهد یا تأخیر آن و یا عدم تسلیم خواسته

^۱ کاتوزیان، ناصر؛ پیشین.

بوده است. در غیر این صورت دادگاه دعوای مطالبه خسارت را رد خواهد کرد» ذکر کلمه بلاواسطه در این ماده شرط مذکور را به خوبی نشان می‌دهد.

۵-۱-۱-۲-۴. ضرر نوعی و شخصی

در ضرر نفی شده آیا ضابطه نوعی ملاک است یا ضابطه شخصی؟ اگر ملاک ضرر نوعی باشد، در سنجش ضرر، به اوضاع و احوالی شخصی که ضرر به او وارد شده توجه نمی‌شود. این بحث خصوصاً در جایی که تعارض دو ضرر مطرح می‌شود، اهمیت می‌یابد. زیرا در جایی که دو ضرر تعارض می‌کنند، باید ضرر بیشتر را مدنظر قرار داد و آن را بر ضرر کمتر مقدم داشت.

بدیهی است که در ضرر به محیط زیست از معیار شخصی نمی‌توان استفاده کرد و باید ملاک ضرر نوعی را در نظر گرفت، زیرا مسأله محیط زیست و تخریب آن یک مسأله جمعی است و گاهی دعوای مربوط به آن جنبه فراملیتی می‌یابد و ملاک شخصی بودن موجب اختلافات فراوان در محاکم خواهد شد. البته در مقوله آلودگی صوتی لازم است در مواردی معیار شخصی بودن را در نظر بگیریم. برای مثال شرایط افرادی که به دلیل داشتن وضعیت خاص نظیر بارداری یا کهولت شدید، از آلودگی صوتی رنج برده و دچار سقط جنین، عوارض جسمانی و مرگ می‌گردند، باید در نظر گرفته شود و تنها نمی‌توان معیار نوعی بودن را در خصوص آنها در نظر گرفت.

۵-۱-۱-۲-۵. ضرر مادی و معنوی

مقصود از ضرر مادی، زیانی است که در نتیجه از بین رفتن اعیان اموال (مانند سوختن خانه) یا کاهش ارزش اموال (مانند احداث کارخانه‌ای که از بهای املاک مجاور بکاهد) و مالکیت معنوی (مانند صدمه رساندن به شهرت و نام تجاری) یا از بین رفتن منفعت و حق مشروع اشخاص، به آنان می‌رسد.

به طور خلاصه می‌توان گفت: کاستن از دارایی شخص و همچنین پیشگیری از فزونی آن، به هر عنوان که باشد، اضرار به شخص است. میزان ضرر نیز تفاوت میان دارایی کنونی زیان‌دیده و دارایی او، در صورتی که فعل زیانبار رخ نمی‌داد، است.^۱

تعریف زیان معنوی دشوار است و برای اینکه مفهومی از آن را داشته باشیم می‌توان گفت: صدمه به منافع عاطفی و غیر مالی است. باید دانست که تعیین مرز بین ضررهای مادی و معنوی به گونه‌ای قاطع

^۱ همان. ص ۲۴۴ تا ۲۴۷.

امکان ندارد، زیرا بسیاری از صدمه‌های روحی، بر روابط مالی شخص با دیگران آثار نامطلوب دارد و همین باعث زیان مالی وی می‌شود.

۵-۲-۱-۱-۶. صدمه بدنی

صدمه‌های بدنی را باید زبانی میان دو گروه قبل به شمار آورد، چرا که هر دو چهره مادی و معنوی را داراست، چون هم از نظر روانی باعث زیان شخص است و هم هزینه‌های درمانی و از کارافتادگی و... را بر دارایی او تحمیل می‌کند.

ارزیابی خسارت ناشی از صدمه‌های بدنی دشوار است، زیرا احتمال و حدس در آن مؤثر می‌باشد، به عنوان مثال به دشواری می‌توان به قطع رسید که شکستگی استخوان یا ضربه‌های مغزی چه عوارضی به بار می‌آورد، وانگهی صدمه بدنی باعث ضررهای معنوی نیز می‌شود و در این صورتهاست که امر ارزیابی خسارت را دشوارتر می‌سازد.^۱

۵-۱-۲. وجود فعل زیانبار

در زندگی اجتماعی سود و زیان با هم آمیخته است هرکس نفعی می‌برد به گونه‌ای باعث ضرر دیگران می‌شود، ولی این ضررها ایجاد مسئولیت نمی‌کند.

در گذشته در نظام‌های حقوقی، قربانیان جنایت و خطا و همین طور بستگان آن‌ها نمی‌توانستند خسارات ناشی از فعل زیانبار را مطالبه نمایند در نتیجه دادگاهها با مشکلات ناشی از دشواری محاسبه این خسارات مواجه نبودند. اما با شروع قرن نوزدهم میلادی در بسیاری از کشورها قواعدی وضع شد که امکان مطالبه غرامت را فراهم می‌نمود، پس از این بود که حقوقدانان در صدد برآمدند تا راهی بیابند که این خسارات به نحو مطلوبی جبران شود.^۲ لذا به مرور زمان دو سیستم حقوقی برای جبران خسارات ناشی از فعل زیانبار در نظام‌های حقوقی ایجاد گردید؛ یکی سیستم مبتنی بر قواعد و مقررات مدون توسط نهادهای مستقل قانونگذاری و دیگری سیستم حقوقی مسئولیت مدنی ناشی از خطا که دارای قدمت بیشتری است. هردوی این سیستمها با هم حقوق مسئولیت مدنی بیشتر کشورها را شکل می‌دهند و هر دو در صدد ارزشگذاری دقیق خسارات وارده به انسان هستند.^۳

^۱ همان.

^۲ - کریمی، خدیجه، (۱۳۹۴)، مسئولیت بدون تقصیر دولت، منتشر شده در پایگاه نشر مقالات حقوقی، حق گستر، ص: ۹.

^۳ - بادینی، حسن، پیشین، ۳۰۰.

انسان در جامعه‌ای که زندگی می‌کند، همواره در حال تلاش و فعالیت است. بسیاری از این فعالیتها که اغلب برای تحصیل منفعت و دفع مضرات صورت می‌پذیرد، برای دیگران زیانبار است اما تقصیر محسوب نمی‌شوند و مرتکبان آنها هم، چه از نظر اخلاقی چه از نظر حقوقی، مسئول نمی‌باشند. زیرا لازمه زندگی اجتماعی پذیرش اینگونه فعالیتها است. بنابراین برای مثال رقابت مشروع لازمه زندگی اجتماعی است و از نظر حقوق و اخلاق تقصیر محسوب نمی‌شود.

ماده اول قانون مسئولیت مدنی می‌گوید: هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتی یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد. در این ماده به عبارت بدون مجوز قانونی اشاره شده یعنی اگر فعل با مجوز قانونی صورت پذیرد شخص مسئول خسارت ناشی از آن نیست. در اینجا منظور قانون معنای وسیع کلمه است و شامل: تمامی قوانین موضوعه، آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌های اداری، دستور شفاهی پلیس و قواعد و مقررات عرفی می‌باشد.^۱ برای شناسایی مسئولیت برای اشخاصی که موجب آلودگی صوتی در محیط زیست طبیعی و مصنوعی انسانها و دیگر موجودات می‌گردند و باعث اضرار می‌گردند، باید مرتکب فعلی شده باشند که در نظر عرف زیانبار باشد و این عمل منصرف وظایف آنها است که به خودی خود نمی‌تواند زیانبار باشد.

در تبیین آنچه بیان شد می‌بایست اذعان کرد؛ در مسئولیت مدنی شرط این است که است فعل زیانبار نامشروع باشد و این فعل زیانبار در عنصر تقصیر ظاهر می‌شود، برای اینکه شخصی مرتکب بی‌احتیاطی و غفلت شود باید اضرار پیش‌بینی پذیر و قابل احتراز باشد برخی تقصیر به رکن نوعی و شخصی بودن فعل خوانده تحلیل کردند و نوعی بودن تقصیر تجاوز از رفتار متعارف و رکن شخصی آن قابلیت پیش‌بینی ضرر توسط خوانده است.^۲

در فقه دسته‌ای از فقها عدوانی بودن عمل را موکول به پیش‌بینی متعارف نتایج آن می‌دانند. شرط قابل پیش‌بینی بودن فعل زیانبار صرفاً یکی از شرایط «سوء استفاده از حق است» باید در همین محدود مطالعه شود. نمی‌توان آن را به مثابه یک قاعده عمومی جزء شرایط زیان قابل مطالبه قلمداد کرد. به عبارت دیگر باید گفت نه تنها در ضمان ناشی از سوء استفاده از حق، بلکه در تمامی مواردی که مسئولیت مدنی ایجاد می‌شود، زیان باید به طور متعارف قابل پیش‌بینی باشد. با این اوصاف در فرض

^۱ - محقق داماد، پیشین، ص: ۶۵

^۲ - تقی زاده، ابراهیم، علی هاشمی، احمد، پیشین، ص: ۶۲

مورد اشاره شخصی که با احداث کارخانه‌ای با حداقل استانداردهای ساخت و وسایلی با کمترین استاندارد مصرف می‌تواند این زیان را به واسطه فعل زیانبار خود پیش بینی نماید. چرا که انجام اعمالی در این حیطه و با این ابزار خود مشخصاً زیانبار تلقی شده و صدای حاصل از آن که نامتعارف تلقی می‌گردد موجب خسارت‌های مختلف زیست محیطی و یا آلودگی صوتی برای انسان‌ها می‌شود. بنابراین شخص در صورت زیانبار بودن فعلش هر چند برخاسته از دل قانون، ملزم به جبران ضرر و زیان می‌باشد. در نهایت بایست عنوان کرد؛ مبنای قاعده پیش‌بینی پذیری زیان ضرورت اخلاقی محدود شدن مسئولیت است زیرا از نظر اخلاقی نمی‌توان مسئولیت عهدشکن را نامحدود دانست. با این اوصاف به مرور زمان این اندیشه قوت گرفت که صرف ورود خسارت نمی‌تواند محملی برای مطالبه‌ی خسارت باشد. در واقع شخص باید مرتکب عملی شده باشد که اخلاقاً بتوان آن را مورد ملامت قرار داد.^۱ فعل زیانبار باید با تقصیر نیز همراه باشد؛ بدین ترتیب مبنای سنتی مسئولیت تئوری تقصیر قلمداد شد.^۲ یعنی عبور از پذیرش مسئولیت محض به سمت پذیرش مسئولیت مبنی بر تقصیر.

به هر حال فعل زیانبار نیز از جمله ارکان مسئولیت مدنی است که در بازخورد با فعل خطای اشخاص در حوزه محیط زیست می‌تواند مؤثر باشد. چرا که ماهیت این رکن وجود عملی است که منجر به زیان و نمود رکن نخستین، یعنی رکن ضرر می‌شود. بنابراین رکن دیگر مسئولیت مدنی ارتکاب فعل زیانبار است، این فعل باید در نظر اجتماع ناهنجار باشد و نیز در قانون برای آن مجوزی قرار داده نشده باشد. فعل زیانبار ممکن است فعل یا ترک فعل باشد.^۳

در ماده‌ اول قانون مسئولیت مدنی به عبارت بدون مجوز قانونی اشاره شده یعنی اگر فعل با مجوز قانونی صورت پذیرد شخص مسئول خسارت ناشی از آن نیست. در مسئولیت مدنی شرط است فعل زیانبار نامشروع باشد و این فعل زیانبار در عنصر تقصیر ظاهر می‌شود، برای اینکه شخصی مرتکب بی‌احتیاطی و غفلت شود باید اضرار پیش‌بینی پذیر و قابل احتراز باشد. برخی تقصیر به رکن نوعی و شخصی بودن فعل خوانده تحلیل کرده‌اند و نوعی بودن تقصیر تجاوز از رفتار متعارف و رکن شخصی آن قابلیت پیش‌بینی ضرر توسط خوانده است.^۴

۱ - بادینی، حسن، پیشین، ص: ۳۰۲

۲ - دالوند، فضل الله؛ تقسیم مسئولیت مدنی، اصفهان، انتشارات دادیار، ۱۳۸۶، چ ۱، ص ۲۱ و ۲۲.

۳ - همان، ص: ۲۲

۴ - همان، ص: ۲۳

۵-۱-۳. رابطه سببیت بین ضرر و فعل زیانبار

در اصطلاح، سبب و مسبب به اموری گفته شده که رابطه وجودی و عدمی بین آن‌ها وجود دارد. سببیت نیز نوعی ملازمه وجودی و عدمی بین دو امری است که ملزوم (مفعول) آن، سبب و لازم (فاعل) آن، مسبب نامیده می‌شود، مانند هنگامی که امین نسبت به مال، تعدی و تفریط می‌کند و ضرری وارد می‌کند امین یا عمل او سبب محسوب می‌شود و ضرر وارده، مسبب است.^۱

برای تحقق مسئولیت باید احراز شود که بین ضرر و فعل زیانبار رابطه سببیت وجود دارد، یعنی ضرر از آن فعل ناشی شده باشد. این احراز رابطه علیت بین دو پدیده موجود یعنی فعل زیانبار و خسارت (ضرر) است. اصولاً در مواردی که تقصیر شرط ایجاد مسئولیت نیست رابطه سببیت اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و اثبات وجود آن دشوارتر می‌شود. برای اینکه حادثه‌ای سبب محسوب شود باید آن حادثه در زمره شرایط ضروری تحقق ضرر باشد یعنی احراز شود که بدون آن، ضرر واقع نمی‌شد.^۲ لزوم برقراری رابطه سببیت بین فعل زیانبار و ضرر از آن جهت حائز اهمیت است که گاه اسباب متعددی در ورود ضرر دخالت دارند.

سبب آن واقعه‌ای است که تلف از آن انتظار می‌رود و مسبب کسی است که در اثر عهدشکنی سبب اضرار دیگری را فراهم می‌کند، مشروط بر آنکه نتیجه عمل او یعنی ضرر به بار آمده عموماً قابل پیش‌بینی باشد. از تعریف تسبیب مشخص می‌شود ضرر با واسطه بوجود می‌آید مشروط است به اینکه وقوع حادثه زیانبار از فعل اصلی به طور متعارف باشد. با وجود نزدیکی و قرابتی که بین دو مفهوم «سبب متعارف و اصلی» و زیان قابل پیش‌بینی وجود دارد. وظیفه مهم نظریه سبب متعارف تشخیص سبب مؤثر در وقوع زیان در هنگام دخالت اسباب متعدد در وقوع حادثه است. قاعده قابلیت پیش‌بینی زیان، محدوده زیانهای قابل جبران را مشخص می‌سازد.^۳

رابطه سببیت در حقوق، معنایی کاملاً عرفی دارد نه فلسفی، به عبارتی نوعی تجلی حد متعارف است. بدین معنی که هرگاه عرف میان دو چیز رابطه برقرار کند و رخدادی را نتیجه حادثه‌ای دیگر بداند، اصل و ظاهر بر آن است که میان آن دو رابطه‌ای سببی موجود است و وجود چنین رابطه‌ای است که امکان مطالبه خسارت ایجاد شده از عاملی که خسارت در نتیجه تقصیر او به بار آمده را فراهم می‌سازد. اثبات رابطه سببیت با خواهان (زیان‌دیده) است. اما نوعاً دادرس، این رابطه سببیت را از

^۱ - داراب پور، مهرباب؛ مسئولیت‌های خارج از قرارداد- پرداخت خسارت- استرداد عین و امتیازات، تهران، مجد، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۴۷

^۲ - دالوند، فضل الله، پیشین، ص: ۲۲ تا ۲۴

^۳ - داراب پور، پیشین، ص: ۱۴۹

همان ظهور عرفی درمی‌یابد. اگر چند سبب در ایجاد حادثه دخالت داشته باشد، به حکم قاعده «لاضرر» و «الا قرب یمنع الأبعد» باید سبب نزدیک را مسئول دانست. مثلاً در این عرصه ممکن است ماهیت قانون دارای مشکل بوده و ابهام داشته لذا همراه با خلاء باشد. اما آنچه موجب ضرر و رابطه بین فعل زیانبار و ضرر پل برقرار نموده، اجرا و اعمال نادرست ضابط از اختیارات بوده باشد.

بر مبنای نظریه تقصیر، مسئولیت مدنی در بازخورد با شخص مقصر در محیط زیست در صورتی قابل طرح و انتساب است که وارد کننده خسارت در انجام عمل زیانبار، مرتکب تقصیر شده باشد. در این فرض، خواهان، باید ثابت نماید که خوانده در مقام فعل و یا اجرای امر نادرست آمر مرتکب تقصیر شده و ضرر به طور مستقیم ناشی از این تقصیر است. بر مبنای این نظریه، جبران خسارت وارده منوط به وجود رابطه قراردادی بین زیان دیده و عامل زیان نیست. لذا فعل زیانبار در حوزه محیط زیست و ایجاد آلودگی صوتی تنها در صورتی مسئولیت خواهد داشت که سبب متعارف و اصلی ورود خسارت باشد. با وجود این، اثبات رابطه سببیت بین تقصیر خاطی در محیط زیست و زیان وارده به خواهان و همچنین مشکل تداخل اسباب، جبران خسارت وارده را با مشکل مواجه می‌سازد.^۱ در حالی که بر مبنای نظریه تضمین، کافی است خواهان وجود فعل و رابطه آن را با خسارت وارده اثبات نماید و دیگر نیازی به اثبات تقصیر در تخلف آلودگی صوتی ندارد.^۲ عده‌ای معتقدند، کارکرد اصلی این تئوری در حوزه مسئولیت قراردادی است. در حالی که، هدف از بررسی تئوری‌های حاکم بر مسئولیت مدنی، ایجاد تعادل و در بسیاری از موارد حمایت از خوانده در این عرصه است که هیچ گونه رابطه قراردادی با شخصی که مرتکب تخلف در محیط زیست و ایجاد آلودگی صوتی شده، نداشته لذا رابطه صرفاً رابطه‌ای یک طرفه و بر اساس تنبیه جامعه به وسیله متولیان است.^۳ اهمیت موضوع را می‌توان به خوبی درک کرد چرا که اگر بین عملکرد شخص خاطی و فعل زیانبار وی نتوان تقصیری احراز کرد نمی‌توان ادعای خسارت نمود که در این نظریه این چالش وجود نخواهد داشت.

در رابطه با سببیت همچنین می‌توان به قاعده تقصیر مشترک^۴ اشاره نمود که در نظام «کامن لا» و تحت تأثیر حقوق روم به وجود آمد. که به موجب آن نمی‌توان قواعد کلی راجع به رابطه سببیت را نادیده گرفت.^۵ لذا زیان دیده‌ای که تقصیر او در ایجاد ضرر دخالت دارد، حق درخواست خسارت ندارد. این قاعده به ویژه از اوایل قرن ۱۹ در آمریکا شهرت بسزایی یافت، ولی برخی از نویسندگان ورود این

۱ - کاتوزیان، ناصر، الزامات ناشی از قرارداد، جلد اول، مسئولیت مدنی، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۷، ص ۱۸۰.

۲ - همان، ص: ۱۸۲

۳ - اسماعیل زاده، هادی، (۱۳۷۴)، نگاهی به حقوق مصرف کننده، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه، چ ۱، ص ۵۴.

۴- contributory negligence

۵ - همان، ص: ۵۴

قاعده را به نظام کامن لا، سال‌ها پیش از آن می‌دانند.^۱ که در دعوایی که در سال ۱۸۰۹ مطرح شده است، خواننده دعوا به طور غیرقانونی تیرش را در وسط راه انداخته بود و راه را مسدود می‌کند. در زمانی از روز که هوا گرگ و میش شده بود، خواهان (زیان‌دیده) بدون دقت و با سرعت زیاد از آن محل می‌گذرد و در اثر برخورد با تبر مصدوم می‌شود. برای جبران خسارت علیه خواننده اقامه دعوا می‌کند. دادگاه دعوی او را رد کرده و استدلال می‌کند: اگر خواهان دقت و احتیاط متعارف را داشت و جلو خود را نگاه می‌کرد، تبر را می‌دید و با آن برخورد نمی‌کرد و حادثه رخ نمی‌داد؛ بنابراین، حادثه در اثر تقصیر زیان‌دیده اتفاق افتاده است و او حق دریافت خسارت را ندارد.^۲ این حکم ناعادلانه می‌نمود؛ زیرا ممکن است زیان‌دیده تقصیر سبکی مرتکب شود و تقصیر او سهم ناچیزی در وقوع زیان داشته باشد؛ بنابراین، عادلانه نیست که به طور کامل از دریافت خسارت محروم شود؛ به علاوه، تقصیر زیان‌دیده نباید دیگری را از مسئولیت ناشی از تقصیر خود معاف کند و موجب مصونیت او شود. این اشکالات موجب شد که دادگاهها برای کاستن از خشونت و سختی این قاعده، قاعده دیگری با نام «آخرین فرصت» ابداع کنند که در ایالات متحده آمریکا «last clear chance» نامیده می‌شد.^۳

بر مبنای این قاعده، کسی که آخرین فرصت را برای اجتناب از وقوع حادثه دارا بوده است ولی در اثر تقصیر، آن را از دست می‌دهد، مسئول وقوع حادثه و زیان ایجادشده شناخته می‌شود و باید آن را جبران کند؛ بنابراین، در مواردی که تقصیر خواننده دعوا بعد از تقصیر زیان‌دیده واقع می‌شد، زیان‌دیده به رغم ارتکاب تقصیر، حق درخواست خسارت داشت. به عنوان مثال در توقیف اموال و باز دارای خواننده از توقیف توسط ضابطان درگیری ایجاد نماید اما بعد از دخالت شخصی که در محیط زیست آلودگی صوتی ایجاد می‌کند، به رأی تمکین نماید.

به اعتقاد نویسندگان کامن لا، این قاعده بر مبنای رابطه سببیت توجیه می‌شد؛ به این بیان که وقتی خواننده (عامل زیان) فرصت اجتناب از وقوع حادثه را دارد و می‌تواند نتایج تقصیر زیان‌دیده را دفع کند، ولی با بی‌مبالاتی و تقصیر موجب از بین رفتن این فرصت می‌شود، در واقع، تقصیر او رابطه سببیت بین زیان ایجادشده و تقصیر زیان‌دیده را قطع می‌کند و سبب اصلی زیان شناخته می‌شود اما این ماده مانع از این نیست که اگر دادگاه یکی از دو سبب را علت و سبب منحصر خسارت تشخیص دهد، تنها همان علت را مسئول خسارت بداند و عامل دیگری را از مسئولیت معاف کند.^۴ این نظریه را اگر در بازخورد با

۱ - همان، ص: ۵۵

۲ - همان، ص: ۵۶

۳ - بادینی، حسن، پیشین، ص: ۳۰۴

۴ - بادینی، حسن، پیشین، ص: ۳۰۱

آلودگی صوتی در محیط زیست مورد تدقیق قرار دهیم می‌توان اینگونه تحلیل نماییم که کارگاهی که می‌تواند با پوشش مناسب از آلودگی صوتی پیشگیری نماید با اهمال و یا استفاده از درپوش‌های نامرغوب موجب در آلودگی صوتی گردد. این قاعده نیز غیرمنطقی بود؛ زیرا تقصیر خوانده (عامل زیان) به عنوان آخرین تقصیر، تقصیر خواهان (زیان دیده) را از بین نمی‌برد؛ بنابراین، نباید موجب معافیت او از مسئولیت شود.

نکته دیگری که در مورد رابطه سببیت می‌توان به آن اشاره نمود که دخالت سبب خارجی بین فعل عامل زیان و ضرر می‌باشد. به موجب این قاعده، هر گاه شخص مرتکب تقصیر شود ولی بین خطای او و ضرر ایجادشده سبب دیگری واقع شود، مانند اقدام ثالث یا خود زیان دیده، هر گاه این اقدام از ناحیه مقصر اولی قابل پیش‌بینی نباشد، رابطه سببیت بین تقصیر او و ضرر ایجادشده قطع می‌شود و او مسئول جبران خسارت نیست ولی هر گاه اقدام دوم از ناحیه مقصر اولی قابل پیش‌بینی باشد، او مسئول ضرر ایجادشده است.^۱

برای اینکه حادثه‌ای سبب محسوب شود باید آن حادثه در زمره شرایط ضروری تحقق ضرر باشد یعنی احراز شود که بدون آن، ضرر واقع نمی‌شد. لزوم برقراری رابطه سببیت بین فعل زیانبار و ضرر از آن جهت حائز اهمیت است که گاه اسباب متعددی در ورود ضرر دخالت دارند. با مذاقه در قواعد جاری بر قواعد عام مسئولیت مدنی به نظر می‌رسد برای دسترسی بر یک مبنا بایست به نظریه مسئولیت محض تمسک جست. این نوع مسئولیت، نمودار مسئولیتی است که به حکم قانون و بر پایه مصلحت و تدبیر ایجاد می‌شود و تابع قواعد عمومی مسئولیت مدنی نیست، به همین جهت آن را مسئولیت نوعی یا کلی نیز نامیده‌اند. هدف این نوع مسئولیت تحمیل ضمان به نتیجه فعل است نه کیفیت آن.^۲ به بیان دیگر، صرفنظر از تقصیر یا عدم تقصیر شخص آلوده کننده صوتی، در فعل خود (عدم استفاده از درپوش مرغوب و یا عدم استفاده از ابزارهای استاندارد و ...)، وی مسئول زیان‌هایی است که از فعل یا ترک فعل او ناشی شده است.

^۱ - همان، ص: ۳۰۲

^۲ - کاتوزیان، ناصر، پیشین، ۱۳۹۰، ص ۱۸۶؛ ابراهیمی، نصرالله، پیشین، ۱۳۸۶، ص: ۲

۵-۲. آثار مسئولیت ناشی از آلودگی صوتی

۵-۲-۱. جبران خسارتهای زیست محیطی ناشی از آلودگی صوتی

حمایت از زیان دیدگان در برابر آثار خطرناک ناشی از آلودگی صوتی و الزام به جبران خسارت ناشی از این آلودگی هدف اصلی رژیم‌های مسئولیت مدنی در این حوزه است. به دیگر سخن، مسئولیت‌های مدنی در این حوزه به چگونگی و نحوه جبران خسارت ناشی از این آلودگی می‌پردازد. با توجه به میزان روز افزون خسارت ناشی از آلودگی صوتی به ویژه بر اشخاص و سایر عناصر محیط زیست ما نیازمند تحول جدی در مبانی حقوقی مسئولیت در این زمینه هستیم. در اینجا سؤال اساسی مطرح است که آیا می‌توان در رژیم کنونی حاکم بر مسئولیت مدنی با تمسک بر ضمانت‌ها و قواعد رایج در حقوق مسئولیت مدنی به جبران خسارت ناشی از آلودگی صوتی پرداخت؟ و سؤال اساسی‌تر اینکه چگونه و تحت چه شرایطی امکان اعمال ضمانت‌های مدنی برای مقابله با آلودگی صوتی وجود داشته و چه مشکلات و موانعی در این خصوص قابل بررسی است. پیش فرض اساسی این است که امکان جبران خسارات ناشی از آلودگی صوتی به دلیل ماهیت و ویژگی‌های خاص این قسم از آلودگی‌ها کمتر توسط حقوق مسئولیت مدنی حمایت می‌شود. و در بسیاری از موارد با توجه به اصول و قواعد حقوقی حاکم بر حقوق مسئولیت مدنی به ویژه در نظام‌های ملی که مسئولیت مدنی زیست محیطی را هنوز بر مبنای نظریه تقصیر استوار نموده‌اند، بسیاری از خسارات حاصل از آلودگی صوتی به مرحله جبران نمی‌رسند و بسیاری از آنها جبران نشده باقی می‌ماند. لذا همانگونه که بحث خواهد شد حقوق مسئولیت مدنی در زمینه جبران خسارات ناشی از آلودگی صوتی با چالش جدی مواجه است و در زمینه اعمال ضمانت‌های مدنی عرصه محدودی وجود دارد که این امر مستلزم قوانین ویژه و نیازمند تحولات اساسی در رژیم حقوقی حاکم بر مسئولیت‌های مدنی زیست محیطی و شکل دهی قواعد خاص حاکم بر مسئولیت مدنی ناشی از این قسم آلودگی‌هاست.

۵-۲-۲. نحوه جبران خسارات زیست محیطی ناشی از آلودگی صوتی

یکی از مهم‌ترین روش‌های جبران خسارت در حوزه مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی‌های زیست محیطی و همچنین در کلیه ضررها، بازگرداندن وضع زیان دیده به حالت قبل از ورود ضرر می‌باشد.

نکته حائز اهمیت این است که، در مواردی امکان بازگرداندن وضع زیان‌دیده به حالت قبل از ورود ضرر وجود ندارد. به عنوان مثال: چنانچه آلودگی صوتی بسیار شدید باعث از بین رفتن جانوران در طبیعت شود، فرض بر گرداندن زیان‌دیده به حالت قبل غیرممکن به نظر می‌رسد. همچنین در خصوص ضررهایی همچون: ترس، اضطراب، استرس، خستگی روحی و جسمی و خسارتهایی از این دست که

از آلودگی صوتی ناشی می‌شود، بازگرداندن به وضعیت قبل از ورود ضرر غیرممکن است و باید طریق دیگر از جمله «پرداخت غرامت»، «جلب رضایت زیان‌دیده» یا «تعهد به عدم آلودگی» را جستجو نمود.

روش دیگر که با توجه به ویژگی‌های آلودگی صوتی از جمله تدریجی بودن، به نظر می‌رسد، «از بین بردن منبع ضرر» یا «دستور موقت» است. این وجه از جبران خسارت شامل اتخاذ اقداماتی است که به نظر می‌رسد نسبت به آینده اثر داشته باشد. در ذیل هر کدام از موارد فوق الذکر توضیح می‌گردد.

۵-۲-۲-۱. اعاده به وضع سابق

اعاده به وضع سابق در واقع بهترین و مناسب‌ترین روش جبران خسارت است. باید گفت از آنجا که هدف اصلی در این روش در صورت امکان برگرداندن وضعیت به حالت قبل است، این روش در حقوق محیط زیست از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این امر می‌تواند از طریق «پاک سازی»، «احیاء»، «ترمیم»، «بازسازی» و اقداماتی از این قبیل صورت گیرد. استفاده از این روش در حقوق محیط زیست می‌تواند هم به عنوان ضمانت حقوقی و هم به عنوان یک تعهد بر شخص مسئول بار شود. بر خلاف مواردی که اعاده به وضع سابق معمولاً به عنوان ضمانت کیفری در قوانین جزایی پیش بینی می‌شود این امر در قوانین مدنی صراحتاً پیش بینی نشده و از اصول کلی حاکم بر جبران خسارت می‌باشد.^۱

نکته‌ی قابل توجه این است که امکان این امر در خصوص کلیه اقسام آلودگی و خسارات ناشی از آن همواره امکان پذیر نیست. برای مثال پاک‌سازی مناطق آلوده به پسماند از سوی متخلف، یکی از مصادیق این روش است. اما در برخی موارد نظیر خسارات وارده بر رشد گیاهان، خسارات وارده بر سلامتی اشخاص مانند بیماریهای صعب‌العلاج تنفسی و یا انقراض نسل یک گیاه یا حیوان در اثر آلودگی صوتی، امکان توسل به این روش بعید است.

در اینجا منظور از اقدامات اعاده کننده، اعمالی است که وضعیت محیط زیست را به زمان پیش از بروز آلودگی بازگرداند؛ البته در صورتی که امکان عملی چنین بازگشتی ممکن باشد. برای مثال تکثیر موجودات دریایی در قبال اعمالی چون آلودگی صوتی در دریا از مصادیق این گونه اقدامات به شمار می‌روند. در این ارتباط و بر اساس بند (ج) ماده سه برنامه مونتوویدئو سوم تحت عنوان «پیشگیری و کاهش صدمات زیست محیطی» یکی از وظایف یونپ مطالعات رفتاری در مورد رضایت و همکاری دولت‌های مربوطه در ارتباط با راهکارها و ابزارهای مؤثر و کافی برای جبران خسارت، اصلاح کردن، جایگزین کردن و اعاده به وضعیت سابق در زمینه خسارات زیست محیطی بیان می‌شود. یونپ چنین

^۱ مشهدی، علی، ۱۳۹۲، حقوق آلودگی هوا، خرسندی، ص ۲۰۴.

وظایفی را از طریق در نظر گرفتن شیوه‌های ارزش‌گذاری، تشویق تلاش‌های صورت گرفته از سوی دولت‌ها در جهت توسعه، اتخاذ ابزارهای اقتصادی زیست محیطی استاندارد و تکنیک‌هایی فنی و علمی و مؤثر در چنین ارزش‌گذاری‌هایی انجام می‌دهد.

در قضیه کامن ولس پوئرتیکو و زئو کلوکوترونیز^۱، نیز دادگاه تجدید نظر در ایالت متحده آمریکا ضمن رد هر گونه پیشنهاد راجع به پرداخت غرامت معادل ارزش مناطق خسارت دیده به عنوان جایگزینی برای اعاده به وضع سابق، بازسازی و احیاء مجدد و بازگرداندن یک فضای زیست محیطی خسارت دیده به وضعیت سابق و احیای منابع زنده خسارت دیده را به عنوان مبنایی برای جبران خسارت زیست محیطی در سطح بین‌المللی مطرح کرد.

با وجود این و همانگونه که پیش از این اشاره شد، امروزه در عمل دست یافتن به چنین هدفی (اعاده وضع سابق زیست محیطی) با توجه به عوامل ذیل دشوار و در مواردی غیر ممکن می‌باشد:

ا. بسیاری از صدمات زیست محیطی با توجه به ماهیت عناصر زیست محیطی برگشت ناپذیرند. برای مثال اگر یک گونه حیوانی و یا گیاهی به سبب عملکرد انسان منقرض شود، شانس بسیار کمی وجود دارد که بتوان آن گونه زیست محیطی را حتی به فرض بروز جهش علمی عظیم مجدداً احیا کرد. حتی در صورت تولید تعدادی معدود از گونه مورد نظر از طریق ژنتیک نیز بدون سکونتگاهی که در آن رشد کند، به یقین این گونه نخواهد توانست مستقلاً به حیات خود ادامه دهد. به عبارت دیگر چنین موجودی بدون سکونت گاه طبیعی یک ماکت جاندار می‌باشد که صرفاً زنده است. و یا برای مثال انسان‌ها و موجودات زنده‌ای که به دلیل سکونت و قرارگیری در مجاورت با فرودگاه‌ها از آلودگی صوتی ناشی از هواپیما رنج می‌برند دچار خساراتی از قبیل سلب آسایش و تألمات روحی و روانی می‌گردند، در مواردی امکان اعاده به وضع سابق در خصوص آنها وجود ندارد. برای نمونه زمانی که یک دامپروری در محدوده فرودگاه استقرار دارد آلودگی صوتی اثرات بارزی در رشد دام و کیفیت محصولات دامی بر جای می‌گذارد که اعاده آن به وضع سابق ممکن نیست.

ب. از سوی دیگر، اجتناب دولت‌های قربانی صدمات زیست محیطی از طرح دعاوی جبران خسارات زیست محیطی در اغلب موارد و یا طرح چنین دعاوی صرفاً به صورت مطالبه غرامت برای پوشش دادن هزینه‌های مالی متنوع مصروف پس از ورود این گونه صدمات، مانع دیگر پیش روی شیوه جبران خسارت اعاده به وضع سابق در حوزه حقوق بین‌الملل محیط زیست است.

¹ The Commonwealth of Puerto Rico v. Zoe Colocotroni case

این در حالی است که چنین هزینه‌هایی را باید در زمره خسارات مالی طبقه بندی کرد. جالب‌تر اینکه بر پرداخت غرامت در ارتباط با همین هزینه‌ها نیز سقف و حدودی تعیین می‌شود و در نهایت با توجه به چنین رویه‌ای خسارات زیست محیطی اغلب بدون جبران باقی می‌ماند.

ج. همچنین در عصر حاضر تمایل روز افزون در رویه دولت‌ها به تحمیل مسئولیت اصلی جبران خسارت زیست محیطی بر دوش عامل خصوصی فعالیت منشأ آلودگی و فرع قرار دادن مسئولیت دولت در کنار مسئولیت عامل خصوصی قابل در کنار عدم توانایی عامل خصوصی به جبران خسارت زیست محیطی به خصوص در ارتباط با اعاده به وضعیت سابق (چه از نظر تخصص و چه از نظر توانایی اقتصادی) از دیگر عوامل مزبور است.

با توجه به دلایل فوق، بسیاری از اسناد بین المللی در ارتباط با جبران خسارات زیست محیطی، شیوه پرداخت غرامت را جایگزین اقدامات اعاده به وضع سابق کرده‌اند.

قطعه‌نامه ۶۸۷ شورای امنیت در سال ۱۹۹۱ نیز بیان می‌کند: «عراق... بر اساس حقوق بین الملل در مورد هرگونه خسارات مستقیم، شامل صدمات زیست محیطی و تخریب منابع طبیعی... که در نتیجه تجاوز غیر قانونی و اشغال کویت رخ داده‌اند، مسئول است».

بر این اساس دولت عراق ملزم به پرداخت غرامت به قربانیان خسارات وارده شد. همچنین کنوانسیون «حمایت، مدیریت و توسعه مناطق زیست محیطی دریایی و ساحلی منطقه شرق آفریقا» منعقد در سال ۱۹۸۵ در ماده ۱۵ خود طرفین را به همکاری در تنظیم و اتخاذ قوانین و رویه‌های مناسب در جهت تعیین مسئولیت و پرداخت جبران خسارت کافی و فوری در خصوص خسارات ناشی از آلودگی مناطق تحت پوشش کنوانسیون دعوت می‌کنند.^۱

۵-۲-۲. جبران نقدی خسارت

در اغلب موارد دلیل شکل و ماهیت خسارت وارده امکان جبران خسارات عینی آلودگی وجود ندارد. و امروزه شایع‌ترین روش جبران خسارات، جبران نقدی آنهاست که از طریق پرداخت مبلغی از ناحیه شخص مسئول آلودگی به شخص زیان‌دیده صورت می‌گیرد. اصولاً پرداخت خسارات نقدی ناشی از امکان تقویم آن به پول است. همین امر باعث شده است که در خصوص مبانی، رژیم حقوقی و نحوه

^۱ موسوی، سید فضل اله، قیاسیان، فهیمه، ۱۳۹۰، جبران خسارات زیست محیطی در حقوق بین الملل، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم و سیاسی، شماره ۱، ص ۳۴۰

تقویم و ارزیابی خسارات در حوزه محیط زیست و خسارات ناشی از آلودگی اختلافات و بحث‌های گوناگونی مطرح شود.

اصولاً فرمول ریاضی دقیقی برای تقویم عناصر زیست محیطی وجود ندارد و این امر تابعی از اقتصاد بازار است بویژه با توجه به این رویکرد که محیط زیست و عناصر آن دارای ارزش ذاتی هستند و نمی توان آسیب به آنها را به پول تقویم نمود. به همین دلیل نیز در خصوص نحوه قیمت گذاری عناصر زیست محیطی اختلاف نظرهای فراوانی وجود دارد. گروهی قیمت گذاری عناصر زیست محیطی را فاقد اعتبار و غیر قابل اطمینان می‌دانند و گروهی دیگر بر مبنای آنچه که در واقعیت می‌گذارد نه تنها قیمت گذاری را نفی ننموده بلکه ارزیابی دقیق آنرا حربه‌ای بر علیه سوء استفاده از عناصر زیست محیطی می‌دانند.^۱

همین مسأله در خصوص خسارات ناشی از آلودگی صوتی به دلیل ویژگیهای خاص خسارات، با شدت بیشتری مطرح است.

با توجه به موانع فوق الذکر، پرداخت پولی در اغلب موارد جایگزین اعاده به وضع سابق می‌شود. در ارتباط با این شیوه جبران خسارت نکاتی به شرح ذیل قابل ذکر می‌باشد:

- ا. غرامت معمولاً برای زیان‌های بالفعل پرداخت می‌شود؛
- ب. در این شیوه باید میان عمل موجد خسارت و عواقب آن، ارتباط علی و معلولی مستقیم و پیوسته وجود داشته شود تا بتوان از بابت آن مطالبه پرداخت غرامت کرد.

به عبارت دیگر در خصوص این اصل که در روند جبران خسارت باید خسارت مستقیم و غیر مستقیم از یکدیگر تفکیک و تنها خسارات مستقیم و بی واسطه جبران شوند، توافقی همه جانبه وجود دارد. اگر چه به اعتقاد برخی از حقوقدانان، خسارت غیر مستقیم قابل پرداخت خواهد بود اگر؛ اولاً این خسارت نتیجه «فوری و اجتناب ناپذیر» خسارات اصلی باشند؛ ثانیاً «رابطه علت و معلول» روشن بین این دو نوع خسارت از یک طرف و عمل مخالف حقوق منشاء خسارت از طرف دیگر وجود داشته باشد.

در نهایت به نظر می‌رسد راه برای مطالبه جبران خسارات غیر مستقیم باز است و نمی‌توان به دلیل محدودیت‌های عملی، حق مطالبه آنها را در صورت احراز شرایط مزبور نادیده گرفت. در این ارتباط و

^۱مشهدی، علی، ۱۳۹۰، مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی هوا (مطالعه مورد حقوق ایران و فرانسه)، فصلنامه اطلاع رسانی حقوقی، معاونت تحقیقات، آموزش و حقوق شهروندی ص ۶۶.

برای تشخیص رابطه علت و معلولی مزبور دکترین معیارهای گوناگون از جمله، معیار «عادی بودن»^۱، «قابلیت پیش بینی کردن»^۲ را مطرح می‌کنند.

ج. علاوه بر این از آنجایی که در اغلب موارد فاصله زمانی بین لحظه وارد آمدن خسارت تا زمان تعیین دقیق میزان آن طولانی خواهد بود، زیان‌دیده موظف است از لحظه وارد آمدن خسارت، اقداماتی به منظور جلوگیری از بروز صدمات بیشتر اتخاذ کند. به این دلیل و همچنین به منظور تعیین مبلغ غرامت و سود تعلق گرفته به آن، وظیفه پرداخت غرامت در لحظه وقوع خسارت و نه در زمان حصول توافق بین طرفین بر سر نوع و محدوده آن محرز می‌شود.

د. همانطور که پیشتر اشاره شد مساله مهم و مورد اختلاف دیگر در ارتباط با پرداخت غرامت در دست نبودن شیوه‌های دقیق ارزیابی خسارات و در نهایت تعیین میزان غرامت قابل پرداخت است. مسئله‌ای که در مورد خسارات غیر مالی ملموس‌تر است.

ه. از طرفی در ارزیابی و لحاظ کردن هزینه‌های مربوط به جلوگیری یا تقلیل خسارات در میزان غرامت قابل مطالبه، دو شرط لازم است:

۱. وقوع خسارت و یا احراز وجود خطر حتمی و قریب الوقوع؛
۲. ضروری و معقول بودن اقدامات به عمل آمده در ارتباط با جلوگیری از بروز خسارات بیشتر و کاهش خسارت وارده (هزینه‌ها نیز باید در عمل صرف شود).^۳

۵-۲-۳. از بین بردن منبع ضرر

از بین بردن منبع ضرر بخشی از تدابیر پیشگیرانه است که امروزه در پرتو اصل مشهور «احتیاطی» مورد توجه نظام حقوقی فرانسه قرار گرفته^۴ و از نوآوری‌های لایحه ۲۰۰۵ مسئولیت مدنی فرانسه به شمار می‌رود. گاهی از بین بردن منبع ضرر و توقف ویا جلوگیری از فعالیتهای آلوده ساز می‌تواند بعنوان یک روش پیشگیرانه اتخاذ گردد. به موجب ماده ۳-۱۶۲ کد محیط زیست فرانسه «در مواردی که خطر قریب الوقوع خسارت وجود دارد، متصدی بدون فوت وقت و به هزینه خود تدابیر پیشگیرانه‌ای را به

^۱ عادی بودن به این معنا که قاضی یا داور با توجه به اوضاع و احوال تشخیص دهد کدام یک از آنها عادی‌تر و طبیعی‌تر بوده و به طور منطقی و در عمل شانس دخالت بیشتر در ایجاد خسارت داشته‌اند.

^۲ بر اساس معیار قابل پیش بینی بودن قاضی یا داور باید تحقیق کند آیا عامل خسارت به طور عقلایی توانسته است، قبل از ارتکاب عمل منشأ خسارت اولیه به تمام آثار و نتایج احتمالی عمل خود آگاهی داشته باشد یا خیر؟ و اگر آگاهی داشت باز هم آن عمل را مرتکب می‌شد؟

^۳ موسوی، سید فضل اله، قیاسیان، فهیمه، ۱۳۹۰، همان، ص ۳۳۸.

^۴ به موجب این اصل در مواردی که با توجه به شناخته‌های علمی زمان امکان بروز خسارات غیر قطعی وجود داشته باشد و ممکن است اثر نامطلوب بر محیط زیست بگذارد، مقامات عمومی با اعمال اصل احتیاطی و در حوزه صلاحیت خود بر این امر نظارت نموده و آیینهای را جهت ارزیابی خسارات اتخاذ نموده و اقدامات مناسب و موقتی به منظور جلوگیری از وقوع خسارت تدارک خواهند دید. (ماده ۵ منشور اساسی محیط زیست فرانسه مصوب ۲۰۰۵)

منظور جلوگیری یا محدود کردن اثرات آن اتخاذ خواهد نمود. در صورت باقی بودن خطر، بهره بردار بدون فوت وقت، محتوا و نتیجه اقدامات پیشگیرانه اتخاذی را به اطلاع مقامات پیش بینی شده در شماره ۲ ماده ۲-۱۶۵ خواهد رساند.^۱ این موضوع در زمینه آلودگی صوتی می تواند شامل اقداماتی نظیر تعطیل، تخریب و انتقال اماکن آلاینده، نصب تجهیزات زیست محیطی و... گردد. برای مثال کارگاهی که در فرآیند تولید خود از ابزارآلات نا متعارف و دارای صدای بلند استفاده می کند، محکوم به جبران خسارت از طریق نصب تجهیزات زیست محیطی و استفاده از ابزارآلات استاندارد است.

۵-۲-۲-۴. تعهد به عدم آلودگی

امروزه با گسترش تخریب محیط زیست و توجه ویژه دولتها به حفاظت از آن قیود و شروط مربوط به رعایت اصول زیست محیطی در برخی از قراردادهای عمده و قراردادهایی که در آنها احتمال تخریب محیط زیست و آلودگی هوا می رود گنجانده می شود و با عنوان «تعهدات زیست محیطی» طرف قرارداد شناخته می شوند. در قراردادهای «بی او تی» (ساخت، بهره برداری و واگذاری) که در ایران در وزارتخانه های نفت، نیرو و وزارت راه و ترابری رایج می باشد شروط زیست محیطی و لزوم رعایت آنها از جمله تعهدات کنسرسیوم است و شروط مربوط به حفظ محیط زیست از شروط رایج این قراردادها بوده که مطابق آن کنسرسیوم موظف به رعایت اصول محیط زیست می باشند و در صورتی که از عمل وی به محیط زیست، اشخاص و اموال، خسارت زیست محیطی وارد گردد، مکلف به جبران خسارات وارده به اشخاص و اموال است و تخلف گسترده این تعهدات می تواند یکی از دلایل فسخ قرارداد محسوب شود.

علاوه بر این، تعهدات مربوط به رعایت شرایط و ضوابط زیست محیطی از جمله عدم ایجاد آلودگی در مواد ۲۷-۴۱۱ کد روستایی نسبت به مستاجرانی که از زمین بهره برداری می نمایند، پیش بینی شده است. همچنین، در قراردادهای اکتشاف نفت در سواحل و در خشکی نیز یکی از مواردی که به مثابه یک تعهد زیست محیطی بر پیمانکاران بار می شود، عدم ایجاد آلودگی های آب، هوا و خاک و دفع پسماندها است.^۲

^۱ مشهدی، علی، ۱۳۹۰، همان، ص ۶۵

^۲ مشهدی، علی، ۱۳۹۰، همان، ص ۶۷

۵-۲-۲-۵. جلب رضایت زیان دیده

جلب رضایت قربانی به عنوان شیوه معنوی جبران خسارت محسوب می‌شود، هدف از آن التیام آلامی است که به شخصیت او وارد شده است.

این روش زمانی عمل می‌شود که پرداخت غرامت و اعاده به حالت سابق ممکن نباشد و ممکن است شامل پذیرش نقض یک تعهد، ابزار تأسف، عذرخواهی رسمی و یا هر روش مناسب دیگر باشد. و نیز متناسب با خسارت وارده بوده و تحقیر آمیز نباشد.^۱

این روش اغلب در موارد ورود صدمات غیر مادی یا لطمات معنوی به شخصیت مناسب است. جلب رضایت سه هدف را دنبال می‌کند:

عذر خواهی یا هرگونه تأیید نادرستی عمل؛

پیگرد قانونی یا تنبیه شخص مجرم؛

اتخاذ اقداماتی برای جلوگیری از تکرار آن عمل زیانبار.^۲

با توجه به ویژگی‌ها و اهداف مذکور این روش می‌تواند راهکار مناسبی برای جبران خسارات ناشی از آلودگی صوتی باشد. در مواردی که صدمات روحی و روانی افراد قابل اعاده به حالت سابق نباشد، جلب رضایت آنها از سوی زیان زننده می‌تواند مؤثر واقع شود.

۵-۲-۲-۶. دستور موقت

طبق قاعده «وجوب دفع الضرر المحتمل» که از قواعد فقه اسلامی است، دستور موقت یکی از راهکارهای قدیمی است که می‌تواند از آلودگی یا دیگر آسیب‌های زیست محیطی بکاهد.

قوانین زیست محیطی در موارد غیر قابل جبران بودن زیان، فقدان جبرانه‌های دیگر، قابل رعایت بودن، تهدید سلامت عمومی، و آثار مالی بر خواننده بر اساس آیین‌های خارج از نوبت صادر می‌شوند، به ویژه در قضایای زیست محیطی که در آنها به اقدام فوری نیاز است مناسب می‌باشد. و می‌تواند برای تضمین

^۱جعفری مجد، محمد، خوئی، غفور، مهدوی کنده، حسین، ۱۳۹۶، روش‌های جبران خسارات زیست محیطی بر مبنای اصول اخلاقی محیط زیست: در نظام حقوقی ایران، ویژه نامه پژوهش‌های اخلاقی، سال هشتم، شماره ۱، ص ۸۴.

^۲موسوی، سید فضل اله، قیاسیان، فهیمه، ۱۳۹۰، همان، ص ۳۳۹.

پایبندی به قانون و الزام به احیای شرایط زیست محیطی زیانبار مهم باشد. این نوع جبران عموماً در کامن لا نیز موجود است.^۱

۵-۲-۳. ارزیابی خسارات زیست محیطی

یکی از موانع پیشروی جبران خسارات زیست محیطی، برآورد و ارزیابی خسارات آن مستقل از خسارات وارده به اشخاص و اموال است. علت این امر نیز به ماهیت عناصر زیست محیطی و عدم سهولت در ارزشگذاری مالی آنها باز می‌گردد. به دیگر سخن، خسارات وارده به محیط زیست برای مثال به لحاظ از بین رفتن حیات وحش، مستقیماً با معیار پولی قابل ارزیابی نیستند. در حالی که در حقوق بین الملل و در ارتباط با سایر خسارات، چنین برآوردی مبنای ارزیابی و به دنبال آن تعیین شیوه جبران خسارات است.

برای حل این معضل مقررات خاصی پیش بینی شده است: برای نمونه، ماده ۳ پروتکل الحاقی حفاظت از محیط زیست به معاهده جنوبگان، ارزش ذاتی جنوبگان، از جمله زیبایی و جالب توجه بودن آن را به رسمیت می‌شناسد و برای حفاظت از آن تلاش می‌کند.

حقوق بین الملل محیط زیست در پاسخ به این مساله سه راهکار پیشنهاد می‌کند:

الف) در نخستین راهکار، مسئولیت جبران خسارات زیست محیطی به پرداخت هزینه‌های متعارف مصروفه در اعاده وضعیت سابق، ایجاد ثبات در محیط و انجام اقدامات حفاظتی محدود می‌شود. برای مثال، بند (ج) ماده ۱۰ «کنوانسیون مسوولیت مدنی برای خسارات ایجاد شده در جریان حمل و نقل کالاهای خطرناک از طریق جاده، ریل و کشتیهای دریانوردی درون مرزی ۱۹۸۹»، نمونه‌ای از معاهدات بین المللی ارائه دهنده راهکار مزبور است. علاوه بر این، شورای امنیت در قطعنامه ۶۷۸ خود ضمن مسئول دانستن دولت عراق در ارتباط با خسارات وارده به اموال، اشخاص، محیط زیست و منابع طبیعی در جریان تهاجم و اشغال غیرقانونی کویت، جبران خسارت و در واقع پرداخت غرامت را به هزینه‌های مربوط به نظارت، ارزیابی صدمات و نیز هزینه‌های مربوط به واکنش در برابر چنین خساراتی و اصلاح آنان محدود کرد.

در این راهکار، خسارات صرفاً هزینه اقدامات مربوط به اعاده وضعیت متعارف را شامل می‌شود که در عمل قابلیت اجرایی و تعیین کمیت را نیز داشته باشد.

^۱ جعفری مجد، محمد، خوئی، غفور، مهدوی کنده، حسین، ۱۳۹۶، همان، ص ۸۴.

بر این رویکرد این انتقاد وارد است که هدف آن بیشتر حمایت از عامل فعالیتهای خسارت بار زیست محیطی در مقابل دعاوی مبهم و غیرمعمول دولت زیان‌دیده است، تا حمایت و حفاظت از محیط زیست. از سوی دیگر در اغلب موارد، اقدامات مربوط به اعاده به وضع سابق که در عین حال در دسترس و متعارف نیز باشند، محدود هستند. در برخی موارد حتی احیا و یا اعاده به وضع سابق، به دلیل غیرقابل ارزیابی بودن و جبران ناپذیربودن صدمات زیست محیطی از دیدگاه تکنیکی و اقتصادی به طور قطع غیرممکن می‌باشد. با توجه به این امور، این سؤال مطرح می‌شود که آیا می‌توان عامل خسارات را به جبران خسارات زیست محیطی وارده از طریق شیوه‌های دیگر (به جز پرداخت هزینه اقدامات متعارف اعاده کننده) ملزم کرد؟ و یا اساساً وجود خسارات زیست محیطی جبران ناپذیر، استثنایی بر اصل جبران خسارت می‌باشد که به دنبال آن عامل چنین خساراتی از دیدگاه متحمل شدن مسئولیت بین المللی، در شرایط مطلوب‌تر نسبت به خساراتی جبران پذیر قرار می‌گیرد؟ برای پاسخ به چنین سؤالاتی راهکار دوم ارائه می‌شود.

ب) متداول‌ترین راه حل در روبه دولتها و معاهدات بین المللی این است که مبلغ پولی معین و از پیش تعیین شده به عنوان سقف پرداخت غرامت و به عنوان جایگزینی برای اعاده به وضع سابق در نظر گرفته می‌شود. کنوانسیون وین راجع به مسوولیت مدنی برای صدمات اتمی نیز مسوولیت عامل را به به ۵ میلیون دلار آمریکا در هر حادثه اتمی محدود کرد. در این کنوانسیون همچنین زمان طرح دعاوی مربوط به جبران خسارت نیز محدود و حقوق بر جبران خسارت ملغی می‌شود، در صورتی که دعوی در عرض ۱۰ سال پس از تاریخ حادثه اتمی اقامه نشود؛ صلاحیت رسیدگی به این دعاوی نیز به دادگاه‌های کشورهای طرف معاهده محدود می‌شود که این حادثه در کشور آنها اتفاق افتاده است. به علاوه نمونه بارز اتخاذ چنین روشی در روبه قضایی بین المللی، قضیه کوسموس ۹۵۴ مطروحه بین روسیه و کانادا در سال ۱۹۸۴ میلادی است. اختلاف مطروحه در این قضیه بر سر تعیین میزان خسارات است. کانادا این خسارات را ۱۴ میلیون دلار از جمله ۶ میلیون دلار برای عملیات پاکسازی تخمین می‌زند در حالیکه چنین خساراتی در کنوانسیون مسئولیت برای اشیاء فضایی سال ۱۹۷۲ میلادی پیش بینی نشده است. سرانجام، دولت روسیه بر اساس توافق طرفین در ارتباط با عملیات پاکسازی تنها سه میلیون دلار پرداخت کرد.

بر این شیوه نیز انتقادات پیشین وارد است؛ در واقع هدف آن نه جبران کامل خسارات زیست محیطی بلکه حمایت از عامل خسارات در برابر دعاوی مبهم و کلان زیان دیده است.

ج) در راهکار نهایی آلوده کننده باید غرامتی معادل ارزش عناصر زیست محیطی به خسارت دیده بپردازد. بر این اساس عناصر زیست محیطی در دو طبقه دسته بندی می‌شوند:

الف) عناصر زیست محیطی که در بازار و با قیمت مشخص تجارت می‌شوند. در مورد این دسته به سهولت، قیمتی که منابع زیست محیطی در بازار مورد معامله قرار می‌گیرند، ملاک و معیار تعیین ارزش قرار می‌گیرد.

ب) آن دسته از عناصری که از چنین قیمت بازاری برخوردار نیستند و ارزش اقتصادی آنها بر اساس روشهای ارزیابی ارزش تفریحی یا لذتبخشی آنها تعیین می‌شود. بدین معنا که سنجش و ارزیابی دقیق نظر عموم مبنای تعیین ارزش تقریبی اینگونه عناصر زیست محیطی قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، تمایلات عموم جامعه به پرداخت هزینه برای کالاهای زیست محیطی مانند هوای تازه، آب سالم و یا تمایل به پرداخت هزینه برای حفظ محیط زیست در معرض خطر، در ارتباط با چنین ارزیابی‌ای از اهمیت بسیار برخوردار می‌باشد. چنین شیوه‌های سنجشی ابتدا در حقوق محیط زیست آمریکا و در دهه اخیر از طریق برخی از حقوقدانان حقوق بین الملل محیط زیست در سطح بین المللی مورد توجه واقع شد. به هر حال، بسیاری از کارشناسان معتقدند شیوه‌های سنجش عمومی، شیوه‌های هزینه بر و زمانبر هستند که به سطح بالای دانش و تخصص در اجرا نیاز دارند. از سوی دیگر، نتایج حاصله از این شیوه‌ها محتمل و مشروط هستند.

در نهایت همانگونه که اشاره شد به هریک از سه راه حل فوق الذکر ایرادات جدی وارد است. با وجود این به نظر می‌رسد اعمال هر کدام از این شیوه‌ها در شرایط مناسب و با توجه به عوامل مؤثر دیگر، همچون مفاد تعهد نقض شده، عدالت و انصاف بتواند راهگشا باشد. صرفنظر از عدم سهولت ارزیابی خسارات زیست محیطی، تعیین سطح و معیار معینی که در آن دولت، مسئول جبران خسارات زیست محیطی وارده شناخته شود نیز در پرده‌ای از ابهام باقی مانده است. فلسفه تعیین چنین سطحی، این واقعیت انکارناپذیر است که بسیاری از فعالیتهای خسارت بار زیست محیطی برای حیات اقتصادی و اجتماعی و در نهایت توسعه جامعه انسانی اجتناب ناپذیر است. از این رو تعیین یک سطح حداقلی این اجازه را می‌دهد که خسارات زودگذر، اندک و قابل تحمل زیست محیطی نادیده انگاشته شود و تنها خساراتی که بالاتر از حد مجاز برآورد شده‌اند، مسئولیت عامل خسارت را به همراه داشته باشد. در این زمینه کمیسیون حقوق بین الملل معتقد است تأثیر سوء بر اکوسیستم باید «قابل ملاحظه»، «قبل ارزیابی» و «اساسی یا فراتر از سطح معمولی قابل اغماض» باشد. به علاوه به اعتقاد کمیسیون، چنین معیارهای حداقلی باید انعطاف پذیر و بر اساس شرایط طبیعی و منطقه‌ای متفاوتی باشند؛ زیرا برای

مثال، اثر سوئی که از صید غیرمجاز یک گونه نادر جانوری بر محیط زیست وارد می‌شود با صید گونه‌های دیگر که صرفاً به دلیل صید آن در فصول معین از سال ممنوع شده است، قابل قیاس نیست. همچنین اثرات سوء مربوط به دود کارخانه‌ای که در مسیر جریانهای هوای خاص احداث شده است به مراتب شدیدتر از دود کارخانه‌ای است که در چنین منطقه‌ای احداث نشده است. صرف نظر از معیار ارائه شده از سوی کمیسیون حقوق بین الملل، بررسی اجمالی معاهدات و رویه قضایی بین المللی در این زمینه بیان کننده این واقعیت است که یک اجماع یا توافق بین المللی در ارتباط با چنین سطح معینی از خسارات وجود ندارد. در این منابع، علیرغم وجود عباراتی همچون «جدی»، «مهم»، «بالا تر از سطح قابل اغماض»، «بیش از استاندارد توصیف شده» یا «دارای عواقب جدی» برای تعیین سطح خسارات زیست محیطی، شفافیت و دقت کافی و لازم در مورد معیاری دقیق و معین بین المللی مشاهده نمی‌شود.^۱

۵-۲-۴. کنوانسیون لوگانو و مسأله جبران خسارات وارده به محیط زیست

به موجب کنوانسیون ۱۹۹۳ لوگانو در خصوص «مسئولیت مدنی برای خسارات ناشی از اجرای فعالیت‌های خطرناک برای محیط زیست» که توسط شورای اروپا به عنوان یکسری قوانین منطقه‌ای در رابطه با مسئولیت مدنی تدوین گردیده است، استانداردهای کلی برای جبران خسارت ناشی از آسیب‌های وارده ناشی از فعالیت‌های خطرناک بنیاد نهاده شده است. اساس این کنوانسیون اصل «آلوده کننده، پرداخت کننده» است. این کنوانسیون در صدد تخفیف بار سنگین مسئولیت در جهت پرداخت غرامت و تحمیل مسئولیت به طور کامل می‌باشد.

بنابر این مطابق آن دولت‌های عضو در حقوق داخلی آن را به موقع اجرا می‌گذارند و بر تمامی اشخاص، شرکت‌ها، دولت‌ها و همه آژانسها در خصوص خودداری و ممانعت از فعالیت‌های خطرناک اعمال می‌گردد.

از دیگر موارد قابل ذکر در این کنوانسیون، محل وقوع آسیب یا صدمه به محیط زیست است که با تحقق مسئولیت بی ارتباط است چه آن رویداد در مکانی در محدوده قلمرو دولت عضو حادث شده باشد و چه آن خسارت در قلمرو یک دولت غیر عضو اتفاق افتاده باشد، کنوانسیون مزبور اجازه مطالبه جبران غرامت را می‌دهد.

^۱ مشهدی، علی، شاه حسینی، عطیه، ۱۳۹۵، جبران خسارات زیست محیطی بر اساس طرح ۲۰۰۶ کمیسیون حقوق بین الملل مبنی بر اصول تخصیص زیان در موارد آسیب فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال نوزدهم، شماره ۵۵، ص ۱۴۶.

طبق کنوانسیون لوگانو جبران خسارت در مورد آسیب وارده بر محیط زیست می‌تواند به نحوی باشد که به اقدامات اتخاذ شده قابل قبول به برگرداندن یا احیاء کردن محیط زیست به وضعیت قبلی محدود شود. اما نکته قابل توجه در خصوص مسائل زیست محیطی، غیر قابل جبران بودن برخی از خسارات است به نحوی که اعاده به وضع سابق غیر ممکن است.

مواد ۶ تا ۱۲ این کنوانسیون اصول اساسی و پایه‌ای مسئولیت را بیان می‌کند. نخست هر کس که یک فعالیت خطرناک را اداره نماید، به خاطر آسیب‌های ناشی از آن فعالیت مسئول است. این مسأله ابعدی چند مرحله‌ای یا دراز مدت دارد که بار سنگین مسئولیت را برای اشخاص گوناگونی که به نحوی در اداره آن فعالیت یا فعالیت‌ها دخالت دارند، می‌داند.

لذا این اشخاص باید با ارائه دلیل ثابت کنند که مسئولیت متوجه آنها نیست. در غیر این صورت مسئولیت مشترک برای تمامی آنهایی که مسئول اداره و نظارت و کنترل منبع خسارت حاصله از آلودگی تدریجی یا مستمر از منابع آلودگی متعدد باشند، تحمیل خواهد شد.^۱

بند ۸ ماده ۲ این کنوانسیون نیز اشاره دارد: «اقدامات ترمیم» به معنی هرگونه اقدامات معقول با هدف ترمیم یا احیای اجزای خسارت دیده یا نابود شده محیط زیست و یا معرفی، جایگزین مناسب برای این بخشهای محیط زیست است. حقوق داخلی نشان می‌دهد که چه کسی باید چنان اقداماتی را انجام دهد». در این گزارش توضیحی آمده است: این مفهوم اساسی است، چرا که به رسمیت شناختن حفاظت مستقیم از محیط زیست را که ممکن است مستقل از هر گونه صدمه به اموال و یا افراد باشد تضمین می‌کند. اقدامات ترمیمی شامل همه موارد بالا است و هر زمان که احیا یا مرمت محیط زیست ممکن باشد، این به ایجاد وضعیت زیست محیطی مشابه وضعیتی که قبل از خسارت وجود داشته است مربوط می‌شود. هنگامی که بازگرداندن و یا احیای مجدد محیط زیست غیر ممکن باشد، اقدامات ترمیمی می‌تواند معرف اجزای معادل محیط زیست باشد. این امر به عنوان مثال در مورد انقراض گونه‌های جانوری و یا تخریب جبران ناپذیر زیست بوم اعمال می‌شود. این خسارت‌ها از نظر مالی قابل اندازه گیری نیستند و هر گونه احیای محیط زیست از نظرتئوری غیر ممکن است. از آن جا که این مشکلات نباید به فقدان کامل غرامت منجر شود، یک روش خاص برای جبران این خسارت معرفی شده است. این روش جبران به دسترسی به معادل مشابه محیط زیست استوار است. این مفهوم بر شرایط مفروض هر مورد خسارت که در کنوانسیون تعریف نشده است متکی است. علاوه بر این کنوانسیون

^۱ دبیری، فرهاد، پوره‌اشمی، سیدعباس، موسوی، مریم السادات، ۱۳۸۹، بررسی جبران خسارات وارده بر محیط زیست ناشی از آلودگی‌های فرامرزی و تخریب بین المللی محیط زیست، مجموعه مقالات انسان و محیط زیست، مقاله ۵، دوره ۸، شماره ۱ (۱۲-۱۳) پیاپی ۲۳ ص ۴۸

نشان نمی‌دهد که چه کسی باید این اقدامات را برعهده بگیرد. از این رو حقوق داخلی در این مورد تصمیم‌گیری می‌کند. در هر صورت، اقدامات جبران باید در حد معقول باشد. هم چنین این کنوانسیون بر اساس بند ۱۰ ماده ۲ تعریف گسترده‌ای از "محیط زیست" ارائه نموده است که به گسترش دامنه جبران خسارت کمک می‌کند. بند ۱۰ ماده ۲ محیط زیست را شامل موارد ذیل دانسته است: «منابع طبیعی هر دو نوع غیر جاندار و جاندار مانند هوا، آب، خاک، گیاه و تعامل بین عوامل مشابه و اموالی را که بخشی از میراث فرهنگی را تشکیل می‌دهند و نیز جنبه ویژگیهای چشم انداز شامل می‌شود»^۱.

۵-۲-۵. تحولات نظام جبران خسارات زیست محیطی

همانطور که به سمت حفاظت از محیط زیست حرکت می‌کنیم، نحوه جبران خسارت در این عرصه نیز تغییر می‌کند. از این رو شاهد تحولات چشمگیری در این حوزه به خصوص در عرصه بین الملل هستیم. جبران خسارت و نحوه مواجهه با خسارت‌های زیست محیطی به دلیل ویژگی‌های خاص خود از جمله مرزگذر بودن برخی از آلودگی‌ها، بسیار متفاوت با سایر خسارت‌ها می‌باشد. از آنجاییکه آلودگی صوتی در برخی از منابع دارای ویژگی مرز گذر و تسری دامنه آلودگی به مرزهای کشورهای دیگر است، شناخت تحولات نظام مسئولیت و جبران خسارت ضروری و در بسیاری از موارد کارآمد و راهگشا است. از جمله این تغییرات گذار از مرحله پرداخت به مرحله آموزش و پیشگیری و است. لذا بررسی نحوه پیشگیری و الگوهای پیشگیرانه در عرصه محیط زیست موضوعی است که بایست مد نظر قرار گرفته و تبیین گردد.

۵-۲-۵.۱. توسعه اقدامات پیشگیرانه به جای اقدامات جبرانی

یکی از تحولات مثبتی که متأثر از تحول در مفهوم خسارت در حوزه محیط زیست در عرصه مسئولیت بین المللی ناشی از خسارات زیست محیطی در سالهای اخیر واقع گردیده است، توجه جامعه بین‌المللی به اقدامات پیشگیرانه است. «این امر با نگرش سنتی که بر اساس آن مسئولیت به دولتی منتسب می‌شود که باعث زیان شده باشد، مغایر می‌باشد. در سالهای اخیر وضع مقررات راجع به محیط زیست بین‌المللی به صورتی چشمگیر افزایش یافته و رویکرد بازدارنده جدیدی در بسیاری از ترتیبات در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای منعکس شده است.» و کنوانسیونهای زیادی با این نوع نگرش تدوین گردیده‌اند.^۲

^۱ زارع، علی، پورهاشمی، سید عباس، خلعتبری، یلدا، هرمیداس باوند، داود، ۱۳۹۵، تحلیل مفاهیم آلودگی و خسارت در حقوق بین الملل محیط زیست، فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست، مقالات آماده انتشار، پذیرفته شده، انتشار آنلاین از تاریخ ۱۲ تیر ۱۳۹۵.

^۲ - از جمله می‌توان از کنوانسیونهای زیر نام برد: کنوانسیون ۱۹۸۵ وین در مورد حمایت از لایه ازن، کنوانسیون ۱۹۹۲ در مورد تغییرات آب و هوا، کنوانسیون ۱۹۸۹ بازل در مورد کنترل جابجایی فرارزی پسماندهای خطرناک، کنوانسیون ۲۰۰۰ راجع به ایجاد رژیم مسئولیت ناشی از حوادث فوق العاده خطرناک

متفکران جدید حقوق بین الملل را عقیده بر این است که اعمال نظریه مسئولیت دولت پس از وقوع خسارت در بدو امر موجب گسترش و رشد منازعات، تضعیف همکاری و عدم امکان جلوگیری از انجام زیان می گردد. متخصصان حقوق بین الملل چنین استدلال می کنند که انجام اقدامات (تعهدات) شکلی و اجرایی از پیش، دولت ها را قادر می سازد تا از طریق یک نظام همکاری متقابل «اجتناب از منازعه» با مسأله آلودگی مرزگذر برخورد نمایند.^۱ در راستای امکان پذیر گردیدن انجام اقدامات پیشگیرانه، یکی از مسئولیتهای مهم دولت ها مسئولیت آنها به اطلاع رسانی دقیق و کامل می باشد. اصل بیستم اعلامیه استکهلم در این رابطه می گوید: در این رابطه باید جریان آزادانه تازه ترین اطلاعات و انتقال تجربیات، به منظور حل مسائل محیط زیست، تشویق و تسهیل گردد. فنون مربوط به محیط زیست را باید با شرایطی که انتشار وسیع آنها را بدون تحمیل بار اقتصادی بر کشورهای در حال توسعه تشویق کند، در اختیار این کشورها قرار داد.

۵-۲-۵. روش های پیشگیری از خسارات زیست محیطی ناشی از آلودگی صوتی

۵-۲-۵-۱. ارزیابی پیامدهای زیست محیطی

همانطور که بیان شد دیگر نمی توان منتظر ماند تا فاجعه ای زیست محیطی به وجود آید، بعد از آن دنبال مقصر گشته و وی را در جبران خسارت آنچه اتفاق افتاده ملزم نماییم. جبران خسارتی که نمی تواند به هیچ وجه اعاده وضع به حال سابق کند. لذا برای پرهیز از این رویه از ابزارهای جدید و متغیری در قالب ارزیابی های پیشگیرانه استفاده می کنند. لذا در این حوزه اصل را بر پیشگیری می گذارند. ماهیت جبران خسارت را در پرتو آموزش و رفتارهای پیشگیرانه جستجو می کنند.

بنابراین یکی از ابزارهای قانونمند و عالم الشمول در حقوق محیط زیست تطبیقی به منظور تضمین پایداری توسعه به ویژه از بعد تحقق بخشیدن به اصول تضمین پایداری، تعادل و کارائی توسعه پایداری، در «ارزیابی پیامدهای زیست محیطی» است. هدف از این سیستم، پرهیز از هر گونه اشتباهات پرهزینه در برنامه ریزی های توسعه است. پرهزینه هم از نظر ضررهای زیست محیطی و هم از نظر مخارجی که باید صرف شود تا پروژه ای توسعه ای از جهت کیفیت زیست محیطی مقبول جامعه و دولت واقع شود.^۲

^۱ - موسوی، پیشین، ص: ۴۴

^۲ - سازمان حفاظت محیط زیست مالزی، (۱۳۸۴)، راهنمای ارزیابی پیامدهای زیست محیطی توسعه، ترجمه پرستو میرابزاده تهران، سازمان حفاظت محیط زیست، ص: ۱-۲

در خلال دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی معاهدات بین‌المللی به تدریج الزام‌هایی را بر فرآیند ارزیابی پیامدهای زیست محیطی اعمال کردند که بطور فزاینده از لحاظ دور نما و جزئیات و همچنین ملاحظات رو به گسترش هستند.^۱

ماده ۱۴ کنوانسیون تنوع زیست محیطی مقرر می‌دارد: «هر یک از کشورهای عضو در حد امکان و به گونه مناسب، باید روش‌های مناسب در زمینه لزوم ارزیابی اثرات محیط زیستی پروژه‌های خود را که ممکن است اثرات زیانبار قابل توجهی بر تنوع زیستی داشته باشند با هدف اجتناب از ایجاد چنان تاثیراتی در پیش گرفته و مشارکت مردمی را آن گونه که باید در این روش‌ها در نظر بگیرد؛ اقدامات لازمی را انجام دهد تا تضمین نماید که پیامدهای زیستی آن دسته از برنامه‌ها و سیاست‌های آن که اثرات زیانباری بر تنوع زیستی دارند، مدنظر قرار می‌گیرند؛ در زمینه تحت صلاحیت و کنترل خود که احتمالاً اثرات زیانبار قابل ملاحظه‌ای بر تنوع زیستی سایر کشورها یا مناطق ماورای قلمرو داخلی آن دارند براساس رفتار متقابل، با عقد قراردادهای دو جانبه، منطقه‌ای یا چند جانبه مناسب، ارائه و تبادل اطلاعات و مشاوره را تشویق کند؛ در صورت بروز خطر یا خسارت آنی یا کشنده برای تنوع زیستی در منطقه تحت صلاحیت یا کنترل سایر دولت‌ها یا مناطق خارج از محدوده صلاحیت ملی خود فوری دولت‌هایی را که به طور بالقوه در معرض خطر قرار می‌گیرند، آگاه کرده و اقدامات لازم را برای جلوگیری یا کاهش خطرات و خسارات یاد شده را آغاز کند. ترتیبات ملی برای عکس‌العمل‌های فوری در قبال اقدامات یا وقایعی را که به علل طبیعی یا غیر آن حادث شده و مبین خطر مهلک و آنی برای تنوع زیستی باشد، ارتقاء داده و همکاری بین‌المللی برای تکمیل تلاش‌های ملی یاد شده را مورد موافقت دولت‌ها یا سازمان‌های وحدت اقتصادی منطقه‌ای ذیربط باشد برای ایجاد طرح‌های مشترک احتیاطی ترغیب نماید».

از دیگر معاهداتی که به اصل ارزیابی پیامدهای زیست محیطی توجه کرده‌اند می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

اصل ۱۷ اعلامیه ریو، بند دو ماده ۳۹ و شق b بند ۳ ماده ۵۴ کنوانسیون ولینگتون^۲ در خصوص تنظیم اقدامات راجع به منابع معدنی جنوبگان مورخ ۲ ژوئن ۱۹۹۰، بند C اصل امور جهانی طبیعت، ماده ۲ دستورالعمل ۸۵/۳۳۷ جامعه اقتصادی اروپا پیرامون ارزیابی آثار برخی پروژه‌های عمومی و خصوصی زیست محیطی، تصمیم شورای حاکم یونپ به عنوان «اهداف و اصول ارزیابی پیامدهای زیست

^۱ - لوتار گوندلینگ، همکاران، (۱۳۸۴)، حقوق محیط زیست، ترجمه محمدحسن حبیبی، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۱، ج ۲، ص ۲۶۹

^۲ Wellington Convention

محیطی^۱ و ماده ۳۷ کنوانسیون لومه، دولت‌های منطقه آفریقا، کارائیب و آسیا - اقیانوسیه مورخ ۱۵ دسامبر ۱۹۱۸، کنوانسیون ۱۹۸۵ آسه‌آن، کنوانسیون اسپو^۲، می‌باشد که در پرتو این معاهدات و کنوانسیون‌ها آنچه مورد پیگیری قرار می‌گیرد اصل ارزیابی است که الگوهای پیشگیرانه در عرصه خسارات جبران ناپذیر زیست محیطی را القاء می‌نماید.

در کشور ما نیز ارزیابی در برنامه‌های توسعه کشور به عنوان یک روش و ابزار زیست محیطی جهت شناسایی اثرات احتمالی پروژه‌های پیشنهادی، تجزیه و تحلیل نتایج احتمالی و پیامدهای اجرای یک پروژه بر عناصر زیست محیطی، اطمینان یافتن از اجرای مناسب و صحیح پروژه و در نهایت ارائه راهکارهای کاهش و تقلیل اثرات سوء بر محیط زیست شناخته شده است. بدین منظور ماده‌های ۵۹، ۶۰، ۶۱، بند ج ماده ۱۰۴ و ماده ۱۰۵ از برنامه چهارم توسعه کشور به این امر اختصاص یافته است. در حال حاضر انجام مطالعات ارزیابی اثرات زیست محیطی برای فرودگاه‌ها، به عنوان یکی از منابع اصلی آلودگی صوتی ضروری است.

۵-۲-۲-۵. اصل اطلاع رسانی و ارائه کمک در صورت وقوع حوادث اضطراری

مطابق با اصل اطلاع رسانی آنچه مبنا قرار گرفته است رویکردهای پیشگیرانه‌ای است که دائر مدار اطلاع رسانی در حوزه محیط زیست می‌باشد. این رویکرد پیشگیرانه باعث می‌شود تا دولت‌ها سیاست‌هایی را به کار گیرند که در صورت بروز آلودگی، خسارت‌های کمتری ایجاد گردد.

مطابق اصل ماده ۱۸ کنفرانس ریو:

«دولت‌ها باید کشورهای دیگر را بلافاصله از حوادث و فجایع طبیعی یا موارد اضطراری دیگر که به نظر می‌رسد آثار سویی بر محیط‌زیست این کشورها داشته باشد مطلع سازند».

اصل اطلاع‌رسانی ابتدا به عنوان یک قاعده در حقوق بین‌الملل عمومی ایجاد شد و سپس به عنوان یک وظیفه بشر دوستانه تکلیف گردید. در دعوی «تنگه کورفو» دیوان بین‌المللی دادگستری در تائید حق برخورداری همه از امتیاز دریا نوردی رأی می‌دهد و مقرر می‌دارد: «آلبانی موظف بود که از وجود مین در آبهای سرزمین خود، ناخدای کشتی‌های جنگی انگلیس را هنگامی که به این حوزه نزدیک

^۱ - Unep Gc /DEC/ 14/17 Annex III (Jane 17, 1987)

^۲ - کنوانسیون ارزیابی زیست محیطی اتحادیه اروپا (اسپو) که در زمینه ارزیابی زیست محیطی برون مرزی فعالیت داشته و برای ارتقا بکارگیری نتایج ارزیابی‌ها در سطوح ملی و بین المللی تلاش می‌کند، spو، ۱۹۹۱.

می‌شدند، به وجود خطر قریب الوقوع میدان مین در این حوزه آگاه سازد.^۱» این الزامی که دادگاه بر آن تکیه می‌کند بر گرفته از حق تعبیه شده برای عموم و از اصول معروف حقوق بشر است که باید مراعات گردد. در جهت رعایت موارد مشابه می‌توان گفت اصل اطلاع‌رسانی نسبت به خطراتی که ممکن است محیط‌زیست کشوری را تحت تأثیر قرار دهد، به عنوان یک وظیفه به دولت‌ها تکلیف شده است.

کمک مؤثر دولت‌ها در مورد یک حادثه زیست محیطی سؤالات متعددی را به وجود آورده است، هر چند که وضع حقوقی مشخصی در این بین مطرح نیست. اصل ۱۱ اعلامیه ریو در این رابطه می‌گوید: «هر تلاشی باید بر اساس همکاری‌های بین‌المللی از طریق جوامع بین‌المللی انجام گیرد تا به کشور آسیب دیده کمک شود». در رابطه با اصول اعلام شده آلودگی فرامرزی قابل انتقال، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه اعلام می‌کند که دولت‌ها باید هر جا که نیاز باشد به دولتهای دیگر در جهت به حداقل رساندن و یا اگر امکان دارد در محو آثار ناشی از حوادث خطرناک کمک کنند و بالاخره باید راه‌های توسعه طرح‌های مقابله با وقوع احتمالی وقایع را پیش‌بینی بکنند.^۲ معاهده ۱۹۸۲ کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریاها در ماده ۱۹۹ اصول فوق را به سادگی معین کرده است که می‌گوید:

«دولتهایی که در منطقه آسیب دیده واقع شده‌اند در حد امکاناتشان و سازمان‌های بین‌المللی ذی‌صلاح باید تا حد امکان برای از بین بردن آثار آلودگی و پیشگیری یا تقلیل صدمات همکاری نمایند. به این منظور دولت‌ها باید مشترکاً طرح‌هایی اضطراری برای مقابله با حوادث آلودگی در محیط‌زیست دریایی تهیه کنند».

به غیر از موقعیت‌های اضطراری که بر حسب ضرورت با اطلاع به موقع، امکان کمک رسانی فراهم می‌گردد، دولتی که اجازه اجرای طرح‌ها یا فعالیت‌های را در محدوده سرزمین خود صادر می‌کند، باید اثرات بالقوه‌ای را که اینگونه اقدامات بر محیط‌زیست باقی می‌گذارد ارزیابی کند و به دولتهای دیگر اطلاع دهد.

ارسال به موقع جزئیات مربوط به طرح و ارسال اطلاعات مربوطه در حدی است که قوانین داخلی یا پیمانهای بین‌المللی قابل اجرا آن را منع نکرده باشد. اصل ۱۹ اعلامیه ریو پیش‌بینی می‌کند که:

^۱ دیوان با ۱۱ رأی در مقابل ۵ رأی، آلبانی را مسئول خسارت حاصل از انفجار مین تشخیص داد و حکم به پرداخت غرامت از سوی آلبانی به انگلیس صادر کرد و همچنین به اتفاق آراء عمل پاک کردن تنگه از مین توسط انگلیس را که بدون رضایت آلبانی انجام گرفته بود محکوم کرد. به طور کلی، دیوان در مقام گزینش بین دو نظریه‌ی سنتی خطا و خطر، به نظریه‌ی خطا متمایل بود (موسی زاده، رضا، حقوق بین الملل عمومی، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۸، صص ۳۱۹-۳۱۸).

^۲ لوتار گوندلینگ و همکاران، ص: ۲۷۱

«دولت‌ها باید امکان به خطر افتادن دولت‌های دیگر را قبلاً و به موقع اطلاع دهند همچنین باید اطلاعات تخصصی در خصوص فعالیت‌هایی که احتمالاً دارای آثار سوء و جدی هستند و از محدوده مرزها فراتر می‌روند، در اختیار دیگر دولت‌ها بگذارند و با آنها در اسرع وقت و اعتماد کامل مشورت کنند»^۱. بنابراین ماهیت این عملکرد اگر چه جبران خسارت را در بر نمی‌گیرد، اما رویکردی را القاء می‌نماید که به مرحله تخریب و خسارت زیست محیطی پیش نرویم.

اهمیت اخطار قبلی، نه تنها در تعدیل دامنه خسارات آن برای سایر دولت‌ها بلکه در رابطه مستقیم آن با تعهد، انجام ارزیابی پیامدهای زیست محیطی در محدوده فرامرزی و نیز تحصیل رضایت اعلام شده قبلی، منعکس می‌شود. بنابراین، اصل مشورت و رایزنی، دولت‌ها را مکلف می‌سازد به دولت‌هایی که بالقوه تحت تأثیر قرار می‌گیرند این امکان را اعطا نمایند تا فعالیت برنامه‌ریزی شده‌ای را که ممکن است به طور بالقوه منجر به خسارت گردد، بازنگری نموده و مورد بحث و بررسی قرار دهند. دولت فعالیت کننده الزاماً مکلف نیست که منافع دولت در معرض تأثیر را رعایت نماید ولی باید منافع مذکور را مد نظر قرار دهد. این اصل در اعلامیه‌ها و معاهدات متعدد، عمدتاً به همراه مقرره‌ای مبنی بر انجام مشاوره «براساس حسن نیت و در مدت زمان معقول و متعارف» تکرار شده است.^۲ الزام به اولویت‌بخشی به پیشگیری در معنای کلی آن، موضوع اصلی مندرج در اصل پانزدهم بیانیه ریواست که به موجب آن «به منظور حفظ محیط‌زیست، کشورها باید ضوابط و معیارهای پیشگیرانه حمایتی را براساس توانایی‌های خود و بطور مبسوط مورد استفاده قرار دهند. در جایی که امکان خطر جدی وجود دارد و یا مسائل و مشکلات ناشناخته زیان‌هایی را به بار آورد، نواقص به طور کامل و علمی مورد بررسی قرار گیرد و نباید به دلیل اینکه ضوابط مبارزه با آلودگی محیط‌زیست پرهزینه است، از آن چشم پوشی کرد.

۵-۲-۵-۳. گسترش مبنای مسئولیت بین المللی

همانطور که قبلاً گفته شد در حقوق بین‌الملل سنتی عمدتاً مسئولیت بین‌المللی مبتنی بر خطا بود. حقوق محیط زیست هم که در ابتدا عمدتاً از همان اصول و قواعد حقوق بین‌الملل سنتی تبعیت می‌نمود، مسئولیت بین‌المللی ناشی از خسارات زیست محیطی را فقط بر اساس نظریه خطا پذیرفته بود. لیکن به تدریج عدم کفایت و پاسخ‌گویی این نظریه در عرصه مسائل محیط زیستی کاملاً آشکار گردید. چرا که بسیاری از زیانهای محیط زیستی از قبال اعمالی ایجاد می‌گردند که اصولاً اعمال ممنوعه و متخلفانه‌ای نبوده و کشورها در انجام آنها با هیچگونه ممنوعیت از پیش تعیین شده‌ای روبرو نیستند و

^۱ - جعفری مجد، محمد، خونی، غفور، مهدوی کنده، حسین، (۱۳۹۶)، روش‌های جبران خسارات زیست محیطی بر مبنای اصول اخلاقی محیط زیست: در نظام حقوقی ایران، پژوهش‌های اخلاقی، سال ۸، ویژه‌نامه ش ۱، ص: ۷۲

^۲ - جعفری مجد و همکاران، پیشین، ص: ۷۵

اگر تعیین مسئولیت فقط بر اساس انجام اعمالی که به نوعی توأم با نقض حقوق بین الملل می باشد امکان پذیر باشد، اینگونه خسارات محیط زیستی باید بدون پاسخ و جبران خسارت باقی بماند. لذا دامنه مسئولیت بین المللی در حوزه حقوق محیط زیست گسترش یافته و علاوه بر اعمال ممنوعه اعمال غیر ممنوعه ای را هم که موجب ورود خسارت به محیط زیست می گردند را شامل گردیده است. «کمسیون حقوق بین الملل این موضوع را از سال ۱۹۷۸ در دستور کار خود قرار داده و بیشتر فعالیت خود در مورد چنین مسئولیتی را بر حوزه زیان وارده به محیط زیست متمرکز ساخته است. در سال ۲۰۰۱ کمسیون حقوق بین الملل در پنجاه و سومین نشست خود پیش نویس مواد راجع به جلوگیری از خسارت فرامرزی ناشی از فعالیت های خطرناک را تصویب نمود. این فعالیت ها که مواد اخیر در مورد آنها اعمال می شود آنهایی هستند که توسط حقوق بین الملل منع نشده اند، اما امکان بروز خسارت محسوس فرامرزی در آنها نهفته است.»^۱ اصل بیست و یکم اعلامیه استکهلم نیز صراحتاً مسئولیت مبنی بر خطر را پذیرفته است.^۲

یکی از زمینه هایی که در آن از نظریه مسئولیت مبتنی بر خطر استفاده شده است، مبحث آلودگی های مرز گذر می باشد. در همه کنوانسیون های جهانی و منطقه ای مربوط به آلودگی های مرز گذر مبنای اصلی مسئولیت بر این نظریه گذاشته شده است. البته لازم به یادآوری است که این تحول از نظر برخی از تحلیل گران چندان مثبت نبوده و می تواند پیامدهای ناخوشایندی به دنبال داشته باشد. این حق قطعی برای جبران خسارت که برای قربانیان آلودگی بسیار جالب و جذاب است، ولی بسیاری از کشورهای صنعتی را نسبت به این ساختار بی اعتماد می سازد. مضافاً اینکه یک چنین موقعیت خاص جغرافیایی موجود در بعضی کشورها را نادیده می انگارد؛ به عنوان مثال در مورد آلودگی های یک جانبه یک رودخانه بین المللی، کشوری که در بالادست رودخانه قرار دارد مجبور خواهد بود که به طور مداوم برای منفعت انحصاری کشوری که در قسمت پایین رودخانه قرار دارد خسارت بپردازد.^۳ بدین ترتیب تفسیر موسع از مسئولیت دولت ها در اینگونه موارد می تواند امنیت و منافع ملی کشورها را تحت الشعاع قرار داده و به تبع آن حس بی اعتمادی را نسبت به کنوانسیون هایی که می تواند در راستای

۱ - والاس، ربکا، (۱۳۸۲)، حقوق بین الملل، ترجمه دکتر سید قاسم زمانی و مهناز بهراملو، موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ص: ۲۵۴

۲ - این اصل در این خصوص می گوید: دولت ها، بر طبق منشور سازمان ملل متحد و اصول حقوق بین الملل دارای حقوق حاکمه برای بهره برداری از منابعشان، مطابق سیاست های محیط زیستی خود می باشند و مسئولند ترتیبی دهند تا فعالیت های انجام شده در حیطه صلاحیت یا نظارت آنها موجب ورود زیان به محیط زیست کشورها یا مناطق خارج از محدوده صلاحیت ملی آنها نگردد.

۳ - دانشگاه هاروارد، (۱۳۹۰)، حقوق بین الملل محیط زیست، ترجمه دکتر سید فضل ... موسوی، نشر میزان، ص: ۷۹

حفاظت از محیط زیست کارآمد باشند، کم نمایند؛ لذا موجب بروز اختلاف و حتی بعضاً درگیری میان کشورها می‌گردد.

تحول در جبران خسارت زیست محیطی در شکل و شمایل اقدامات پیشگیرانه این هدف را دنبال می‌کند که ماهیت مسئولیت دولت‌ها در این حوزه را از مبنای تقصیر به نگرش‌هایی مسئولیت محض محول نماید. این گسترش و وسعت مسئولیت در بازخورد با خسارت‌های زیست محیطی رویکردهای نوینی را بیان می‌کند که به واسطه آن لجام گستیختگی دولت‌ها در انجام اقدامات مبتنی بر خسارت را، اگر مهار نکند حداقل به کمترین حد خود برساند.

۵-۲-۴. نهادینه کردن مسئولیت بین المللی ناشی از خسارات زیست محیطی

یکی دیگر از تحولات در عرصه مسئولیت بین المللی ناشی از خسارات زیست محیطی " که اساساً متأثر از تحول در مفهوم، ماهیت و گستره خسارت در قلمرو حقوق زیست می‌باشد" تلاش برای نهادینه و قراردادی کردن این نوع مسئولیت بین‌المللی بوده است. شاید بتوان گفت تا چندین سال پیش مهمترین منبع حقوق بین‌الملل محیط زیست قواعد عرفی بود، اما چند سالی است که جامعه بین‌المللی با اهداف گوناگونی از آن جمله کارآمدتر کردن قواعد حمایتی محیط زیستی از آن جمله مسئولیت ناشی از خسارات زیست محیطی و به دنبال آن جبران خسارات وارده در تدوین قواعد و مقررات این شاخه از حقوق تلاش می‌نماید. شاید بتوان گفت مهمترین قالبی که در این فرایند از آن استفاده شده، قالب موافقتنامه - پروتکل می‌باشد. لذا ما امروزه شاهد شمار زیادی معاهدات و پروتکل‌های زیست محیطی هستیم. البته در این که آیا این تلاش جامعه بین‌المللی برای نهادینه کردن مقررات و قواعد زیست محیطی تا چه حد توأم با موفقیت بوده و اینکه آیا در نهایت موجبات حمایت بیشتر از محیط زیست و الزام هر چه بیشتر کشورها به رعایت تعهداتشان نسبت به محیط زیست را فراهم کرده است یا نه میان حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. برخی از حقوقدانان معتقدند که علاوه بر مشکلاتی که اصولاً بر سر راه ایجاد و انعقاد یک توافقنامه بین‌المللی وجود دارد، به دلیل ویژگی‌های خاص موضوعات محیط زیستی شکل‌گیری یک توافقنامه محیط زیستی با موانع و مشکلات بیشتری روبرو است. بعنوان مثال «بخشی از سیاست محیط زیستی به منظور حفظ و نگهداری محیط زیست برای نسل‌های آینده طرح ریزی می‌گردد»^۱ و انعقاد معاهداتی که این مسئله مهم و اساسی را بتواند به طور مطلوب در نظر گرفته و تأمین کند کار بسیار مشکل و مستلزم زمان بیشتری است. همین طور در اکثر موارد به دلیل همراه

^۱ - موسوی، همان منبع، ص: ۱۴۳

بودن موضوعات محیط زیستی با ویژگی‌های سیاسی، علمی و فنی انعقاد معاهده در خصوص آنها بسیار دشوار بوده و بعضاً چندین سال طول می‌کشد.^۱

مانع دیگر در مسیر تدوین قواعد محیط زیستی به ویژه مسائل مربوط به مسئولیت بین المللی عدم تمایل دولت‌ها به محدود شدن حاکمیتشان و اعراض آنها از تن دادن به یک رژیم مسئولیتی از پیش تعیین شده و اجباری است.^۲ به همین دلیل در اکثر موارد قواعد مربوط به مسئولیت بین‌المللی ناشی از خسارات محیط زیستی در قالب پروتکل‌های اختیاری تدوین گردیده است. بعنوان مثال می‌توان از پروتکل اختیاری کنوانسیون بازل که در سال ۱۹۹۹ تدوین گردید نام برد.

از جمله موانع دیگر مسئله اجرای اینگونه معاهدات می‌باشد، که با توجه به اینکه معاهدات زیست محیطی اغلب نه تنها هیچگونه امتیازاتی به اعضا نمی‌دهند بلکه هزینه‌هایی را نیز به اعضا تحمیل می‌نمایند، تمایل کشورها به عضویت در آنها و نیز بعداً همکاری آنها برای اجرای معاهده بسیار کمتر از سایر معاهدات می‌باشد.^۳ علیرغم تمام نقاط ضعف مذکور باید فرایند تدوین و نهادینه کردن قواعد و مقررات محیط زیستی را یک تحول مثبت در عرصه محیط زیست بویژه مبحث مسئولیت بین‌المللی تلقی نمود

۵-۲-۵-۲. توسعه دامنه مسئولیت به بخش خصوصی

به موجب حقوق بین الملل سنتی عمدتاً مسئولیت بین المللی ناشی از خسارات زیست محیطی بر عهده کشورها قرار می‌گرفت. لیکن از آنجایی که برخی از خسارات محیط زیستی ناشی از فعالیت بخش خصوصی می‌باشد، محدود کردن مسئولیت بین‌المللی ناشی از خسارات محیط زیستی به دولت‌ها موجب عدم پاسخ‌گویی به موارد زیادی از خسارات زیست محیطی می‌گردد. لذا یکی از تحولات بسیار مثبتی که در عرصه مسئولیت بین‌المللی ناشی از خسارات زیست محیطی می‌توان از آن نام برد، توسعه دامنه این نوع مسئولیت به بخش خصوصی می‌باشد. به عنوان مثال در بحث مسئولیت ناشی از آلودگی‌های مرز گذر، حقوق بین الملل فعالیت‌های اشخاص خصوصی را نیز به دولت‌ها انتساب می‌دهد.^۴ در بسیاری از کنوانسیونهای محیط زیستی مسئولیت اشخاص خصوصی به صراحت پذیرفته شده است. در

^۱ - رئیسی، لیلا، (۱۳۸۹)، بررسی تحولات مسئولیت بین المللی ناشی از خسارات زیست محیطی با توجه به کنوانسیون بازل، مجله انسان و محیط زیست، مقاله ۷، دوره ۸، شماره ۲ (۱۳-پیاپی ۲۴)، ص: ۶۲

^۲-Hao -Nhien Q. Vu "The law of treaties and the export of hazardous waste, UCLA Journal of Environmental Law & Policy | Vol. 12(1),1994,p:391

^۳ - رئیسی، پیشین، ص: ۶۰

^۴ - رئیسی، پیشین، ص: ۶۸

کنوانسیون بازل در خصوص کنترل نقل و انتقال فرامرزی فضولات خطرناک و طریق دور ریزی آنها نیز از یک رژیم مسئولیت برای بخش خصوصی اعم از حقیقی و حقوقی تبعیت گردیده است.^۱

رویه قضائی بین المللی نیز در آرای زیادی بر این امر صحه گذاشته است. در داوری «تریل اسملتر» دادگاه در رأی نهایی خود این اصل مهم حقوق بین الملل را به رسمیت شناخت که بر اساس آن هر دولت موظف است از سایر دولت‌ها در مقابل اعمال زیان آور افرادی که در چارچوب قلمرو تحت صلاحیت آن اتفاق می افتد حفاظت نماید.^۲

اگر دولتی احتیاط‌های لازم را انجام داده ولی اشخاص خصوصی واقع در محدوده قلمرو قضایی یا نظارتش خسارتی عمده و اساسی بر محیط زیست کشور دیگری وارد آورند، دولت منشاء ضرر بایستی تمام گام‌های لازم را جهت تنبیه و مجازات خلافکاران انجام دهد، در غیر این صورت ممکن است خود آن دولت مقصر شناخته شود.^۳ البته نباید فراموش شود که چون تضمین و تحقق مسئولیت بخش خصوصی اصولاً بر عهده سیستم‌های حقوقی ملی قرار دارد و سیستم‌های حقوقی ملی بنا به علل مختلف از اجرای رژیم مسئولیت نسبت به آنها سرباز زده و خودداری می نمایند، لذا عملاً مسئولیت بخش خصوصی چندان واقعی نیست و معمولاً مقررات کنوانسیونها در این خصوص با موانع زیادی روبرو می باشد. بعنوان نمونه با وجود آنکه کنوانسیون بازل مقررات نسبتاً جامعی در مورد مسئولیت افراد پیش بینی نموده است لیکن مشکلات و چالش‌های فراوانی بر سر راه عملی شدن مقررات کنوانسیون در این مورد وجود دارد از جمله مهمترین این مشکلات می توان از موارد زیر نام برد:

اولاً پذیرش مسئولیت برای بخش خصوصی در ارتباط با حمل و نقل پسماندهای آلوده کننده مستلزم درگیر نمودن سیستم‌های حقوقی ملی در جهت تضمین انجام تعهدات ناشی از کنوانسیون برای بخش خصوصی است. بر اساس بند چهار از ماده چهار کنوانسیون کشورهای عضو مکلف گردیده اند، کلیه اقدامات قانونی لازم را در جهت جلوگیری از نقض مقررات کنوانسیون به وسیله بخش خصوصی انجام دهند. از آن جمله مجازات‌هایی را برای ناقضان در قوانین ملی خود در نظر گیرند.^۴

۱ - همان، ص: ۶۱

۲ - والاس، ربکا، پیشین، ص ۲۴۴

۳ - پور هاشمی، عباس، موسوی، مریم السادات، (۱۳۹۰)، مسئولیت بین المللی دولت‌ها در حقوق محیط زیست، دانشنامه حقوق و سیاست، ش ۱۵، ص: ۷۹

4-The Basel Convention-Article four

در حالی که بعضاً مشاهده می‌شود کشورها بنا به علل گوناگون همچون مسائل اقتصادی و اجتماعی از انجام این تعهد خودداری می‌نمایند و حتی در مواردی هم که از نظر تئوری قوانین لازم وضع گردیده از اجرای آن در عمل خودداری می‌نمایند.

ثانیاً طرح دعوی نزد محاکم ملی با مشکلاتی همچون هزینه بالا، عدم طی سریع، کامل و بی طرفانه فرآیند دادرسی و به ویژه مشکلات مربوط به اجرای رأی روبرو است که در اکثر موارد باعث بی ثمر بودن طرح دعوی نزد اینگونه مراجع می‌گردد. لذا در واقع تجارت کنندگان فضولات آلوده کننده با یک ممنوعیت بدون ضمانت اجرا روبرو هستند و همین امر باعث گردید تا آنها همچنان به تجارتشان به گونه معمول فقط با اندکی پنهان کاری ادامه دهند، و در واقع مقررات کنوانسیون در مورد آنها فاقد قدرت اجرایی است.^۱

۵-۲-۵-۶. گسترش دامنه ضمانت اجرای تخلفات زیست محیطی

یکی دیگر از تحولات مثبت در عرصه مسئولیت بین‌المللی ناشی از خسارات زیست محیطی گسترش دامنه ضمانت اجرای مربوط به تخلفات زیست محیطی است. در این راستا دو مسئله مهم باید یادآوری و مورد بحث و بررسی قرار گیرد: اولاً رژیم‌های مسئولیتی و شیوه‌های جبران خسارات بنا به علل مختلف از جمله ملاحظات مربوط به حاکمیت عمدتاً در قالب پروتکل‌های اختیاری تنظیم می‌گردد، که مسلماً این امر از سویی بسیار مطلوب است، اما از سویی دیگر مشکل بسیار جدی و اساسی بر سر راه حمایت از محیط زیست و تضمین آن بوجود می‌آورد. مطلوبیت این شیوه عمدتاً از این جهت می‌باشد که کشورها بدلیل اختیاری بودن اینگونه پروتکل‌ها، بدون داشتن هیچگونه اجبار و الزامی و با میل خود به عضویت آنها در می‌آیند، در نتیجه با میل و رغبت بیشتری هم تن به اجرای تعهدات و تکالیف ناشی از آنها می‌دهند.^۲ اما اختیاری بودن رژیم‌های مسئولیت، این پیامد منفی را بدنبال خواهد داشت که کشورها در مواردی تن به آنها می‌دهند که پای منافعشان در بین نباشد و لذا حمایت از محیط زیست و مسئولیت ناشی از نقض این تعهد نسبت به منافع کشورها امری فرعی و تبعی خواهد گردید.

ثانیاً از آنجایی که یک سیستم کارآمد و مؤثر برای اجرای مسئولیت بین‌المللی و جبران خسارات در نظام بین‌المللی وجود ندارد و از سوی دیگر امروزه مسئولیت بخش خصوصی نیز قسمت عمده‌ای از

^۱ - رئیسی، همان منبع، ص: ۶۱

^۲ - رئیسی، پیشین، ص: ۶۵

رژیم مسئولیت ناشی از خسارات زیست محیطی را تشکیل می‌دهد، عملاً سیستم‌های حقوقی ملی نیز در جهت اجرای مسئولیت بین‌المللی ناشی از خسارات محیط زیستی درگیر می‌باشند.^۱

البته لازم به یادآوری است که اجرای مسئولیت از طریق سیستم‌های ملی توأم با مشکلات و موانع زیادی است و در بسیاری از موارد عملاً مسئولیت و بحث جبران خسارت عقیم و بی نتیجه می‌ماند. از سوی دیگر نمی‌توان مسئله اجرای مسئولیت بین‌المللی و تضمین آنرا به نظام بین‌الملل محدود نمود، چرا که مهمترین مکانیسم در این مورد توسل به دیوان دادگستری لاهه می‌باشد که امکان مراجعه به آن فقط برای کشورها وجود دارد و سازمانها و افراد که از بازیگران مهم عرصه‌های محیط زیستی هستند، امکان توسل به این مرجع را ندارند. در اینجا بعنوان یک نمونه عملی اشاره‌ای مختصر به پروتکل الحاقی کنوانسیون بازل می‌شود. هدف از انعقاد پروتکل الحاقی کنوانسیون مذکور ایجاد یک رژیم مسئولیت برای خطرات و خسارات ناشی از پسماندهای آلوده کننده و جبران خسارات وارده به طور فوری و کافی بوده است. از میان ویژگی‌ها و مسائل گوناگون این پروتکل چهار موضوع قابل توجه می‌باشد: اولاً در رژیم مسئولیت کنوانسیون و پروتکل الحاقی آن یک راه فرار و گریز،^۲ برای برخی از متخلفان وجود دارد. در این رژیم مسئولیتی، علیرغم پذیرش مسئولیت دوگانه برای کشور صادر کننده و واردکننده ولی برای حمل و نقل کننده مسئولیتی پیش بینی نشده است. دوماً رژیم مسئولیتی که در پروتکل الحاقی پیش بینی گردیده است جنبه اختیاری داشته و پروتکل در واقع سعی کرده با تشویق و ترغیب کشورهای عضو کنوانسیون آنها را به سمت انجام تعهداتشان سوق دهد که همین ویژگی خود از موانع جدی اجرای مؤثر اصول و قواعد مندرج در کنوانسیون بازل می‌باشد.

ثالثاً رژیم مسئولیت پیش بینی شده در پروتکل الحاقی شامل بخش خصوصی درگیر در بحث فضولات آلوده کننده نیز می‌گردد که این ویژگی درعین حال که از نقاط مثبت این پروتکل می‌باشد، اما قبلاً بحث گردید که در جهت اجرا و تحقق عملی آن موانع و مشکلات فراوانی وجود دارد.

رابعاً رژیم مسئولیت پیش بینی شده در پروتکل الحاقی در جهت تحقق مسئولیت پیش بینی شده سیستم‌های حقوقی ملی را نیز به نوعی درگیر نموده و در قسمت‌های زیادی اجرای رژیم مسئولیت را بر عهده این مراجع ملی قرار داده است که در این خصوص هم قبلاً بحث گردید که موانع و معضلات جدی وجود دارد.^۳

^۱ - رئیس، پیشین، ص: ۶۱

^۲ - Nhien Q. Vu, op,cit, p; 386

^۳ - Ibid,pp;397-398

مسئله دیگری که در اینجا باید مورد توجه قرار گیرد این است که یکی از علل عدم موفقیت کامل کنوانسیون بازل که در آینده نیز مانع جدی در راه تحقق کامل مقررات این کنوانسیون خواهد بود و در مورد سایر کنوانسیونهای محیط زیستی هم صحت دارد، فقدان یک ساختار متمرکز فراملی است که مسئول اجرای مقررات کنوانسیون باشد و اجرای مقررات آن را تضمین نماید. اگر چه برخی از حقوقدانان معتقدند وجود یک ساختار متمرکز خارجی نه تنها موجب اجرای بهتر مقررات کنوانسیونهای محیط زیستی نمی‌شود، بلکه ممکن است کشورها را هرچه بیشتر نسبت به انجام تعهداتشان در قبال این کنوانسیونها بی‌میل نماید. چرا که کشورها اصولاً علاقمند به حفظ حاکمیت خود بوده و از تن دادن به هر گونه تعهدی که موجب سلب یا محدود گردیدن حاکمیت آنها گردیده و یا رفتار و عملکرد آنها را تحت کنترل و نظارت درآورد امتناع می‌ورزند و به همین علت تشویق و ترغیب کشورها به رعایت تعهداتشان بهتر از اجبار آنهاست.

اما بدون تردید باید پذیرفت که حداقل در خصوص بخش خصوصی عدم وجود یک ساختار متمرکز و فراملی عاملی مهم و مؤثری در فرار آنها از انجام تعهداتشان بوده و در آینده نیز موجب افزایش حمل و نقل و تجارت غیر قانونی فضولات آلوده کننده گردیده تا جایی که شاید چندان دور از واقع نباشد، اگر گفته شود «تلاش‌های جامعه بین المللی فقط منجر به ایجاد یک سیستم ممنوعیت حمل و نقل و تجارت فضولات آلوده کننده گردیده بدون هیچگونه کنترل مؤثر بر روی آن»^۱.

البته کنوانسیون یک دبیرخانه ایجاد کرده است لیکن اشکال در این است که این دبیرخانه فاقد قدرت اجرایی است. دبیرخانه فقط یک رکن اطلاعاتی است. لذا در حالی که دبیرخانه ممکن است از تخلفات مربوط به نقل و انتقال غیر قانونی پسماندهای خطرناک آگاه گردد، اما هیچگونه اقدامی جز تهیه گزارش از آن نمی‌تواند انجام دهد.^۲ البته این گزارش می‌تواند به انجام برخی اقدامات به وسیله دولت‌ها کمک کند ولی کافی نیست. این مشکل در سایر موضوعات محیط زیستی نیز وجود داشته و بعضاً حتی شدیدتر نیز می‌باشد.

۵-۲-۵-۷. تأثیر مقتضیات زمان و مکان بر شیوه‌های جبران و ارزیابی خسارات ناشی از آلودگی

صوتی

پیدایش مصادیق متنوع ضرر در شاخه ضررهای مادی و معنوی به دنبال گذشت زمان و توسعه تمدن بشری موجب شده تا نتوان جبران خسارت‌های وارده را به شیوه‌های جبران عینی (بازگشت وضع زیان

^۱- Brikell, op,cit, p;۱۷

^۲- Nhien. Vu, op,cit, p;13.

دیده به حالت سابق) محدود نمود. ازاین رو نظام‌های حقوقی از جمله حقوق فرانسه سعی در پیشبرد شیوهای جبران بدلی، نمادین تنبیهی در کنار روش‌های جبران عینی نموده‌اند.

روش‌های بدلی، نمادین یا تنبیهی جبران خسارت به دلیل ناتوانی جبران خسارت به روش عینی ایجاد و توسعه یافته‌اند؛ برای نمونه، در فرضی که یک فرد به صورت غیرقانونی یک حیوان نادر را شکار و که باعث انقراض کلی نسل آن می‌شود آیا امکان جبران خسارت به صورت روش عینی وجود دارد؟

به طور کلی در این روش‌ها جبران خسارت به عنوان دقیق دنبال نمی‌شود بلکه حسب مورد خسارت قابل ارزیابی محاسبه و مطالبه می‌گردد. یا اینکه اساساً عامل زیان به صورت نمادین مبالغی را در اموری که قانون بیان کرده، بابت خسارت وارده صرف می‌نماید. کمک‌های تکلیفی کارخانه‌های صنعتی آلاینده به باشگاه‌های ورزشی یا سایر امور مرتبط با سلامتی را باید در این قسم تفسیر نمود.

از همین جا بحث شیوه‌های جدید ارزیابی خسارت وارده به زیان دیده در حقوق کشورهای اروپایی و فرانسه مطرح شده است.

یکی از روش‌های ارزیابی، تعیین میزان خسارت بر اساس روش هزینه جایگزینی است؛ به این معنی که هزینه ترمیم آن عنصر زیان داده و بازگرداندن به حالت نخست، معیار عمل قرار گیرد.

راه حل دیگر استفاده از روش سودمندی برای تعیین ارزش واقعی یک عنصر زیست محیطی است؛ برای نمونه، افراد برای خرید یک واحد کاشانه در حاشیه بزرگراه نسبت به واحد مسکونی با همان شرایط در مکانی بدون آلودگی صوتی تمایل کمتری دارند و در نتیجه میزان ارزش این نوع آلودگی در تفاوت قیمت این دو کالا نمایان می‌شود. این میزان تفاوت همان خسارتی است که باید توسط عامل زیان جبران گردد. شایان توجه است هر یک از این روش‌های ارزیابی را می‌توان به میزان حداقلی و یا حداکثری سنجید در روش حداقلی تنها خسارت‌های زیست محیطی مستقیم ارزیابی می‌شود در حالی که در روش حداکثری خسارات متعددی همچون عدم نفع از محیط زیست و ... نیز ملاک تقویم خسارت است. معمولاً در خصوص زیان‌هایی که به هیچ نحو امکان بازگشت حداقلی نیز به وضعیت سابق وجود ندارد، مثل از بین بردن حیوان نادر، خسارت وارده با هر روشی محاسبه گردد بی تردید حداکثری محاسبه خواهد شد.^۱

^۱ پارساپور، محمدباقر، اسماعیلی، مهدی، ۱۳۹۳، آثار زمان و مکان در تحول حقوق مسئولیت مدنی در نظام حقوق مسئولیت مدنی در نظام حقوق ایران و فرانسه، پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال پانزدهم، شماره دوم (پیاپی ۴۰)، ص ۱۷۷.

فصل ششم:

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

۶-۱. نتیجه‌گیری

امروزه به موازات گسترش فعالیت‌های صنعتی، ارتباطات بین المللی و افزایش جمعیت، محیط زیست در معرض انواع آلودگی‌ها قرار گرفته است. آلودگی صوتی به عنوان یکی از آلودگی‌های محیط زیست در این میان سهم قابل توجهی دارد و خسارات فراوانی را بر سلامت جسمی و روحی افراد بر جای می‌گذارد از این رو این امر مورد توجه قانونگذاران نظام‌های حقوقی مختلف و نهادهای بین المللی قرار گرفته است و قوانین خاص متعددی با هدف جلوگیری، کنترل و کاهش آلودگی صوتی در کشورها به تصویب رسیده است که در همگی آنها ایجاد آلودگی صوتی تخلف و موجب مسئولیت است.

در نظام حقوقی ایران نیز آلودگی صوتی در قوانین و مقررات مختلف به صورت ضمنی و صریح مورد توجه بوده است. اما آنچه که به طور کلی در اکثر این قوانین مسکوت مانده است، بحث مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی صوتی و جبران خسارت زیان‌دیده است. لذا در این خصوص ناگزیر به قواعد عام مسئولیت مدنی مراجعه می‌کنیم. مبانی سنتی مسئولیت مدنی نظیر تقصیر در این حوزه به دلایل دشواری اثبات رابطه سببیت، پنهانی بودن و تدریجی بودن خسارت و انگیزه پایین قربانیان در احقاق حقوق خود ناکارآمد است. به نظر می‌رسد شناسایی و قائل شدن مسئولیت محض برای عاملین آلودگی صوتی نیز راهگشا و مناسب نباشد زیرا مسئولیت محض، مسئولیت استثنایی است و باید به صورت محدود و مضیق تفسیر شود.

در نتیجه می‌توان برای تعیین مبانی این مسئولیت و شناسایی شخص مسئول مانند سایر نظام‌های حقوقی نظیر فرانسه از قواعد مزاحمت‌های ناشی از مجاورت و اصل استفاده غیر زیانبار استفاده نمود.

آلودگی صوتی به دلیل نقض حقوق مهم افراد مانند حق بر سلامتی و محیط زیست آرام ارتباط و پیوند زیادی با مفاهیم حقوق بشری دارد. به نحوی که دادگاه حقوق بشر با تفسیر موسع از مفاد کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، در آراء خود به حفظ محیط زیست از آلودگی صوتی به خصوص آلودگی صوتی ناشی از هواپیماها تأکید و متخلفان را به دلیل نقض حقوق و زندگی خصوصی افراد مکلف به جبران خسارت نموده است.

از سوی دیگر سازمان‌های بین‌المللی مهم و قاعده‌گذار مانند سازمان بین‌المللی کار، سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری و سازمان جهانی بهداشت به لحاظ اهداف و وظایف ذاتی خود مانند حفظ سلامتی افراد، دارای مقررات و رهنمودهایی در خصوص آلودگی هستند.

آلودگی صوتی بر خلاف سایر آلودگی‌های زیست محیطی نظیر آلودگی آب و هوا دارای ویژگی مرزگذر و فرا مرزی کمتری است و در محدوده جغرافیایی محدودتری رخ می‌دهد. بنابراین کمتر مورد توجه مجامع بین‌المللی بوده است. لکن امروزه با گسترش فعالیت‌های صنعتی، تجاری، نظامی و حمل و نقل دریایی و هوایی مرزهای ایجاد این آلودگی از بین رفته است. در حال حاضر یکی از مشکلات عمده زیست محیطی در محیط دریایی آلودگی صوتی ناشی از کشتی‌ها و فعالیت‌های انسانی است که تأثیرات منفی زیادی بر حیات جانداران دریایی بر جای گذاشته است. آلودگی صوتی در دریاها به دلیل ویژگی‌های خاص خود، به صورت متفاوتی از آلودگی صوتی در خشکی نمود می‌یابد. زیرا صدا در آب مسافت بیشتری را طی می‌کند و ممکن است محل وقوع آلودگی در یک کشور و محل تأثیر آن و بروز خسارت در حوزه کشوری دیگر باشد. همچنین به طور دقیق مشخص نیست چه تعداد از گونه‌های جانوری از این آلودگی دچار خسارت شده‌اند و تعیین فرد یا دولت مسئول در این خصوص به سادگی ممکن نیست. این موضوع به طور مستقیم مورد قانون‌گذاری در سطح بین‌المللی واقع نشده است، اما برای تعیین حدود مسئولیت دولت‌ها در قبال این آلودگی، می‌توانیم به «کنوانسیون حقوق دریاها» موسوم به «قانون اساسی دریاها» که به طور گسترده‌ای حقوق بین‌الملل عرفی در مورد حقوق دریاها را بیان می‌کند، مراجعه کنیم.

در خصوص جبران خسارت زیست محیطی ناشی از آلودگی صوتی باید گفت واقعیت این است که سنخ جبران خسارت در خسارت‌های ناشی از تحلفات زیست محیطی با روال متعارف جبران خسارت در عرصه‌های دیگر متفاوت است و در بسیاری از موارد خسارات به دلیل دشواری اثبات رابطه سببیت جبران نشده باقی می‌ماند. برای مثال چنانچه آلودگی صوتی باعث از بین رفتن جانوران در طبیعت شود، فرض برگرداندن زیان‌دیده به حالت قبل غیرممکن به نظر می‌رسد. همچنین در خصوص ضررهایی همچون: ترس، اضطراب، استرس، خستگی روحی و جسمی و خسارت‌هایی از این دست که از آلودگی صوتی ناشی می‌شود، بازگرداندن به وضعیت قبل از ورود ضرر غیرممکن است و باید طریق دیگر از جمله «پرداخت غرامت»، «جلب رضایت زیان‌دیده» یا «تعهد به عدم آلودگی» را جستجو نمود.

لذا برای نیل به این هدف مبنای جبران خسارت در عرصه زیست محیطی؛ به سمت پیشگیری در این عرصه گام برداشته است. لذا ساماندهی حقوقی و اعمال رویکردها و تدابیر پیشگیرانه جایگزینی

برای جبران خسارت ارائه شده است. اگر چه این مبانی در حال حاضر دور از دست می‌باشد، اما می‌توان رد پای آنها را در معاهدات و اسناد بین‌المللی مورد جستجو قرار داد. بنابراین از آنجاییکه جبران خسارات در عرصه محیط زیست به لحاظ ارتباط مستمر آن با حیات انسان‌ها، بعضاً مشکل به نظر می‌رسد از این رو الزام دولت‌ها به رعایت اصل پیشگیری و احتیاط می‌تواند مؤثر واقع گردد.

به طور کلی بحث مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی‌های زیست محیطی، همانطور که در حوزه قانونگذاری دارای کاستی‌های فراوانی است، در حوزه اجرا و اعمال آن از سوی دستگاه قضایی بسیار نادر و امری استثنایی است. به طوریکه رویه قضایی خاصی در این خصوص مشاهده نمی‌شود.

۲-۶. پیشنهادات

۱. بازنگری و به روز نمودن قوانین متناسب با ویژگی‌های خاص آلودگی‌های زیست محیطی و تغییر مبانی سنتی مسئولیت.
۲. حفظ تمام منابع از جمله جانوران و گیاهان از آلودگی صوتی و وضع قوانین و مقرراتی از سوی قانونگذار به منظور شناسایی این آلودگی در محیط دریایی، ضابطه مند نمودن و محدود نمودن فعالیت‌های انسانی در آبهای داخلی.
۳. شناسایی حق به حیات و حق به زندگی به عنوان یکی از حقوق بنیادین افراد و استفاده از آموزه‌ها و مفاهیم حقوق بشر، به طوریکه مفاد اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌های مرتبط با این امر از سوی دستگاه قضایی به نفع حفظ محیط زیست مورد استناد قرار گیرد.
۴. توجه و اهمیت به آلودگی صوتی مانند سایر آلودگی‌های محیط زیست از سوی سازمان حفاظت محیط زیست و شناسایی حق واقعه دعوی مسئولیت به نفع قربانیان و زیاندیدگان.

منابع و مآخذ

الف: کتاب‌ها

آملی، محمدتقی، (۱۴۱۳)، کتاب الصلوه، تقریرات درس مرحوم محقق داماد، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
اسماعیل زاده، هادی، (۱۳۷۴)، نگاهی به حقوق مصرف کننده، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه، چ ۱.

امیری قائم مقام، عبدالمجید، (۱۳۶۶)، حقوق بین الملل، قم: کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی.
انصاری، شیخ مرتضی، (۱۳۹۵)، المکاسب، ج ۲، ترجمه و شرح: آیت الله پایانی، محمد مسعود عباسی، تهران: نشر بوستان کتاب قم، چ ۱۸ ج ۲.

بابایی مقدم، عابدین، (۱۳۸۴)، بررسی وجوه تمایز بین خسارات زیست محیطی و سایر خسارات، ارائه شده در درس مسئولیت مدنی زیست محیطی، دوره کارشناسی ارشد حقوق محیط زیست، تهران: دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی.

بادینی، حسن، (۱۳۸۴)، فلسفه مسئولیت مدنی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
برانلی، ایان، (۱۳۸۳)، حقوق بین الملل در واپسین سالهای قرن بیستم، ترجمه صالح رضایی پیش رباط، تهران: نشر وزارت امور خارجه.

بهرام سلطانی، کامبیز، (۱۳۷۱)، مجموعه مباحث و روشهای شهرسازی محیط زیست، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری.

بهرامی احمدی، حمید، (۱۳۷۷)، سوء استفاده از حق، انتشارات اطلاعات، چ ۳.
_____، (۱۳۸۷)، جزوه درس حقوق مدنی ۴، دانشگاه امام صادق، تهران.

پورهایمی، سیدعباس؛ ارغند، بهاره، (۱۳۹۲)، کلیات حقوق بین الملل محیط زیست، تهران، نشر دادگستر.

تقی زاده انصاری، مصطفی، (۱۳۸۷)، حقوق محیط زیست در ایران، تهران: انتشارات سمت، چ ۲.
_____، (۱۳۹۰)، حقوق محیط زیست در ایران، تهران: انتشارات سمت، چ ۴.

تقی زاده، ابراهیم؛ علی هاشمی، احمد، (۱۳۹۳)، مسئولیت مدنی، تهران: انتشارات پیام نور.

چرچیل، رابین، ولو، آلن، (۱۳۶۷)، حقوق بین المللی دریاها، ترجمه دکتر بهمن آقائی. دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.

- حسینی المراغی، سید میر عبدالفتاح، (۱۴۱۷ هـ ق)، **العناوین الفقہیہ**، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ج ۲.
- حسینی نژاد، حسینقلی، (۱۳۷۰)، **مسئولیت مدنی**، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- حلی، یوسف بن محمد (۱۴۲۰)، **تذکره العلما**، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ج ۱.
- خواجہ پیری عباس، (۱۳۸۰)، **حقوق مدنی ۴**، موجبات مسئولیت مدنی و آثار آن، تهران: نشر الہدی. چ ۱.
- دالوند، فضل الله، (۱۳۸۶)، **تقسیم مسئولیت مدنی**، اصفهان، انتشارات دادیار، چ ۱.
- دانشگاه هاروارد، (۱۳۹۰)، **حقوق بین الملل محیط زیست**، ترجمه دکتر سید فضل ا... موسوی، نشر میزان.
- دفتر حقوقی و امور مجلس، (۱۳۸۳)، **مجموعه قوانین و مقررات محیط زیست**، جلد اول، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست.
- رودیگر ولفروم، (۱۳۹۲)، **پیوند حقوق بشر و محیط زیست**؛ یک مسوولیت اجتماعی در عرصه بین الملل، ترجمه: دکتر نادر ساعد، سایت حقوق ایران.
- سازمان حفاظت محیط زیست مالزی، (۱۳۸۴)، **راهنمایی ارزیابی پیامدهای زیست محیطی توسعه**، ترجمه پرستو میرابزاده تهران، سازمان حفاظت محیط زیست.
- سازمان ملل متحد، (۱۳۷۶)، **کنفرانس جهانی حقوق بشر**، تهران، مدرسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ساعد، نادر، (۱۳۸۹)، **حقوق زیست محیطی بشر**، نشر دادگستر، چ ۱.
- صدر، سید محمدباقر، (۱۴۰۰ هـ ق)، **بحوث فی شرح العروہ الوثقی**، بیروت، مجمع الشہید آیت الله الصدر العالمی، ج ۴.
- صفایی، سید حسین، (۱۳۹۲)، **مقالات درباره حقوق مدنی و حقوق تطبیقی**، تهران: نشر میزان.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، (۱۳۹۳)، **حقوق بین الملل عمومی**، تهران، انتشارات گنج دانش، چ ۳۲.
- فاضل تونی، عبدالله بن محمد (۱۴۱۲)، **الوافیہ فی اصول الفقہ**، تحقیق سید محمدحسین رضوی کشمیری، قم: مجمع فکر الاسلامی.
- فتائی، ابراهیم، (۱۳۹۱)، **مقدمه‌ای بر شناخت محیط زیست**، چاپ دوم، اردبیل، انتشارات مهد تمدن.

- فرانکنا، ویلیام کی، (۱۳۸۳)، فلسفه اخلاق، ترجمه هادی صادقی، قم، کتاب طه.
- فیوضی، رضا، (۱۳۷۹)، مسئولیت بین‌المللی و نظریه حمایت سیاسی اتباع، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۱.
- قاسم‌زاده، سید مرتضی (۱۳۹۳)، مبانی مسئولیت مدنی، تهران: نشر میزان.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۵)، حقوق مدنی، ضمان قهری، مسئولیت مدنی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- _____، دوره مقدماتی حقوق مدنی (وقایع حقوقی)، تهران، نشر میزان.
- _____، (۱۳۹۰)، الزام‌های خارج از قرارداد، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- _____، (۱۳۹۰)، مسئولیت ناشی از عیب تولید، تهران، دانشگاه تهران، چاپ سوم.
- کاسسه، آنتونیو، (۱۳۷۵)، حقوق بین‌الملل در جهان نامتحد، ترجمه مرتضی کلانتریان. تهران. خدمات حقوق بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران.
- کوک دین، نگوین و دیگران، (۱۳۸۶)، حقوق بین‌الملل عمومی، ج ۲، ترجمه‌ی دکتر حسن حبیبی، انتشارات اطلاعات، تهران، ج ۲.
- گرچی، ابوالقاسم، (۱۳۹۰)، آیات الاحکام، تهران: نشر میزان، ج ۷.
- لوتارگونددلینگ، همکاران، (۱۳۸۴)، حقوق محیط زیست، ترجمه محمدحسن حبیبی، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۱، ج ۲.
- محقق حلی، ابوالقاسم نجم‌الدین جعفر بن حسن، (۱۴۲۰)، شرایع الاسلام، تهران: چاپ خانه حاج ابراهیم.
- محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۹۶)، قواعد فقه (بخش مدنی)، مرکز نشر علوم اسلامی، ج ۷.
- مدنی، جلال‌الدین، (۱۳۸۸)، حقوق بین‌الملل عمومی، و اصول روابط دول، انتشارات پایدار - ج ۲، ج ۳.
- مستقیم، بهرام و طارم سری، مسعود، (۱۳۷۷)، مسئولیت بین‌المللی دولت با توجه به تجاوز عراق به ایران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- مشهدی، علی، (۱۳۹۱)، ترمینولوژی حقوق محیط زیست، تهران، انتشارات خرسندی، ج ۲.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۱۱ هـ ق)، القواعد الفقهیه، قم: نشر مدرسه الامام امیرالمؤمنین.

ملک محمدی نوری، حمیدرضا، (۱۳۷۰)، قاره جنوبگان در حقوق بین الملل و جامعه جهانی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.

موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۷)، مصباح الفقاهه، تقرير محمدعلی توحیدی، قم: انصاریان، ج ۱.
موسوی، سید فضل الله، (۱۳۸۰)، تحقیقی از دانشگاه هاروارد؛ حقوق بین الملل محیط زیست، نشر میزان.

موسی زاده، رضا، (۱۳۷۸)، حقوق بین الملل عمومی، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، چ ۲.
مهدوی کنی، صدیقه، (۱۳۸۸)، ساختار گزاره‌های اخلاقی قرآن (رویکردی معناشناختی)، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، چ ۲.

نجفی، محمدحسن (۱۳۹۳)، جواهرالکلام فی مسائل الحلال و الحرام، محقق (تدوینگر - به همت) دباغ حیدر، قم: چاپخانه دفتر انتشارات اسلامی، ج ۳۷.

نئودور پانایوتو، (۱۳۸۷)، ابزارهای تحول برای فراهم کردن موجبات توسعه پایدار، ترجمه سید امیر لیاقت، تهران، سازمان محیط زیست.

والاس، ربکا، (۱۳۸۲)، حقوق بین الملل، ترجمه دکتر سید قاسم زمانی و مهناز بهراملو، موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش.

وحدتی شبیری (۱۳۸۵)، مبانی مسئولیت مدنی قراردادی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلام.

وکیل، امیر ساعد، (۱۳۸۸)، جایگاه حق بر محیط زیست سالم در ساختار هنجاری حقوق بشر بین المللی «حقوق محیط زیست (نظریه‌ها و رویه‌ها)، علی محسن زاده، نادر ساعد، علی سمیعی، خرسندی چ ۱.

هوشنگ، مقتدر، (۱۳۷۳)، حقوق بین الملل عمومی، تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چ ۵.

ب: مقاله‌ها

ابراهیمی، نصرالله، (۱۳۸۶)، مسئولیت تولید کالای معیوب و حمایت از مصرف کنندگان (تحلیل حقوقی در سه نظام حقوقی برتر دنیا) تهران، پژوهش نامه‌ی حقوق و علوم سیاسی، سال دوم، ش ۵.

امیر ارجمند، اردشیر، (۱۳۷۴)، حفاظت از محیط زیست و همبستگی بین المللی، مجله تحقیقات حقوقی شماره ۱۵.

بهرامی احمدی، حمید، فهیمی عزیراله، (۱۳۸۶)، مبنای مسئولیت مدنی زیست محیطی در فقه و حقوق ایران، پژوهشنامه اسلامی دوره ۸، ش ۲۶.

پور هاشمی، عباس، موسوی، مریم السادات، (۱۳۹۰)، مسئولیت بین المللی دولت‌ها در حقوق محیط زیست، دانشنامه حقوق و سیاست، ش ۱۵.

جعفری مجد، محمد، خوینی، غفور، مهدوی کنده، حسین، (۱۳۹۶)، روش‌های جبران خسارات زیست محیطی بر مبنای اصول اخلاقی محیط زیست: در نظام حقوقی ایران، پژوهش‌های اخلاقی، سال ۸، ویژه‌نامه ش ۱.

خلعتبری، یلدا، داوود هرمیداس باوند، علی زارع، سید عباس پورهایمی، (۱۳۹۵)، تحلیل مفاهیم آلودگی و خسارت در حقوق بین الملل محیط زیست، مجله علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره ۱۸، ش ۳.

دبیری، فرهاد، پروین نصیری، نوشین آهنبایی، (۱۳۸۹)، مقایسه قوانین و مقررات مربوط به آلودگی صوتی در ایران و چند کشور آسیایی فصلنامه انسان و محیط زیست، ش ۳.

دبیری، فرهاد، پور هاشمی، عباس، موسوی، مریم السادات، (۱۳۸۹)، بررسی جبران خسارت‌های وارده بر محیط زیست ناشی از آلودگی‌های فرامرزی و تخریب بین المللی محیط زیست، فصلنامه انسان و محیط زیست، مقاله ۵، دوره ۸، شماره ۱ (۱۲-پیاپی ۲۳).

ذاکریان، مهدی، (۱۳۷۱)، «فرآیند یک‌پارچگی نسل‌های حقوق بشر» اطلاعات سیاسی، اقتصادی، سال پانزدهم، شماره ۱۵۷.

رضائی راد، عبدالحسین، (۱۳۸۹)، گستره کارآمدی قاعده فقهی لا ضرر، فصلنامه تخصصی حقوق اسلامی، ش ۲۵.

رمضانی قوام آبادی، محمدحسین، (۱۳۹۳)، اقتصاد سبز: گامی به سوی تحقق توسعه پایدار در حقوق بین الملل محیط زیست، مجله: دانشنامه حقوق اقتصادی، سال بیست و یکم - ش ۶.

رئیزی، لیلا، (۱۳۸۹)، بررسی تحولات مسئولیت بین المللی ناشی از خسارات زیست محیطی با توجه به کنوانسیون بازل، مجله انسان و محیط زیست، مقاله ۷، دوره ۸، شماره ۲ (۱۳-پیاپی ۲۴).

زمانی، سید قاسم، (۱۳۸۱)، مسئولیت بین‌المللی در پرتو حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، مجله پژوهش‌های حقوقی شهر دانش سال اولش ۱.

شهیدی، مهدی، (۱۳۸۸)، تجاوز از حق، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق شهید بهشتی شماره ۳۴-۳۳.

فقیه حبیبی، علی، (۱۳۹۵)، مسئولیت بین المللی دولت‌ها ناشی از خسارت زیست محیطی از جنگ، فصلنامه علمی- ترویجی مطالعات بین المللی پلیس، سال ششم، ش ۶.

کاتوزیان، ناصر؛ انصاری، مهدی، (۱۳۸۷)، مسئولیت ناشی از خسارت‌های زیست محیطی، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۸، ش ۲.

کریمی، خدیجه، (۱۳۹۴)، مسوولیت بدون تقصیر دولت، منتشر شده در پایگاه نشر مقالات حقوقی، حق گستر.

مشهدی، علی، (۱۳۸۶)، بررسی و شناسایی جنبه‌های حقوقی آلودگی صوتی (از قواعد داخلی تا تالشهای بین المللی)، علوم محیطی سال ۵، ش ۱.

ممتاز، جمشید، (۱۳۷۸)، توسل به سلاح هسته‌ای و حمایت از محیط زیست، مجله حقوقی، ش ۲۴.

مولایی، یوسف، (۱۳۸۱)، حق توسعه و جهان شمولی حقوق بشر. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. ش ۵۶.

_____، _____ (۱۳۸۶)، «نسل سوم حقوق بشر و حق به محیط زیست سالم»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران ش ۴.

ج: منابع انگلیسی

Firestone 2, J., & Jarvis 3, C. (2007). Response and responsibility: regulating noise pollution in the marine environment. *Journal of International Wildlife Law and Policy*, 10(2), 109-152.

Naito, K., & Utsugi, T. (2011). Environmental dispute resolution system in Japan.

Saclogiu, Trans. Ginger Taylor, (1990), *Regulations Related to the Turkish Environment Law*. Turkish: under Matbaa printing.

Singh, M. R. (2016). Legal control of noise pollution in India: A critical evaluation. *International Journal of Research*, 34.

Comparative study of civil liability due to noise pollution

Abstract

The environment is a new expression in the world's legal literature. Thus, its effects are also young due to its nature. In this paper, although the concept of the environment and its consequences are not contemplated, its scope is examined in the framework of civil liability law. The main focus of the discussion in this study is on the one hand, noise pollution as one of the environmental pollution, the conditions for the realization of civil liability and, finally, the compensation for the losses incurred and, on the other hand, since the noise pollution can have a border-crossing characteristic and the dissemination of pollution to the borders of another country, this concept is also being examined in the international arena. The important point is that in our country, both in the field of legislation and in the writings of scholars and legal writers, the discussion of civil liability caused by environmental pollution, especially noise pollution, has been largely neglected. However, to understand the civil liability for noise pollution, we do apply the general rules of civil liability for all environmental damages, in particular air pollution. The powerful nexus between the environment and the consequences of its non-protection on human rights on the one hand, and the right to human health, on the other hand, has doubled the importance of the environment. Although the onset of human concern for various pollutions, notably noise pollution and its natural and human factors, is just recently highlighted in human and international societies, but the importance of environmental performance and pollutions by different factors in the process of health of the body, soul and nature of man has challenged it in every law, state and treaty. In this paper, and in light of the stated points, it is clear, in addition to the above-mentioned on the analysis of change in the nature of environmental damage in the international arena and the guarantee of its implementation, that restoring the former state makes the compensating for environmental damage unlikely, or to be slowly. Therefore, the international community has tried to introduce the precautionary principle as a developmental process in the field of environmental damage by adopting some measures. In any case, governments have taken measures in this regard and made them binding in the form of statutory provisions. But what on this path is challenging is the enforcement of the rules. These rules become abandoned as against the dominance of powerful and polluting industries.

Keywords: Noise pollution, Environment, Compensation, Prevention.



Semnan University
Faculty of Humanities
Department of Law

A Dissertation Submitted to the Graduate Studies in Partial
Fulfillment of the Requirements for the Degree of
M.A. in Private Law

Title

Comparative study of civil liability due to noise pollution

Supervisor

Mohammad Abouata (Ph. D)

By

Masoumeh Rahimi

February 2019